



NATIONAL ARCHIVES

دوفصلنامه آرشیو ملی:

دوره جدید، سال هشتم، شماره اول

بهار و تابستان ۱۴۰۴

شماره پیاپی ۲۷

شاپا (شماره استاندارد بین المللی پایندها):

۶۲۱۷-۲۴۲۳

شاپای الکترونیک: ۸۳۲۴-۲۹۸۰

صاحب امتیاز:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

- پژوهشکده اسناد

مدیرمسئول: غلامرضا امیرخانی

gamirkhani@yahoo.com

سردبیر: سید محمود سادات بیدگلی

m.sadat@yahoo.com

دبیر اجرایی: محبوبه سادات بیدگلی

m.sadat-bidgoli@nlai.ir

ویراستار: محبوبه سادات بیدگلی

مترجم: محمد جواد عبد اللهی

ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی

طراح لوگو و یونیفرم: حسن کریم زاده

طراح گرافیک: انوشه صادقی آژاد

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و

کتابخانه ملی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

تهران، بزرگراه شهید حقانی (شرق به غرب)،

ابتدای خیابان کوشا، ساختمان آرشیو ملی

ایران، پژوهشکده اسناد

تلفن: ۲۹۴۳۰۲۶۴ - ۲۱۰

وبگاه: naq.nlai.ir

پیام نگار (ایمیل): naq@nlai.ir

فروشگاه:

تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه

ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران،

فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۲۳۳۱۵



### هیئت تحریریه:

سعید رضایی شریف آبادی، استاد،

دانشگاه الزهرا

شهرام یوسفی فرو، استاد،

دانشگاه تهران

امیررضا اصنافی، دانشیار، دانشگاه

شهید بهشتی

سید محمود سادات بیدگلی،

دانشیار، پژوهشکده امام خمینی و

انقلاب اسلامی

غلامرضا امیرخانی، استادیار،

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

محمد حدادی، استادیار، سازمان

اسناد و کتابخانه ملی ایران

صباح خسروی زاده، استادیار،  
پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و  
کتابخانه ملی ایران  
غلامرضا عزیزی، عضو هیئت علمی،  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران  
قربانعلی کنارودی، استادیار،  
پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و  
کتابخانه ملی ایران  
سیده سمیه محسنیان، استادیار،  
پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و  
کتابخانه ملی ایران  
مطلب مطلبی، استادیار، پژوهشکده  
اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه  
ملی ایران

ابوالفضل حسن آبادی، دکتری  
تاریخ، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و  
مرکز اسناد آستان قدس رضوی  
عمادالدین شیخ الحکمایی،  
کارشناس ارشد تاریخ، مؤسسه  
باستان شناسی دانشگاه تهران  
مصطفی نوری، دکتری تاریخ،  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران  
امین محمدی، دکتری تاریخ،  
پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و  
کتابخانه ملی ایران  
بهناز زرین کلکی، کارشناس حقوق  
قضایی، سازمان اسناد و کتابخانه  
ملی ایران

### شرایط پذیرش مقاله:

### ضوابط تهیه مقاله:

### کوتاه نوشت‌ها:

۱. هر مقاله علمی که در راستای مطالعات آرشیوی و تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word تهیه و در سامانه نشریه بارگذاری شود.
۲. چکیده تمام‌نمای فارسی و انگلیسی مقاله حداکثر تا ۲۵ واژه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هرصفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۷ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده / نویسندگان، همراه با نشانی پیام‌نگار و وابستگی سازمانی در پانویشت ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

- نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون‌متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:
- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
  - مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
  - کیمام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
  - مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
  - استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
  - مَتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
  - ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
  - میس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
  - کامسا (kamśā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.
  - ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
  - مَگم (mokamem): مؤسسه کتابخانه موزه ملی ملک.

### ملاحظات:

۱. هیئت تحریریه نشریه در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه آرشیو ملی، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

### مطالعات آرشیوی

■ حفظ داده‌های حاشیه‌ای برای مسئولیت پاسخگویی (قابلیت اعتماد و حسابرسی) عاملان هوش مصنوعی نیمه خودمختار در محیط‌های پویا: دیدگاهی آرشیوی / اسکات کمرون، بابک حمیدزاده؛ ترجمه پوریا راحت و امیررضا اصنافی

۴-۳۸ (۳۵)

### تحقیقات تاریخی (مبتنی بر اسناد)

■ تصاویر سخن می‌گویند: نگاهی به ارتش از میان منتخبی از عکس‌های عباسقلی اسفندیاری / منصوره اتحادیه (نظام مافی)، حوریه سعیدی

۳۹-۵۶ (۱۷)

■ نامه نانوشته؟ بررسی اصالت نامه ۲۷ مرداد کاشانی به مصدق / ایمان عباس‌نژاد

۵۷-۷۰ (۱۴)

■ نسخه برداری از فرمان‌ها و عریضه‌ها: دریچه‌ای به تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار / آصف اشرف؛ ترجمه فرشید نوروزی و حمیدرضا آریان‌فر

۷۱-۹۴ (۲۴)

■ بررسی وضعیت گوشت در دوره ناصری و مظفری (۱۲۶۴-۱۳۲۴ ق.) / فریده طلوعیان

۹۵-۱۱۵ (۲۱)

### تحقیقات مرمت، حفاظت و نگهداری آثار کاغذی

■ بازنمایی مواد و ابزار تزیین در کتاب‌آرایی قراقویونلوها (مطالعه‌ای بر نسخه خطی دیوان حافظ سعد تبریزی به رقم شیخ محمود پیربوداقی) / سمیه زارعی، علی اصغر فهیمی‌فر، همایون حاج محمدحسینی

۱۱۶-۱۴۰ (۲۵)

### گزارش نمایشگاه‌های آرشیوی

■ گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزارشده اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) در پاییز ۱۴۰۳ / زهرا جاویدی، حمیده بختیاری

۱۴۱-۱۵۳ (۱۳)

حفظ داده‌های حاشیه‌ای برای مسئولیت پاسخگویی  
(قابلیت اعتماد و حسابرسی)

## اعمالان هوش مصنوعی نیمه خودمختار در محیط‌های پویا: دیدگاهی آرشیوی<sup>۱</sup>



اسکات کمرون<sup>۲</sup>، بابک حمیدزاده<sup>۳</sup>  
ترجمه: پوریا راحت<sup>۴</sup>، امیررضا اصنافی<sup>۵</sup>

این مقاله دسته‌ای از سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ (AI) را پیشنهاد می‌کند که به عنوان کاربردهایی از سیستم‌های کنترل کامپیوتری شده در شرایط پویا و با محدودیت زمانی عمل می‌کنند که به طور معمول توسط هوش انسانی مدیریت می‌شوند. این مقاله با اشاره به چالش‌های پاسخگویی که این سیستم‌ها ایجاد می‌کنند، نیاز به مستندسازی دقیق و ظرفیت‌های ضبط داده‌ها را در این سیستم‌ها مطرح می‌کند. این مقاله چهار سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ را بررسی می‌کند که نیازهای قابل توجهی به ضبط داده‌ها دارند: وسایل نقلیه خودران، سیستم‌های هدف‌گذاری محتوای آنلاین، ابزارهای واقعیت ترکیبی برای محیط‌های جراحی و سیستم‌های همزاد دیجیتال در مدیریت تأسیسات فرودگاهی. این مقاله پارادیتها، یا داده‌هایی که منجر به خروجی در عملکرد یک سیستم می‌شوند را به عنوان یک دسته کلیدی از داده‌ها معرفی می‌کند که برای شفافیت کامل در سوابق تولید شده توسط این سیستم‌ها، نیاز به نگهداری دارند. پارادیتها به عنوان «اطلاعات مربوط به فرایند(ها) و ابزارهایی که برای ایجاد و پردازش منابع اطلاعاتی استفاده می‌شوند، به همراه اطلاعات مربوط به افرادی که این فرایندها را انجام می‌دهند» تعریف می‌شوند. پارادیتها فرایندهای فناورانه مات را که زیربنای تولید سایر مجموعه داده‌ها قرار دارند، آشکار می‌کنند و در سطحی دقیق باید برای ترسیم مرزهای بین عامل انسانی و سیستم در سیستم‌های نیمه مستقل شناسایی و نگهداری شوند. این مقاله در نهایت ت با تکیه بر نظریه کنترل، چارچوبی را برای ارزیابی عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ و ملزومات مستندسازی و ضبط داده‌های آن‌ها ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها:  
سیستم‌های بلادرنگ،  
هوش مصنوعی،  
سوابق (رکوردها)،  
داده‌های حاشیه‌ای  
(پارادیتها)

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:  
Cameron, S., & Hamidzadeh, B. (2024). "Preserving paradata for accountability of semi-autonomous AI agents" in dynamic environments: An archival perspective. Telematics and Informatics Reports, 14, 100135. doi:10.1016/j.TELER.2024.100135  
۲. پژوهشگر همکار، دانشکده علم اطلاعات، دانشگاه بریتیش کلمبیا (نویسنده مسئول)  
scottm.cameron@mail.utoront.ca  
۳. دانشیار پژوهشی همکار، کالج مطالعات اطلاعات، دانشگاه مریلند، ایالات متحده آمریکا  
babak1@umd.edu  
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
pouryarahat.dir@gmail.com  
۵. دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
aasnafi@gmail.com

**استناد:** کمرون، اسکات و حمیدزاده، بابک. (۲۰۲۴). حفظ داده‌های حاشیه‌ای برای مسئولیت پاسخگویی (قابلیت اعتماد و حسابرسی) اعمالان هوش مصنوعی نیمه خودمختار در محیط‌های پویا: دیدگاهی آرشیوی. پوریا راحت و امیررضا اصنافی، مترجمان). آرشیو ملی، ۱۸(۱)، ۴-۳۸.

با وجود اینکه به احتمال زیاد سیستم‌های خودکار بلادرنگ، بخش‌های مهمی از زندگی اجتماعی را از طریق واگذاری وظایف سنتی بشر به ابزارهای هوش مصنوعی و با موانع قابل توجه برای نظارت انسانی، هدایت خواهند کرد؛ اما در صورت عدم اجرا و مدیریت دقیق، خطرات قابل توجهی را به همراه خواهند داشت. این بسترهای فناورانه که به سرعت در حال تغییر هستند، ناکارآمدی ساختارهای پاسخگویی موجود را به‌ویژه در نبود یا هنگام ناکافی بودن سوابقی که عملکرد و فرایندهای سیستم‌های هوش مصنوعی را مستندسازی می‌کنند، نشان می‌دهد. درحالی‌که این عوامل در تمام کاربردهای هوش مصنوعی در زمینه‌های پاسخگویی و قابلیت اعتماد، مشترک هستند، این مقاله به‌طور خاص به مسائل مربوط به رکوردها یا همان سوابق می‌پردازد که در سیستم‌های هوش مصنوعی نیمه‌مستقل و مستقل که در لحظه و زمینه‌های پویا عمل می‌کنند، پدیدار می‌شوند. این مقاله برای ممکن‌ساختن شناسایی عوامل مسئول در سیستم‌های هوش مصنوعی، لحظات تصمیم‌گیری و مبنایی را که تصمیمات بر اساس آن در سیستم گرفته می‌شوند، به‌عنوان لحظات کلیدی ضروری معرفی می‌کند که در آن داده‌های عملیاتی یک سیستم بلادرنگ باید کدگذاری و در یک سابقه (رکورد) پایدار نگهداری شوند. برای شروع، این مقاله، سیستم‌های بلادرنگ و ارتباط آن‌ها با فناوری‌های نوظهور هوش مصنوعی را تعریف می‌کند. این مقاله با تکیه بر نظریه کنترل، دسته‌بندی سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ را تعریف می‌کند و چهار ریسکی را که سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ بر اساس شیوه‌های ناکافی مستندسازی و سوابق ایجاد می‌کنند، شرح می‌دهد: وسایل نقلیه خودران، سیستم‌های هدف‌گذاری محتوای آنلاین، ابزارهای واقعیت ترکیبی استفاده شده در زمینه‌های جراحی و سیستم‌های همزاد دیجیتال که برای مدیریت تأسیسات فرودگاه استفاده می‌شوند.

با استناد به این نمونه‌ها، این مقاله، ماتریسی را برای درک پیچیدگی سیستم و ریسک ناشی از شیوه‌های ناکافی سوابق، بر اساس رابطه بین پویایی سیستم و استقلال آن پیشنهاد می‌کند. از آنجایی‌که سیستم‌های مورد بحث اغلب مرزهای بین کارگزاری انسانی و هوش مصنوعی را مخدوش می‌کنند، ردیابی و شناسایی عوامل مسئول، دغدغه اصلی سوابق برای سیستم‌های بلادرنگ و هم‌زمان است. ترسیم مرزهای بین عامل انسانی و هوش مصنوعی، مستلزم حفظ ورودی‌ها، خروجی‌ها و فرایندهای واسطه‌ای سیستم است. پارادیتها را به‌عنوان داده‌هایی که منجر به خروجی در یک عملکرد سیستم می‌شوند و به‌عنوان یک دسته کلیدی از داده‌ها که نیاز به نگهداری دارند، شناسایی می‌کنیم. پارادیتها به فرایندهایی که زیربنای تولید و منشأ سایر مجموعه داده‌ها هستند، می‌پردازد و آن‌ها را توضیح می‌دهد (Davet et al, 2022). درحالی‌که مجموعه داده، عملکرد سیستم را شرح می‌دهد، پارادیتها فرایندهایی را مستند می‌کند که منجر به آن عملکردها می‌شوند؛ بنابراین پارادیتها به‌عنوان هدفی کلیدی برای نگهداری مطرح می‌شود و توضیحاتی قابل اعتماد برای رفتار سیستم‌های مستقل و نیمه‌مستقل ارائه می‌دهد. در برنامه‌های کاربردی

بلادرنگ، سوابق به‌طور طبیعی تولید نمی‌شوند؛ مگر اینکه امکانات ثبت سوابق از همان ابتدا در سیستم ادغام شوند.

این مقاله در ارزیابی ملزومات سوابق سیستم هوش مصنوعی هم‌زمان یا بلادرنگ (RTAI) با هدف شفافیت و پاسخگویی یا قابلیت اعتماد، لزوماً دیدگاه منافع عمومی را به‌جای یک نظام حقوقی خاص در نظر می‌گیرد. از آنجایی‌که سوابق برای اهداف حقوقی و غیرحقوقی ایجاد می‌شوند، دیدگاهی کلی چالش‌هایی را که سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ ایجاد می‌کنند آشکار می‌کند. دیدگاه ما میان‌رشته‌ای است و شامل «صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های دارای همپوشانی [بین] آرشیداران، دانشمندان رایانه، متصدیان دیجیتال، مدیران اطلاعات و سوابق، وکلا و کتابداران» (McLoud & Lomas, 2023) است.

این مقاله رویکردهایی را از نظریه کنترل و حوزه آرشویی برای حل مشکلات ایجاد و ارزشیابی سوابق در سامانه‌های هوش مصنوعی بلادرنگ به کار می‌گیرد که به‌احتمال زیاد در آینده‌ای نه‌چندان دور در حیطه مسئولیت‌های آرشیداران و متخصصان اطلاعات ظاهر خواهند شد. پس از تعریف سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ و سیستم‌های مبتنی بر بازخورد سایبرنتیکی یا رایانشی، این مقاله به بررسی اجمالی چهار سیستم مرتبط می‌پردازد: وسایل نقلیه خودران، هدف‌گذاری محتوای رسانه‌های اجتماعی، ابزارهای واقعیت ترکیبی استفاده شده در مراقبت‌های بهداشتی و همزاد دیجیتال استفاده شده در مدیریت تأسیسات فرودگاه.

بخش دوم این مقاله هرکدام را به‌عنوان یک سیستم مبتنی بر بازخورد، تجزیه و تحلیل کرده و چالش‌های نگهداری سوابق ایجادشده را شناسایی می‌کند. با پرداختن به این چالش‌ها بر اساس تجزیه و تحلیل پیشین، بخش ۳ چارچوبی را برای شناسایی الزامات یا ملزومات سوابق هر سیستم ارائه می‌دهد. این مقاله با بحث در مورد چالش‌هایی که سیستم‌های بلادرنگ برای نگهداری سوابق ایجاد می‌کنند و اهمیت ثبت پارادیتاها در طول عملیات آن‌ها، به پایان می‌رسد.

### ۱.۱. تعریف سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ

سیستم‌های محاسبات بلادرنگ به شرایط پویا پاسخ می‌دهند و نیازمند پاسخ‌های حساس به زمان هستند. سیستم‌های بلادرنگ هم دقت عملکردی و هم صحت زمانی را طلب می‌کنند. پاسخ‌های آن‌ها باید صحیح و در یک محدوده زمانی محدود ارائه شوند و سیستم‌ها باید وظایف را به‌طور مؤثر اولویت‌بندی کرده و تقاضاهای قدرت پردازش را مدیریت کنند (Burns, 1991; Davis et al., 2016).

سیستم‌های بلادرنگ تحت محدودیت‌های بیشتر یا کمتر زمان قرار دارند و به‌عنوان سیستم‌های بلادرنگ سخت یا نرم توصیف می‌شوند. در سیستم‌های بلادرنگ سخت، پاسخ‌های دیر هنگام ممکن است منجر به عواقب فاجعه‌بار شود. مهلت‌ها در سیستم‌های بلادرنگ نرم، کم‌اهمیت‌تر هستند. اگرچه پاسخ‌های دیر هنگام ممکن است کم‌کاربردتر باشند، اما منجر به خرابی‌های فوری نمی‌شوند (Burns, 1991). در نهایت، زمینه کاربردی تعیین می‌کند که آیا یک

سیستم معین، سیستمی بلادرنگ است یا خیر. درحالی که در حال حاضر این اصطلاح در ادبیات هوش مصنوعی استفاده نمی‌شود، این مقاله چندین کاربرد نوظهور هوش مصنوعی را به عنوان سیستم‌های بلادرنگ، معرفی و موقعیت‌یابی می‌کند.

در خصوص ارائه تعریفی از هوش مصنوعی، وانگ<sup>۱</sup> هوش را -چه انسانی و چه مصنوعی- به عنوان «انطباق با دانش و منابع ناکافی» با شرایط در حال تغییر، تعریف می‌کند (Wang, 2019). بر اساس این مقاله، هوش در ماشین‌ها بر این اساس ممکن است به عنوان استفاده از ماشین‌ها برای پیش‌بینی یا تصمیم‌گیری به روشی نزدیک با توانایی‌های انسانی تعریف شود. با ادغام این دو تعریف، سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ، سیستمی کنترل‌شده توسط رایانه است که در محیطی پویا با محدودیت زمانی اعمال می‌شود که ظرفیت‌های انسانی را تکمیل یا جایگزین می‌کند. سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ، برای اندازه‌گیری و مدیریت پیامدهای اقدامات خود و درعین حال انجام عملیات در یک محیط پویا طراحی شده‌اند و در یک چرخه مداوم اندازه‌گیری و پاسخ به شرایط دنیای واقعی، عمل می‌کنند.

با اینکه ممکن است هوش مصنوعی نقش پررنگ‌تری نسبت به نمونه‌های انسانی در این سیستم‌ها ایفا کند، باید گفت که هیچ‌کدام کاملاً خودکار نیستند؛ زیرا بازیگران انسانی همچنان این سیستم‌ها را طراحی، اجرا و مدیریت می‌کنند. درواقع، سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ اغلب مرزهای مبهمی ایجاد می‌کنند؛ چراکه عملکرد هوش مصنوعی، کنترل انسانی را تکمیل می‌کند یا نتایج تفسیرهای هوش مصنوعی، مبنای عمل انسان را شکل می‌دهند.

## ۲.۱. نظریه کنترل رایانشی و سیستم‌های مبتنی بر بازخورد

پس از شرح هر سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ، این بخش به برخی چالش‌های خاص ظهور یافته برای نگهداری سوابق و پاسخگویی می‌پردازد و سپس به سراغ بررسی ویژگی‌ها و چالش‌های این سیستم‌ها به عنوان یک دسته می‌رود. هریک از سیستم‌های شرح داده شده، در یک سیستم کنترل پیچیده خودکار یا نیمه خودکار در محیط‌های پویا ادغام شده‌اند. هر سیستم، شرایط در حال تغییر را ارزیابی و به آن‌ها پاسخ می‌دهد تا بر فرایندهای پویای در حال انجام حاکم باشد. فرض این گروه‌بندی با الهام از نظریه کنترل، همان‌طور که توسط نظریه پردازان اولیه سایبرنتیک شرح داده شده است، شکل می‌یابد. علم سایبرنتیک که به «کنترل و ارتباط در جانور و ماشین» می‌پردازد، مکانیسم‌های تنظیم و بازخوردی که سیستم‌های پیچیده را در زمینه‌های مختلف کنترل می‌کنند، تجزیه و تحلیل می‌کند (Wiener, 1949; Ashby, 1956). سایبرنتیک به عنوان یکی از پایه‌های اولیه هوش مصنوعی، یک زمینه گسترده و میان‌رشته‌ای بود که سیستم‌های خودگردان و هموستاتیک (تعادلی) طبیعی و مصنوعی را مطالعه می‌کرد (Kline, 2011; Pickering, 2010). سیستم‌های مبتنی بر بازخورد سایبرنتیک، به دنبال ثبات یا هدفی مشخص در محیط‌های پویا هستند و از محرک‌های محیط خود، از جمله نتایج اقدامات گذشته سیستم، به عنوان ورودی برای تعیین مسیر آینده خود استفاده می‌کنند (Gage,

1. Wang

2007). سیستم‌های مبتنی بر بازخورد سایبرنتیک در یک چرخه مداوم، بین حسگری که دنیای واقعی را اندازه‌گیری می‌کند، کنترلی که پاسخی به محرک‌های دنیای واقعی را تعیین می‌کند و ابزاری برای ایجاد و به کار انداختن تغییر در دنیای واقعی - که اثرات آن توسط حسگر سیستم اندازه‌گیری می‌شود - عمل می‌کنند. اگرچه در عمل، بسیاری از سیستم‌ها پیچیده‌تر از این مدل اولیه هستند، هرکدام را می‌توان به این عناصر اصلی خلاصه کرد.

بخش بعدی، چهار سیستم را بر اساس مدل سیستم مبتنی بر بازخورد مفروض شرح می‌دهد و سپس به چالش‌های نگهداری سوابق ناشی از این سیستم‌ها می‌پردازد. چنین نگرانی‌هایی به ویژه با توجه به شیوع سیستم‌های خودگردان پیچیده در صنعت ۴،۰ یا انقلاب صنعتی چهارم بسیار مهم و مرتبط است. برای نظریه پردازان صنعت ۴،۰، تعمیم قریب‌الوقوع سیستم‌های کنترل بلادرنگ در حوزه‌های تولید و لجستیک، ماهیت سازمان صنعتی را به طور اساسی تغییر خواهد داد (Lasi et al., 2014).

این مقاله معتقد است که اگر قرار است هوش مصنوعی در مدیریت بلادرنگ سیستم‌های حیاتی ادغام شود، وجود الزامات و قوانین مناسب نگهداری سوابق برای این محیط پیچیده، ضروری است. با توجه به محدودیت‌های توان پردازش و ذخیره‌سازی، سیستم‌های محاسبات بلادرنگ ممکن است تولید و نگهداری سوابق را به عنوان عملکردی ثانویه در نظر بگیرند. تاجایی که پیشینه و متون فعلی در مورد این موضوعات، به مشکلات نگهداری سوابق می‌پردازد؛ آن هم البته به طوری که اغلب با زبان مدیریت داده‌ها مطرح می‌شود؛ در واقع به عنوان مشکلی برای بخش‌های فناوری اطلاعات و به ندرت برای آرشیوداران دیده می‌شود (Sony & Naik, 2019). چالش‌های نوظهور زمان، عامل، اندازه‌گیری و حجم داده‌ها در سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ، مستلزم راهبرد دقیق مدیریت سوابق در زمینه‌های پاسخگو (یا قابل اعتماد و قابل توضیح) است. بخش بعدی به بحث در مورد چالش‌های نوظهور نگهداری سوابق برای هر سیستم نمونه می‌پردازد.

### ۳.۱. وسایل نقلیه خودران (AVs)

درحالی‌که دستیابی به وسایل نقلیه کاملاً خودران همچنان دوراز دسترس است، ویژگی‌های نیمه خودران که کنترل انسان را تقویت می‌کنند، به طور فزاینده‌ای رایج می‌شوند. رانندگی خودران و نیمه خودران به طور فزاینده‌ای وظایف سطح بالا و اجرایی را از کنترل راننده خارج می‌کند. همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، استاندارد J۳۰۱۶ انجمن مهندسان خودرو (SAE) سطوح مختلف استقلال و خودکاربودن خودرو را بین ۰ تا ۵ طبقه‌بندی می‌کند. در سطوح ۰ تا ۲، وسایل نقلیه نیاز به راننده برای هدایت فرمان و پدال گاز دارند؛ اگرچه خودرو ممکن است شامل ویژگی‌هایی مانند کنترل تطبیقی حرکت (کنترل بهین‌رو یا کنترل سرعت بهینه تطبیقی)، حفظ خط وسط<sup>۲</sup> یا ترمز اضطراری خودکار باشد. سطح ۳ ممکن است نیاز داشته باشد که راننده در مدت زمان کوتاهی کنترل را به دست بگیرد، اما درغیراین صورت خودران است؛ سطوح ۴ و ۵

2. lane centering



■ شکل شماره ۱. سطوح رانندگی خودکار بر اساس آنچه توسط SAE ترسیم شده است. [https://www.sae.org/binaries/content/assets/cm/content/blog/sae-j3016-visual-chart\\_5.3.21.pdf](https://www.sae.org/binaries/content/assets/cm/content/blog/sae-j3016-visual-chart_5.3.21.pdf)

کاملاً خودران هستند؛ یعنی آخرین دسته بدون محدودیت جغرافیایی (SAE International, 2021). همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، وسایل نقلیه خودران به‌طور کامل از خودروهای هدایت‌شده توسط انسان جدا نیستند. در عوض، وسایل نقلیه با استقلال بیشتر، مرز «شاید از قبل مبهم» بین عامل انسانی و ماشینی را از بین می‌برند.

درخواست‌های مکرر برای امکانات ثبت سوابق در وسایل نقلیه خودران، تغییر عاملیت ناشی از این فناوری را به رسمیت می‌شناسند. متون حقوقی، به نیاز به ضبط‌کننده‌های داده‌های وسایل نقلیه خودران اشاره می‌کند (Bose, 2015; Martinesco et al., 2019). همان‌طور که یک گزارش به پارلمان

اروپا توصیه می‌کند، «همیشه باید این امکان وجود داشته باشد که محاسبات سیستم هوش مصنوعی را به شکلی قابل فهم برای انسان تقلیل داد؛... ربات‌های پیشرفته باید به یک «جعبه سیاه» مجهز شوند که داده‌های مربوط به هر تراکنش انجام شده توسط ماشین، از جمله منطقی که منجر به تصمیمات آن شده است را ثبت کند» (Delvaux, 2017). مؤسسه مهندسان برق و الکترونیک (IEEE) چارچوبی را برای سیستم‌های قابل توضیح رانندگی خودران ارائه کرده است که عملکردهای اساسی و فرایندهای سمت سیستم را که منجر به اقدامات خاصی می‌شوند، مستند می‌کند (Omeiza et al., 2022).

این رویکرد با حمایت مرکز اخلاق و نوآوری داده‌های بریتانیا مواجه شده است که خواستار ثبت سوابقی از روند تست جاده و وسایل نقلیه خودران و همچنین رویدادهای قابل توجه از جمله تصادفاتی است که خودرو در آن دخیل بوده است (Centre for Data Ethics and Innovation, 2022). با این حال، قوانین از این اجماع نوظهور، عقب و با وقفه مواجه هستند. برای مثال در ایالات متحده، اگرچه قوانین با پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه خودمختار سازی خودرو، به روز نشده‌اند، ضبط‌کننده‌های داده‌های رویداد در خودروهای تازه ساخته شده اجباری هستند (Event Data Recorders, 2006). از طرف مصرف‌کننده، تقاضای روزافزون برای دوربین‌های داشبورد ممکن است امکانات مضبوط سازی بیشتری را فراهم کند و با استفاده از تحلیل فوتوگرامتری (نقشه برداری از راه عکس برداری هوایی)، بازسازی عملکرد وسیله نقلیه خودران را ممکن سازد (Eski & Schuilenburg, 2022; Molnar & Peck, 2023). با این حال، دوربین‌های داشبورد، فرایندهای کنترل AV را مستند نمی‌کنند و چالش‌های جدید نگهداری سوابق در این فناوری را بی‌پاسخ می‌گذارند. مسئله استانداردهای نگهداری سوابق وسایل نقلیه خودران، وارد مقولات پیچیده اخلاقی و عملی مقررات وسایل نقلیه خودران می‌شود (Kingston, 2018; Lim & Taihagh, 2019; Ljungholm, 2019). درحالی که ممکن است استدلال‌های محکمی وجود داشته باشد که طبق آن سازندگان خودرو باید مسئول رفتار خودروهای خود در جاده‌های عمومی باشند، بسیاری از بازیگران صنعت استدلال می‌کنند که مسئول دانستن سازندگان وسایل نقلیه خودران برای آسیب‌های جانی یا مالی ناشی از خودروهایشان، بار نامناسبی را بر دوش سازندگان می‌گذارد (Marchant & Lindor, 2012; KPMG, 2020). قوانین اخیر بریتانیا مسئولیت خسارات ناشی از وسایل نقلیه خودران را بر عهده مالک خودرو یا شرکت‌های بیمه آن‌ها می‌گذارد (Queen's Printer of Acts of Parliament, 2018). در مقابل، ولو اعلام کرده است که قصد دارد «هر زمان که یکی از خودروهایش در حالت خودران باشد، مسئولیت کامل را بپذیرد»؛ چه قانوناً الزامی باشد چه نباشد (Yehl, 2015). بدیهی است این رویکرد مستلزم ظرفیت‌های قوی برای نگهداری سوابق است. بنابراین، وسایل نقلیه خودران، مشکلات نوظهوری از جمله عامل و مسئولیت را نشان می‌دهند که در واقع مسئله مسئولیت و پاسخگویی را پیچیده می‌کنند. درحالی که نیازهای روشنی برای نگهداری سوابق در این سیستم‌ها وجود دارد، رویکرد تولیدکنندگان و قانون‌گذاران همچنان تعریف نشده است.

#### ۴.۱. هدفمندسازی محتوای رسانه‌های اجتماعی

این مقاله با الهام از رسوایی فیس بوک / کمبریج آنالیتیکا در سال ۲۰۱۸، فیدهای (خوراک‌های) محتوای هدفمند تولید شده توسط پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی را به عنوان نمونه‌هایی از سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ، البته براساس بلادرنگ نرم به جای سخت، تجزیه و تحلیل می‌کند. هنگامی که کاربری در حال مرور فید پست‌های رسانه‌های اجتماعی است، پلتفرم دائماً در حال ارزیابی علایق او می‌باشد. پلتفرم با انتخاب از ترکیبی از محتوای موجود - پست‌های دوستان کاربر و تبلیغات یا محتوای انتخاب شده توسط پلتفرم - یک توالی منحصربه‌فرد از پست‌ها را برای مرور کاربران ایجاد می‌کند. با تعامل کاربران با فید، پلتفرم هم تعاملات آن‌ها را با محتوای خود ثبت می‌کند و از این اطلاعات برای بهبود پیشنهادهای آتی خود به کاربر استفاده می‌کند. با گذشت زمان، سوابق تعاملات کاربر با سیستم، در اصل نمایه‌ای از سلیقه‌ها، علایق، باورها و اطلاعات جمعیت شناختی او را ارائه می‌دهد. تولید پروفایل‌های (سلیقه‌ای الگوریتمی، فردی و مبتنی بر داده‌ها) برای سفارشی‌سازی تجربه کاربری از پلتفرم، یکی از جنبه‌های کلیدی بسترهای بزرگ اینترنتی از جمله رسانه‌های اجتماعی و موتورهای جستجو است (Zuboff, 2019). این سیستم‌ها با استفاده از داده‌های کاربر در جهت شخصی‌سازی تجربه کاربری، بر اساس پروفایل‌هایشان، از بازخورد لحظه‌ای در یک سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ، با هدف افزایش تعامل کاربر و تأثیرگذاری بر رفتار مصرف‌کننده، طبق خواسته تبلیغ‌کنندگان، استفاده می‌کنند.

هدف اصلی یک پلتفرم رسانه‌ای اجتماعی تشویق «اعتیاد از طریق طراحی» است (Bhargava & Velasquez, 2021; Goldhaber, 1997; Mujica et al., 2022). برای رسیدن به این هدف و هدف ثانویه خود، یعنی برای ارائه تبلیغات درآمدزا، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی از سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ در جهت مدیریت تجربیات محتوایی کاربران بهره می‌برند. این مثال با مثال وسایل نقلیه خودران متفاوت است؛ بدیهی است که خرابی در این سیستم باعث آسیب فوری به کاربران آن نخواهد شد. این سیستم تنها بر محتوایی که کاربرانش را در معرض آن قرار می‌دهد، کنترل مستقیم دارد، نه بر رفتارهای دنیای واقعی که قصد تأثیرگذاری بر آن‌ها را دارد. پس چه مشکلات مشابهی برای علاقه‌مندان به مستندسازی فعالیت‌های این سیستم‌ها ایجاد می‌کند و چه کمبودهایی در مستندات و شیوه‌های ضبط فعلی وجود دارد؟ از دیدگاه آرشیوی، هر یک از این سیستم‌ها به دلیل پویایی و پیچیدگی‌شان در برابر نگهداری بلندمدت مقاومت می‌کنند. آن‌ها به الگوریتم‌هایی اختصاصی که برای عموم شناخته شده نیستند و همچنین به مجموعه داده‌های پویایی که شامل تجربه کاربری در تعامل با پلتفرم است، تکیه می‌کنند. این عوامل پویا و مقیاس سیستم، چالش‌های قابل توجهی را ایجاد می‌کنند. فراتر از ثبت و ضبط‌های ایستا از سیستم، در یک لحظه معین برای یک کاربر خاص، نگهداری بلندمدت این سیستم‌ها از طرف کاربر، ممکن است به نحو معقولانه‌ای نباشد (Lynch, 2017). در جهت نشان دادن چالش‌های متوجه متصدیان نگهداری سوابق برای مستندسازی رفتارهای پویای یک پلتفرم رسانه اجتماعی، بررسی پیامدهای رسوایی فیس بوک / کمبریج آنالیتیکا (CA) مفید است.

رسوایی اطلاعاتی فیس بوک / کمبریج آنالیتیکا در سال ۲۰۱۸ زمانی رخ داد که یک افشاکننده فاش کرد که CA از بهانه‌ها و ادعاهای غیرموجه و اشتباه (ترفندهای فریبنده) برای جمع‌آوری اطلاعات شخصی میلیون‌ها کاربر فیس بوک استفاده کرده است. کمبریج آنالیتیکا با استفاده از اطلاعات پست‌ها، مکان، فید خبری، تایم‌لاین و حتی پیام‌های خصوصی کاربران، تبلیغات فردی را برای کاربران هدف قرار داد تا به نمایندگی از مشتریان خود بر انتخابات آمریکا و بریتانیا تأثیر بگذارد (Lewis & Hilder, 2018). فیس بوک در پاسخ به انتقادات از همدستی خود در رسوایی CA، با بهبود سازوکارهای رضایت کاربر، وعده‌های نظارت بر برنامه‌های شخص ثالث و ایجاد یک «کتابخانه تبلیغات» که یک فهرست عمومی از تبلیغات و تبلیغ‌کنندگانی را ارائه می‌دهد که با پلتفرم قرارداد دارند، به همراه اطلاعات جمعیت‌شناختی اولیه در مورد اینکه چه کسانی هدف تبلیغات هستند و بازه‌های زمانی برای آن تبلیغاتی که فعال بوده‌اند، واکنش نشان داد.

باین حال، منتقدان خاطرنشان می‌کنند که سیستم انصراف<sup>۳</sup> فیس بوک همچنان کنترل معناداری بر میزان استفاده از داده‌های شخصی برای ارائه تبلیغات به آن‌ها پیشنهاد نمی‌دهد و از این بابت شکست می‌خورد (Joyee & Abdessamad, 2020). علاوه بر این، فیس بوک همچنان داده‌های حساس شخصی مرتبط با دلایل بالقوه تبعیض را، برای تبلیغ‌کنندگان در دسترس قرار می‌دهد (Cuevas et al., 2021). اگرچه کتابخانه تبلیغات فیس بوک / متا وعده شفافیت در شیوه‌های تبلیغاتی را داده است، روزنامه‌نگاران و پژوهشگران از ابهام مداوم آن در مورد شیوه‌های هدف‌گذاری انتقاد می‌کنند (Dommett, 2020; Leerssen et al., 2021). تأثیرات اعمال و آداب داده‌ای<sup>۴</sup> با همان خط‌مشی‌های مدیریت داده‌های فیس بوک، آن‌چنان نتوانسته است از توجه و نگاه جامعه مدیریت اسناد و سوابق و اصحاب آرشیو، بگیرد. گلسمن<sup>۵</sup> می‌نویسد که شیوه‌های مدیریت داده‌ها و سوابق فیس بوک، این کمبودها را دارد: این واقعیت که فیس بوک از «نقض داده‌ها و رخنه اطلاعاتی [کمبریج آنالیتیکا] آگاه بوده و کاری در مورد آن انجام نداده است، باعث می‌شود اهداف اجتماعی و بیانیته مأموریت فیس بوک، به‌طور ویژه‌ای نادرست به نظر برسد» (Glassman, 2020). فیس بوک با تلاش‌هایی مانند کتابخانه تبلیغات، همچنان در برابر شفاف‌سازی شیوه‌های مدیریت داده‌های خود مقاومت می‌کند و نسبت به آن بی‌میل است؛ اگرچه برای جلوگیری از «کمبریج آنالیتیکاهای دیگر» اقداماتی انجام می‌دهد. آرشیوداران با اشاره به تأثیر پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی بر زندگی معاصر، خواستار آن شده‌اند که طرف‌هایی غیر از خود غول‌های رسانه‌های اجتماعی، وظیفه آرشیوکردن جامعه رسانه‌های اجتماعی با ارزش پایا را بر عهده گیرند (Lynch, 2017). با قرارگرفتن بخش زیادی از میراث فرهنگی دیجیتال معاصر در پلتفرم‌های رسانه اجتماعی، «اکنون مسئولیتی توزیع‌یافته در باب نگهداری، بین واسطه‌های پلتفرم، سازندگان و توسعه‌دهندگانی که از API ها (رابط برنامه‌نویسی نرم‌افزار) برای استخراج و دسترسی به داده‌ها برای نگهداری بلندمدت استفاده می‌کنند» وجود دارد (Acker & Kreisberg, 2020). درحالی‌که اتکا به خود پلتفرم‌ها یا نهادهای خارجی مانند کتابخانه کنگره برای آرشیو رسانه‌های اجتماعی، غیرعملی به نظر می‌رسد، مدل‌های آرشیو

3. opt-out یعنی انصراف دادن از چیزی و مصداق آن نهادن به اختیار انسان است؛ در این مورد منظور صرف نظرکردن، لغو اشتراک یا خارج شدن از برنامه‌ای است که به‌موجب آن داده‌های کاربر، با رضایت او به سازمان مالک برنامه ارائه می‌شوند (مترجمان).
4. data practices
5. Glassman



جامعه که به صورت توزیع شده هستند، به عنوان مسیری منطقی و پذیرفتنی برای آرشیو رسانه‌های اجتماعی ظهور کرده‌اند (Fondren & McCune, 2018). باین حال، سوابق رویه‌های داخلی پلتفرم‌های رسانه اجتماعی، و نیز الگوریتم‌ها و خط‌مشی‌ها کماکان اختصاصی باقی مانده است و جامعه آرشیو پس از رسوایی CA به طور گسترده وارد این بحث نشده است.

رسوایی کمبریج آنالیتیکا توجه‌ها را به پلتفرم‌های رسانه اجتماعی، به عنوان سیستم‌های بلادرنگ که از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تأثیرگذاری بر رفتار کاربران در داخل و خارج از پلتفرم‌هایشان استفاده می‌کنند، جلب کرد. در ارتباط با این تحلیل، تز «سرمایه داری نظارتی» زوبوف<sup>۶</sup>، شیوه‌های هدفمندسازی محتوای رسانه‌های اجتماعی را در چارچوب گسترده‌تر عنوانی خود مورد انتقاد قرار می‌دهد. سرمایه‌داری نظارتی بر اساس «تلفیق اصلاح رفتار و ابزارهای فناورانه برای خودکارسازی کاربرد آن»، از انبوه داده‌های کاربر برای پیش‌بینی و تأثیرگذاری بر رفتار دنیای واقعی استفاده می‌کند. زوبوف سوابق این تکنیک‌ها را در شرطی‌سازی کلاسیک می‌بیند، می‌شناسد و از وسعت استفاده از آن‌ها ابراز نگرانی می‌کند (Zuboff, 2019). کاربرد این ابزارها در زندگی سیاسی، با زیرسؤال بردن اشکال پذیرفته شده گفتار سیاسی، مشروعیت فرایند دموکراتیک را به چالش می‌کشد و به گفته زوبوف، اساساً آزادی انسان را تضعیف می‌کند (Zuboff, 2019; Dowl-ing, 2022; Heawood, 2018). در راستای خوانش ما از هدفمندسازی محتوای رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ، زیرشاخه جامعه‌شناسی سایبرنتیک، فرایندهای کنترل را در رسانه‌ها و جامعه‌ای که هدفشان کنترل اجتماعی و تغییر رفتار است، تجزیه و تحلیل می‌کند (Pickering, 2010; Robinson, 2007).

برای نمونه، متخصص سایبرنتیک استافورد بیر<sup>۷</sup> تکنیک‌های تبلیغات چاپی را به مثابه (ابزاری برای) استفاده از بازخورد در جهت تحت‌تأثیر قرار دادن رفتار می‌دید: «ما به ناشران اجازه می‌دهیم انبوهی از اطلاعات در مورد خودمان - اینکه چه کسی هستیم، علایق ما چیست- را به صورت الکترونیکی بایگانی کنند و آن را با طرح‌های سفارش پستی، سیستم‌های اعتباری و کمپین‌های تبلیغاتی، برای اهداف تجاری پیوند دهند» (Beer, 1974). آنچه می‌بینیم بر آنچه می‌خریم، بر چگونگی رأی دادن و بر نحوه تفکر ما تأثیر می‌گذارد - این بینشی قدیمی برای تبلیغ‌کنندگان تلقی می‌شود؛ اما درحقیقت زیربنای سودمند بودن پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، به عنوان ابزارهای خودگردان و خودپالایشگر برای ارائه تبلیغات دیجیتال است.

## ۵.۱. ابزارهای کمکی جراحی واقعیت ترکیبی

درحالی که چشم‌انداز عمل جراحی رباتیک بر روی انسان‌ها تا حد زیادی در قلمرو داستان‌های علمی تخیلی باقی مانده است، ظهور ابزارهای واقعیت افزوده برای تقویت توانایی جراحان انسان، و وظیفه متصدیان ثبت سوابق و مستندسازان را در محیطی پرخطر، پیچیده می‌کند. واقعیت افزوده (AR) به عنوان «اضافه کردن اطلاعات مصنوعی [یا تولیدات رایانه‌ای] به یک یا چند حس، که به کاربر اجازه

6. Zuboff

7. Stafford Beer

می‌دهد وظایف را به‌طور مؤثرتر به انجام برساند» تعریف می‌شود (Khor et al., 2016). این مفهوم با واقعیت مجازی (VR) متفاوت است که به کاربران یک محیط شبیه‌سازی شده فراگیر و کاملاً مجازی ارائه می‌دهد (Lischer-Katz, 2020). استفاده از ابزارهای AR و VR فرصت‌های جدیدی را در عمل پزشکی، از جمله آموزش و دستورالعمل، ارزیابی آناتومیکی و کالبدشناسانه، پزشکی از راه دور و بهبود ادراک و توانایی‌های جراحان، ارائه می‌دهد. پیشرفت‌ها در این زمینه سریع است. خور<sup>۸</sup> و دیگران در سال ۲۰۱۶ نوشتند که «تقویت [سیستم و عمل] بلادرنگ درزمینه جراحی، همچنان یک کاربرد نسبتاً آزمایشی باقی مانده است» (Khor et al., 2016). از آن زمان، کاربردهای واقعیت افزوده در عمل جراحی، توانایی‌ها و آگاهی جراحان را در امور بلادرنگ (لحظه‌ای) تقویت کرده است (Guha et al., 2017; Piramide et al., 2022; De Backer et al., 2023). کاربردهای فناوری واقعیت مجازی / واقعیت افزوده در زمینه جراحی را می‌توان در بهترین شکل آن، با عنوان «واقعیت ترکیبی» (MR) توصیف کرد که در آن محیط دنیای واقعی با «داده‌های مجازی تعاملی» غنی می‌شود (Vervorn et al., 2023).

تکنولوژی واقعیت ترکیبی در کاربردهای جراحی، با وسایل نقلیه خودران (AV) متفاوت است؛ زیرا جراح هرگز اختیار و وجه عاملیت خود را به سیستم تسلیم نمی‌کند. باین حال، همان‌طور که بحث پیش‌رو در مورد وسایل نقلیه خودران نیز وجود دارد، شاهد مطرح شدن مشکلات مربوط به «عاملیت ترکیبی / هایبرید / چندوجهی» در محیط جراحی هستیم. درحالی‌که جراح همچنان کنترل مستقیم بر اعمال خود دارد، تفسیر او از واقعیت به‌شدت تحت تأثیر ابزارهای هوش مصنوعی قرار می‌گیرد-تفاسیری که ممکن است اهداف نهایی برای نگهداری از آب دربیابند. مقالات علمی-تخصصی مربوط به روش‌های جراحی واقعیت ترکیبی و نگهداری سابقه، به‌طرز نسبتاً کمی توسعه یافته‌اند. کیم<sup>۹</sup> و همکارانش، فراتر از زمینه مستقیم واقعیت ترکیبی در جراحی، چنین اشاره کرده‌اند که درحالی‌که فیلم‌های جراحی به‌طور معمول تولید می‌شوند، تعداد کمی از بیمارستان‌ها در سراسر جهان، زیرساخت نگهداری جهت مدیریت آن‌ها به‌منظور ایمن‌داشت بلندمدت را دارند (Kim et al., 2021).

یک پروژه، از بلاک چین در جهت حفظ و سندیت‌دادن داده‌های جراحی واقعیت افزوده با حفظ حریم خصوصی بیمار، بهره می‌برد. اگرچه این مقاله اطلاعات و بینش کمی در مورد ماهیت مجموعه داده‌های نگهداری شده ارائه می‌دهد (Batchu et al., 2023). مجموعه داده‌های واقعیت ترکیبی شامل ویدیو، تصاویر مجازی و ابزارهایی که برای تولید چنین تصاویری استفاده می‌شوند، ممکن است برای بسیاری از آرشيوهای پزشکی به یک هدف چالش برانگیز در امر نگهداری تبدیل شوند.

ممکن است ابزارهای فعلی واقعیت افزوده یا ترکیبی، در فرایند جراحی مستقیماً نقش عاملیت را نداشته باشند، اما به‌عنوان شرکت‌کنندگان مستقیم در بازنمایی واقعیتی که این متخصصان بر اساس اقدامات خود را انجام می‌دهند، ممکن است ارزش نگهداری داشته باشند. تحقیقات ما،

8. Khor  
9. Kim

مشارکت حرفه‌ای قابل توجه در مورد مشکل نگهداری بلندمدت این محیط‌های مجازی، آن هم با افزایش پیچیدگی فناوری اطلاعات پزشکی، نشان نداده است. در مقایسه با این زمینه، مسئله مستندسازی تجربیات مجازی، به خوبی در تئوری آرشیوی توسعه یافته است؛ هرچند که در حرفه و عمل آرشیوی تخصصی‌تر است (Duranti & Thibodeau, 2006; Lischer-Katz, 2020).

#### ۶.۱. دوقلوهای دیجیتال در مدیریت تأسیسات و زمینه‌های نظارت یا حکمرانی

همزادها یا دوقلوهای دیجیتال، سیستم‌های پیچیده خودمدیریتی هستند که نمونه‌ای از سیستم‌های نوظهور هوش مصنوعی بلادرنگ با نیازهای آشکار به ثبت سوابق را نشان می‌دهند. به عنوان زیرساخت داده‌های مکانی، دوقلوهای دیجیتال «اکوسیستم‌هایی از زیرسیستم‌های چندبعدی و میان‌کنش‌پذیر هستند که از اشیاء فیزیکی در دنیای واقعی، نسخه‌های دیجیتالی آن اشیاء واقعی، اتصالات داده‌ای همزمان شده بین آن‌ها و افراد، سازمان‌ها و نهادهای دخیل در ایجاد، مدیریت و استفاده از این موارد تشکیل شده‌اند» (Frontoni et al., 2022). در یک سیستم دوقلوی دیجیتال، ورودی‌های «داده‌های هم‌زمان» از سمت سنسورهای دنیای واقعی، ورودی‌هایی را برای مدل‌های واقعیت مجازی پیچیده و پیشگویانه که در حوزه‌های مختلف استفاده می‌شوند، فراهم می‌کنند (Jones et al., 2020). سیستم‌های دوقلوی دیجیتال که تصمیمات را بر اساس اندازه‌گیری‌های هم‌زمان شرایط دنیای واقعی تولید می‌کنند، نمونه‌هایی از سیستم‌های سایبرنتیک مبتنی بر بازخورد هستند. کاربردهای رایج آن شامل مدیریت ترافیک، سیستم‌های نگهداشت و حفاظت پیش‌گویانه، امنیت، زیرساخت و تولید می‌شوند. نمونه‌های کاربردهای دوقلوی دیجیتال که درحال توسعه یا عملیاتی شدن هستند، رو به افزایش است. به عنوان مثال، فرودگاه YVR ونکوور از یک سیستم دوقلوی دیجیتال برای هدایت ترافیک و عبور و مرور زمینی، بهینه‌سازی جریان حرکت عابران پیاده در داخل فرودگاه و مدیریت سیستم‌های نگهداری و کنترل آب‌وهوای ساختمان استفاده می‌کند (Redins, 2022). با پیشرفت فناوری، دوقلوهای دیجیتال ممکن است وظایف سطح بالاتری مانند کنترل ترافیک هوایی را مدیریت کنند (Oliveira, 2020; Saifutdi-nov et al., 2020; Yurkevich & Stepanovskaya, 2021). اگرچه به صراحت در بیانیه‌های روابط عمومی تبلیغ نشده است، توانایی این سیستم‌ها در سازمان‌دهی و پردازش داده‌های گسترده، به احتمال زیاد کاربردهای امنیتی و نظارتی پیدا خواهد کرد. سیستم مدیریت فرودگاه YVR یک سیستم دوقلوی دیجیتال پیچیده را نشان می‌دهد که در یک محیط پیچیده بلادرنگ عمل می‌کند و مستلزم سطوح مختلفی از ریسک است. این سیستم‌ها در مقیاس‌هایی وسیع‌تر، ممکن است جهت حکمرانی در سطح شهر برای مدیریت سیستم‌های ترافیکی و لجستیکی، برنامه‌ریزی شهری، سیستم‌های زیست‌محیطی و مدیریت زیرساخت‌ها به کار گرفته شوند (Ketzler et al., 2020).

همزادهای دیجیتال، یک نوع توسعه‌ای از ظرفیت‌های پیش‌بینی‌کننده سیستم‌های کنترل «رایانه‌ای‌سازی‌شده» اولیه هستند. سوابق روشنی وجود دارد: به عنوان مثال، سیستم‌های

کنترل کامپیوتری دست‌کم از دهه ۱۹۶۰ ترافیک را مدیریت کرده‌اند (Parkman, 1972). دوقلوهای دیجیتال، مدل‌های مجازی پیچیده‌ای از همتایان دنیای واقعی خود را وارد مکانیسم‌های کنترل سیستم می‌کنند، آن‌ها را به این مکانیسم‌ها معرفی می‌کنند، می‌شناسانند و برای این امر از نرم‌افزارهای پیشرفته‌تر در جهت اداره واقعیت‌های که به‌طور فزاینده‌ای پیچیده و پویا هستند، استفاده می‌کنند. طبیعتاً پیچیدگی، چالش مستندسازی فعالیت‌های سیستم را افزایش می‌دهد؛ چالشی که در متون نظارت عمومی به آن پرداخته شده است. زنجیره‌های سنتی مسئولیت بوروکراتیک، ممکن است با معرفی ابزارهای پیچیده هوش مصنوعی از جمله دوقلوهای دیجیتال، پیچیده‌تر شوند (Bracci, 2022). ظهور شکاف‌های پاسخگویی که منجر به کاربرد نادرست ابزارهای هوش مصنوعی می‌شود، ممکن است خطر اعمال و اجرای «شرورهای اداری» آرنی<sup>۱۰</sup> توسط دولت مصنوعی ممکن است به‌طور مؤثر اصول عقلانیت‌گرا و وبری<sup>۱۱</sup> بوروکراسی‌های سنتی را محقق سازند (Bullock et al., 2022; Eom, 2022). درحالی‌که این بحث محدود به حکمرانی و نظارت عمومی است، مرزهای بین حوزه‌های عمومی و خصوصی توسط شرایط تاریخی، حقوقی و سیاسی تعیین می‌شود (Duranti, 1989). براین اساس، به‌احتمال زیاد نگهداری سوابق برای همزادهای دیجیتال مشکلی خواهد بود که هم حوزه‌های عمومی و هم خصوصی باید آن را حل کنند؛ به‌ویژه با توجه به نقش شرکت‌های خصوصی فناورانه در توسعه سیستم‌های عمومی (دولتی) که تحت قرارداد اجرا می‌شود.

از آنجایی‌که سوابق و ارقام آرشیوی شرط لازم برای پاسخگویی است، توجه به مشکل عملی مستندسازی این سیستم‌ها برای آرشیوداران و علاقه‌مندان به به‌کارگیری مسئولانه همزادهای دیجیتال، ضروری است. نگهداری سوابق برای سیستم‌های همزاد دیجیتال یک مشکل نسبتاً جدید است. همان‌طور که لوساویو<sup>۱۲</sup> و دیگران اشاره می‌کنند، سیستم‌های پیچیده شهرهای هوشمند، چالش‌های قابل‌توجهی را برای آرشیوداران ایجاد می‌کنند: فراتر از چالش فنی اولیه مستندسازی سیستم‌های چندلایه، آرشیوداران باید در آن دسته از سیستم‌هایی که ممکن است به‌طور معمول سوابقی ایجاد نکنند و حجم زیادی از اطلاعات قابل‌شناسایی شخصی را جمع‌آوری کنند، اهدافی را برای نگهداری شناسایی کنند (Losavio et al., 2015). علاوه بر چالش‌های ناشی از به‌روزرسانی‌های مکرر در مجموعه داده‌های قابل‌توجه سیستم‌های پیچیده، لارسون<sup>۱۳</sup> معتقد است که برای بافتاری‌ساختن محتوای مجموعه داده‌ای خاص، که توسط یک سیستم هوش مصنوعی دولتی تولید می‌شود، به فراداده‌ها<sup>۱۴</sup> به‌طور گسترده نیاز است که منشأ، محدودیت‌ها و سایر ملاحظات مرتبط آن را منتقل کند. به‌همین ترتیب، آرشیوداران باید زمینه اصلی مجموعه داده‌هایی را که در اختیار دارند حفظ کنند؛ درگیر این صورت ممکن است مجموعه داده‌ها معنای خود را از دست بدهد (Larson, 2020). با نزدیک شدن به مجموعه داده‌هایی که توسط یک سیستم همزاد دیجیتال تولید می‌شوند، برای اجتناب از نگرانی‌های اخلاقی مشابه، رویکردی سنجیده و

10. Arendtian  
(منظور هانا آرنیت است)
11. Weberian  
(منظور ماکس وبر است)
12. Losavio
13. Larson
14. metadata

ژرف‌نگرانه نسبت به اطلاعات قابل‌شناسایی شخصی، ضروری خواهد بود. یک پروژه تحقیقاتی در حال انجام در دانشگاه اتاوا، نیازهای آرشیوی یک سیستم مدیریت اطلاعات ساختمانی را که برای کنترل و نگهداری زیرساخت در پردیس دانشگاه کارلتون استفاده می‌شود، ارزیابی می‌کند - Fronto (ni et al., 2022). تحقیقات و تجربیات عملی بیشتری از این قبیل، چالش‌های ناشی از همزادهای دیجیتال را روشن خواهد کرد.

## ۲. نظریه

### ۲.۱. چارچوب نظری: طرح (چارچوب‌بندی، پیکربندی) سیستم‌های هوش مصنوعی

#### بلادرنگ به عنوان سیستم‌های مبتنی بر بازخورد

مقاله حاضر بر این باور است که سیستم‌های توصیف‌شده در بالا، تحت چارچوب سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ، با یکدیگر قابل قیاس، سنجش و تناسب هستند. این سیستم‌ها بی‌سابقه نیستند و ما از سیستم‌های مبتنی بر بازخورد سایبرنتیک به عنوان چارچوبی برای درک رابطه بین شیوه درک و عمل سیستم‌ها در جهان استفاده می‌کنیم. هر یک از سیستم‌های توصیف‌شده، ابزارهای هوش مصنوعی جدیدی را در زمینه کاربردهای بلادرنگ معرفی می‌کنند؛ زمینه‌ای که ظرفیت‌های انسانی معمولاً عاملیت انحصاری را اعمال کرده‌اند. با توجه به اینکه سیستم‌ها باید پاسخ تقریباً فوری به محرک‌های جدید ارائه دهند، فرصت‌های دخالت انسان در عملکرد سیستم محدود است. نمودار زیر، مفهوم ما را از قابلیت مقایسه و سنجش سیستم‌ها تحت چارچوب سیستم‌های مبتنی بر بازخورد سایبرنتیک نشان می‌دهد: هرکدام بازخوردی لحظه‌ای از دنیای واقعی را در برمی‌گیرند، تصمیمی می‌گیرند و پاسخی به محرک می‌دهند و به اندازه‌گیری تأثیرات اقدامات خود و تغییرات خارجی در آینده ادامه می‌دهند. همان‌طور که در جدول ۱ در زیر اشاره شده است، سیستم‌ها هم از خود، عناصر خودمختاری نشان می‌دهند و هم از کنترل انسانی برخوردارند.

### ۲.۲. مشکلات در مستندسازی سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ

درک و مستندسازی هر یک از سیستم‌های توصیف‌شده در این مقاله، هم چالش‌های فناوری و هم سازمانی را به همراه دارد. مرموز بودن ابزارهای هوش مصنوعی، زیرشاخه «هوش مصنوعی قابل توضیح (XAI)» را به سمت توانمندسازی، فراهم‌آوری، امکان‌دادن، قادرساختن و تشویق به اتخاذ ابزارهای هوش مصنوعی شفاف که برای افراد عادی قابل‌درک هستند، سوق داده است (Barre- (2021; Phillips et al., 2020; do Arrieta et al., 2020). با این حال، در راستای توضیح هوش مصنوعی، نیازهای متصدیان ثبت سابقه در سازمان‌های پاسخگو، مسئول یا توضیح‌پذیر، لزوماً توسط حوزه XAI به خوبی حل نمی‌شود. در عوض، این متصدیان و آرشیداران باید ملزومات سوابق خود را به وضوح برای یک زمینه مشخص بیان کنند. توضیح‌پذیری، ویژگی یک سیستم هوش مصنوعی است، نه

| سیستم<br>بلادرنگ                                      | سنسورها:<br>چه حقایق خارجی<br>توسط سیستم<br>اندازه‌گیری می‌شوند؟   | کنترل‌کننده:<br>سیستم در عملیات روزمره خود<br>از چه سطحی از خودمختاری یا<br>عملیات برخوردار است؟  | فعال‌گرها:<br>سیستم چگونه تغییر را در دنیای<br>واقعی اعمال می‌کند؟ کدام<br>عامل‌ها تغییرات را در سیستم اجرا<br>می‌کنند؟  | اثرات:<br>چه چیزی تحت تأثیر اقدامات<br>سیستم قرار می‌گیرد؟ چگونه<br>سیستم اثرات خود را اندازه‌گیری<br>می‌کند؟   |
|---|--|---|--|---|
| وسيله نقلیه<br>خودران                                 | رادار، دوربین‌ها و<br>بینایی کامپیوتری،<br>ردیاب‌های GPS؛ سایر<br>سنسورهای مختلف.                              | خودمختاری کامل یا هایبریدی و<br>چندگانه- طیف SAE را در شکل<br>۱. ببینید   | شتاب، کاهش سرعت، فرمان،<br>علامت‌دهی   | خود و وسیله نقلیه به‌طور مستقیم<br>کنترل می‌شود؛ سایر وسایل نقلیه<br>و عابران پیاده در داخل و اطراف<br>وسيله نقلیه تحت تأثیر اقدامات<br>آن قرار می‌گیرند. سیستم به‌طور<br>مستقیم تغییرات در محیط دنیای<br>واقعی را نسبت به وسیله نقلیه<br>ارزیابی می‌کند. |
| هدف یابی<br>محتوای<br>رسانه‌های<br>اجتماعی            | داده‌های به‌دست‌آمده<br>از مشاهده و ضبط<br>تعاملات کاربران<br>یا محتوا در پلتفرم<br>رسانه‌های اجتماعی.         | درحالی‌که پارامترهای سطح بالا<br>توسط کنترل‌کننده‌های انسانی<br>تنظیم می‌شوند، سیستم در سطح<br>تجربه کاربر فردی، مجزا و منحصر،<br>خودمختار است.   | سیستم بر محتوایی که ببینند<br>هنگام استفاده از پلتفرم در معرض<br>آن قرار دارد، تأثیر می‌گذارد.   | محتوای فید رسانه‌های اجتماعی<br>به‌طور مستقیم و مداوم بر اساس<br>بازخورد ببیننده تغییر می‌کند. رفتار<br>کاربر رسانه اجتماعی در پلتفرم و در<br>زندگی فراتر از پلتفرم ممکن است<br>تحت تأثیر قرار گیرد، اما به‌طور<br>مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود.            |
| واقعیت<br>افزوده در<br>جراحی                          | دوربین و بینایی<br>کامپیوتری؛ ممکن<br>است سنسورهای<br>عوامل بیولوژیکی را<br>اندازه‌گیری می‌کنند،<br>شامل شوند. | سیستم فاقد عملیات؛ فقط<br>اطلاعات را ارائه می‌دهد.  | انسان جراح، عناصر شناسایی شده<br>توسط سیستم کامپیوتری را حذف<br>می‌کند.  | بدن بیمار به‌طور مستقیم<br>تحت تأثیر اقدامات جراح که<br>توسط توصیه‌های سیستم هدایت<br>می‌شود، قرار می‌گیرد. سیستم<br>به‌طور مداوم شرایط دنیای واقعی<br>را به‌عنوان تغییر واقعیت بازنگری و<br>ارزیابی مجدد می‌کند.   |
| همزاد<br>دیجیتال؛<br>سیستم<br>کنترل ترابری<br>فرودگاه | ردیاب‌های GPS<br>وسيله نقلیه؛<br>دوربین‌ها و بینایی<br>کامپیوتری؛ رادار؛<br>سایر شمارنده‌ها و<br>سنسورها       | هایبریدی یا چندگانه؛ شامل<br>عناصر تحت‌کنترل مستقیم<br>[سیستم] (سیستم ممکن است<br>مستقیماً الگوهای ترابری را تغییر<br>دهد) و عناصر اجراشده توسط<br>عامل انسانی (رانندگان و خلبانان<br>همچنان کنترل وسایل نقلیه خود<br>را در دست دارند). | صدر راهنمایی و<br>دستورالعمل‌هایی به وسایل نقلیه،<br>هواپیماها، به کارکنان فرودگاه<br>و اداره حفاظت یا حراست که<br>به‌طور مستقیم سازه‌ها یا عناصر<br>سیستم‌های ترابری را کنترل<br>می‌کنند. | سیستم به‌طور مستقیم تغییر<br>می‌یابد؛ وسایل نقلیه، هواپیماها و<br>افراد حاضر در فرودگاه تحت تأثیر<br>اقدامات آن قرار می‌گیرند. سیستم<br>به‌طور مستقیم فعالیت ترافیکی را<br>ارزیابی می‌کند.  |

■ جدول ۱. سیستم‌های بلادرنگ که به‌عنوان سیستم‌های سایبرنتیک بازخورد-محور تحلیل شده‌اند

ویژگی سوابق: درعوض، موفقیت سوابقی که تولید شده و برای نگهداری در نظر گرفته شده‌اند، به این مقوله بستگی دارد که آیا آن‌ها فعالیت خاصی را به‌درستی نمایندگی می‌کنند و نشان می‌دهند یا خیر (Bunn, 2020; Xie et al., 2022). همان‌طور که جنی بان<sup>۱۵</sup> مطرح می‌کند، آرشیداران باید چنین بپرسند: «اگر قرار است تجارت دیگر نه‌تنها توسط انسان‌ها، بلکه توسط عوامل هوش مصنوعی یا ترکیبی از این دو انجام شود، شواهد این ترانکشن‌ها چگونه خواهد بود؟» (Bunn, 2020). اگرچه XAI ممکن است به موانع فناورانه برای توضیح و توضیح‌پذیری بپردازد، اما ابتدا آرشیداران باید ملزومات خاص سوابق خود را، برای رفع ابهام، بازنمود و شرح هوش مصنوعی بیان کنند.

سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای متصدیان نگهداری

سوابق ایجاد می‌کنند. از یک طرف، افزایش دسترسی به داده‌ها، حجم «زندگی اجتماعی مضبوط» را افزایش می‌دهد و ایجاد خودکار سوابق ممکن است نسبت به معادل‌های سنتی، قابلیت اطمینان را بالا ببرد. محیط نگهداری یک سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ، ممکن است نسبت به زمینه‌های سنتی، با محیط عملیاتی خود بیشتر ادغام شود (Duranti et al., 2016). از سوی دیگر، حجم زیاد داده‌ها نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی را افزایش می‌دهد، سبب عدم تعادل عظیمی در قدرت اجتماعی می‌شود و با کار با داده‌های ناپایدار و تغییرپذیر، به جای اینکه اساساً و به طور طبیعی سوابق ثابتی را برای آیندگان تولید کند، شکل ثابت اساسی سابقه را به چالش می‌کشد. برای به حداقل رساندن این نگرانی‌ها، یکی از نسخه‌های تجویزی آرشیوداران و متخصصان اطلاعات این است که «حد و دامنه کنترلی که کامپیوترها نسبت به انسان‌ها اعمال می‌کنند» را محدود کنند و «تا آنجا که ممکن است، حضور انسان در حلقه» را حفظ کنند (McLeod & Lomas, 2023) با این حال، همان‌طور که جفری یو<sup>۱۶</sup> نوشته است، «کامپیوترها و لوازم «هوشمند» یا رباتیک کنترل شده توسط کامپیوتر... به طور فزاینده‌ای بدون دخالت انسان با هم ارتباط برقرار می‌کنند و... هوش مصنوعی، تصمیم‌گیری، انعقاد قرارداد و بسیاری از فعالیت‌های دیگر را بر عهده خواهد گرفت که زمانی قلمرو انحصاری انسان بود.» اگرچه این سیستم‌ها برای ایجاد سوابق دیجیتال پایدار، ممکن باشند، اما بازهم تلاش برای دستیابی به این هدف به نظر دشوار خواهد بود (Yeo, 2018)؛ بنابراین حفظ سیستم‌های پیچیده، پویا و به هم مرتبط، مستلزم نگهداری سوابقی است که محصولات چنین سیستم‌هایی هستند و این همه در کنار «قوانین پردازش داده‌ها، شامل قوانینی که امکان اعمال تغییرات در محتوا یا شکل سابقه، متجلی (نمایش داده شده) را فراهم می‌کنند» (Duranti & Thibodeau, 2006). برای حفظ، ایجاد یا رسیدن به شرح یک سابقه و زمینه یا خاستگاه آن، هم خود سوابق و هم سیستم‌هایی که آن‌ها را تولید کرده‌اند، باید حفظ شوند. در شرایط متغیر فناوری، تعیین یک استراتژی مناسب برای حفظ ارزش‌های شفافیت و پاسخگویی، آن هم با زیرساخت‌های فناورانه‌ای که برای اهداف آرشیوی طراحی نشده‌اند، چالش برانگیز است.

نیازهای نگهداری سوابق سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ در حوزه وسایل نقلیه خودران به خوبی شناخته شده است. با این حال، چالشی که به سبب کنشگری و عاملیت هوش مصنوعی و محو شدن مرزهای بین کنشگری انسانی و هوش مصنوعی ایجاد می‌شود، مجموعه‌ای نسبتاً جدید از مشکلات برای طراحان سیستم‌های نگهداری سوابق است. اگر هوش مصنوعی را به عنوان ابزاری در نظر بگیریم یا فهم کنیم که توسط یک عامل مسئولیت‌پذیر استفاده می‌شود، بدیهی است که عاملین استفاده‌کننده از این ابزار، مسئولیت استفاده از آن را برعهده دارند. همان‌طور که توسط InterPARES (تحقیقات بین‌المللی در مورد اسناد اصیل دائمی در سیستم‌های الکترونیکی) کشف شد، زیرسیستم‌هایی که «به عنوان عامل در انجام کسب و کار عمل می‌کنند» همچنان در قالب «مسئولیت یک مقام رسمی یا کارمند باقی می‌مانند»، حتی زمانی که زیرسیستم‌ها به طور مستقل و خودمختار عمل می‌کنند (Duranti & Thibodeau, 2006). به طور سنتی، سیستم رایانه‌ای

بیشتر به عنوان یک ابزار شناخته می‌شود تا عامل. باین‌حال، سیستم‌های هوش مصنوعی با افزایش خودمختاری اعمال شده سیستم و ایجاد موانعی برای درک انسانی، این موضوع را به چالش می‌کشند. اگر سیستم‌های هوش مصنوعی در یک زمینه قضایی به عنوان عامل شناخته شوند تا ابزار، نگره‌دارندگان سوابق باید طبق آن، تمرکز خود را تنظیم کنند. تحت چارچوب‌های موجود، از دیدگاه سندشناسی آرشیوی، سیستم‌های هوش مصنوعی ممکن است نویسنده یک سند باشند؛ اما مؤلف مسئول اقدامات مستندشده نخواهند بود، به همان ترتیبی که ممکن است یک دستیار، مسئولیت نگارش یک سند را بر عهده داشته باشد، اما مسئول اجرا یا محتوای آن نیست. بدون وجود قوانینی که وضعیت سیستم‌های هوش مصنوعی را به عنوان اشخاص دیجیتال به رسمیت بشناسد، سیستم‌های هوش مصنوعی، همان‌طور که در چارچوب و مقالات سندشناسی آرشیوی تعریف شده است، نمی‌توانند به عنوان نویسندگانی که مسئول اقدامات خود هستند در نظر گرفته شوند. با توجه به خودمختاری سیستم‌های هوش مصنوعی و فاصله آن‌ها از سازندگانشان، پیشنهادهایی در خصوص پیاده‌سازی و تحقق شخصیت‌مندی حقوقی برای سیستم‌های هوش مصنوعی در اتحادیه اروپا وجود دارد که آن‌ها را حداقل واحدی مسئول تراکنش‌هایی می‌کند که در آن‌ها مشارکت دارند (Mordell, 2019). سیستم‌های هوش مصنوعی، صرفاً اشیایی برای تحقق اهداف و اقدامات انسانی نیستند؛ بلکه می‌توانند موجوداتی باشند که اعمال و کنش‌هایی را انجام می‌دهند، حتی اگر به شیوه عاملین انسانی مسئول نباشند. بنابراین، درحالی که ممکن است زمینه‌های خاص حقوقی، مسئولیت هوش مصنوعی را به سادگی به کاربر یا طراح آن نسبت دهند، اما این رویکرد همیشه صادق نخواهد بود.

براساس بررسی و تحلیلی که در این مقاله از سیستم‌های هوش مصنوعی پلادزنگ ارائه شده است، تشخیص و تمایز قائل شدن بین اعمال و کنش‌های هوش مصنوعی و انسان در عمل، اغلب چالش برانگیز است. یک سیستم هوش مصنوعی کاملاً خودمختار که بدون دخالت اپراتور انسانی کار می‌کند، درمورد عامل مسئول اعمالش، ابهام کمی باقی می‌گذارد. چنین سیستمی پس از راه‌اندازی، به‌طور مستقل راهکار و مسیر کنش خود را تعیین می‌کند؛ بدون وجود هیچ‌گونه دخالتی از سوی اپراتور، البته جز اینکه در پایان استفاده از سیستم، متوقف شود. از دیدگاه سندشناسی آرشیوی، اینکه آیا چنین سیستمی از لحاظ سندشناسی، نویسنده یا خالق اعمالش منظور شود یا خیر، توسط رژیم قضایی مرتبط تعیین می‌شود. از سوی دیگر، یک سیستم غیرخودمختار که تحت کنترل انسان است، عاملیت خاص خود را ندارد و هویت عامل یا عاملینی که مسئول اقدامات سیستم هستند را به وضوح به‌جای می‌گذارد و این امر به راحتی قابل شناسایی است. در اینجا، مشکل شناسایی مسئولیت ممکن است، نیازمند تحلیل سازمانی باشد و بر مهارت‌های سنتی مدیران سوابق و آرشیوداران تکیه کند. باین‌حال، سیستم‌های پلادزنگ که در اینجا توضیح داده شده‌اند، پیچیدگی‌های بیشتری را به این تقسیم‌بندی‌های روشن اضافه می‌کنند. این‌طور نیست که این سیستم‌ها در اواسط فرایند خود متوقف شوند تا ورودی یا تأییدیه انسانی را دریافت کنند.

درعوض، این سیستم‌ها تمایل دارند تا به صورت لحظه‌ای به ترکیبی از ورودی‌های انسانی و هوش مصنوعی تکیه کنند. ارزیابی‌هایی که برای دریافت تأییدیه انسانی، هیچ توقفی در عملکرد سیستم وجود ندارد، شناسایی عامل مسئول یک اقدام می‌تواند چالش برانگیز باشد. سیستم ممکن است به ورودی‌های هم‌زمان متعددی از محیط خود، همچنین کنترل‌کننده انسانی و کنترل‌گر خودمختارش متکی باشد؛ بنابراین، ممکن است ردیابی مسئولیت یک اقدام خاص، دشوار شود. این عوامل همگی به واسطه حجم عظیم و گسترده اطلاعاتی که در فرایندهای این سیستم‌ها استفاده می‌شود، پیچیده‌تر می‌شوند؛ اطلاعاتی که اغلب به طور موقت پردازش می‌شوند؛ یعنی به جای تبدیل شدن به شکل یا فرمی ثابت موسوم به سوابق، به طور گذرا پردازش می‌شوند. بنابراین در کاربردهای بلادرنگ، سناریوهای عاملیت (کنش‌گری) ترکیبی پدیدار می‌شوند که در آن تمیزدادن و تشخیص مسئولیت‌های هر یک از طرفین به طور معنادار، چالش برانگیز است.

برای دسته‌بندی سیستم‌های توصیف‌شده در سراسر این مقاله، جدول ۲ در زیر پیشنهاد شده است تا درجه خودمختاری یک سیستم خودکار یا نیمه‌خودکار را در ارتباط با محدودیت‌های زمانی کاربرد آن ارزیابی کند.

در زمینه‌های کاربردی محدود به زمان، پاسخ‌های سیستم بلادرنگ باید به محرک‌های جدید به محض ظهور، با سرعت و دقت رسیدگی کنند تا از فاجعه جلوگیری شود. ازسوی دیگر، در زمینه‌های کاربردی باثبات، هیچ محدودیت زمانی قابل توجهی بر سیستم مورد نظر اعمال نمی‌شود. این دسته‌ها دودویی نیستند و اکثر برنامه‌ها در یک طیف بین این دو قرار می‌گیرند. سیستم‌های بلادرنگ به جای اینکه محدود به زمان یا بدون محدودیت زمانی باشند، تحت محدودیت‌های زمانی بیشتر یا کمتری نسبت به سایر سیستم‌های قابل مقایسه قرار می‌گیرند. به طور مشابه، جدول پیشنهاد می‌کند که درجه خودمختاری سیستم‌ها در امتداد طیفی نگاشت شده است که از

| سیستم‌های کنترل‌شده                               | سیستم‌های نیمه‌خودمختار                            | سیستم‌های خودمختار                                      |
|---|--|---|
| سیستم‌های پایدار<br>[A1]                          | سیستم‌های پایدار<br>نیمه‌خودمختار [B1]             | سیستم‌های پایدار خودمختار [C1]                          |
| سیستم‌های نیمه‌محدود<br>به زمان<br>کنترل‌شده [A2] | سیستم‌های نیمه‌محدود به زمان<br>نیمه‌خودمختار [B2] | سیستم نیمه‌محدود به زمان خودمختار<br>[C2]               |
| سیستم‌های بلادرنگ نرم                             |  | سیستم ۲: سیستم‌های هدف‌گیری<br>(یابی، محتوای الگوریتمی) |
| سیستم‌های محدود به زمان<br>کنترل‌شده [A3]         | سیستم‌های محدود به زمان<br>نیمه‌خودمختار [B3]      | سیستم محدود به زمان خودمختار<br>[C3]                    |
| سیستم ۳: واقعیت ترکیبی در<br>دستگاه‌های کمک جراحی | سیستم ۴: دوقلوی دیجیتال                            | سیستم ۱: خودروی خودمختار (سطوح<br>۵-۴ SAE)              |

■ جدول ۲. محدودیت‌های زمانی در مقابل خودمختاری در سیستم‌های بلادرنگ

سیستم‌های کنترل شده که کنترل را در دست انسان باقی می‌گذارند، تا سیستم‌های با خودمختاری بالا که معمولاً شامل هیچ دخالت انسانی نمی‌شوند، گسترده شده است. اگرچه [تشخیص] مسئولیت یک عمل خاص برای سیستم‌های خودمختار و کنترل شده موضوعی ساده‌تر است، سیستم‌هایی که بین این دو حد قرار می‌گیرند، موقعیت‌های مبهمی را ارائه می‌دهند که نیازمند حفظ داده‌های حاشیه‌ای عملیاتی سیستم برای تعیین مسئولیت هستند.

بیشترین ابهامات در سیستم‌های نیمه خودمختار که به ترکیبی از کنترل انسان و سیستم، متکی هستند، به وجود می‌آید و این چالش‌ها با محدودیت‌های زمانی بیشتر تشدید می‌شوند. این مقاله پیشنهاد می‌کند درجایی که ترکیبی از سیستم‌های هوش مصنوعی و کنترل‌کننده‌های انسانی، عملیات سیستم را مدیریت می‌کنند، برای شناسایی عامل و عاملیت انسان و هوش مصنوعی، به دقت، جزئیات و ریزبینی بیشتری نیاز است. به عبارت دیگر، سیستم‌های نیمه خودمختار باید به عنوان ترکیباتی از زیرسیستم‌های تحت کنترل انسان و تحت کنترل سیستم که با یکدیگر در ارتباط هستند، مستندسازی شوند. بدون درک و ثبت مرزهای بین اعمال این زیرسیستم‌ها، کسانی که به دنبال مستندسازی مؤثر سیستم هستند، با مشکل جعبه سیاه<sup>۱۷</sup> مواجه خواهند شد؛ بنابراین، برای ردیابی مؤثر مسئولیت‌های یک عامل خاص در داخل سیستم، در سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ، نگهداری از پارادیتایی که توسط این سیستم‌ها به کار گرفته می‌شود و منجر به تصمیمات اجرایی کنترل‌کننده می‌شود، ضروری است. پارادیتای مرتبط برای نگهداری، به عنوان اطلاعاتی که برای نتایج و خروجی فرایندهای فنی بالقوه مبهم، زمینه فراهم می‌کند، باید در اوایل فاز پیاده‌سازی شناسایی شود. اینکه این پاراداده‌ها دقیقاً شامل چه چیزهایی می‌شوند، در زیر به تفصیل آمده است؛ داده‌هایی مانند تفسیرهای سیستم از ورودی‌های دوربین از طریق سیستم‌های بینایی رایانه‌ای، اولویت بندی آن در پاسخ به ورودی‌های هم‌زمان حس‌گرها، یا تفسیر مجموعه داده‌های بلادرنگ و لحظه‌ای که سیستم بر اساس آن‌ها تصمیم می‌گیرد، ممکن است به عنوان پارادیتای مرتبطی مشخص شوند که برای نگهداری ضروری هستند. چالش شناسایی این داده‌ها، موضوع بخش بعدی است.

۱۷. مشکل نامعلوم؛ مشکل جعبه سیاه به وضعیتی اشاره دارد که فرایندهای درونی یک سیستم پیچیده قابل مشاهده نیستند. در این حالت، فقط ورودی‌ها و خروجی‌های سیستم قابل دیدن هستند؛ اما چگونه تبدیل ورودی به خروجی مشخص نیست. این امر درک و تحلیل عملکرد سیستم را دشوار می‌کند. این اصطلاح در حوزه‌های مختلف از جمله هوش مصنوعی و سیستم‌های پیچیده کاربرد دارد.

### ۳.۲. شناسایی مسئولیت‌ها، عاملین و اقدامات

سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ ممکن است ثبت و نگهداری را پیچیده کنند؛ اما اصول اساسی علم آرشو همچنان مرتبط باقی می‌مانند. سوابق یا در اقدامات مشارکت می‌کنند یا از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند (Duranti & Thibodeau, 2006). این امر در مورد سوابقی که توسط سیستم‌های بلادرنگ تولید می‌شوند نیز صادق است؛ زیرا آن‌ها برای ایجاد تغییرات در دنیای واقعی، اطلاعات را ایجاد و پردازش می‌کنند. با اعمال چارچوبی که قبلاً برای درک سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ به عنوان سیستم‌های مبتنی بر بازخورد توضیح داده شد، نیازهای مستندسازی این سیستم‌ها قابل ارزیابی است. همان‌طور که در بخش پیشین با عنوان «چارچوب بندی سیستم‌های

هوش مصنوعی بلادرنگ به عنوان سیستم‌های مبتنی بر بازخورد» توضیح داده شد، سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ یا RTAI را می‌توان شامل حس‌گرها، کنترل‌کننده‌ها و فعال‌گرهایی (عملگرها) دانست که تأییراتی را در دنیای واقعی ایجاد می‌کنند. اگرچه هوش مصنوعی یک کنترل‌کننده متفاوت را وارد سیستم می‌کند، اما وظیفه اساسی مستندسازی، عملکرد سیستم را تغییر نمی‌دهد. مطالعه‌ای که در اواسط دهه ۲۰۰۰ توسط InterPARES روی سیستم اطلاعات جغرافیایی VanMap انجام شد، سابقه نمونه‌ای را برای مستندسازی سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ فراهم می‌کند. VanMap که هنوز توسط شهر ونکوور به عنوان یک پلتفرم اطلاعاتی آنلاین استفاده می‌شود، یک رابط کاربری نقشه‌نگاری را ارائه می‌دهد که به کاربران امکان مشاهده مجموعه داده‌های مکانی مرتبط با دارایی‌های شهر، ناحیه‌بندی، اطلاعات املاک و زیرساخت‌ها را می‌دهد. داده‌هایی که VanMap از آن‌ها استفاده می‌کند، به مرور زمان به روزرسانی می‌شوند؛ اگرچه این ابزار فاقد ظرفیت داخلی برای نگهداری سابقه است. InterPARES دریافت که اگر سوابق قابل اعتمادی در طول تکامل نقشه ایجاد می‌شد، این قابلیت وجود داشت که تاریخچه‌ای از فایل پایگاه داده‌ها، برای امکان بازسازی VanMap در هر نقطه و مقطعی، نگهداری بشود. از آنجایی که این ابزار توسط مقامات شهر به عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری مسئولانه استفاده می‌شود، InterPARES استدلال کرد که فراتر از سوابق مربوط به تجسم و نمونه‌برداری‌های نقشه در طول زمان، «توضیحات دقیق از هر فرایند تجاری که VanMap در آن درگیر است و نحوه استفاده از VanMap در هر یک از آن‌ها» برای ارائه یک گزارش و شرح کامل از نقش مدیریتی-اجرایی VanMap ضروری خواهد بود (Duranti & Thibodeau, 2006). در حالی که سیستم ممکن است پویا باشد، سوابقی که برای [و در روند] مستندسازی سیستم تولید می‌شوند، باید محتوای ثابتی داشته باشند که با زمینه مدیریتی-اجرایی و ارتباط آن‌ها با سایر سوابق، تعامل (صحبت) کنند.

این مقاله پیشنهاد می‌کند که دستورالعمل‌های تدوین‌شده برای مدل VanMap می‌تواند برای مشکلات ثبت سوابق در سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ نیز به کار رود. VanMap به عنوان یک سیستم پویا که در یک بافت مدیریتی سنتی گنجانده شده بود، سیستم پویای نسبتاً ساده‌ای بود که حجم زیادی از داده‌های لحظه‌ای یا عوامل هوش مصنوعی را شامل نمی‌شد. مطالعه VanMap پیشنهاد می‌کند که دو لحظه در یک سیستم پویا بیشترین اهمیت را دارند:

۱. لحظات تغییر در ورودی داده‌ها: سوابق باید هم‌زمان با به‌روزرسانی داده‌های سیستم ایجاد شوند، به طوری که سیستم را به‌طور مداوم در طول زمان مستند کنند.

۲. لحظات تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات تولیدشده توسط سیستم: سوابق باید روابط خود را با اقداماتی که بر اساس اطلاعات‌شان انجام شده مستند کنند.

در سطح کلان و کلی، این دستورالعمل‌ها برای سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ همچنان مرتبط باقی می‌مانند؛ به‌ویژه در مواردی که حفظ تمام داده‌های سیستم ممکن است فشار تقاضای نامتناسبی بر ظرفیت‌های ذخیره‌سازی و پردازش یک سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ وارد کند؛

تقاضایی فراتر از آنچه شاید برای یک کاربرد خاص مناسب است. از آنجایی که پارامترهای دنیای واقعی توسط سنسورهای سیستم ثبت می‌شوند، داده‌های ثبت شده می‌توانند تاریخچه‌ای از ورودی‌های سیستم را فراهم کنند. ورودی‌های سیستم باید در ارتباط با اقدامات ناشی از آن‌ها ثبت شوند و عوامل مسئول آن‌ها را، چه انسانی و چه سیستم هوش مصنوعی، به دقت ردیابی کنند. همان‌طور که در بالا بحث شد، تجزیه سیستم‌های مسئول و ترکیب‌های عوامل انسانی و کامپیوتری به کوچک‌ترین اجزای ممکن برای اجتناب از ابهام در امر ردیابی عاملیت و مسئولیت، ضروری است. درک و ارائه داده‌های عملیاتی و واسطه‌ای که منجر به یک نتیجه شده‌اند، در مقام پارادیتای مرتبط با یک مجموعه داده خاص می‌تواند ارتباط متقابل بین مجموعه داده‌های تولیدشده توسط این سیستم‌ها را روشن کند و شفافیت این سیستم‌ها را برای نظارت عمومی افزایش دهد.

دستورالعمل‌های عمومی VanMap برای ایجاد سوابق ضروری ممکن است برای سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ در سطح خرد نیاز به به‌روزرسانی داشته باشند. در مواردی که حفظ سوابق انتخابی به‌جای حفظ کامل سوابق ضروری است، انتخاب به‌احتمال زیاد بر اساس دو معیار انجام می‌شود: اول، یک بسامد نمونه‌برداری منظم و حقیقی که نماینده ثبت سوابق است، آن هم متناسب با زمینه کاربردی سیستم. دوم، ثبت سوابق بر این مبنا که آیا براساس ورودی‌های داده‌شده، یک تصمیم معنادار، اتخاذ شده است یا خیر. هنگامی که اقدامات سیستم از یک آستانه مشخص که نشان‌دهنده حالت پایدار است فراتر رود، سوابق دقیق‌تری از ورودی‌های سیستم، فرایندها و اقدامات انجام‌شده در آن لحظه ممکن است تولید شود. با این حال، تصمیم به حفظ مسیر فعلی اقدام نیز می‌تواند یک تصمیم ارزشمند برای ثبت‌کردن و ضبط‌شدن باشد. در کاربردهای پویاتر با محدودیت‌های زمانی بیشتر (همان‌طور که در جدول ۲ توصیف شده است)، ممکن است نیاز باشد تا سوابق اضافی با نرخ نمونه‌برداری مناسب ایجاد شوند؛ صرف‌نظر از این موضوع که آیا سیستم در آن زمان عمل کرده یا مسیر خود را تغییر داده است. نرخ‌های نمونه‌برداری مناسب، ضرورتاً باید برابر با، یا کسری از نرخ نمونه‌برداری باشد که سیستم دنیای واقعی را حس یا اندازه‌گیری می‌کند. اعتبارسنجی خارجی به شکل فیلم‌برداری با دوربین، می‌تواند سوابق تولیدشده در داخل سیستم را تکمیل کند تا مستندسازی اضافی از رفتار سیستم در ارتباط با دنیای خارج فراهم شود. تصمیماتی که توسط خود سیستم گرفته شده‌اند، ممکن است به توضیح اضافی نیاز داشته باشند که این توضیحات، زیرسیستم‌ها یا عوامل دقیقی را که منجر به یک نتیجه خاص شده‌اند و در اصل زیربنای آن نتیجه بوده‌اند، بررسی کند و توضیح دهد. به این ترتیب، علاوه بر سوابق ورودی‌ها و تصمیمات گرفته‌شده توسط سیستم، نگه‌داشتن پارادیتای مورد استفاده منتج (منتهی به نتیجه) در داخل سیستم نیز ضروری است. در ارتباط با سوابق اقدامات سیستم، ورودی‌های سیستم و فرایندهای کنترلی آن، پارادیتای مرتبطی را تشکیل می‌دهند که باید به منظور نگهداشت وارد سابقه شوند.

این بررسی کلی و کلان، دسته‌بندی‌های ضروری مستندسازی برای سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ را تعیین می‌کند. بگذارید اکنون به بررسی پیامدهای این مدل برای چهار سیستم

RTAI که قبلاً بحث شد، پردازیم. دو مورد از این سیستم‌ها - وسیله نقلیه خودران و هدف‌گیری محتوا در رسانه‌های اجتماعی - سیستم‌های عملیاتی با خطرات نوظهور قابل توجه هستند. کاستی‌های تکنیک‌های ثبت سوابق در این موارد، خطراتی را که در زمینه‌های هوش مصنوعی بلادرنگ پدیدار می‌شوند و ممکن است گسترش یابند، تشدید می‌کند. دو سیستم باقی‌مانده - دوقلوی دیجیتال مانند نمونه سیستم مدیریت تأسیسات فرودگاه و ابزارهای واقعیت ترکیبی مورد استفاده در محیط‌های جراحی - در مقیاس‌های محدود عملیاتی هستند و توجه عمومی کمتری را جلب کرده‌اند. با این حال، پتانسیل ریسک و خطر در این محیط‌ها به دلیل خاصیت‌های بلادرنگ آن‌ها بالا رفته است که نیاز به ثبت سوابق آن‌ها را افزایش می‌دهد. سیستم‌های پیچیده هوش مصنوعی بلادرنگ در کاربردهای پرخطر، گسترش، بسط و توسعه خواهند یافت. به عنوان مثال، داده‌های لحظه‌ای از دستگاه‌های سلامتی و خودروها در برخی موارد در محاسبات نرخ خط‌مشی بیمه‌نامه‌ها ادغام شده‌اند که طرح‌های قیمت‌گذاری پویای بیمه بر اساس رفتار فردی را وعده می‌دهند (Sadowski, 2023). با ورود سیستم‌های پویا و بلادرنگ به اشتغال و کاربردهای گسترده‌تر، ایجاد مجموعه‌ای قوی از مفاهیم و هنجارها برای مستندسازی این سیستم‌ها می‌تواند مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری را در کاربردهای هوش مصنوعی بلادرنگ تشویق کند.

### ۳. نتایج

#### ۳.۱. وسایل نقلیه خودران

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، نیازهای مستندسازی خودروهای خودران در متون حرفه‌ای به خوبی مشخص شده است. افشاگری‌های اخیر تسلا<sup>۱۸</sup> در مورد تصادفات ناشی از اتومبیل‌های خودران آن‌ها، برخی از چالش‌های شفافیت در این حوزه را نشان می‌دهد. این بخش به بررسی استانداردها و سوابق نمونه اخیر در زمینه ثبت سوابق خودروهای خودران می‌پردازد و مفید بودن آن‌ها را در ارتباط با مدل مستندسازی مبتنی بر بازخورد که در بالا بحث شد و همچنین در رابطه با نمونه VanMap اینترپرس برای ایجاد سوابق در سیستم‌های پویا، ارزیابی می‌کند.

استاندارد IEEE ۱۶۱۶,۱ که در ژوئن ۲۰۲۳ منتشر شد، یک استاندارد مستقل از حوزه قضایی را ارائه می‌دهد که مستندسازی لازم برای یک خودروی خودران را که تحت سطح ۳ SAE (اتوماسیون مشروط) تا سطح ۵ (اتوماسیون کامل) کار می‌کند، تجویز می‌کند. تحت IEEE ۱۶۱۶,۱، یک سیستم ذخیره‌سازی داده‌ها برای رانندگی خودکار (DSSAD) مستنداتی از عملکرد خودروی خودران را به صورت یک سری رویدادهای مجزا تولید می‌کند که هرکدام بر اساس فهرستی از نقاط ماشه (نقطه تحریک) از پیش تعریف شده که نشان‌دهنده ضرورت مستندسازی است، ثبت می‌شوند. داده‌ها بر اساس اولین ورودی، اولین خروجی بازنویسی می‌شوند و قوانین محلی، دوره‌های نگهداری را تعیین می‌کنند (بخش ۸,۳). این سیستم عمدتاً بر تمایز بین اقدامات سیستم و کنترل‌کننده انسانی تمرکز دارد و لحظاتی را ثبت می‌کند که کنترل بین انسان و سیستم

خودمختار منتقل می‌شود. برای هر لحظه مستندسازی شده، «رویدادهای DSSAD باید دارای برجسب زمانی باشند... [تا] مشخص شود که آیا راننده یا سیستم در هر لحظه در سه ماه گذشته کنترل را در دست داشته است» (IEEE, 2023). بخش ۸، ۱ استاندارد، الزامات عملکردی را برای تعریف دسته‌های رویداد که حداقل لازم مستندسازی برای خودروهای خودران را تشکیل می‌دهند، فهرست می‌کند. این موارد شامل لحظات فعال‌سازی و غیرفعال‌سازی سیستم خودکار و دلایلی که سیستم کنترل را به راننده انسانی منتقل می‌کند، می‌شود. دسته‌های اضافی شامل شروع و پایان مانورهای اضطراری، تصادفات تشخیص داده‌شده، خرابی‌های اجزای خودرو و لحظاتی که ضبط‌کننده داده‌های رویدادی خودرو (متمايز از DSSAD) فعال شده است، می‌شود (IEEE, 2023). با این حال تحت این استاندارد، اقدامات خاص رانندگان انسانی ثبت نمی‌شود، مگر لحظاتی که راننده انسانی کنترل را از دست سیستم خودکار می‌گیرد. در عوض، استاندارد اجازه می‌دهد فناوری‌های موجود ضبط‌کننده داده‌های رویدادی، اطلاعات لازم برای عملکرد خودرو درحالی که تحت کنترل انسان است را ثبت کنند. علاوه بر این، استاندارد مورد بحث تنها مستندسازی علت تقریبی و نزدیک یک رخداد را تجویز می‌کند؛ اما فرایندهای زیربنایی که ممکن است منجر به آن‌ها شوند را ثبت نمی‌کند (به ۸، ۲ b) مراجعه کنید. همچنین استاندارد مذکور حفظ ویدئوهای تولیدشده یا استفاده شده توسط سیستم را تجویز یا توصیه نمی‌کند. فیلم برداری یا ویدئوهای عملیاتی و قابل استفاده، نگرانی‌های جدی در مورد حریم خصوصی ایجاد می‌کنند، این درعین حالی است که به همان میزان، امکان بازسازی کامل رفتار خودروهای خودران را هم فراهم می‌کنند (Bohm et al., 2020). صرف نظر از این نگرانی‌های حریم خصوصی، تقاضای مصرف‌کنندگان ممکن است ضبط ویدئویی خودروهای خودران و محیط اطراف آن‌ها را به یک استاندارد بالفعل خودرو، حتی بدون الزام قانونی یا صنعتی، تبدیل کند (Eski & Schuilenburg, 2022).

فراتر از استانداردهای موجود، بررسی‌های عمومی فعلی در مورد ایمنی سیستم‌های اتومبیل‌های خودران، سوابق لازم برای بازسازی عملیات یک وسیله نقلیه خودران را نشان می‌دهد. یک نمونه، تحقیقات جاری اداره ملی ایمنی ترافیک بزرگراه‌های آمریکا (NHTSA) در مورد توانایی‌های اتوپایلوت تسلا، برای عکس‌العمل نسبت به آژیر خودروهای امدادی (یا خودروهای واکنش اضطراری)<sup>۱۹</sup> در شب است. اسناد عمومی درخواست‌های دقیق NHTSA از تسلا برای سوابق هر حادثه مورد نظر را نشان می‌دهد؛ مانند IEEE ۱۶۱۶، درخواست‌ها بر لحظاتی تمرکز دارند که کنترل خودرو بین سیستم خودکار و راننده انسانی ردوبدل می‌شود. یک نامه در سال ۲۰۲۲ درخواست مستنداتی را می‌کند که ممکن است «نقش دوربین کابین، بر اجرا و تحقق هوشیاری در تعامل راننده و شیوه‌ای که ورودی‌های آن در عملکرد سیستم مورد نظر لحاظ می‌شوند (در نظر گرفته می‌شوند) را توصیف کند» و این همه، در کنار اطلاعات تکمیلی در مورد «توضیحات مهندسی و ایمنی، همراه با شواهد مربوط به تصمیمات طراحی در رابطه با چگونگی تضمین و اجرای مشارکت یا تعامل / هوشیاری راننده در حین کارکرد سیستم مورد بحث» (Ridella, 2022).

۱۹. «Emergency response vehicle». به معنای خودروی واکنش اضطراری یا وسیله نقلیه امدادی است. این اصطلاح به انواع خودروهایی اشاره دارد که برای پاسخگویی سریع به شرایط اضطراری و بحرانی استفاده می‌شوند (مترجمان).

اولین درخواست NHTSA برای اطلاعات، به طور مفصل تر مستندات مورد نیاز را شرح می دهد. این نامه درخواست مستندات شامل اطلاعات نسخه بندی خاص خودرو، بازسازی رفتار خودرو در حوادث مورد نظر، اقدامات راننده و اتوپایلوت، مستندات تصویری یا عکس از تصادف (در صورت وجود)، هشدارهای سیستم اتوپایلوت به راننده در مورد تصادف قریب الوقوع یا انتقال کنترل، بازسازی های «زمانی که انتظار می رود سیستم خودروهایی که با آن ها تصادف کرده اند را تشخیص دهد» و لاگ یا گزارشی از ورودی های سنسورها که ممکن است توانسته باشند به جلوگیری از حادثه کمک کنند (Ridella, 2021). در مورد اطلاعات نسخه بندی، به (Topeka, 2023) مراجعه کنید. درخواست از سازنده برای نگهداری سوابق عملکرد خودروی کاربر، یک تحول جدید را نشان می دهد و با توجه به اینکه قوانین فعلی و جاری آمریکا، مالک خودرو را مالک داده های تولید شده توسط ضبط کننده داده های رویدادی آن خودرو می داند (Driver Privacy Act, 2015)، واضح است که خودروهای خودران بار ثبوت سوابق بیشتری را برای سازندگان خود ایجاد می کنند.

مشابه سابقه ای که در مطالعه VanMap اینترپرس بحث شد، هم استاندارد IEEE 1616، 1 و هم NHTSA، اقدامات و پارادیتایی را که اساس اقدامات را تشکیل می دهند، به عنوان بلوک های ساختاری ضروری برای مستندسازی خودروهای خودران شناسایی می کنند. اگرچه یک خودروی خودران ممکن است در یک حالت پویای مداوم عمل کند، سوابق باید به لحظات مجزای فعالیت تقسیم شوند. جدول های زیر، اجزای ذکر شده در استاندارد IEEE 1616، 1 و درخواست های اطلاعاتی NHTSA را که مربوط به ملزومات سوابق وسایل نقلیه خودران و سایر سیستم ها است، با استفاده از مدل مفهومی سیستم مبتنی بر بازخورد قبلی نگاشت می کند. سوابق به دو دسته گسترده تر تقسیم می شوند:

۱. سوابق خط مشی (جدول ۳): که به طور کلی به سیستم و سازنده مربوط می شوند.

۲. سوابق عملیاتی (جدول ۴): که به یک نمونه خاص از سیستم - یعنی به عملکرد یک خودروی خاص - مربوط می شوند.

تقسیم بندی بین سوابق خط مشی و عملیاتی که توسط آرشیداری به نام شلنبرگ<sup>۲۰</sup> ارائه شده است، تقریباً با تقسیم بندی در حوزه XAI که بین توضیحات جهانی و محلی هوش مصنوعی انجام شد، مطابقت دارد (Schellenberg, 1996; Phillips et al., 2021). مورد اول در هر مورد، مستندات را توصیف می کند که به کل یک سیستم مربوط می شود؛ در حالی که مورد دوم مستندات را توصیف می کند که جزئیات عملکرد آن در یک زمینه خاص را شرح می دهد. در زیرمجموعه سوابق عملیاتی، ما دسته های عملکردی متناظر با عناصر سیستم بلادرنگ از جمله ورودی های سنسور، کنترل کننده، فعالگرها و اثرات را ایجاد می کنیم. جدول های ۳ و ۴ را به منظور خلاصه کردن دسته بندی های مستندسازی، ضروری در راستای به دست آوردن یک سابقه کامل از اقدامات خودروی خودران یا سایر سیستم های هوش مصنوعی بلادرنگ، ارائه می دهیم. اگر سیستم های بلادرنگ بر اساس چرخه بازخورد بین سنسور، کنترل کننده، فعالگر و اثر عمل می کنند، پس سوابق عملیاتی نیز

باید هر یک از این مراحل را مستند کنند. از آنجاکه داده‌ها به صورت بلادرنگ (لحظه‌ای) تولید و نیز بر اساس آن‌ها عمل می‌شود، سیستم نیز باید پارادیتای استفاده شده منتهی به تصمیمات و اقدامات خود را در لحظه و به شکل بلادرنگ حفظ کند.

### ۲.۳. هدف‌گذاری محتوا در رسانه‌های اجتماعی

ما سیستم‌های هدف‌گیری محتوا در رسانه‌های اجتماعی را به عنوان سیستم‌های خودمختار نیمه‌محدود به زمان توصیف می‌کنیم که در نسبت با «سیستم‌های بلادرنگ سخت» با محدودیت‌های زمانی کاهش یافته‌ای عمل می‌کنند؛ اما همین سیستم‌ها در واقع پس از تعیین پارامترهای عملیاتی، با خودمختاری کامل عمل می‌کنند. پس از انتخاب مواد تبلیغاتی توسط پلتفرم، سیستم در هدف‌گیری کاربران خاص کاملاً به‌طور خودکار عمل می‌کند.

اگرچه این سیستم به اندازه یک خودروی خودران محدودیت زمانی ندارد، اما عدم انتخاب محتوای مناسب در زمان مناسب، کارایی سیستم را کاهش می‌دهد و آن را به یک سیستم نیمه‌محدود به زمان تبدیل می‌کند. تفاوت دیگر بین این سیستم و خودروی خودران آن است که فعالگرهای آن مستقیماً تغییری را که هدف سیستم است، ایجاد نمی‌کنند. پلتفرم تنها می‌تواند تبلیغاتی را که کاربران در معرض آن قرار می‌گیرند تغییر دهد؛ اما هدف سیستم - یعنی تغییر

| برای هر سیستم، این سوابق چه مواردی را می‌تواند شامل شود؟ (توجه: این لیست جامع نیست)  |  |   |   | این مستندسازی باید به چه سؤالی پاسخ دهد؟   | چه چیزی مستند شده است؟           |
|--|--|---|---|--|----------------------------------|
| دوفلوی دیجیتال (مدیریت تأسیسات فرودگاه YVR)  | دستگاه‌های کمک جراحی واقعیت ترکیبی   | سیستم‌های هدف‌گذاری محتوا در رسانه‌های اجتماعی  | وسیله نقلیه خودران  | آیا خود سیستم می‌تواند در تکرارهای نسخه‌های مختلف سخت‌افزار و نرم‌افزار در هر نسل حفظ شود؟ | خود سیستم                        |
| حفظ خود سیستم؛ اگر امکان پذیر نباشد، حفظ مجموعه‌های داده آموزشی و زیرمؤلفه‌های کلیدی سیستم، ابزاری برای شبیه‌سازی سیستم. نگهداری شده توسط سازنده در صورت آماده بودن برای مصرف [از پیش ساخته و در دسترس]. | حفظ خود سیستم؛ اگر امکان پذیر نباشد، حفظ مجموعه‌های داده آموزشی و زیرمؤلفه‌های کلیدی سیستم، ابزاری برای شبیه‌سازی سیستم. نگهداری می‌شود. | حفظ مستندات همراه سیستم، درخت‌های تصمیم‌گیری یا الگوریتم‌های هدف‌گذاری جمعیت‌شناختی؛ اگر امکان پذیر نباشد، حفظ مجموعه‌های داده آموزشی و زیرمؤلفه‌های کلیدی سیستم، ابزاری برای شبیه‌سازی سیستم. حفظ تبلیغات و ترکیب‌های جمعیتی مشخص شده و هدف برای هر کدام، توسط مالک پلتفرم نگهداری می‌شود. | حفظ خود سیستم؛ اگر امکان پذیر نباشد، حفظ مجموعه‌های داده آموزشی و زیرمؤلفه‌های کلیدی سیستم، ابزاری برای طرح‌ها و نقشه‌های سخت‌افزاری. توسط سازنده نگهداری می‌شود. |  |                                  |
| سوابق سازمانی مستندسازی پیاده‌سازی و فرایندهای خودارزیابی.   | سوابق سازمانی مستندسازی پیاده‌سازی و فرایندهای خودارزیابی.   | سوابق سازمانی برای مستندسازی قراردادها با تبلیغ‌کنندگان و فرایندهای خودارزیابی، توسط مالک پلتفرم نگهداری می‌شود.  | سوابق سازمانی برای مستندسازی فرایندهای خودارزیابی؛ تاریخچه گسترده‌تر فروش مدل‌های وسایل نقلیه.  | سازنده چه سیاست‌هایی را برای اطمینان از پیاده‌سازی مسئولانه و انطباق قانونی وضع کرده است؟  | نظارت یا حاکمیت و اطلاعات انطباق |

■ جدول ۳. الزامات عملکردی برای سوابق خط‌مشی سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ

| برای هر سیستم، این سوابق چه مواردی را می‌تواند شامل شود؟ (توجه: این لیست جامع نیست)  |  |   |   | این مستندسازی باید به چه سوالی پاسخ دهد؟  | چه چیزی مستند شده است؟ |
|--|--|---|---|---|------------------------|
| دستگاه‌های کمک جراحی واقعیت ترکیبی   | سیستم‌های هدف‌گذاری محتوا در رسانه‌های اجتماعی   | وسیله نقلیه خودران  | سیستم‌های هدف‌گذاری محتوا در رسانه‌های اجتماعی  |   |                        |
| دوقلوی دیجیتال (مدیریت تأسیسات فرودگاه YVR)  | تصاویر زنده دوربین، داده‌های حسگر (شمارنده عابر پیاده، ترافیک وسیله نقلیه، داده‌های هواشناسی، داده‌های نگهداری و زیرساخت)  | ثابت لاگ (گزارش) تبلیغات نمایش داده‌شده به کاربر و لاگ تعامل کاربر با سیستم در حین هر جلسه استفاده (استفاده از موس و رفتار اسکرول یا پیمایش).   | ثابت لاگ (گزارش) داده‌های حسگر (سرعت سنخ، داده‌های GPS، دماسنج‌ها، مکانیسم‌های فرمان و غیره)، فیلم دوربین مورد استفاده برای سیستم‌های بینایی کامپیوتری  | سیستم به چه ورودی‌هایی از دنیای واقعی پاسخ می‌داد؟  | ورودی حسگر             |
| ثابت لاگ تصمیمات تولید شده توسط سیستم؛ پارادیم‌های فرایند‌های واسطه منجر به تصمیم‌گیری؛ توضیحات پس از واقعه هوش مصنوعی از این فرایند‌ها؛ سوابق پیشرفت نمایه الگوریتمی کاربر که بر اساس آن تصمیمات گرفته می‌شود؛ سوابق تبلیغات موجود در یک زمان مشخص. | عکس برداری از صفحه تفسیرهای بلادرنگ ارائه شده توسط سیستم بینایی کامپیوتری؛ پارادیم‌های واسطه منجر به تصمیم‌گیری؛ توضیحات پس از واقعه هوش مصنوعی از این فرایند‌ها.    | ثابت لاگ انتخاب‌های تبلیغات برای نمایش؛ پارادیم‌های فرایند‌های واسطه منجر به تصمیم‌گیری؛ توضیحات پس از واقعه هوش مصنوعی از این فرایند‌ها؛ سوابق پیشرفت نمایه الگوریتمی کاربر که بر اساس آن تصمیمات گرفته می‌شود؛ سوابق تبلیغات موجود در یک زمان مشخص. | ثابت لاگ دستورات کنترل؛ تنظیمات مربوطه سیستم کنترل؛ پارادیم‌های واسطه منجر به تصمیم‌گیری؛ توضیحات پس از واقعه هوش مصنوعی از این فرایند‌ها؛ لاگ و اعلان‌های هشدار و اعلان‌های تحویل کنترل            | سیستم چه دستورات کنترلی صادر می‌کند؟ این تصمیمات چگونه تولید می‌شوند؟                             | کنترل‌کننده            |
| دستورات و اعلان‌های صادر شده به کنترل‌کننده‌های انسانی؛ رهنمودهای (دستورالعمل‌ها) کنترل ترافیک صادر شده.   | جراح کنترل کامل را حفظ می‌کند و دنیای واقعی، به علاوه تفسیر AR را ارزیابی می‌کند؛ فیلم‌های دوربین اضافه بر سازمان و سوابق نوشتاری ممکن است اقدامات آن‌ها را ثبت کند. | ثابت لاگ تصمیمات تبلیغاتی سیستم و نمایش محتوا (محتوای جهت نمایش).   | ثابت لاگ اقدامات کنترلی انسانی؛ ثبت اقدامات کنترلی سیستم خودکار در حین اجرا (یعنی عملکرد واقعی، همان‌طور که اجرا شده)؛ ثبت لاگ پیام‌های ارسال شده از سیستم به کنترل‌کننده انسانی و اشخاص ثالث خارجی | چه مکانیسم‌هایی برای اجرای تصمیمات کنترلی استفاده می‌شود؟   | فعالگرها               |
| تغییرات در الگوهای ترافیک و عبور و مرور (عابران پیاده، وسایل نقلیه زمینی، هواپیماها)، اقدامات امنیتی با تعمیر و نگهداری. ثبت شده از طریق ورودی‌های حسگر و به وسیله دوربین  | پیامدهای اقدامات جراح قابل مشاهده توسط جراح و ضبط شده توسط دوربین. ارزیابی‌های مربوط به پیگیری اضافی با بیمار نیز ممکن است مستند شود.                                | ممکن است سیستم بر رفتار کاربر هنگام استفاده از پلتفرم تأثیر بگذارد. سیستم ممکن است فقط تغییرات را از طریق داده‌های ثبت شده توسط حسگرها اندازه‌گیری کند؛ ضبط صفحه تجربه کاربر را ثبت می‌کند.   | ثابت لاگ داده‌های حسگر؛ فیلم دوربین   | در دنیای واقعی چه تغییراتی توسط سیستم ایجاد می‌شود؟ سیستم تحت چه شرایط دنیای واقعی فعالیت می‌کرد؟ | اثرات                  |

■ جدول ۴. دسته‌بندی‌های عملکردی برای سوابق عملیاتی جاری و مستمر در سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ

رفتار مصرف‌کننده یا رأی دهنده - از طریق یک حلقه مبتنی بر بازخورد محدودتر بر اساس فعالیت کاربر در پلتفرم انجام می‌شود.

کاربران ممکن است به روش‌های خاصی با یک مورد مشخص تعامل داشته باشند یا نداشته باشند. این و کل پروفایل داده‌ها مبنای تبلیغاتی می‌شود که در آینده در پلتفرم نمایش داده خواهد شد. هدف سیستم چنین فرضی است که اثرات این نمایش تبلیغات - که دقت فزاینده‌ای دارد - ممکن است رفتار افراد در دنیای خارج از محدوده‌های سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. حتی اگر این تغییر رفتاری به دست آید، نمی‌توان آن را در محدوده حلقه بازخورد اصلی حاکم بر سیستم اندازه‌گیری کرد. سیستم، درست مانند سوژه‌های شرطی‌سازی تغییر رفتار در فیلم «پرتقال کوکی»، واکنش‌های شرکت‌کنندگان به محرک‌های ارائه‌شده توسط خود سیستم را، آن هم با هدف تغییر رفتار فراتر از محدودیت‌های آن اندازه‌گیری می‌کند. اگرچه بدین ترتیب سیستم با خودروی خودران متفاوت است، همان دسته‌بندی‌های عملکردی شناسایی‌شده در نمودار بالا ممکن است ملزومات سوابق سیستم را توصیف کند. در واقع، به دنبال واکنش به رسوایی کمبریج آنالیتیکا، فیسبوک/میتا تغییراتی را برای مستندسازی شیوه‌های تبلیغاتی خود اجرا کرد. این تغییرات مشتمل است بر کتابخانه تبلیغات متا که در بالا بحث شد و توضیحات پایه و اولیه، برای تبلیغات هدفمند فردی که کاربران با آن مواجه می‌شوند.

اگرچه امتیازات داده‌شده توسط فیسبوک/میتا نسبت به وضعیت قبل از رسوایی کمبریج آنالیتیکا شفافیت بیشتری ارائه می‌دهد، اما جزئیات مستندات موجود همچنان ناکافی است. همان‌طور که منتقدان اشاره کرده‌اند، سیستم عمدتاً غیرشفاف است و بینش کمی درباره فرایندهای واقعی تکنیک میکروتارگتینگ (هدف‌گذاری خرد) تبلیغاتی که زیربنای تأثیر ضمنی سیستم را تشکیل می‌دهند، ارائه می‌دهد. کتابخانه تبلیغات، اطلاعات کمی درباره روابط بین تبلیغات و فرایندهای استفاده شده برای هدف‌گیری کاربران ارائه می‌دهد و به این ترتیب، نگرانی‌های مربوط به تأثیر این پلتفرم بر لیبرال دموکراسی را کاهش نمی‌دهد (Leerssen et al., 2021). دامت<sup>۲۱</sup> استدلال می‌کند که شفافیت در مورد پرونده کمبریج آنالیتیکا مستندسازی منابع تبلیغات، امور مالی، استفاده از داده‌های کاربر و فرایندهای هدف‌گیری را که همه به صورت قابل دسترسی منتقل می‌شوند، الزامی می‌کند (Dommett, 2020). مانند سایر سیستم‌های بلادرنگ توصیف‌شده در این مقاله، فناوری‌های اختصاصی و اسرار تجاری محافظت‌شده، مانع از دسترسی کامل به سوابق مطابق با منافع عمومی می‌شوند (Bailey et al., 2016; Hersh & Schaffner, 2013; Lepore, 2020; Nickerson & Rogers, 2014). در حالی که مقیاس عظیم سیستم تبلیغاتی فیسبوک/میتا نیازمند مجموعه‌ای (متمم) کامل از سوابق سیاستی برای مستندسازی عملکرد آن در مقیاس بزرگ است، در سطح تجربه کاربر فردی، فید محتوای بلادرنگ با استفاده از مدل‌های آماری پیچیده، اطلاعات جمعیت‌شناختی و پروفایل‌های سلیقه کاربر که بر اساس رفتار فردی کاربر در طول زمان توسعه یافته‌اند، برای پیش‌بینی تبلیغاتی که «کاربران ممکن است به آن پاسخ دهند»، تولید می‌شود. ارزیابی ملزومات مستندسازی سیستم از نظر ورودی‌های سنسور، کنترل‌کننده، فعالگر و اثر یک گزارش کامل از اطلاعات لازم برای درک سیستم در سطح فردی و عملیاتی را ارائه می‌دهد. در حالی که

21. Dommett

مستندسازی جهانی می‌تواند درک سطح بالایی از سیستم را ارائه دهد، در سطح عملیاتی، سوابق لازم مربوط به ورودی‌های سنسور، کنترل‌کننده، فعالگرها و اثرات سیستم هستند که در جدول ۳ و ۴ فهرست شده‌اند.

### ۳.۳. دستگاه‌های کمک جراحی واقعیت ترکیبی

درحالی‌که به ترتیب مطالب زیادی در مورد مستندسازی خودروهای خودران و رسوایی کمبریج آنالیتیکا/فیسبک نوشته شده است، استفاده از ابزارهای واقعیت ترکیبی در مراقبت‌های بهداشتی به چنین جنجال عمومی تبدیل نشده است. با این حال ما معتقدیم که خطرات مشابهی از این ابزارها به‌عنوان سیستم‌های بلادرنگ که در یک کاربرد پرخطر ادغام شده‌اند، پدیدار می‌شوند. اخلاق حرفه‌ای قوی موجود و هنجارهای ثبت سوابق ممکن است این خطرات را در این مثال کاهش دهد. علاوه بر این، استفاده‌های فعلی از ابزارهای واقعیت افزوده در زمینه‌های مراقبت بهداشتی و جراحی، به‌جای این‌که چنین اختیاری را به ابزارهای هوش مصنوعی واگذار کند، عاملیت و ظرفیت‌های اجرایی را در دستان متخصصان پزشکی نگه می‌دارد. به‌عنوان سیستم‌های کنترل‌شده محدود به زمان، سیستم واقعیت ترکیبی، اطلاعات را بلادرنگ پردازش و ارائه می‌کند که به‌عنوان پایه‌ی تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. اگرچه در این مثال تصمیمات همچنان توسط انسان‌ها گرفته می‌شوند، اما اساس این تصمیمات هم تخصص جراح و هم فرایندهای تفسیر پیچیده ابزار واقعیت ترکیبی است. اگر بگوییم که هم اقدامات و هم اساس یک اقدام باید ثبت بشود، حفظ سوابق ورودی‌های سنسور، کنترل‌کننده، اقدامات جراح و اثرات آن‌ها ضروری خواهد بود. جدول‌های ۳ و ۴ ملزومات سوابق در استفاده از ابزار واقعیت ترکیبی در یک فرایند جراحی را فهرست می‌کنند. این نمودارها عوامل دیگری غیر از ابزار AR که ممکن است اساس تصمیم‌گیری جراح باشد را شامل نمی‌شوند که درواقع خارج از محدوده این مقاله است؛ در عوض، در اینجا مجموعه سوابق احتمالاً شامل پارادیتاها از جمله تصاویر دوربین خوانده‌شده توسط سیستم بینایی کامپیوتر، هرگونه داده پردازش واسطه‌ای یا تفسیرهای تعقیبی (پس‌ازآن) موجود است که بینش درمورد خروجی‌های سیستم و همچنین خود آن خروجی‌ها را ارائه می‌دهد. با توسعه فناوری هوش مصنوعی، می‌توانیم انتظار ظهور و کاربرد ابزارهای نیمه خودمختار و کاملاً خودمختار در زمینه‌های پزشکی پرمخاطره و مهم را داشته باشیم؛ بنابراین، توسعه ظرفیت برخورد با سوابق فنی پیچیده تولیدشده توسط ابزارهای هوش مصنوعی در پاسخ به پیشرفت‌های اولیه، ممکن است از مشکلات طولانی‌مدت جلوگیری کند که این از آنجایی است که فناوری‌های پزشکی و هوش مصنوعی در زمینه‌های مراقبت‌های بهداشتی بلادرنگ گسترش می‌یابند.

### ۴.۳. دولوهای دیجیتال در مدیریت تأسیسات و زمینه‌های نظارت یا حکمرانی

باتوجه به تنوع بسیار زیاد سیستم‌های دولوی دیجیتال، تدوین یک لیست جهانی و تجویزی

از ملزومات سوابق عملیاتی آن‌ها در زمینه‌های مختلف امکان‌پذیر نیست؛ در عوض، در اینجا به مثال خاص فرودگاه YVR ونکوور به عنوان یک سیستم دوقلوی دیجیتال که در نقش‌های مدیریت امکانات و تأسیسات پیچیده‌تر و با حساسیت بالاتری اجرا می‌شود، می‌پردازیم. همان‌طور که در یک بیانیه مطبوعاتی از YVR و Unity (توسعه‌دهندگان سیستم) ذکر شد، این سیستم «سنسورها، داده‌های تاریخی و بلادرنگ را... [برای فعال کردن] تصمیم‌گیری مبتنی بر داده‌ها و همکاری، در پلتفرم ادغام می‌کند». همان‌طور که قابل‌تصور است، دوقلوی دیجیتال به محیط تصمیم‌گیری YVR پیچیدگی اضافه می‌کند. در برخی موارد، دوقلوی دیجیتال ممکن است توصیه‌هایی را به آن دسته از انسان‌ها که مسئولیت تصمیم‌گیری را حفظ می‌کنند، ارائه دهد؛ درحالی‌که در موارد دیگر، سیستم‌ها ممکن است به صورت مستقلانه تغییراتی را ایجاد کنند. به عنوان مثال، YVR خاطرنشان می‌کند که «در طول اوج فصل سفرهای تابستانی ۲۰۲۲، تیم تجربه مهمان YVR از دوقلوی دیجیتال برای کاهش ازدحام مسافران در ایست‌های بازرسی استفاده کرد» (Vancouver Airport Author, 2023). با مدل‌سازی و پیش‌بینی رفتار جمعیت در داخل فرودگاه، دوقلوی دیجیتال ظرفیت پذیرش یا توان عملیاتی مسافران را در گلوگاه‌هایی مانند ایست‌های بازرسی افزایش می‌دهد. در این مثال، تغییرات پیشنهادی توسط کنترل‌کننده سیستم ممکن است مستقیماً از طریق فعال‌گرها یا محرک‌هایی مانند تغییر نمادهای نمایش داده‌شده بر تابلوهای الکترونیکی اجرا شود. تغییرات همچنین ممکن است به طور غیرمستقیم از طریق عوامل انسانی مسئول جابه‌جایی فیزیکی خطوط نواری صف‌ها و هدایت مسافران اجرا شود. این عوامل ممکن است در صورت لزوم، مسئولیت و ظرفیت متفاوتی برای لغو و بازتعریف دستورالعمل‌های کنترل‌کننده سیستم داشته باشند؛ بنابراین سیستم به عنوان یک سیستم نیمه‌خودمختار محدود به زمان درک می‌شود که عامل‌های انسانی و سیستم را در طول عملکرد خود درهم می‌آمیزد. برای به حداقل رساندن مشکل عاملیت ترکیبی، که در آن مسئولیت را نمی‌توان به سمت کنترل‌کننده‌های انسانی یا ابزارهای هوش مصنوعی ردیابی کرد، وجود سوابق واضحی از فرایندهای سیستم که منتهی به تصمیمات آن می‌شوند و اقدامات انجام‌شده (یا نشده) بر اساس آن‌ها ضروری است. با مؤثرتر و قابل‌اعتمادتر شدن سیستم دوقلوی دیجیتال فرودگاه، می‌توان انتظار داشت که دامنه کاربردهای آن به کاربردهای حساس‌تر گسترش یابد. سایر کاربردهای ممکن احتمالاً شامل استفاده برای ایجاد هشدارهای امنیتی، مشاهده وضعیت کارهای تعمیراتی و نگهداری به صورت بلادرنگ، هدایت ترافیک هوایی و زمینی در فرودگاه یا شبیه‌سازی نتایج برنامه‌های آمادگی اضطراری باشد (Botin-Sanabria et al., 2022; Uni-ty Technologies, 2023). با ادغام دوقلوی دیجیتال در عملیات روزمره تأسیسات، نیاز به شیوه‌ای از حفظ سوابق که نشان‌دهنده اجرای مسئولانه و عملکرد سیستم در یک محیط پیچیده باشد نیز افزایش خواهد یافت. می‌توان گفت که دوقلوی دیجیتال پیچیده‌ترین سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ مورد بحث در این مقاله است. نمودار ارائه‌شده، لحظات کلیدی در پیاده‌سازی و استفاده از سیستم را در جهت مستندسازی مشخص می‌کند. حتی بیشتر از مثال وسیله نقلیه خودمختار،



دوقلوی دیجیتال همان‌طور که در مثال YVR توضیح داده شده است، یک سیستم پیچیده از زیرسیستم‌ها است. این سیستم از مجموعه‌ای از سنسورهای اختصاصی و سیستم‌های بینایی کامپیوتری، برای استخراج اندازه‌گیری‌های منطبق با واقعیت (جهان واقعی) از دنیای واقعی و یک سیستم مدل‌سازی دیجیتال پیچیده برای تولید دستورالعمل‌ها، استفاده می‌کند. هر زیرسیستم ممکن است به یک تحلیل دقیق‌تر از آنچه در اینجا قابل‌دستیابی است نیاز داشته باشد؛ اما به‌عنوان یک نقطه شروع، ما مدل مفهومی ارائه شده در جدول‌های ۳ و ۴ را برای درک نیازهای سوابق سیستم (یا همان ملزومات سوابق) ارائه می‌کنیم. مقیاس و ماهیت سیستم‌های دوقلوی دیجیتال در زمینه‌های کاربردی مختلف، متفاوت خواهد بود. باین‌حال، هر سیستم را می‌توان بر اساس سنسورها، کنترل‌کننده‌ها و محرک‌ها یا همان فعالگرها درک کرد و دیگر آن‌که، هر سیستم به حفظ سوابق و پارادیتای توضیح‌گر مرتبط با لحظات کلیدی اقدام یا عمل، نیاز خواهد داشت.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

با جایگزینی جریان داده‌ها با سوابق ثابت در زمینه‌های مختلف، «آرشیوداران باید سوابق و در نتیجه آن، مکانیسم نگهداری آنها را برای تمایز بین سوابق ضروری و باقیمانده، بازتعریف کنند» (Jeurgens, 2017). سیستم‌های پویا و بلادرنگ توصیف‌شده در این مقاله، حجم عظیمی از داده‌ها را پردازش می‌کنند و مشکلات پیچیده‌ای را برای آرشیوداران ایجاد می‌کنند. انتخاب حداقل داده‌های لازم برای حفظ، وظیفه‌ای دشوار است و حجم قابل‌توجهی را برای نگهداری باقی می‌گذارد. در کاربردهای حیاتی، «برش آرشیوی»<sup>۲۲</sup> یا همچنان حجم عظیمی از داده‌ها را ارائه می‌دهد، همان‌طور که در درخواست‌های خاص سوابق از تسلا توسط NHTSA پیشنهاد شده است (Ridella, 2022; Ridella, 2021) (Owens, 2018). در کاربردهای بلادرنگ، به دلیل افزایش تقاضا در ذخیره‌سازی و قدرت پردازش، امکانات نگهداری سوابق ممکن است به‌سختی قابل‌بازسازی و بهسازی باشند. به همین دلیل، امکانات ایجاد و نگهداری سوابق برای سیستم‌های بلادرنگ در محیط‌های پرخطر باید در مراحل اولیه توسعه سیستم گنجانده شود. سیستم‌های بلادرنگ داده‌ها را ایجاد و استفاده می‌کنند و می‌توانند ظرفیت‌های حفظ سوابق را در خود داشته باشند. باین‌حال، آرشیوداران باید دایره‌واژگان لازم در راستای بیان ملزومات سوابق برای سیستم‌های بلادرنگ را توسعه دهند. یک مطالعه درحال انجام از سوی اینترپرس که در اتاوی کانادا مستقر است، متخصصان اطلاعات را با تیم مهندسان مسئول اجرای یک سیستم دوقلوی دیجیتال مختص به اطلاعات ساختمان در پردیس دانشگاه کارلتون هماهنگ می‌کند. همان‌طور که در این مطالعه آمده است، «مجموعه اطلاعات یا شواهد مرتبط با هم برای حفظ طولانی‌مدت» باید از مرحله طراحی سیستم در نظر گرفته شود (Frontoni et al., 2022). کارهای تجربی دیگر مانند این پروژه نیز باید استراتژی‌های عملی جهت اجرای استراتژی‌های نگهداری برای سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ مورد استفاده در زمینه‌های پاسخگو، توسعه دهند. اگرچه این مقاله چهار مطالعه موردی را به‌صورت کلی ارائه کرده است، باید اذعان کنیم که مقاله ما تنها یک

۲۲ archival sliver. در این مقاله، منظور حداقل حجم داده‌های ضروری است که از مجموعه بزرگ داده‌های تولیدشده توسط سیستم‌های پویا، برای اهداف متوجه نگهداری و آرشیو انتخاب می‌شوند؛ ریزه آرشیوی؛ تکه باریک آرشیوی (مترجمان).

گام اولیه در این جهت است. این مقاله پیشنهاد می‌کند که لحظاتی که در آن تصمیم‌گیری‌ها انجام می‌شوند، برای مقوله حفظ سوابق، حیاتی هستند و اینکه اساس یک عمل، خود عمل، و نتایج فوری آن باید در سیستم‌های بلادرنگ ثبت شوند. یک چالش پیچیده نوظهور در نگهداری سوابق برای سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ، آشکال جدید اطلاعاتی است که باید ثبت شوند. همان‌طور که به سبب احتمال مقرراتی مانند مقررات اتحادیه اروپا مبنی بر الزام حفظ شواهد فرایندهای واسطه‌ای در آنچه در اینجا پارادیتا نامیده می‌شود، مطرح می‌شود، حفظ سوابق خروجی‌های سیستم ممکن است به تنهایی کافی نباشد. سیستم‌هایی که سوابق هر دو فرایند واسطه‌ای و خروجی‌های نهایی خود را تولید می‌کنند باید روابط بین این مجموعه داده‌ها را حفظ کنند. در اینجا، اطلاعات حیاتی، چندان در درون نقاط داده‌های تولیدشده توسط فرایندهای میانی سیستم یا در لاگ خروجی‌های سیستم قرار ندارد؛ بلکه در رابطه بین این مجموعه‌های اطلاعاتی است. روابط وابستگی متقابل بین پارادیتای ثبت فرایندهای واسطه‌ای و تصمیمات کنترلی نهایی فرموله‌شده توسط کنترل‌کننده‌های سیستم وجود دارد. سوابق تولیدشده توسط این سیستم‌ها باید مجموعه داده‌های خود را به گونه‌ای تدوین و گردآوری کنند که روابط بین این فرایندهای میانی یا واسطه‌ای قابل درک باشد.

این مقاله واژگان و مجموعه‌ای از مفاهیم مبتنی بر نظریه کنترل را برای ارزیابی نیازهای نگهداری سوابق سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ از نظر سنسورها، کنترل‌کننده‌ها، فعالگرها، و اثرات و پارادیتای تولیدشده و استفاده شده در این سیستم‌ها پیشنهاد کرده است. این مقاله پیشنهاد کرده است که طیفی از سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ در نقش‌های خودمختار، نیمه خودمختار و کنترل‌شده-مشاوره‌ای ممکن است چالش‌های پاسخگویی مشابهی را ایجاد کنند؛ اگر امکانات مناسب ایجاد و حفظ سوابق فراهم نشوند. از آنجاکه این سیستم‌ها در محیط‌های پویا عمل می‌کنند و لزوماً به‌طور طبیعی و اساسی سوابق تولید نمی‌کنند، آرشیداران و مدیران اطلاعات باید در مرحله طراحی سیستم مداخله کنند تا عملکردهای کافی سوابق را پیاده‌سازی کنند. بر اساس تحلیل ساختار سیستم‌های RTAI، این مقاله نمونه‌هایی برای هر سیستم توصیف‌شده را ارائه کرده است؛ نمونه‌هایی از آنچه که ممکن است یک مجموعه سوابق، کامل به نظر برسد؛ تحقیقات عملی بیشتری برای اعتبارسنجی یافته‌های توصیف‌شده در اینجا، مورد نیاز خواهد بود. به‌عنوان فناوری نوظهور، این سیستم‌ها چالش‌های جدیدی را برای حریم خصوصی و شفافیت ایجاد می‌کنند، به‌ویژه از آنجاکه بسیاری از سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ توصیف‌شده، اطلاعات را بدون آگاهی یا رضایت افراد جمع‌آوری می‌کنند. درحالی‌که نگهداری سوابق ممکن است امر پاسخگویی را در سیستم‌های هوش مصنوعی بلادرنگ امکان‌پذیر کند، ملزومات نگهداری سوابق باید با حقوق افراد برای حریم خصوصی متعادل شود. ناشناس‌سازی یا محدودیت دوره‌های نگهداری سوابق / داده‌ها ممکن است نگرانی‌های حریم خصوصی را کاهش دهد، اگر که نتواند آن‌ها را کاملاً برطرف کند (Eski & Schuilenburg, 2022). فناوری اختصاصی چالش دیگری را ایجاد می‌کند، زیرا سازندگان ممکن است تمایلی به اشتراک‌گذاری اطلاعات درمورد فناوری توسعه‌یافته خصوصی نداشته باشند.

درحالی که ثبت ورودی‌ها و خروجی‌های اساسی سیستم ممکن است بدون تهدید مالکیت معنوی آسان باشد، به دست آوردن فرایندهای میانی مستندشده در پارادیتاها ممکن است چالش برانگیزتر باشند. تنظیم‌کنندگان و نهادهای نظارتی احتمالاً باید این نگرانی‌های مالکیت معنوی را متعادل کنند؛ آن هم بدون اینکه به تضعیف و خطر بیش‌ازحد در قابلیت فهم و درک سیستم‌ها اجازه دهند. باین‌حال، در پرداختن به این مسائل، جامعه آرشیداران و متخصصان اطلاعات باید مفاهیم، واژگان و ابزار بیان لازم برای توصیف نیازهای خود را براساس ارزش‌های حرفه‌ای این حوزه توسعه دهند. این مقاله پیشنهاد می‌کند که داده‌های تولیدشده منتهی به خروجی یک سیستم بلادرنگ را می‌توان در دسته پارادیتاها درک کرد - و ممکن است آن مقولات در این دسته قرار گیرند - که به عنوان «اطلاعات درباره سایر منابع اطلاعاتی ثبت‌شده به‌عنوان وسیله‌ای برای مستندسازی فرایندهای ایجاد، نگهداری یا مدیریت سایر منابع اطلاعاتی» تعریف می‌شود (Cameron et al., 2023). توانایی کنکاش، بررسی و ارجاع نه‌تنها با سوابق خروجی‌ها و عملیات‌های یک سیستم، بلکه با فرایندهای میانی آن‌که در پارادیتای سیستم مستند شده‌اند، ممکن است امکان حسابرسی قابل‌اعتماد از اقدامات یک سیستم هوش مصنوعی بلادرنگ را فراهم کند. ❖

#### منابع:

- Acker, A., & Kreisberg, A. (2020). Social media data archives in an API-driven world. *Archival Science*, 20(2), 105–123. <https://doi.org/10.1007/s10502-019-09325-9>
- Ashby, W. R. (1956). *An introduction to cybernetics*. Chapman & Hall Ltd. <http://pcp.vub.ac.be/books/IntroCyb.pdf>
- Automated and Electric Vehicles Act 2018, c. 18 (UK). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2018/18/contents/enacted>
- Bailey, M. A., Hopkins, D. J., & Rogers, T. (2016). Unresponsive and unpersuaded: The unintended consequences of a voter persuasion effort. *Political Behavior*, 38(3), 713–746. <https://doi.org/10.1007/s11109-016-9338-8>
- Barredo Arrieta, A., Daz-Rodríguez, N., Del Ser, J., Benetot, A., Tabik, S., Barbado, A., Garcia, S., Gil-Lopez, S., Molina, D., Benjamins, R., Chatila, R., & Herrera, F. (2020). Explainable Artificial Intelligence (XAI): Concepts, taxonomies, opportunities and challenges toward responsible AI. *Information Fusion*, 58, 82–115. <https://doi.org/10.1016/j.inffus.2019.12.012>
- Batchu, S., Diaz, M. J., Ladehoff, L., Root, K., & Lucke-Wold, B. (2023). Utilizing the Ethereum blockchain for retrieving and archiving augmented reality surgical navigation data. *Exploratory Drug Science*, 1, 55–63. <https://doi.org/10.37349/eds.2023.00005>
- Beer, S. (1974). *Designing freedom*. CBC Publications.
- Bhargava, V. R., & Velasquez, M. (2021). Ethics of the attention economy: The problem of social media addiction. *Business Ethics Quarterly*, 31(3), 321–359. <https://doi.org/10.1017/beq.2020.32>
- Bohm, K., Kubjatko, T., Paula, D., & Schweiger, H.-G. (2020). New developments on EDR (Event Data Recorder) for automated vehicles. *Open Engineering*, 10(1), 140–146. <https://doi.org/10.1515/eng-2020-0007>
- Bose, U. (2015). The black box solution to autonomous liability. *Washington University Law Review*, 92(5), 1325–1351.
- Botin-Sanabria, D. M., Mihaita, A.-S., Peimbert-García, R. E., Ramírez-Moreno, M. A., Ramírez-Mendoza, R. A., & Lozoya-Santos, J. de J. (2022). Digital twin technology challenges and applications: A comprehensive review. *Remote Sensing*, 14(6), 1335. <https://doi.org/10.3390/rs14061335>
- Bracci, E. (2022). The loopholes of algorithmic public services: An "intelligent" accountability research agenda. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 36(9), 134–155. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-06-2022-5856>
- Bullock, J. B., Huang, H., & Kim, K.-C. (Casey). (2022). Machine intelligence, bureaucracy, and human control. *Perspectives on Public Management and Governance*, 5(3), 187–196. <https://doi.org/10.1093/ppmgov/gvac006>
- Bunn, J. (2020). Working in contexts for which transparency is important: A recordkeeping view of explainable artificial intelligence (XAI). *Records Management Journal*, 30(2), 143–153. <https://doi.org/10.1108/RMJ-08-2019-0038>
- Burns, A. (1991). Scheduling hard real-time systems: A review. *Software Engineering Journal*, 6(3), 116–128. <https://doi.org/10.1049/sej.1991.0015>
- Cameron, S., Franks, P., & Hamidzadeh, B. (2023). Positioning paradata: A conceptual frame for AI processual documentation in archives and recordkeeping contexts. *Journal on Computing and Cultural Heritage*, 16(4), 1-19. Article 75. <https://doi.org/10.1108/JCH-04-2023-0007>

org/10.1145/3594728

- Centre for Data Ethics and Innovation. (2022). *Responsible innovation in self-driving vehicles*. GOV.UK. <https://www.gov.uk/government/publications/responsible-innovation-in-self-driving-vehicles/responsible-innovation-in-self-driving-vehicles>
- Cuevas, Á., Cabanas, J. G., Arrate, A., & Cuevas, R. (2021). Does Facebook use sensitive data for advertising purposes? World-wide analysis and GDPR impact. *Communications of the ACM*, 64(1), 62–69. <https://doi.org/10.1145/3426361>
- Davet, J., Hamidzadeh, B., Franks, P., & Bunn, J. (2022). Tracking the functions of AI as paradata & pursuing archival accountability. In *Archiving 2022: Final Programs and Proceedings* (pp. 83–88). Society for Imaging Science and Technology. <https://doi.org/10.2352/issn.2168-3204.2022.19.1.17>
- Davis, R. I., Cucu-Grosjean, L., Bertogna, M., & Burns, A. (2016). A review of priority assignment in real-time systems. *Journal of Systems Architecture*, 65, 64–82. <https://doi.org/10.1016/j.sysarc.2016.04.002>
- De Backer, P., Van Praet, C., Simoens, J., Peraire Lores, M., Creemers, H., Mestdagh, K., Allaey, C., Vermijs, S., Piazza, P., Mottaran, A., Bravi, C. A., Paciotti, M., Sarchi, L., Farinha, R., Puliatti, S., Cisternino, F., Ferraguti, F., Debbaut, C., De Naeyer, G., ... Mottrie, A. (2023). Improving augmented reality through deep learning: Real-time instrument delineation in robotic renal surgery. *European Urology*, 84(1), 86–94. <https://doi.org/10.1016/j.euro.2023.02.024>
- Delvaux, M. (2017). *Report With Recommendations to the Commission on Civil Law Rules on Robotics* (A8-0005/2017). European Parliament Committee on Legal Affairs. [https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/A-8-2017-0005\\_EN.html](https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/A-8-2017-0005_EN.html)
- Dommert, K. (2020). Regulating digital campaigning: The need for precision in calls for transparency. *Policy & Internet*, 12(4), 432–449. <https://doi.org/10.1002/poi3.234>
- Dowling, M.-E. (2022). Cyber information operations: Cambridge Analytica's challenge to democratic legitimacy. *Journal of Cyber Policy*, 7(2), 230–248. <https://doi.org/10.1080/23738871.2022.2081089>
- Duranti, L. (1989). Diplomatics: New uses for an old science, Part II. *Archivaria*, 29, 4–17.
- Duranti, L., & Thibodeau, K. (2006). The concept of record in interactive, experiential and dynamic environments: The view of InterPARES\*. *Archival Science*, 6(1), 13–68. <https://doi.org/10.1007/s10502-006-9021-7>
- Duranti, L., Jansen, A., Michetti, G., Courtney, M., Prescott, D., Rogers, C., & Kenneth, T. (2016). Preservation as a service for trust. In J. R. Vacca (Ed.), *Security in the private cloud* (pp. 47–72). CRC Press. <https://doi.org/10.1201/9781315372211-5>
- Eom, S.-J. (2022). The emerging digital twin bureaucracy in the 21st century. *Perspectives on Public Management and Governance*, 5(3), 174–186. <https://doi.org/10.1093/ppmgov/gvac005>
- Eski, Y., & Schuilenburg, M. (2022). On Tesla. *Criminological Encounters*, 5(1), 234–251. <https://doi.org/10.26395/CE22050118>
- Event Data Recorders, 49 C.F.R. pt. 563 (2006). <https://www.law.cornell.edu/cfr/text/49/part-563>
- Fondren, E., & McCune, M. M. (2018). Archiving and preserving social media at the Library of Congress: Institutional and cultural challenges to build a Twitter archive. *Preservation, Digital Technology & Culture*, 47(1), 33–44. <https://doi.org/10.1515/pdct-2018-0011>
- Frontoni, E., Paolanti, M., Laurialt, T. P., Stiber, M., Duranti, L., & Muhammad, A.-M. (2022). *Trusted data forever: Is AI the answer?* arXiv. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2203.03712>
- Gage, S. (2007). The boat/helmsman. *Technoetic Arts*, 5(1), 15–24. [https://doi.org/10.1386/tear.5.1.15\\_1](https://doi.org/10.1386/tear.5.1.15_1)
- Glassman, D. (2020). Facebook is creating records — But who is managing them? *Archives and Manuscripts*, 48(1), 45–58. <https://doi.org/10.1080/01576895.2019.1614077>
- Goldhaber, M. H. (1997). The attention economy and the net. *First Monday*, 2(4). <https://firstmonday.org/ojs/index.php/fm/article/download/519/440>
- Guha, D., Alotaibi, N. M., Nguyen, N., Gupta, S., McFaul, C., & Yang, V. X. D. (2017). Augmented reality in neurosurgery: A review of current concepts and emerging applications. *Canadian Journal of Neurological Sciences*, 44(3), 235–245. <https://doi.org/10.1017/cjn.2016.443>
- Heawood, J. (2018). Pseudo-public political speech: Democratic implications of the Cambridge Analytica scandal. *Information Polity*, 23(4), 429–434. <https://doi.org/10.3233/IP-180009>
- Hersh, E. D., & Schaffner, B. F. (2013). Targeted campaign appeals and the value of ambiguity. *Journal of Politics*, 75(2), 520–534. <https://doi.org/10.1017/S0022381613000182>
- Institute of Electrical and Electronics Engineers (IEEE). (2023). *IEEE standard for data storage systems for automated driving* (IEEE Std 2842-2023). <https://doi.org/10.1109/IEEESTD.2023.10205988>
- Jeurgens, C. (2017). Threats of the data-flood: An accountability perspective in the era of ubiquitous computing. In F. Smit, A. Glaudemans, & R. Jonker (Eds.), *Archives in liquid times* (pp. 197–210). Stichting Archiefpublishaties. <https://openresearchlibrary.org/viewer/406881d8-3099-4935-b2bb-0bb8b4bc8ab3>
- Jones, D., Snider, C., Nassehi, A., Yon, J., & Hicks, B. (2020). Characterising the digital twin: A systematic literature review. *CIRP Journal of Manufacturing Science and Technology*, 29, 36–52. <https://doi.org/10.1016/j.cirpj.2020.02.002>
- Joyee, D. S., & Abdessamad, I. (2020). Consent for targeted advertising: The case of Facebook. *AI & Society*, 35(4), 1055–1064. <https://doi.org/10.1007/s00146-020-00981-5>

- Ketzler, B., Naserentin, V., Latino, F., Zangelidis, C., Thuvander, L., & Logg, A. (2020). Digital twins for cities: A state of the art review. *Built Environment*, 46(4), 547–573. <https://doi.org/10.2148/benv.46.4.547>
- Khor, W. S., Baker, B., Amin, K., Chan, A., Patel, K., & Wong, J. (2016). Augmented and virtual reality in surgery—The digital surgical environment: Applications, limitations and legal pitfalls. *Annals of Translational Medicine*, 4(23), Article 454. <https://doi.org/10.21037/atm.2016.12.23>
- Kim, D., Hwang, W., Bae, J., Park, H., & Kim, K. G. (2021). Video archiving and communication system (VACS): A progressive approach, design, implementation, and benefits for surgical videos. *Healthcare Informatics Research*, 27(2), 162–167. <https://doi.org/10.4258/hir.2021.27.2.162>
- Kingston, J. (2018). *Artificial intelligence and legal liability*. arXiv. <https://doi.org/10.48550/arXiv.1802.07782>
- Kline, R. (2011). Cybernetics, automata studies, and the dartmouth conference on artificial intelligence. *IEEE Annals of the History of Computing*, 33(4), 5–16. <https://doi.org/10.1109/MAHC.2010.44>
- Klynveld Peat Marwick Goerdeler International Cooperative (KPMG). (2020). 2020 *Autonomous Vehicles Readiness Index*. <https://assets.kpmg/content/dam/kpmg/xx/pdf/2020/07/2020-autonomous-vehicles-readiness-index.pdf>
- Larson, E. (2020). Big questions: Digital preservation of big data in government. *American Archivist*, 83(1), 5–20. <https://doi.org/10.17723/0360-9081-83.1.5>
- Lasi, H., Feltke, P., Kemper, H.-G., Feld, T., & Hoffmann, M. (2014). Industry 4.0. *Business & Information Systems Engineering*, 6(4), 239–242. <https://doi.org/10.1007/s12599-014-0334-4>
- Leerssen, P., Dobber, T., Helberger, N., & de Vreese, C. (2021). News from the ad archive: How journalists use the Facebook Ad Library to hold online advertising accountable. *Information, Communication & Society*, 25(13), 1–20. <https://doi.org/10.1080/1369118X.2021.2009002>
- Lepore, J. (2020). *If then: How the Simulmatics Corporation invented the future*. Liveright Publishing Corporation.
- Lewis, P., & Hilder, P. (2018, March 23). Leaked: Cambridge Analytica's blueprint for Trump victory. *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/uk-news/2018/mar/23/leaked-cambridge-analytica-blueprint-for-trump-victory>
- Lim, H. S. M., & Taeihagh, A. (2019). Algorithmic decision-making in AVs: Understanding ethical and technical concerns for smart cities. *Sustainability*, 11(20), 5791. <https://doi.org/10.3390/su11205791>
- Lischer-Katz, Z. (2020). Archiving experience: An exploration of the challenges of preserving virtual reality. *Records Management Journal*, 30(3), 253–274. <https://doi.org/10.1108/RMJ-09-2019-0054>
- Ljungholm, D. P. (2019). Governing self-driving cars: Do autonomous vehicles pose a significant regulatory problem? Review of *Contemporary Philosophy*, 18, 119–126.
- Losavio, M., Rogers, C., & Elmaghraby, A. (2015). Digital heritage from the smart city and the internet of things: History or stasis? *Proceedings of the 2015 Digital Heritage International Congress* (Vol. 1, pp. 431–434). IEEE. <https://doi.org/10.1109/Digital-Heritage.2015.7419541>
- Lynch, C. (2017). Stewardship in the “age of algorithms.” *First Monday*, 22(12). <https://doi.org/10.5210/fm.v22i12.8097>
- Marchant, G., & Lindor, R. (2012). The coming collision between autonomous vehicles and the liability system. *Santa Clara Law Review*, 52(4), 1321–1340.
- Martinesco, A., Netto, M., Neto, A. M., & Etagens, V. H. (2019). A note on accidents involving autonomous vehicles: Interdependence of event data recorder, human-vehicle cooperation and legal aspects. *IFAC-PapersOnLine*, 51(34), 407–410. <https://doi.org/10.1016/j.ifacol.2019.01.003>
- McLeod, J., & Lomas, E. (2023). Record DNA: Reconceptualising digital records as the future evidence base. *Archival Science*, 23, 1–36. <https://doi.org/10.1007/s10502-023-09414-w>
- Molnar, B. T., & Peck, L. R. (2023). *Evaluation of Tesla dashcam video system for speed determination via reverse projection photogrammetry* (SAE Technical Paper 2023-01-0629). SAE International. <https://doi.org/10.4271/2023-01-0629>
- Mordell, D. (2019). Critical questions for archives as (big) data. *Archivaria*, 87, 140–161.
- Mujica, A. L., Crowell, C. R., Villano, M. A., & Uddin, K. M. (2022). Addiction by design: Some dimensions and challenges of excessive social media use. *Medical Research Archives*, 10(2), Article 2677. <https://doi.org/10.18103/mra.v10i2.2677>
- National Highway Traffic Safety Administration. (2021). *Letter to Eric Williams (Tesla Associate General Counsel, Regulatory) regarding investigation EA22-002*. U.S. Department of Transportation. <https://static.nhtsa.gov/odi/inv/2022/INIM-EA22002-87961.pdf>.
- National Highway Traffic Safety Administration. (2023). Letter to Eddie Gates (Tesla Director, Field Quality) regarding investigation EA22-002 (Recall Query No. NEF-104). U.S. Department of Transportation. <https://static.nhtsa.gov/odi/inv/2022/INIM-EA22002-90927P.pdf>
- Nickerson, D. W., & Rogers, T. (2014). Political campaigns and big data. *Journal of Economic Perspectives*, 28(2), 51–74. <https://doi.org/10.1257/jep.28.2.51>
- Oliveira, P. P. (2020). Digital twin development for airport management. *Journal of Airport Management*, 14(3), 246–259.
- Omeiza, D., Webb, H., Jirotko, M., & Kunze, L. (2022). Explanations in autonomous driving: A survey. *IEEE Transactions on*

- Intelligent Transportation Systems*, 23(11), 10142–10162. <https://doi.org/10.1109/TITS.2021.3122865>
- Owens, T. (2018). *The theory and craft of digital preservation*. Johns Hopkins University Press.
- Parkman, R. (1972). *The cybernetic society*. Pergamon Press.
- Phillips, P. J., Hahn, C. A., Fontana, P. C., Yates, A. N., Greene, K., Broniatowski, D. A., & Przybocki, M. A. (2021). *Four principles of explainable artificial intelligence* (NISTIR 8312). National Institute of Standards and Technology. <https://doi.org/10.6028/NIST.IR.8312>
- Pickering, A. (2010). *The cybernetic brain: Sketches of another future*. University of Chicago Press. <https://s3.amazonaws.com/arena-attachments/344636/330407b55885c885bd40a91195445cc0.pdf>
- Piramide, F., Amparore, D., Pecoraro, A., Verri, P., Ceccucci, E., De Cillis, S., Piana, A., Manfredi, M., Fiori, C., & Porpiglia, F. (2022). Augmented reality 3D robot-assisted partial nephrectomy: Tips and tricks to improve surgical strategies and outcomes. *Urology Video Journal*, 13, 100137. <https://doi.org/10.1016/j.urolvj.2022.100137>
- Redins, L. (2022, October 19). Using digital twins to improve operations at Vancouver's airport. *Edge Industry Review*. <https://www.edgeir.com/using-digital-twins-to-improve-operations-at-vancouvers-airport-20221019>
- Ridella, S. A. (2022). *Letter to Eddie Gates (Tesla Director, Field Quality)* (NEF-104 EA22-002). National Highway Traffic Safety Administration (NHTSA). <https://static.nhtsa.gov/odi/inv/2022/NIM-EA22002-88513Ppdf>.
- Robinson, D. T. (2007). Control theories in sociology. *Annual Review of Sociology*, 33, 157–174. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.33.040406.131729>
- S.766 - 114th Congress (2015-2016): Driver Privacy Act of 2015. (2015, September 28). <https://www.congress.gov/bill/114th-congress/senate-bill/766>
- Sadowski, J. (2023). Total life insurance: Logics of anticipatory control and actuarial governance in insurance technology. *Social Studies of Science*, 53(6), 917-938. <https://doi.org/10.1177/03063127231186437>
- SAE International. (2021). *Taxonomy and definitions for terms related to driving automation systems for on-road motor vehicles* (Standard No. J3016\_202104). [https://www.sae.org/standards/content/j3016\\_202104/](https://www.sae.org/standards/content/j3016_202104/)
- Saifutdinov, F., Jackson, I., Tolujevs, J., & Zmanovska, T. (2020). Digital twin as a decision support tool for airport traffic control. Proceedings of the 2020 61st *International Scientific Conference on Information Technology and Management Science of Riga Technical University (ITMS)* (pp. 1–5). IEEE. <https://doi.org/10.1109/ITMS51158.2020.9259294>
- Schellenberg, T. R. (1996). *Modern archives: Principles and techniques*. Society of American Archivists. (Original work published 1956)
- Sony, M., & Naik, S. (2019). Key ingredients for evaluating Industry 4.0 readiness for organizations: *A literature review. Benchmarking: An International Journal*, 27(7), 2213–2232. <https://doi.org/10.1108/BIJ-09-2018-0284>
- Unity Technologies. (2023). *Vancouver International Airport digital twin case study*. <https://unity.com/case-study/vancouver-airport-authority>
- Vancouver Airport Authority (YVR). (2023). *YVR and Unity accelerate digital transformation in aviation with YVR's digital twin platform*. <https://www.yvr.ca/en/media/news-releases/2023/yvr-and-unity-accelerate-digital-transformation-in-aviation>
- Vervoorn, M. T., Wulfse, M., Van Doormaal, T. P. C., Ruurda, J. P., Van der Kaaij, N. P., & De Heer, L. M. (2023). Mixed reality in modern surgical and interventional practice: Narrative review of the literature. *JMIR Serious Games*, 11, e41297. <https://doi.org/10.2196/41297>
- Wang, P. (2019). On defining artificial intelligence. *Journal of Artificial General Intelligence*, 10(2), 1–37. <https://doi.org/10.2478/jagi-2019-0002>
- Wiener, N. (1949). *Cybernetics; or, Control and communication in the animal and the machine*. Technology Press. <https://catalog.hathitrust.org/Record/000468497>
- Xie, S. L., Gao, Y., & Han, R. (2022). Information resilient society in an AI world—Is XAI sufficient? *Proceedings of the Association for Information Science and Technology*, 59(1), 522–526. <https://doi.org/10.1002/prai.2.663>
- Yehl, K. (2015, November 18). *US urged to establish nationwide federal guidelines for autonomous driving* [Press release]. Volvo Car Corporation. <https://www.media.volvocars.com/global/en-gb/media/pressreleases/167975/us-urged-to-establish-nationwide-federal-guidelines-for-autonomous-driving>
- Yeo, G. (2018). Representation, performativity and social action: why records are not (just) information. In G. Yeo (Ed.), *Records, information and data: Exploring the role of record keeping in an information culture* (pp. 129–162). Facet. <https://doi.org/10.29085/9781783302284.007>
- Young, M. M., Himmelreich, J., Bullock, J. B., & Kim, K.-C. (2021). Artificial intelligence and administrative evil. *Perspectives on Public Management and Governance*, 4(3), 244–258. <https://doi.org/10.1093/ppmgov/gvab006>
- Yurkevich, E. V., & Stepanovskaya, I. A. (2021). Controlling the security of the airport airspace using the digital twin. *Journal of Physics: Conference Series*, 1864(1), Article 012128. <https://doi.org/10.1088/1742-6596/1864/1/012128>
- Zuboff, S. (2019). *The age of surveillance capitalism: The fight for a human future at the new frontier of power*. PublicAffairs.



تصاویر سخن می‌گویند:

# نگاهی به ارتش از میان منتخبی از عکس‌های عباسقلی اسفندیاری

منصوره اتحادیه (نظام مافی)<sup>۱</sup>، حوریه سعیدی<sup>۲</sup>

کلیدواژه‌ها:  
تاریخ معاصر، وضعیت  
ارتش، عکس‌های  
تاریخی-نظامی،  
عباسقلی اسفندیاری

مطالعات مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی از انواع تحقیقاتی است که با درون‌مایه‌ای از جنس سندشناسی به دریافت‌هایی از نوع مطالعات جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی و علم تحولات اقتصاد و حتی روابط و عواطف انسانی درگذر تاریخ می‌تواند بیانجامد. این موضوع به هدفی که محقق از جستجو و خوانش اولین برگ از مجموعه اسناد تاریخی و نوع خوانش و دریافت اطلاعات آن و نیز اولین عکس از میان تصاویر تاریخی و درکی که از آن در تصویرش ایجاد می‌شود، بستگی تام دارد.

دریافتی که پژوهشگر تاریخ از سند و یا عکس تاریخی دارد، لزوماً با هدفی که در ابتدا برای ایجاد آن متصور بوده می‌تواند هم‌خوانی و تناسب نداشته باشد. چنانکه نامه‌ای که از پدر به فرزندش، یا دوستی به دوستش نوشته می‌شود، یا عکسی در آلبوم خانوادگی ایجاد می‌شود، درگذر تاریخی حاوی اطلاعات و منبعی از دریافت واقعاتی خواهد شد که در زمان صدور آن و یا به تصویر کشیدنش منظور نظر آفریننده آن نبوده است.

مجموعه‌ای که این مقاله به انگیزه معرفی آن نگاشته شده است، منتخب عکس‌هایی هستند که عکاس آنها بخش مهمی از ساختار و تشکیلات نوین ارتش ایران را خواسته و یا ناخواسته به تصویر کشیده است. این عکس‌ها با مضامین و موضوعات متفاوتی که به آنها پرداخته شده تلاش دارد علاوه بر نشان دادن فیگورهای ساختگی اشخاص روبروی دوربین، به زوایا و حالات پیدا و پنهان موضوعات هدف دوربین بپردازد.

بررسی حاضر نشان می‌دهد که تاریخ‌نویسی نوین تنها به منابع مکتوب در بیان وقایع و تحلیل تاریخی اکتفا نکرده و از تمام شواهد مکتوب (کتاب، سند) و غیرمکتوب (عکس، نقاشی‌های هنری، موسیقی، صنایع دستی، قصه‌ها و آواها و ترانه‌ها، و غیره) که به کمک تاریخ می‌آیند، در ضبط و تحلیل تاریخ استفاده کرده و بهره می‌برد.

مقاله حاضر به انگیزه ترسیم گوشه‌ای از وضعیت ارتش در ایران (با تمرکز بر لشکر غرب- کرمانشاه) در عصر پهلوی از لابه‌لای عکس‌ها و تصاویر مجموعه سرتیپ عباسقلی اسفندیاری گردآوری و نوشته شده است.

**استناد:** اتحادیه (نظام مافی)، منصوره و سعیدی، حوریه. (۱۴۰۴). تصاویر سخن می‌گویند: نگاهی به ارتش از میان منتخبی از عکس‌های عباسقلی اسفندیاری. آرشیو ملی، ۸ (۱)، ۳۹-۵۶.

۱. اسناد، دانشگاه تهران.  
تهران، ایران  
mnmafi@gmail.com  
۲. عضو هیئت علمی سازمان  
اسناد و کتابخانه ملی، تهران، ایران  
hoorihsaedi@yahoo.com

## ۱. مقدمه

کنکاش در تاریخ معاصر ایران به کمک اسناد و واکاوی تاریخ از درون تصاویر از جمله مباحث و ابزارهای نوین تحلیل‌های تاریخی است که جایگاه و اهمیت آن به تدریج در نزد تاریخ نویسان و تحلیل‌گران کنش‌های اجتماعی آشکارتر می‌شود.

مطالعات مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی یکی از انواع تحقیقاتی است که با درون‌مایه‌ای از جنس سندشناسی به دریافت‌هایی از نوع مطالعات جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی و علم تحولات اقتصاد و حتی روابط و عواطف انسانی درگذر تاریخ نیز می‌تواند بیانجامد. این موضوع به هدفی که محقق از جستجو و خوانش اولین برگ از مجموعه اسناد تاریخی و نوع خوانش و دریافت اطلاعات آن و نیز اولین عکس از میان تصاویر تاریخی و درکی که از آن در تصورش ایجاد می‌شود، بستگی تام دارد.

دریافتی که پژوهشگر تاریخ از یک سند و یا عکس تاریخی دارد، لزوماً با هدفی که در ابتدا، برای ایجاد آن متصور بوده می‌تواند هم‌خوانی و تناسب نداشته باشد. چنان‌که نامه‌ای از یک پدر به فرزندش و یا دوستی به دوستش، و یا عکسی در یک آلبوم خانوادگی ایجاد می‌شود، درگذر تاریخی حاوی اطلاعات و منبئی از دریافت واقعاتی خواهد شد که در زمان صدور آن و یا به تصویر کشیدنش منظور نظر آفریننده آن نبوده است. بدین لحاظ این‌گونه مدارک، در دایره مستندات و منابع تحقیقات تاریخی از جایگاه والا و ویژه‌ای برخوردار هستند.

مجموعه‌ای که این مقاله به انگیزه معرفی آن نگاشته شده است، منتخب عکس‌هایی هستند که عکاس آنها بخش مهمی از ساختار و تشکیلات نوین ارتش ایران را خواسته و یا ناخواسته به تصویر کشیده است. این عکس‌ها با مضامین و موضوعات متفاوتی که به آنها پرداخته شده تلاش دارد علاوه بر نشان دادن فیگورهای ساختگی اشخاص روبروی دوربین، به زوایا و حالات پیدا و پنهان موضوعات هدف دوربین بپردازد. بدین لحاظ این مجموعه عکس‌ها را از حالت خشک و بی‌روح ضبط تصاویر، خارج ساخته و زبانی خاص برای بیان بخشی از اوضاع ارتش ایران، در مجموع، و شکل حضور آنها در ناحیه‌ای از ایران (منطقه غرب)، به‌طور خاص داشته باشد.

بسیاری از عکس‌های این مجموعه، اغلب بدون هیچ توضیح و یا حاشیه‌نویسی، خودگویای موضوع و مطلبی خاص هستند. هنر عکاس و یا کسی که سوژه عکاسی را ارائه داده در همه تصاویر، به خوبی نمایان است. افزون بر آنها موضوعات عکس‌ها و زاویه و زمان ثبت لحظات از ویژگی‌هایی است که این مجموعه را در میان عکس‌های تاریخی، خاص ساخته است.

بازشناسی تاریخ از میان تصاویر، شاخه‌ای از تحقیقات تاریخی است که امروزه مورد توجه پژوهشگران تاریخ معاصر و نیز علوم اجتماعی قرار گرفته است. این مجموعه و اطلاعات مستخرج از آن می‌تواند شاهد خوبی بر این مدعا باشد.

چنان‌که در منابع آمده است، تا اواسط دوره قاجار، ایران فاقد نوعی سازمان‌بندی پیوسته نظامی بود. جنگجویان فقط به هنگام جنگ و بروز خطر، جمع‌آوری و متمرکز می‌شدند و برای تمرکز



و تعلیم دادن بدان‌ها بودجه و اعتبار کافی در دسترس نبود و در واقع شروع بازسازی و نوسازی در قشون ایران از اواسط دوره قاجار آغاز شده است؛ ولی در دوره پهلوی و زمان رضاشاه کامل شد.

بررسی محتوای اسناد و کتابچه‌های دیوانی، تاحدی روشن می‌سازد که در دوره قاجار تشکیلات داخلی نظامی شکل واحدی نداشت و دسته‌های سواره، پیاده، توپخانه، نیروهای چریک و اداره قورخانه در هر ایالت و یا ولایت تشکیل می‌شد. مجموع این دسته‌ها، تشکیل یک هرم را می‌داد. در رأس این هرم، خوانین قاجار قرار داشتند. خوانین قاجار همگی منتسب به خاندان سلطنتی بودند و به جهت نقشی که در امور نظامی هر منطقه داشتند، اغلب دارای مناصب تشریفاتی در حوزه نظام بودند و به تبع آن بیشترین میزان مواجب و سیورسات<sup>۱</sup> به آنها نیز اختصاص داده می‌شد (ساکماق: ۱/۹۶۷۲، ۱۰).

در مورد وضعیت ظاهری و تشکیلاتی قشون، امینه پاکروان بر آن است که ایشان گروه‌هایی متشکل از افراد ژنده‌پوش بودند که هیچ سازوبرگ مجهزی در اختیار نداشتند (پاکروان، ۱۳۷۷، ص ۳۰). عدم رسیدگی به وضعیت مواجب و جیره سربازان در دوره ناصرالدین‌شاه و نیز عدم توجه جدی به وجود انضباط در میان ایشان، باعث شد که با وجود تلاش‌های میرزاتقی‌خان امیرکبیر و نیز میرزا حسین‌خان سپهسالار و به خصوص در زمان مظفرالدین‌شاه، بسیاری از سربازان مجبور بودند برای گذراندن زندگی به مشاغلی چون کاسبی و صراف‌ی و همیشه‌کشی و هیزم‌شکنی بپردازند (نصراله‌خان یاور، ۱۳۵۰، ص ۴۹).

به تدریج و با نزدیک شدن به دوره مشروطه و بعد از آن، دو نیروی عمده قزاق و ژاندارمری در درون این ساختار ناپایدار و غیرمنتظم شکل یافت. وجود این نیروهای جدید تاحدی به ساختارمندی و انتظام تشکیلات نظامی کمک کرد. با آن‌که این دو نیرو به تناسب اوضاع سیاسی وقت، نسبت به یکدیگر در رقابت و به نسبت در مقام قوت و ضعف واقع می‌شدند، ولی در واقع همین دو قوه بودند که هسته اصلی ارتش نوین پهلوی را تشکیل دادند (کرونین، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

با گذشت زمان، نیروهای دیگر نظامی با فشارهای انگلیس و برای کم کردن نفوذ روسیه (نیروی پلیس جنوب) و هم‌چنین توصیه‌های دیگر کشورهای اروپایی نظیر سوئدی‌ها (نیروی ژاندارمری) شکل یافت. در دل نیروهای جدید نظامی که در دوره حکومت پهلوی منظم شده و با قاعده در تقسیمات جدید نظامی شکل یافت، افراد و نظامیان جوان با دانش و مهارت‌های جدید نظامی هم رشد یافتند.

این توصیف مختصری بود از وضعیت نظام (ارتش)، تا زمان حکومت پهلوی و نظمی که رضاخان-سردار سپه- و رضاشاه بعدی، در ساختار آن و بر بنیان آن در کشور به وجود آورد.<sup>۲</sup>

تأسیس ارتش متحدالشکل در ایران را از یک طرف به علاقه شخص رضاخان سردار سپه و شعار وی نسبت می‌دهند و از طرفی نیز در راستای ماده ۳ قرارداد ۱۹۱۹ م. دانسته‌اند.<sup>۳</sup> ساختار ارتش در دوره رضا پهلوی و با ترتیباتی که خود، ابداع‌کننده آن بود با تقسیمات جغرافیایی کشور ایران شکل یافت. این تشکیلات تمام مناطق جغرافیایی ایران را پوشش می‌داد (کرونین، ۱۳۷۷، ص ۱۰۲-۲۰۲).

۱. سیورسات شامل جیره (آذوقه) و علیق (علوفه) بود که به نیروهای نظامی در مأموریت‌ها به صورت ماهیانه و یا روزانه تحویل داده می‌شد.  
۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ارجاع داده می‌شود به برخی منابع از جمله: ارتش و حکومت پهلوی اثر استفانی کرونین؛ ترجمه مقاله کنل استودارت با عنوان «گزارشی درباره ارتش ایران در زمان محمدشاه قاجار» که احسان اشراقی در مجله بررسی‌های تاریخی ج ۵، ش ۱۲، ۱۳۴۹، چاپ کرده؛ و کتاب آقا محمدخان نوشته امینه پاکروان و نیز کتاب تاریخ ارتش نوین ایران از ۱۳۰۰-۱۳۲۹.  
۳. ماده سوم قرارداد: حکومت انگلستان متعهد می‌شود به هزینه دولت ایران هر تعداد افسر و هر میزان اسلحه و مهمات (از انواع جدید) که به تشخیص کمیسیون مختلط نظامی برای نوسازی ارتش ایران لازم باشد در اختیار حکومت ایران قرار دهد؛ و این کمیسیون مختلط که در آن افسران ایرانی و انگلیسیی باالسویه عضویت خواهند داشت، بی‌درنگ پس از امضای قرارداد فعلی تشکیل خواهد شد. حکومت ایران تشکیل یک چنین ارتش متحدالشکل را برای ایجاد نظم در داخله مملکت و حفظ تمامیت مرزهایش تشخیص می‌دهد.

با وارد شدن آموزش‌های مدرن نظامی و تعلیمات افسران آموزش‌یافته در مدارس نظامی خارج از ایران به بافت قشون- که ارتش نام یافته بود- و نیز آراسته شدن آن با تسلیحات جدید، شکل جدیدی از نظام لشکری در ایران به وجود آمد. افسران اروپادیده زیرنظر و با تعلیمات سخت و خشن نظامی که فرماندهان ایشان داشتند، با انگیزه ایجاد وحدت و یکپارچگی حکومتی که رضاخان پهلوی و رضاشاه بعدی در نظر داشت، و به‌ویژه در نقاطی که از پایتخت ایران فاصله داشت و به شکل گریز از مرکز اداره می‌شد، با رفتارهای بسیار خشن و گاه سبانه، به ایجاد آرامش و تمکین از حکومت مرکزی پرداختند. بدین منظور به‌تناسب، افرادی در فرماندهی لشکریان و افواج مختلف گماشته می‌شدند که به منظور رضاخان نزدیک‌تر باشند. یکی از همین افراد و فرماندهان که از قبل سابقه همکاری و همراهی با رضاخان را داشت، سیهبد امیراحمدی بود که به فرماندهی لشکر غرب و به‌خصوص اسکات لرها در منطقه لرستان و توابع، گماشته شده بود (سعادت خودگو، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶). زیرنظر وی افسرانی خدمت می‌کردند که یکی از ایشان عباسقلی اسفندیاری چندی در لشکر غرب مشغول انجام وظیفه بود. وی درباره چگونگی اسکات خوانین لر و نیز جنگ‌های منطقه‌ای در خاطرات خود مطالبی را به‌اختصار نقل کرده است.

در میان فرماندهان نظامی که در ابتدا تحت فرمان امیراحمدی در لشکر غرب به خدمت مشغول بود، سرتیپ عباسقلی اسفندیاری، افسر تحصیل‌کرده مدرسه نظامی سن سیر بود. باوجود آن‌که او در لشکر غرب از افسران زیر فرمان امیراحمدی قرار داشته و در منطقه لرستان و غرب، چندین عملیات را هدایت و انجام داده بود، ولی در میان خاطرات امیراحمدی به‌جز یک دو جا، از وی نام و نشانی وجود ندارد (زرگری نژاد، ۱۳۷۲، ص ۷۵). در میان اسناد تاریخی و نظامی این دوره نیز از وی اثر درخوری نیست. گذشته پرفرازونشیب او، تنها در خاطرات خودنوشت وی در مجله وحید تاحدی نشان داده شده است. البته وی در این خاطرات که بسیار مغشوش و با سکنه‌های تاریخی و موضوعی همراه است، درباره زندگی خود، با خست و گزیده‌گویی سخن گفته است.<sup>۴</sup> چنانکه درباره دوره کودکی و زندگی خانوادگی و ازدواجش مطلبی در آن وجود ندارد.

به‌نقل از باقر عاقلی درباره وی چنین آمده است:

سرتیپ عباسقلی اسفندیاری: فرزند حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری متولد ۱۲۷۰ [ش.ا]، تحصیلات عالی و نظامی را در سن سیر فرانسه پایان داد و به درجه افسری نائل آمد. مدتی در ارتش فرانسه مشغول خدمت بود. در جنگ بین‌الملل اول شرکت داشت. دولت فرانسه شخصیت نظامی او را کتباً تأیید و از خدماتش اظهار رضایت نمود. بعد از ورود به ایران و طی کردن درجات نظامی در ۱۳۱۴ درجه سرتیپی به او اعطا شد و مشاغل مهمی را در ارتش، مانند ریاست رکن دوم، سرپرستی نیروی هوایی، ریاست دژبان و ریاست دبیرستان نظام احراز کرد.... وی در سال ۱۳۵۸ در لواسان درگذشت... (عاقلی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۵).<sup>۵</sup>

۴. مجله مجموعه خاطرات وحید. سال ۲۵۳۶ (۱۳۵۶). صص ۲-۳۱.  
۵. در خاطرات وی که در مجله وحید (۱۳۵۶)، ص ۲۳ چاپ شده است مشاغلی که برای خود برشمرده به این قرار بود: رئیس عملیات لشکر جنوب، رئیس عملیات لشکر غرب، رئیس رکن دوم ستاد ارتش، رئیس رکن چهارم ستاد ارتش، سرپرست نیروی هوایی، معاون دانشکده افسری و مدیر دروس، سرپرست دبیرستان نظام، ریاست رکن یکم ستاد با حفظ معاونت ستاد ارتش و نیز وظیفه تحویل اسلحه‌های خریداری‌شده برای ارتش را نیز به عهده داشت.



منبع دیگری که شرح مختصری از زندگی نظامی عباسقلی‌خان در آن وجود دارد در خاطرات محتشم‌السلطنه پدرش است.<sup>۶</sup>

اسفندیاری در خاطرات خود در مجله وحید در بخشی که از ورود او در جنگ بین‌المللی اول می‌گوید، پس از شرح مختصری که راجع به روزهای اسارتش به وسیله ارتش آلمان نوشته، بدون هیچ مقدمه‌ای، مراجعت به ایران و خدمت در ارتش<sup>۷</sup> را موضوع بعدی خود قرار داده است. در آن مطلب راجع به وضعیت نامناسب و تأسف بار سربازان و افسران به هنگام ورودش به آنجا و نیز درمورد کارهایی که برای رفع اعتیاد و تنظیم لباس فرم و مراقبت‌های بهداشتی برای ایشان انجام داده، نوشته است (عاقلی، ۱۳۵۸، ص ۳۰). ادامه خاطرات راجع به درگیری با اشرا و متجاسرین محلی است؛ و سپس مأموریت لرستان (۷ و ۱۳ ش). که تحت فرماندهی سرلشگر امیراحمدی «ریاست ارکان حرب لرستان» بود، به وی سپرده شد. توضیح در مورد تشکیلات لشکر اعزامی و افراد و افسران حاضر در محل مأموریت در بخش بعدی خاطرات آورده شده است که از این نظر دارای اطلاعات مهمی از وضع ارتش در آن زمان و در منطقه غرب است.

یکی از نقاط خاص در زندگی عباسقلی‌خان ازدواج او با مریم فیروز دختر عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود. مریم فیروز علت این ازدواج و سپس جدایی خود را از او در خاطرات خود شرح داده است (فیروز، ۱۳۸۷، صص ۲۵-۲۶).

کیانوری که بعدها با مریم فیروز ازدواج کرد، درباره دلیل ازدواج مریم فیروز با عباسقلی اسفندیاری، بر سیاسی بودن این پیوند تأکید داشته و درباره شخصیت اخلاقی عباسقلی چنین اظهارنظر کرده است: «... عروسی آن‌ها به کلی یک ازدواج سیاسی بود... در زمان حیات فرمانفرما جرأت جدا شدن از شوهرش را نداشت. هرچند زندگی‌شان جدا بود. سرتیپ اسفندیاری از افسران بسیار درستکار بود؛ ولی وضع مالی‌اش چندان مناسب نبود. اموال بسیار ناچیزی داشت. یک باغچه کوچک داشت که مهریه مریم کرده بود و زندگی‌شان با پول پدر مریم اداره می‌شد...» (کیانوری، ۱۳۵۲، ص ۲۰۱).

حاصل پیوند مریم فیروز و عباسقلی اسفندیاری دو دختر به نام‌های افسانه و افسر بود. اثری که پیش روست به انگیزه ترسیم گوشه‌ای از وضعیت ارتش در ایران (با تمرکز بر لشگر غرب- کرمانشاه) در عصر پهلوی از لابه‌لای عکس‌ها و تصاویر مجموعه سرتیپ عباسقلی اسفندیاری گردآوری و نوشته شده است. با دقت در عکس‌ها و توضیحات نوشته‌شده بر برخی از آنها روشن می‌شود که بسیاری از عکس‌ها به وسیله خود وی گرفته شده و برخی دیگر هم هست که او را در میان نظامیان و یا در حالت‌های خاص مانور و مشق نظام نشان می‌دهد. با دقت در جزئیات عکس‌های مجموعه، نکات جالب بسیار دیگری مشخص می‌شود که در ادامه توضیحات خواهد آمد.

۶. دربارهٔ تحصیلات نظامی و حضور او در جبهه‌های فرانسه در جنگ بین‌المللی اول در خاطرات محتشم‌السلطنه (پدرش) چنین آمده:  
«...عباسقلی‌خان در دانشکدهٔ افسری سن سیر تحصیل می‌کرد. در اوت ۱۹۱۴ یعنی آغاز جنگ، با رتبه ستوانی در رأس رسد چهارم گروهان هفتم هنگ ۶۶ بر ضد آلمان داخل جنگ شده و در ماه سپتامبر در جبههٔ معروف مارن اسیر و زندانی شد. مورخ‌الدوله می‌نویسد که چند روز پس از افتتاح مجلس سوم، محتشم‌السلطنه او را به شام دعوت کرده و توضیح داده بود که شنیده است آلمان‌ها از او گله کرده بودند که چرا عباسقلی‌خان با قشون فرانسه به جنگ رفته و خواهش می‌کند که به شازده‌افراد آلمان توضیح دهد که اقدام پسرش برخلاف میل او بوده. مورخ‌الدوله مکاتباتی که در این مورد با مقامات فرانسوی ردوبدل شده بود و خبر این که ستوان عباس نوری به اخذ درجهٔ لژیون دونور نائل آمده را هم در خاطرات خود ضمیمه کرده است.» (اتحادیه، ۱۳۹۶، صص ۱۲-۱۲۵).  
۷. وی می‌نویسد که پس از بازگشت به ایران به عنوان رئیس عملیات لشکر جنوب در اصفهان تعیین شد.

## ۲. عکس‌ها سخن می‌گویند

مجموعه حاضر منتخبی است از عکس‌هایی که با مضامین نظامی گرفته شده است و برخلاف بسیاری از عکس‌های آن دوره که افراد در آن با ژست‌ها و فیگورهای ساختگی و نمایشی دیده شده و منعکس می‌شوند، برخی از آنها در حالت‌های بسیار طبیعی و عادی افراد، ضبط شده است و نیز از افراد عادی و تا اشخاص خاص در میان آنها دیده می‌شوند. برخی از عکس‌ها را نیز عکاس تیزبین و نکته‌سنج (عباسقلی اسفندیاری) با یافتن و یا ایجاد فرصت و کنارهم گذاشتن افراد متفاوت، ترکیب بسیار جالبی از تضاد و نیز تفاوت را در میان افراد قشون، همراه با طنزی جالب نشان داده است (مانند تصویر کوتاه‌ترین و بلندترین سرباز و یا مسن‌ترین و جوان‌ترین سرباز در کنار هم)، و یا حالتی که صاحب‌منصب نظامی را به شکلی که در حالتی راحت در حال نوشیدن چای است، نشان می‌دهد. عکاس با این عکس، حالت خشک و رسمی که در میان سربازان، یک وضعیت همیشگی بوده و هست را تقریباً ندیده گرفته و از وی تصویری عادی همانند دیگر مردم نشان داده است.

## ۳. دسته‌بندی موضوعی عکس‌ها

عکس‌هایی که به صورت منتخب در مقاله حاضر آورده شده است، به عنوان بخشی از مجموعه‌ای ارزشمند از ثبت لحظات و موضوعات تاریخی است که در یک تقسیم‌بندی کلی به ۶ دسته تقسیم می‌شوند:<sup>۸</sup>

۱. عکس‌های پرسنلی و شخصی از خود عباسقلی خان که به عنوان عکاس و یا گردآورنده تصاویر به نظر می‌رسد؛
۲. عکس‌هایی که در جمع‌های افسران و یا افراد تابع خود گرفته شده است؛
۳. عکس‌هایی با موضوع موقعیت قرارگاه‌ها و اماکن و اجزای سربازخانه؛
۴. عکس‌هایی با موضوع سربازان در فیگورهای مختلف سان، مشق و یا عملیات و نیز ورزش؛
۵. عکس‌هایی با موضوع نشان دادن اجزای نظامی در حین انجام وظایف خود؛
۶. عکس‌هایی با موضوع متفرقه و بعضاً ظریف که در ادامه به توصیف بیشتر از هرکدام پرداخته می‌شود.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، تعدادی از عکس‌های مجموعه به صورت پرسنلی از خود عباسقلی خان است که در موقعیت‌های مختلف نیم‌تنه و یا تمام‌قد گرفته شده است. تعدادی از آنها به صورت تصاویر یادگاری در موقعیت‌های مختلف دوره‌های دوستان و هم‌قطاران و یا در طبیعت و احتمالاً به هنگام مأموریت هستند. تعدادی نیز در وضعیت مشق نظام است که از خود او و یا احتمالاً از مشق سربازان به وسیله وی گرفته شده که در این حالت، تصاویر افراد به شکل طبیعی و بدون ژست در عکس‌ها مشهود است.

تعدادی از عکس‌های مجموعه، از دوایر مختلفی که در ارتش وجود داشته، نظیر

۸. عکس‌های حاضر در این مقاله منتخبی از یک مجموعه با ارزش از عکس‌های مربوط به قشون در اوان دوره پهلوی است که امید می‌رود بخش بعدی از این تصاویر در شماره‌های آتی نشریه به چاپ برسد.

سربازخانه و سربازان در حین غذا خوردن، اجزای صحنه و پزشکان و پرستاران در حالت نمایش انجام وظیفه و به هنگام دیدن بیمار و نیز عکسی از دامپزشک فوج به هنگام معاینه اسب سواره نظام هستند؛ همچنین عکس‌هایی از رسته موزیکانچیان، بیطاری<sup>۹</sup>، ارکان حرب، بی‌سیم‌چی‌ها، ارکان اداری، گروهان‌ها با تجهیزات خود، به حالت خبردار و نیز صاحب‌منصبان در حالت آزاد است. حتی از کبوتران فوج و افرادی که برای مراقبت ایشان گماشته شده بودند نیز در میان تصاویر دیده می‌شود. از جمله دیگر تصاویر، عکسی است از کارگرانی غیرنظامی که در فوج به خدمت مشغول بودند. ضمناً برخی از تصاویر در این مجموعه وجود دارد که احتمالاً از اولین نمونه‌های ضبط‌شده از فعالیت‌هایی ورزشی است که در ارتش وجود داشته است؛ نظیر مسابقات دو و پرش ارتفاع یا اسب‌سواری. این موارد حاکی از نکته‌سنجی عکاس در ضبط وقایع مختلف و متفاوت در قالب تصاویر و نیز یافتن لحظاتی خاص برای ثبت در حافظه تاریخی ارتش است.

در میان عکس‌های این مجموعه نادر نیز تصاویر نابی است از برخی تجهیزات و تشکیلات مکمل و در کنار لشگر که به دلیل بی‌سابقه و یا حداقل کم‌سابقه بودن در میان تصاویر به‌جامانده از ساختار و تشکیلات نظامی در ایران جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد؛ مانند تصاویر درشکه حمل‌مریض و نیز حمام سیار نظامیان، کارخانه چراغ‌برق فوج و نیز کبوتران فوج. عکاس این تصاویر به تصویربرداری رسمی و رایج و مرسوم از نظامیان در حالت‌های مانور و مشق نظام و ژست‌های خشک نظامی و رسمی قناعت نکرده و به تصویربرداری از لحظات خاص و نیز از اجزایی که معمولاً در میان افواج و نظامیان چندان مورد توجه واقع نمی‌شده‌اند پرداخته است. این از نکاتی است که مجموعه حاضر را در میان عکس‌های نظامی دوره معاصر، در موقعیت شاخص و ممتازی قرار می‌دهد.

در میان عکس‌های موجود، چند تصویر از سنگرکنندگان سربازان وجود دارد که ایشان را نه در حالت کار بلکه در حین کار نشان داده است. همچنین دو عکس بسیار جالب در مجموعه عکس‌های مرحوم اسفندیاری وجود دارد که حاکی از روحیه طنز و احتمالاً شوخ‌طبعی وی بوده است. در این دو تصویر دوزج سرباز متفاوت را در کنار یکدیگر قرار داده است؛ یک سرباز کوتاه قامت را در کنار یک سرباز بلند قامت گذاشته و در توضیح کنار عکس عبارت بلندقدترین و کوتاه‌ترین افراد فوج، ثبت شده است و یا عکس دیگر، جوان سربازی را در کنار سرباز پیری قرار داده و در کنار آن نوشته مسن‌ترین و جوان‌ترین افراد فوج را گذاشته است.

شوخ‌طبعی صفتی است که در میان نظامیان از آن کمتر یاد می‌شود. ولی مرحوم اسفندیاری در ضبط این دو تصویر و نیز برخی از عکس‌هایی که صاحب‌منصبان نظامی را در حالت راحت‌باش و غیررسمی نشان داده است، به نظر می‌رسد که از این قاعده خارج شده است.

دیگر عکس‌های مجموعه، عکس‌هایی از افواج مختلف در قرارگاه و دورنماهایی از موقعیت منطقه‌ای ادارات تابعه در فوج منطقه کرمانشاه است. ضمناً عکسی هم از سربازان کشته‌شده فوج وجود دارد که روی هم ریخته شده‌اند.

سخن آخر این که تاریخ‌نویسی نوین تنها به منابع مکتوب در بیان وقایع و تحلیل تاریخی اکتفا نکرده و از تمام شواهد مکتوب (کتاب، سند) و غیرمکتوب (عکس، نقاشی‌های هنری، موسیقی، صنایع دستی، قصه‌ها، آواها، ترانه‌ها و غیره) که به کمک تاریخ می‌آیند، در ضبط و تحلیل تاریخ استفاده کرده و بهره می‌برد. در واقع تاریخ‌نگاری نوین که در ارتباط با مسائل مبتلابه انسان است، منابع آن نیز بمانند خود انسان حدودمرزی ندارد. عکس‌ها و تصاویری که در لحظات ضبط شده‌اند، خود زبانی دارند که با دقت در آن، می‌توان به درک واقعی‌تر و درست‌تری از تاریخ مورد مطالعه رسید.

### عکس‌ها



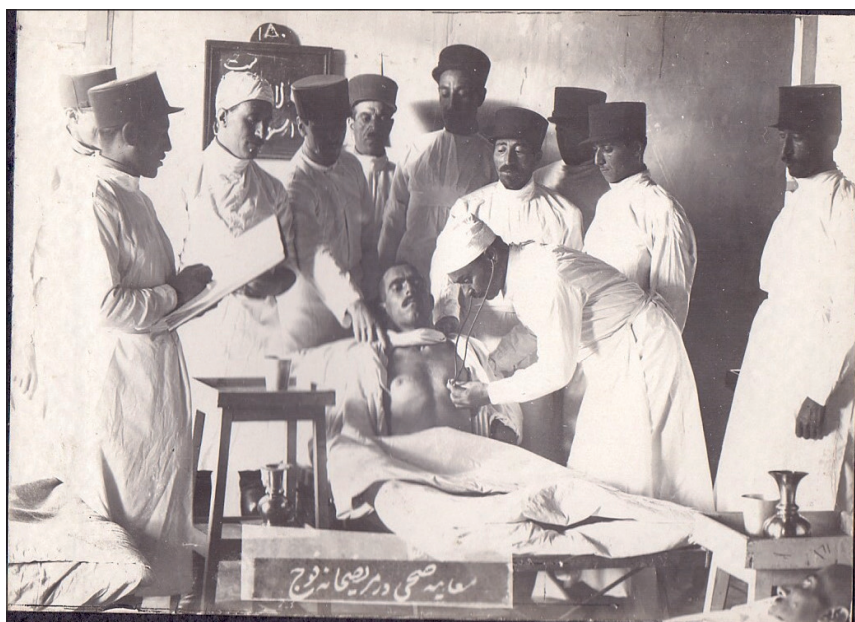
■ شکل شماره ۲. مسن‌ترین و جوان‌ترین افراد فوج



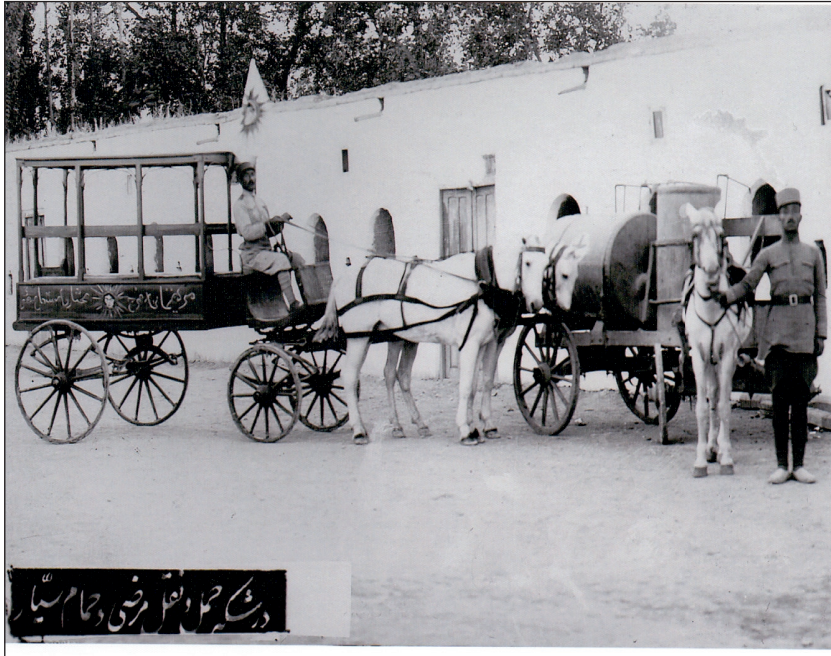
■ شکل شماره ۱. بلندقدترین و کوتاه‌قدترین افراد فوج



■ شکل شماره ۳. صحنه فوج



■ شکل شماره ۴. معاینه صحنه در بیمارستان فوج



■ شکل شماره ۵. درشکه حمل و نقل مریض و حمام سیار



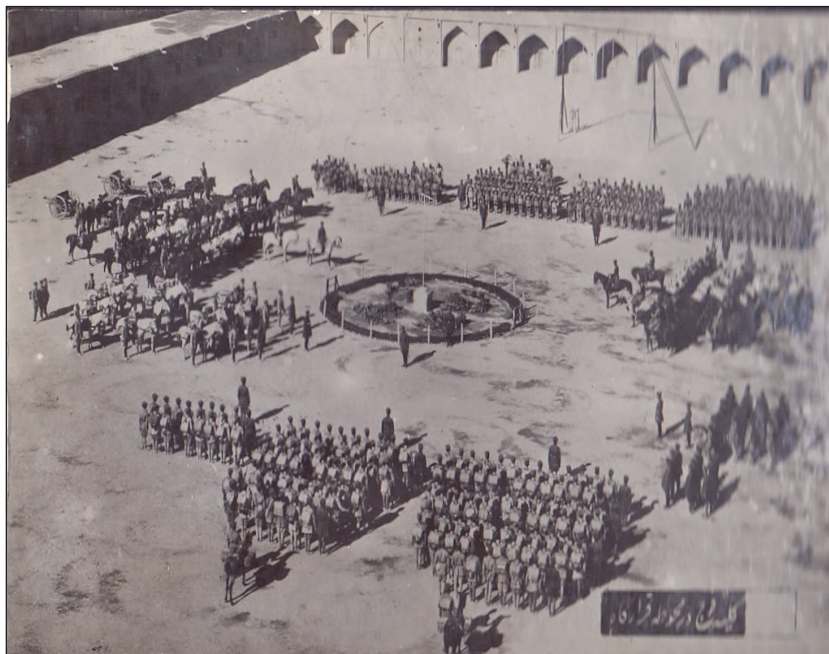
■ شکل شماره ۶. بیطاری فوج



■ شکل شماره ۷. یک عمل بیطاری



■ شکل شماره ۸. گروهان با تمام تجهیزات



■ شکل شماره ۹. کتیبه فوج در محوطه قرارگاه



■ شکل شماره ۱۰. دفیله گروهان ۴



■ شکل شماره ۱۲. یک پست تلفنی



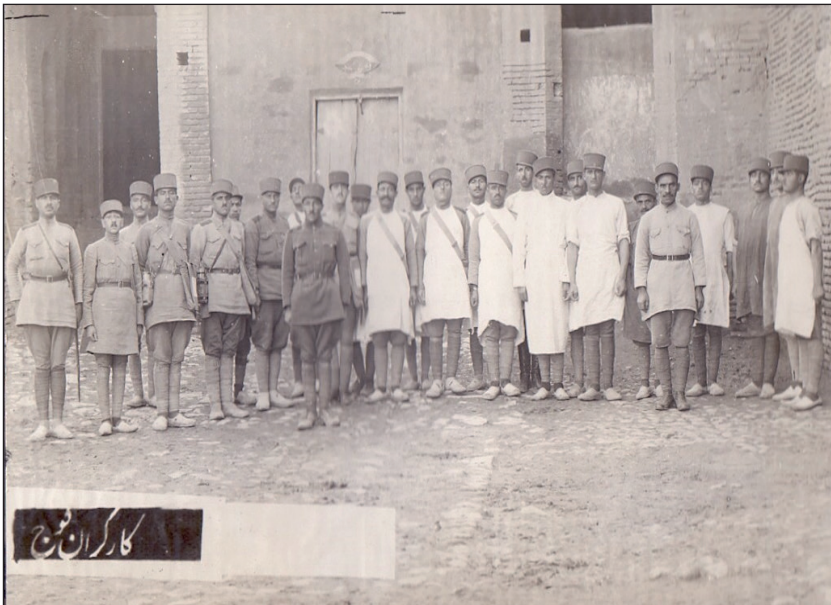
■ شکل شماره ۱۱. سنگرگنی گروهان



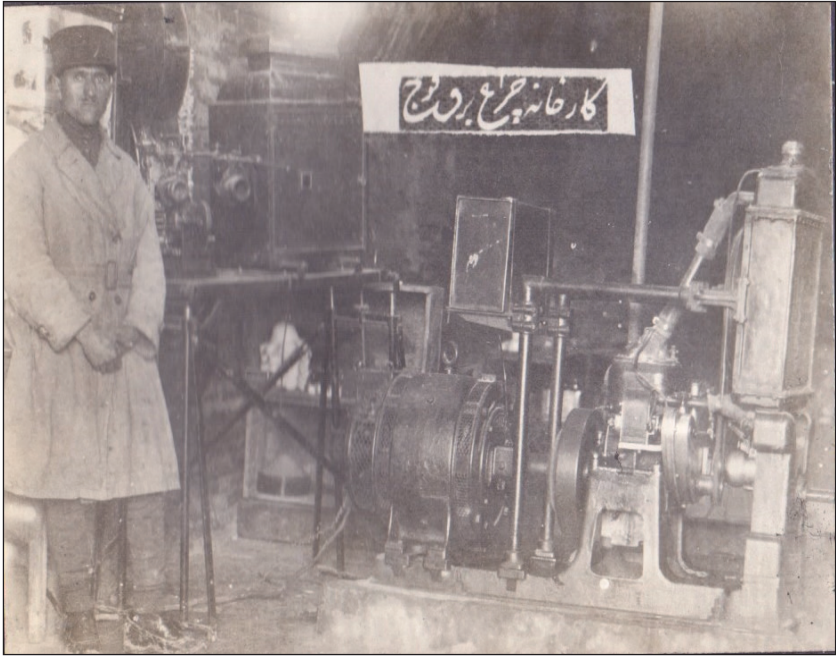
■ شکل شماره ۱۳. بالابانچی



■ شکل شماره ۱۴. ارکست فوج



■ شکل شماره ۱۵. کارگران فوج



■ شکل شماره ۱۶. کارخانه چراغ برق فوج



■ شکل شماره ۱۷. بهترین دوندگان فوج



■ شکل شماره ۱۸ . بهترین افراد مخصوص پرش ارتفاع



■ شکل شماره ۱۹ . عکس مقتولین و کتابخانه فوج



■ شکل شماره ۲۰. کبوتران فوج



■ شکل شماره ۲۱. سبد سيار کبوتران فوج

## منابع

### کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۹۶). محتشم‌السلطنه (زندگی‌نامه سیاسی حسن اسفندیاری). (۳ ج). تهران: نشر تاریخ ایران.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۸۳). زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما. تهران: نشر تاریخ ایران.
- پاکروان، امین. (۱۳۷۷). آغامحمدخان قاجار. جهانگیر افکاری، مترجم. تهران: جام.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۶). تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، ج ۲، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خودگو، سعادت. (۱۳۸۳). لرستان در عهد قاجار. خرم‌آباد: افلاک.
- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۷۲). خاطرات نخستین سپهبد ایران، احمد امیراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.
- فیروز، مریم. (۱۳۸۷). خاطرات مریم فیروز. تهران: دیدگاه.
- کیانوری، نورالدین. (۱۳۵۲). خاطرات کیانوری. تهران: انتشارات اطلاعات.
- عاقلی، یاقر. (۱۳۵۸). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. ج ۱، تهران: گفتار.
- کرونین، استفانی. (۱۳۷۷). ارتش و حکومت پهلوی. ترجمه غلامرضا علی بابائی. تهران: خجسته.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۴۷). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. (وحید مازندرانی، مترجم). (۲ ج). انتشارات دانشگاه تهران.

### مقالات

- اسفندیاری، عباسقلی. (۱۳۵۵). «خرید اسلحه». مجله وحید، ش ۱۹۳.
- نصراله‌خان یاور. (۱۳۵۰). «گزارش نظامی از یک قرن پیش (۱۲۹۷ ق)». مجله انجمن تاریخ، ش ۶.



نامه نانوشته؟

## بررسی اصالت نامه

# ۲۷ مرداد کاشانی به مصدق

ایمان عباس نژاد<sup>۱</sup>

کلیدواژه‌ها:  
سیدابوالقاسم کاشانی،  
محمد مصدق،  
۲۸ مرداد ۱۳۳۲،  
کودتا

در سال‌های آغازین انقلاب، نامه‌ای از سیدابوالقاسم کاشانی به محمد مصدق در ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ (یک روز قبل از کودتا) منتشر شد که کاشانی در آن نامه، مصدق را از وقوع کودتایی توسط زاهدی آگاه می‌کند و به او پیشنهاد کمک و همکاری می‌دهد. همچنین پاسخی نیز از مصدق منتشر شد که در آن خود را مستظهر به پشتیبانی ملت می‌داند و به نوعی به هشدار کاشانی بی‌اعتنایی می‌کند. این نامه، که توسط محمدحسن سالمی (نوه کاشانی) منتشر شد، بحث‌های بسیاری را برانگیخت. گروهی تردیدهایی را در اصالت نامه (از نظر سندشناسی و دلالت) مطرح کردند و گروهی نیز در دفاع از اصالت نامه قلم زدند. پس از مطالعه تقریباً تمام بحث‌های مطرح شده حول این نامه و با عنایت به سیر تاریخی بحث‌ها، به چند ابهام و تردید جدید رسیدیم که در این نوشتار بیان کرده‌ام. به نظر من تأخیر در انتشار این نامه‌ها با مفاد نامه منسوب به کاشانی سازگار نیست. همچنین در سخنان سالمی در سالیان مختلف پرباشان‌گویی‌ها (یا تناقض‌گویی‌هایی) به چشم می‌خورد که می‌تواند وثاقت او را خدشه‌دار کند. در این مقاله نشان داده‌ام که چطور سالمی در سال‌های گوناگون، جزئیات جدیدی از ماجرا را بیان می‌کند؛ جزئیاتی که اگر واقعی بود، نباید به تدریج و در سالیان مختلف به ماجرا افزوده می‌شد.

**استناد:** عباس نژاد، ایمان. (۱۴۰۴). نامه نانوشته؟ بررسی اصالت نامه ۲۷ مرداد کاشانی به مصدق. آرشیو ملی، (۱) ۸، ۵۷-۷۰.

### ۱. مقدمه

با گذشت سال‌های طولانی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بحث درباره ابعاد مختلف آن همچنان جاری است. رابطه آیت‌الله کاشانی با دکتر مصدق و تأثیر آن بر شکست نهضت ملی نیز همچنان محل بحث است. در این میان، نامه‌ای منسوب به آیت‌الله کاشانی به دکتر مصدق در ۲۷ مرداد

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دین، گروه فلسفه، حکمت و منطق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران  
i.abbasnejad.sh@gmail.com

۱۳۳۲ منتشر شد که در آن کاشانی وقوع کودتا را به مصدق هشدار می‌دهد و دست کمک دراز می‌کند؛ ولی مصدق این دست را پس می‌زند. درباره اصلت این نامه بحث‌های زیادی شده و افراد قابل توجهی از جمله ایرج افشار، عبدالله برهان، محمدعلی همایون کاتوزیان درباره آن مطالبی نوشته‌اند. با بررسی همه بحث‌ها حول این نامه، به این نتیجه رسیدیم که تردیدهایی درباره اصلت نامه وجود دارد که تاکنون مطرح نشده و در این نوشتار می‌کوشیم این تردیدها را بیان کنیم. پیش از ورود به بحث، متن نامه منسوب به کاشانی و پاسخ مصدق را عیناً ذکر می‌کنیم.

### نامه کاشانی به مصدق

حضرت نخست وزیر معظم جناب آقای دکتر مصدق دام اقباله - عرض می‌شود گرچه امکاناتی برای عرایض نمانده ولی صلاح دین و ملت برای این خادم اسلام بالاتر از احساسات شخصی است و علی‌رغم غرض ورزی‌ها و بوق و کرنای تبلیغات شما، خودتان بهتر از هرکس می‌دانید که هم و غم در نگهداری دولت جنابعالی است که خودتان به بقای آن مایل نیستید. از تجربیات روی کار آمدن قوام و لجبازی‌های اخیر بر من مسلم است که می‌خواهید مانند سی‌ام تیر کذائی یک بار دیگر ملت را تنها گذاشته و قهرمانانه بروید. حرف اینجانب را در خصوص اصرارم در عدم اجرای رفتارندوم نشنیدید و مرا لکه حیض کردید؛ خانه‌ام را سنگ باران و یاران و فرزندانم را زندانی فرمودید و مجلس را که ترس داشتید شما را ببرد بستید و حالا نه مجلسی هست و نه تکیه‌گاهی برای این ملت گذاشته‌اید. زاهدی را که من با زحمت در این مجلس تحت نظر و قابل کنترل نگه داشته بودم با لطائف الحیل خارج کردید و حالا همان‌طور که واضح بوده، درصدد به اصطلاح کودتاست. اگر نقشه شما نیست که مانند سی‌ام تیر عقب نشینی کنید و به ظاهر قهرمان زمان بمانید و اگر حدس و نظر من صحیح نیست که همان‌طور که در آخرین ملاقاتم در دزاشیب به شما گفتم و به هندرسن هم گوشزد کردم که امریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسی‌ها کمک کرد و حالا به صورت ملی و دنیاپسندی می‌خواهد به دست جنابعالی این ثروت را به چنگ آورد، و اگر واقعاً با دیپلماسی نمی‌خواهید کنار بروید این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود که من شما را با وجود همه بدی‌های خصوصی‌تان نسبت به خودم از وقوع حتمی یک کودتا وسیله زاهدی که مطابق با نقشه خود شماست آگاه کردم که فردا جای هیچ‌گونه عذر موجهی نباشد. اگر به راستی در این فکر اشتباه می‌کنم با اظهار تمایل شما سیدمصطفی و ناصرخان قشقایی را برای مذاکره خدمت می‌فرستم. خدا به همه رحم بفرماید.

سید ابوالقاسم کاشانی

ایام به کام باد.

### پاسخ مصدق به نامه کاشانی

مرقومه حضرت آقا وسیله آقا حسن آقای سالمی (نوه دختری کاشانی) زیارت شد. اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم. والسلام.<sup>۱</sup>

۱. متن این دو نامه را در مأخذهای زیر می‌توان یافت: دهنوی، محمد (۱۳۶۲). مجموعه مکاتبات آیت‌الله کاشانی، جلد سوم، تهران: بی‌نا. (بی‌تا). روحانیت و اسرار فاش نشده نهضت ملی شدن صنعت نفت. قم: انتشارات دارالفکر؛ آیت، حسن (۱۳۶۳). چهره حقیقی مصدق السلطنه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.



## ۲. پرسش‌های با پاسخ

به نظر می‌رسد برخی از مخالفان اصالت نامه، ابهاماتی را مطرح کرده‌اند که پاسخ مناسبی به آن‌ها داده شده است. پاسخ داشتن برخی ابهامات مطرح‌شده نشانه اصالت نامه نیست؛ بلکه همه تردیدها باید پاسخ داده شود یا دست‌کم تردیدهای اصلی باید با پاسخ موجهی همراه شوند تا احتمال اصالت نامه افزایش یابد. سالمی و برخی از مدافعان نامه، پیاپی روی همان پرسش‌های پاسخ‌داده‌شده تمرکز می‌کنند و مکرر آن‌ها را تکرار می‌کنند. برخی از این پرسش‌ها در سال‌های اولیه انتشار نامه، مطرح شد و در آن زمان اطلاعات درباره نامه بسیار کم بود. به نظر می‌رسد سالمی در نوشته‌ها و مصاحبه‌های مکررش توانسته برخی از آن تردیدهای ابتدایی را برطرف کند و دیگر بحث آن‌ها را باید کنار گذاشت و سراغ تردیدهای جدیدتر و جدی‌تر رفت. طفره رفتن از پاسخ به تردیدهای جدیدتر و جدی‌تر و تمرکز بر تکرار پاسخ به تردیدهای قدیمی‌تر و ضعیف‌تر در نوشته‌های سالمی چشمگیر است. برخی از آن تردیدهای قدیمی‌تر و ضعیف‌تر که به نظر نویسنده تاکنون تکلیفشان مشخص شده است (مگر آنکه داده جدیدی به داستان اضافه شود) در ادامه می‌آید و شایسته است مدافعان اصالت نامه، دیگر به این‌ها اشاره نکنند و فقط سراغ تردیدهای جدی‌تر باقی‌مانده بروند.

## ۱.۲. نامه شماره ثبت ندارد

یکی از نخستین تردیدها درباره اصالت نامه‌ها دیده‌نشدن شماره ثبت در نامه‌های محل بحث است. افشار که از اولین تردیدکنندگان درباره این نامه‌ها بود می‌نویسد:

از طرفی قاعده و مرسوم چنان بوده است که نامه‌های رسیده به دفتر نخست‌وزیری شماره شود و در دفترهای اندیکاتور به ثبت برسد و شماره ثبت روی نامه قید گردد. آیا این نامه دارای چنان علامتی هست؟ در عکس نشانه‌ای وجود ندارد (افشار، ۱۳۶۹، ص ۲۷۷).

راه از بین بردن تردید مطرح‌شده مشخص است و اینکه بینیم مصدق نامه‌های دیگری بدون شماره و آرم نخست‌وزیری داشته است یا خیر. سالمی به این تردید پاسخی داده است که موجه به نظر می‌رسند. مثلاً گفته است خود او نامه‌های زیادی از مصدق دارد که نه در دفتر ثبت شده و نه علامت نخست‌وزیری دارد (سالمی، بی‌تالف، ص ۱۶۷). او عکس نامه‌ای از مصدق را شاهد آورده که نه تاریخ دارد، نه علامت نخست‌وزیری، و شماره هم نشده است (سالمی، بی‌تالف، صص ۱۷۳-۱۷۴). همچنین می‌گوید:

نمی‌دانم چرا کتاب آقای امیرعلائی را به نام «مجاهدان و شهیدان راه آزادی» که از هم عقیده‌های ایشان هستند، مطالعه نفرموده‌اند و یا اگر خوانده‌اند چرا به این نامه‌ها که می‌آورم که تاریخ و شماره و حتی جای چاپی شماره و تاریخ هم، جز آرم تنهای نخست‌وزیری، ندارد، ایرادی نگرفته‌اند؟! (سالمی، بی‌تالف، ص ۱۷۲).<sup>۲</sup>

۲. سالمی مکرر درباره این مطلب سخن گفته است. به نظر تا داده جدیدی مطرح نشود این تردید موجه نیست؛ ولی اصرار زیاد مدافعان اصالت نامه از جمله سالمی بر تکرار پاسخ به این تردید نوعی طفره رفتن از پاسخ به تردیدهای جدی‌تر است. از دیگر جاهایی که سالمی درباره این مطلب سخن گفته می‌توان به این‌ها اشاره کرد: سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۵؛ سالمی، بی‌تاب، ص ۳۶۴؛ سالمی، ۱۳۸۵، ص ۵۱.

## ۲.۲. حضور ناصرخان قشقایی در تهران

یکی از تردیدهای ابتدایی برخی محققان مربوط می‌شود به بخش پایانی نامه کاشانی که از فرستادن سیدمصطفی و ناصرخان قشقایی برای مذاکره نزد مصدق خبر می‌دهد: «اگر به راستی در این فکر اشتباه می‌کنم با اظهار تمایل شما سیدمصطفی و ناصرخان قشقایی را برای مذاکره خدمت می‌فرستم». در سال ۱۳۶۶ کتاب سال‌های بحران؛ خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقایی چاپ می‌شود و ناشر در مقدمه خود می‌نویسد، بر اساس این خاطرات، در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ ناصرخان اصلاً در تهران نبوده که کاشانی بخواهد او را نزد مصدق بفرستد:

به شهادت کتاب حاضر، از تاریخ نهم اسفندماه ۱۳۳۱ تا آخر آذر ۱۳۳۲ [ناصرخان قشقایی] از استان فارس خارج نشده است؛ لذا نمی‌تواند به عنوان رابط از آقای کاشانی در تاریخ ۲۷ مرداد ۳۲ نامه برای دکتر مصدق ببرد. با توجه به این مطلب و نیز این نکته که در اواخر عمر دولت مصدق، روابط آیت‌الله کاشانی و قشقایی تیره بوده، به نظر می‌رسد نامه معروف آیت‌الله کاشانی به مصدق و جواب مصدق در تاریخ ۲۷ مرداد سوای قرائن موضوعی و ذهنی، جعلی باشد (قشقایی، ۱۳۶۶، ص ۳۰، مقدمه ناشر).

نبودن ناصرخان در تهران یکی از دلایل علیه نامه به حساب آمده است (مثلاً رک: سفری، ۱۳۷۱، ص ۸۸۵). اما بعد از تأمل بیشتر به نظر می‌رسد این چندان دلیل محکمی نیست؛ زیرا مثلاً ممکن است:

کاشانی از حضور نداشتن ناصرخان در تهران باخبر نبوده باشد.  
کاشانی در نامه گفته است این دو نفر را «خواهم فرستاد» و شاید قصد داشته در صورت چراغ سبز از سوی مصدق به ناصرخان اطلاع دهد به تهران بیاید.  
ذکر نام «ناصرخان» سهو القلم باشد و منظور خسرو یا محمدحسین قشقایی باشد که هر دو در آن تاریخ در تهران بودند.<sup>۳</sup>

سالمی بارها به این اشکال پاسخ گفته است. او در اصالت کتاب خاطرات روزانه ناصرخان تردید کرده است و آن را یا کاملاً جعلی می‌داند یا در بعضی از بخش‌ها جعل در آن راه یافته است (سالمی، بی‌تالف، ص ۱۶۲). افزون بر آن، به نظر او نیز نبودن ناصرخان در تهران مشکلی برای اصالت نامه ایجاد نمی‌کند؛ کما اینکه می‌گوید مصطفی کاشانی نیز در آن تاریخ در تهران نبود و گرنه او را برای رساندن نامه انتخاب نمی‌کردند (سالمی، بی‌تالف، ص ۱۶۱).

بنابراین، به نظر می‌رسد صرف نبودن ناصرخان در آن تاریخ در تهران دلیلی برای تردید در اصالت نامه نیست. غرض اینکه مدافعان اصالت نامه خوب است از این دو اشکال بگذرند و مدام پاسخ‌هایشان به این دو اشکال را تکرار نکنند. به نظر می‌رسد این دو اشکال با پاسخ خوبی همراه شده است و بهتر است مدافعان اصالت نامه وقت خود را صرف پاسخ به دیگر ابهامات و اشکالات کنند.

۳. این قول از آن همایون کاتوزیان است. (رک: همایون کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).

یکی از مهم‌ترین (و شاید مهم‌ترین) مسئله در بحث‌های مربوط به این نامه، تأخیر در انتشار آن است. در باب اینکه این نامه نخستین بار چه زمانی منتشر شده است چند دیدگاه وجود دارد. برخی معتقدند نخستین بار، پس از انقلاب ۵۷ منتشر شده است و برخی نیز تاریخ نخستین انتشار را قبل از انقلاب می‌دانند.

#### ۱.۱.۳. دیدگاه نخست: انتشار بعد از انقلاب

عبدالله برهان درباره تاریخ انتشار این نامه‌ها می‌گوید در نخستین ماه‌های پس از انقلاب، فیلمی از تلویزیون دید که شمس آل احمد در سخنرانی‌اش به این نامه اشاره کرده است:

اطلاع نگارنده از وجود این دو نامه، مربوط به نخستین ماه‌های بعد از انقلاب است. در آن زمان تلویزیون فیلمی پخش کرد از یک سخنرانی شمس آل احمد که در دانشگاه تهران ایراد کرده بود. شمس ضمن مقایسه انقلاب مشروطیت، و انقلاب نفت، و انقلاب اسلامی، نتیجه گرفت که اولی ضداستبدادی بود، دومی ضداستعماری، و سومی هم ضداستبدادی و هم ضداستعماری. وی در توضیح نهضت ملی و ملت شکست آن، و وقایع ۲۸ مرداد با جهت‌گیری خاص، نتیجه‌ای به دست داد (چون گفتار او را در اختیار نداریم، نقل به معنا می‌کنیم) که «در ۲۷ مرداد حضرت آیت‌الله کاشانی نامه‌ای به مصدق نوشت و گفت باوجودی که تو به من بد کردی و خیلی ناراحتم کردی، اما من تو را توجه می‌دهم که فردا یک کودتا حتماً خواهد شد؛ اما مصدق جواب داد که خیر، لازم نیست؛ خودم مراقب اوضاع هستم و مردم پشتیبان من هستند» (برهان، ۱۳۶۸، ص ۱۸۷).

برهان می‌گوید سپس طرفداران مظفر بقایی هم بیشتر به این موضوع پرداختند و بعد احساس طبری در کتاب کژراهه این نامه را آورد.

ایرج افشار می‌گوید ظاهراً این نامه نخستین بار بعد از انقلاب و در سال ۱۳۵۷ یا ۱۳۵۸ منتشر شده است:

ظاهراً نخستین بار این دو نامه در رساله‌ای به نام «روحانیت و اسرار فاش‌نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت»، به کوشش «گروهی از هواداران نهضت اسلامی در اروپا» در سال ۱۳۵۷ یا ۱۳۵۸ در قم (مؤسسه دارالفکر) در ۲۳۶ صفحه منتشر می‌شود. طبق معرفی «آبستراکتا ایرانیکا» (۳/ ۱۹۸۰ ص ۹۱) نامه در صفحه ۱۸۵ آن رساله چاپ شده است. آقای م. دهنوی (ترکمان) هم نامه را از صفحات ۱۸۶-۱۸۷ در جلد «مجموعه مکاتبات، سخنرانی‌های کاشانی» (تهران، ۱۳۶۲) نقل کرده است (افشار، ۱۳۶۹، ص ۲۷۳).

افشار می‌گوید تاریخ انتشار رساله مذکور را از آقای دهنوی هم پرسیده و او نیز سال ۱۳۵۸ را سال انتشار رساله مذکور دانسته است (افشار، ۱۳۶۹، ص ۲۷۳).

### ۳.۱.۲. دیدگاه دوم: انتشار قبل از انقلاب

سالمی در مواجهه با گفتار برهان و افشار و دیگر تردیدافکنان در اصالت و دلالت نامه، نخستین انتشار نامه را قبل از انقلاب می‌داند. او می‌گوید سال‌ها پیش از انقلاب در جزوه‌ای که در پاسخ به کتاب گذشته چراغ راه آینده است در اروپا منتشر شد این نامه هم چاپ شده بود؛ زیرا در کتاب گذشته چراغ راه آینده است مطلبی درباره اینکه کاشانی به پاپوس استعمار رفته است، آمده بود و چاپ این نامه‌ها مناسبت داشت (سالمی، بی تا الف، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۷). او سال انتشار جزوه مذکور را در جایی ۱۹۶۰ (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۷) و در جای دیگر ۱۹۶۲ ذکر می‌کند (انقلاب در سال ۱۹۷۹ واقع شد) (سالمی، ۱۳۸۵، ص ۵۱). سالمی در جایی ادعا می‌کند هفت-هشت نسخه بیشتر از این جزوه چاپ نشد (سالمی، ۱۳۸۵، ص ۵۱)، و در جای دیگر می‌گوید صد-صد و پنجاه نسخه از آن تکثیر شد! (سالمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱). همچنین می‌گوید سال‌ها پیش از انقلاب، نسخه‌ای از نامه برای طبری که مشغول نوشتن تاریخ معاصر ایران بود ارسال شده بود و طبری خودش گفته در اوایل سال‌های چهل این نامه را دیده است (سالمی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹).

### ۳.۱.۳. جمع‌بندی زمان انتشار نامه

از آنچه گفته شد مشخص است که عموم محققان و اهالی فن پس از انقلاب از وجود چنین نامه‌ای مطلع شده‌اند. حتی اگر بنا بر یکی از نقل‌ها از سالمی، این نامه در جزوه‌ای به تیراژ هفت-هشت نسخه سال‌ها قبل از انقلاب منتشر شده باشد، این انتشار گسترده نبوده و به اطلاع محققان نرسیده است؛ لذا بحث‌ها درباره صحت این نامه یا استناد به آن نیز بعد از انقلاب آغاز شده است. بنا به فحص من، نخستین مطلب تحقیقی‌ای که درباره این نامه نگاشته شده است از آن عبدالله برهان در ۱۳۶۸ در کتاب بیراهه: پاسخ به کژراهه احسان طبری است. پیش از آن، در مقدمه ناشر بر کتاب خاطرات ناصرخان قشقایی در سال ۱۳۶۶ چند خطی درباره این نامه اظهار نظر شده است.

بنابراین، اگر انتشار را به معنای پخش کردن مطلبی به گونه‌ای که عموم مردم یا دست‌کم محققان آن حوزه از آن مطلع شوند بدانیم، شکی نیست که انتشار این نامه پس از انقلاب بوده است. در واقع بین نگاشته شدن و انتشار این نامه‌ها حدود ۲۶ سال فاصله است و از زمان فوت کاشانی تا انتشار نامه نیز ۱۸ سال گذشته بود. همین تأخیر در انتشار نامه، پرسش‌انگیز بوده و سبب شده عده‌ای آن را شاهدهی بر صحت نداشتن این نامه بدانند. سالمی در نوشته‌ها و مصاحبه‌های مختلف خود کوشیده است برای این تأخیر در انتشار، توضیحی ارائه دهد و خود را از این اشکال برهاند. طبیعتاً اگر توضیح او قانع‌کننده باشد، یکی از مهم‌ترین اشکالات به اصالت این نامه برطرف خواهد شد. در ادامه توضیح سالمی را مطرح می‌کنیم و نشان می‌دهیم این توضیح قانع‌کننده نیست و با توجه به ماهیت آن نامه و رسالتی که برعهده داشته است، تأخیر در انتشار آن گزینه‌ای بر اصالت نداشتن آن است.



### ۳. ۱. ۴. طرح و نقد توضیح سالمی از علت تأخیر در انتشار

در مصاحبه‌هایی که با سالمی انجام شده است و نوشته‌های خود او چند بار از چرایی تأخیر در انتشار نامه سخن به میان می‌آید. او گاهی می‌کوشد تاریخ انتشار نامه را به چندین سال پیش از انقلاب برگرداند که پیش‌تر درباره‌اش سخن گفتیم. در یک نمونه، از پاسخ دادن طفره می‌رود و به نوعی بحث را منحرف می‌کند.<sup>۴</sup> اما پاسخ‌های او به این پرسش از این قرار است:

علتش این است که اختیار نشریات و رسانه‌های گروهی دست ما نبود و مردم از اقدامات ما آگاهی نداشتند (سالمی، ۱۳۹۱، ص ۹).

در زمان زاهدی و قدرت شاه و زاهدی و زندانی بودن مصدق معنا نداشت این کار را بکنم. بعد وقتی معلوم شد که کودتا برخلاف ادعایی که داشت پوچ و توخالی است، باید در مقابل زاهدی جبهه می‌گرفتیم. پس ترجیح دادیم تا نامه را چاپ نکنیم (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۳).

هنوز بین ملت و دربار مبارزه شدیدی جریان داشت. اگر نامه را منتشر می‌کردیم آب به آسیاب مخالفان ملت می‌ریختیم. برای ما در اروپا هم دیگر امکانی نبود تا انسان بتواند اظهار وجود کند. تبلیغات زیادی علیه ما بود و سم‌پاشی کرده بودند. پس این حرف‌ها به جایی نمی‌رسید. کما اینکه امروز هم می‌گویند نامه جعلی است و جراید مصدقی پاسخ‌های مرا به شهادت خودتان چاپ نمی‌کنند (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۴).

به نظر ما پاسخ‌های بالا توضیح مناسبی برای علت تأخیر در انتشار نامه نیست و محتوای نامه با منتشر نشدن آن از سوی کاشانی و پس از او از سوی هرکدام از ارادتمندان او سازگار نیست. سالمی و مدافعان اصالت نامه باید منتشرنشدن نامه را در چند بازه زمانی توضیح دهند:

چرا وقتی مصدق، پاسخ سربالا داد، کاشانی و دوستانش نامه را منتشر نکردند تا مردم از نقشه زاهدی و آمریکا آگاه شوند؟

چرا کاشانی تا زمان مرگش از این نامه سخنی به میان نیاورد؟

چرا سالمی و نزدیکان کاشانی پس از فوت کاشانی هم نامه را منتشر نکردند؟

۴. «مصاحبه‌کننده:» به نظر شما چرا عده‌ای وجود چنین نامه‌ای را نفی می‌کنند و آن را جعلی می‌خوانند؟ به هر حال، این تأخیر طولانی در انتشار آن پرسش برانگیز است. آیا فکر نمی‌کنید عدم انتشار آن تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نادرست بوده است؟ [پاسخ سالمی:] من نمی‌دانم ناراحتی کاشانی که این حرف‌ها را می‌زنند از چیست. این یک اصل مسلم است که مصدق در تمام روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مردم را از وقوع کودتا بی‌خبر گذاشت. کافی بود یک کلمه در رادیو به مردم بگوید که دارد کودتا می‌شود... (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۶).

پاسخ سالمی این است که مصدق کاشانی را «لکه حیض» کرده بود و از اعتبار انداخته بود و مجلات سخنان آن‌ها را چاپ نمی‌کردند. پاسخ او به پرسش دوم این است که در زمان زاهدی و زندانی بودن مصدق «معنا نداشت» این کار را بکنند و پس از معلوم شدن پوچ بودن دولت کودتا نیز انتشار نامه، جبهه‌گیری در مقابل زاهدی بود و ترجیح دادند نامه را منتشر نکنند. پاسخ او به پرسش سوم نیز این است زمانی که او در خارج از کشور بود «امکانی نداشت تا اظهار وجود کند»، «تبلیغات زیادی علیه آنان بود» و درواقع اگر منتشر می‌کردند نیز صدایشان به جایی نمی‌رسید (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۴).

اینکه مجلات، سخنان کاشانی را چاپ نمی‌کردند ادعایی است که بطلاش مشخص است؛ زیرا مثلاً اعلامیه<sup>۸</sup> مرداد کاشانی علیه مصدق چاپ شده بود. برهان در این باره می‌نویسد:

نشریات حزب توده که تا نیمروز ۲۸ مرداد نسبت به مصدق فحاشی می‌کردند، آزادانه منتشر می‌شدند. در تمام دوران مصدق و در ارتباط با او و دولتش، هیچ روزنامه‌ای توقیف نشد. اگر «کسی دستورشان را چاپ نمی‌کرد» پس چگونه اعلامیه ۸ مرداد کاشانی حاوی ناسزاگویی به مصدق منتشر گردید؟ روزنامه‌هایی مانند شاهد، فرمان، داد، اطلاعات، آتش، طلوع و ... از خدا می‌خواستند که این‌گونه مطالب تحریک‌آمیز علیه مصدق را چاپ کنند. نتیجه اینکه عدم امکان چاپ آن نامه در جراید روز تهران یک دروغ بزرگ است. فقط اختیار استفاده از رادیو در آن روزها برای کاشانی محدود شده بود (برهان، ۱۳۷۴، صص ۱۲۵-۱۲۶).

پاسخ او به پرسش دوم نیز برای ما نامفهوم است. اینکه «در زمان زاهدی و زندانی بودن مصدق معنا نداشت» چنین کاری کنند یعنی چه؟ یعنی کاشانی قید نهضت را زده بود و به زاهدی امیدوار بود؟ افزون بر آن، مصدق در دادگاه تمام تلاش خود را می‌کرد تا نشان دهد با کودتا او را کنار زده‌اند و برای اثبات این مطلب در تکاپو بود. چطور کاشانی که در نامه محل بحث، از نقشه زاهدی برای کودتا خبر می‌دهد، نامه را منتشر نکرد یا به نفع این ادعای مصدق شهادت نداد؟ آیا شهادت دادن در این موضوع بر کاشانی واجب نبود؟

سالمی می‌گوید پس از معلوم شدن پوچ بودن دولت کودتا نیز انتشار نامه به معنای جبهه‌گیری علیه زاهدی بود و لذا منتشر نکردند. احتمالاً مراد ایشان از زمان معلوم شدن پوچ بودن دولت کودتا وقتی است که پس از همه حمایت‌های کاشانی از زاهدی، سخنگوی دولت زاهدی به خبرنگاران گفت: «اخیراً شخصی به نام سید ابوالقاسم کاشی برای خودنمایی و کسب شهرت، مطالبی دور از حقیقت و انصاف در باب انتخابات و نفت و دخالت خارجی‌ان در کار ایران گفته» (مجله کاویان، اسفند ۱۳۳۲، به نقل از میرزاده، ۱۳۸۰، ص ۳۲۱). این دوره که امید کاشانی به زاهدی پوچ درآمده بود و کاشانی در عزلت کامل بود و خود در ناامیدی به سر می‌برد و حتی قصد مسافرت به خارج را داشت (رک: حسینیان، ۱۳۸۵، ص ۶۳) دیگر چه جای مصلحت‌اندیشی بود تا نتوان نامه را منتشر کرد؟

درباره پاسخ سالمی به پرسش سوم هم به مطلب خاصی نیاز نیست. او در زندان به سر نمی‌برد که انتشار نامه برایش ممکن نباشد، بلکه در اروپا بود و دست‌کم برای ثبت در تاریخ می‌توانست نامه را منتشر کند.

اما به نظر من مهم‌ترین مسئله این است که منتشر نشدن نامه در این سال‌ها با محتوای نامه، ناسازگار است. بنا به گفته سالمی، کاشانی از مصدق ناامید بود و این نامه نیز به اصرار اطرافیان نوشته شد. شاید کاشانی ذره‌ای امید داشت مصدق با این نامه متنبه شود که نشد. محتوای نامه نشان می‌دهد که مهم‌ترین غرض نوشتن آن، ماندگار شدن این نامه در تاریخ بوده است تا به گوش مردم برسد و تاریخ قضاوت درستی از وقایع داشته باشد:

این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود که من شما را با وجود همه بدی‌های خصوصی‌تان نسبت به خودم، از وقوع حتمی یک کودتا به وسیله زاهدی که مطابق با نقشه خود

شماست آگاه کردم که فردا جای هیچ‌گونه عذر موجهی نباشد (نامه ادعایی کاشانی به مصدق). متن نامه می‌گوید غرض از نگاشته شدن آن ماندگار شدن سندی در تاریخ است که نشان دهد کودتا مطابق با نقشه خود مصدق بود و کاشانی «علی‌رغم غرض ورزشی‌ها و بوق و کرنای» مصدقی‌ها علیه او در آن موقعیت حساس، همه کدورت‌ها را کنار گذاشت و دست دوستی به سوی مصدق دراز کرد و مصدق با بی‌توجهی این دست را پس زد. محتوای نامه می‌گوید این نامه باید سرگشاده می‌بود، یا کاشانی باید بعداً این نامه را منتشر می‌کرد یا کسانی که دوستدار کاشانی بودند باید در اولین فرصت آن را منتشر می‌کردند. حال آنکه چنین نشد. حتی پس از انقلاب نیز سالمی قصد انتشار چنین نامه‌ای را نداشت. او می‌گوید: «بعد از انقلاب هم هنوز نمی‌خواستم چاپ کنم. تا اینکه ماجرای میتینگ احمدآباد در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ پیش آمد» (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۴). درواقع اگر میتینگ احمدآباد در تجمید از مصدق نبود و طالقانی در آنجا نمی‌گفت به کاشانی گفتم حواستان باشد پوست خریزه زیر پایتان نیندازند، و غیرت سالمی به جوش نمی‌آمد اصلاً چنین نامه‌ای منتشر نمی‌شد. به نظر شما این عملکرد خود کاشانی و خانواده و نزدیکان او در منتشر نکردن نامه، و انتشار با تأخیر و بدون میل از سوی سالمی آن هم به واسطه حرف طالقانی در احمدآباد، با محتوای نامه که کاشانی می‌گوید این نامه را برای ثبت در تاریخ نوشتم تناسب دارد؟ افزون بر آن، کاشانی در نامه می‌گوید خود مصدق از کودتا خبر دارد؛ این کودتا مطابق نقشه خود است. لذا إخبار به مصدق تحصیل حاصل است؛ زیرا او خودش طراح کودتاست. تنها وجه نوشتن نامه همان مطلب ثبت در تاریخ است که به آن اشاره شده است و این مطلب با منتشرنشدن نامه از سوی خود کاشانی و اطرافیانش سازگار نیست.

### ۳. ۲. هر دم از این باغ بری می‌رسد

نگاهی تاریخی به سیر مباحثات له و علیه این نامه نشان می‌دهد سالمی با گذشت زمان، جزئیات جدید و عجیبی را از ماجرا بیان کرده یا به آن افزوده است، جزئیاتی که اگر واقعی بود نباید به آرامی در سال‌های مختلف بیان می‌شد و قاعدتاً در اولین توضیح درباره ماجرا ذکر می‌شد. مثلاً افشار در مقاله‌اش در ۱۳۶۹ می‌نویسد: «حق بود آقای سالمی که در اطاق مصدق بوده نشانه‌ای از مشخصات و سرووضع تهیه‌کننده نامه را توضیح داده بود و دقیقاً می‌گفت دستور شفاهی مصدق به چه عبارت بوده است» (افشار، ۱۳۶۹، ص ۲۷۸). سالمی در سال ۱۳۷۱ به مقاله افشار پاسخ داده است. در نقل قول‌هایی که در مقاله‌اش از اشکالات افشار آورده است نیز همین درخواست جزئیات بیشتر از سوی افشار را عیناً آورده است ولی جزئیاتی از ماجرا نمی‌گوید (سالمی، بی‌تالف، ص ۱۷۱). در سال ۱۳۷۲، برهان در مقاله‌ای دوباره به این درخواست افشار برای جزئیات بیشتر اشاره می‌کند. سالمی در ۱۳۷۴، در مصاحبه با شوکت از جزئیات مهمی خبر می‌دهد. از جمله اینکه نامه‌ها را به عکاسی مهتاب برده و از آن عکس گرفته است (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۳). درواقع تا سال ۱۳۷۴ صحبتی از عکاسی مهتاب و عکس گرفتن از نامه نبود و عجیب است که

چنین مطلب مهمی حدود ۱۶ سال پس از انتشار نامه در بعد از انقلاب گفته می‌شود و حتی در نوشته‌های سالمی در نقد ایرج افشار هم از عکاسی مهتاب سخنی به میان نیامده است؛ با اینکه افشار درخواست جزئیات کرده بود.

دیگر جزئیات مذکور در این مصاحبه (در سال ۱۳۷۴) از دیدار سالمی با مصدق از این قرار است:

ایشان توی رختخواب بودند. شمدی هم روی خود کشیده بودند. وارد که شدم، خیلی با تعجب، اما به مهربانی از من استقبال کردند. قاه‌قاه خندیدند و گفتند: «چه خوشگل شده‌ای که سرت را از ته تراشیده‌اند»؛ و اضافه کردند: «این بهترین کمکی بود که می‌توانستم به تو بکنم که در این اوضاع در زندان باشی. آقا اگر بیرون بودی تو را می‌کشتند» (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۲).

کاغذ را با تفکر زیاد خواندند و بعد کسی را صدا زدند و چیزی در گوشش گفتند و او رفت. ایشان کاغذ را همانجا بغل متکای خودشان گذاشتند. چند دقیقه بعد همان شخص، برگشت و مطلبی آورد که ایشان امضا کردند و در پاکت گذاشتند و در آن را بستند و به من دادند (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۲). در همین موقع، آن فرد که گویا منشی‌شان بود آمد و گفت که هندرسون آمده است و می‌خواهد با ایشان ملاقات کند. دکتر مصدق به سرعت از رختخواب برخاستند و من هم کت‌شان را گرفتم و پوشیدند. بعد زدند پشت من و گفتند: «آقاجان به سلامت» و باز اضافه کردند: «و گول توده‌ای‌ها را نخورید». در حین اینکه از اتاق بیرون می‌آمدم با هندرسون، سفیر آمریکا، روبه‌رو شدم. (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۳).

در سال ۱۳۸۵، سالمی در گفت‌وگو با شاهد یاران این جزئیات را اضافه می‌کند: وقتی وارد شدم دکتر مصدق که قبلاً به من «تو» می‌گفت خیلی با احترام حرف زد. سرم را در زندان تراشیده بودند و او قاه‌قاه خندید. گفتم: «توی زندان چرا سرم را تراشیدید؟» گفت: «برای اینکه ممکن بود مویت را بخوری و خودکشی کنی. تو باید زنده می‌ماندی که محاکمه می‌شدی» (سالمی، ۱۳۸۵، ص ۵۰ برجسته‌سازی‌ها از من است).

در سال ۹۱ روزنامه جوان با سالمی گفت‌وگویی ترتیب می‌دهد و آنجا جزئیاتی ذکر می‌شود که در نوشته‌ها و مصاحبه‌های قبلی سالمی دیده نمی‌شود: در همان حالی که داشتم از اتاق دکتر مصدق خارج می‌شدم، هندرسون وارد شد. با من دست داد و از دیدنم نزد آقای نخست‌وزیر تعجب کرد. (سالمی، ۱۳۹۱، ص ۹ برجسته‌سازی‌ها از من است).

قبل از آن، از نامه پدربزرگم هم عکس گرفته بودم. عکاسی مهتاب، نبش میدان بهارستان، روبه‌روی مجلس شورای ملی بود. راستی این را اضافه کنم که نماینده ناصرخان قشقایی هم آنجا بود، به من می‌گفت: «مصدق لجباز است و حرف کسی را گوش نمی‌کند» (سالمی، ۱۳۹۱، ص ۹ برجسته‌سازی‌ها از من است).

ملاحظه می‌کنید روند افزوده‌شدن جزئیات از سوی سالمی در طول سال‌ها به چه صورت



بوده است. برخی از این جزئیات بسیار مهم هستند که نباید بیان آن‌ها از زمان انتشار نامه به تأخیر می‌افتاد؛ مثل عکس گرفتن از نامه در عکاسی مهتاب، واکنش مصدق به دیدار با سالمی و خواندن نامه و حتی دیدار با نماینده ناصرخان که سالمی در ۱۳۹۱ به آن اشاره کرده است. یکی از مسائل مهم درباره این نامه حضور یا عدم حضور ناصرخان یا نماینده او در تهران است که از جانب منتقدان نامه پرسش‌هایی را برانگیخته و سالمی و مدافعان نامه نیز پاسخ‌هایی مطرح کرده‌اند. دیدار سالمی با نماینده ناصرخان و آن نقل قول از نماینده ناصرخان، مطلب مهمی است که اگر صحیح بود سالمی باید سال‌ها قبل به آن اشاره می‌کرد و از آن جنس مطالبی نیست که فردی که با این پرسش‌ها روبه‌رو بوده است، فراموش کند.

### ۳.۳. پریشان‌گویی‌ها

بررسی گفته‌های سالمی درباره این نامه در زمان‌های مختلف از پریشان‌گویی‌ها حکایت دارد. برخی از این‌ها به گونه‌ای است که نمی‌توان با عذر سهو قلم و سهو لسان بر آن سرپوش گذاشت و ممکن است باعث شود در توافق سالمی به عنوان گواهی دهنده، تردید افکنده شود.

الف. در بخش مربوط به تأخیر در انتشار نامه گفتیم که سالمی گاهی کوشیده زمان انتشار نامه را به سال‌ها قبل از انقلاب برگرداند. او می‌گوید جزوه‌ای در پاسخ به کتاب گذشته چراغ راه آینده است تهیه شد و این نامه‌ها نخستین بار آنجا چاپ شد. درباره دشواری روند آماده‌سازی و چاپ این جزوه نیز توضیحاتی داده است؛ اما گفته او درباره دو مطلب درباره این جزوه پریشان است.

نخست شمارگان این کتاب؛ او درجایی می‌گوید «این کتاب متأسفانه هفت-هشت-ده جلد بیشتر نبود که یک جلدش را آقای تفرشی گرفت که نوشته بود؛ یعنی در تیراژ قابل توجهی منتشر نشد. خودمان با دست و تایپ درست کرده بودیم» (سالمی، ۱۳۸۵، ص ۵۱) و در جای دیگر وقتی می‌خواهد از کم‌شمارگان بودن این جزوه سخن بگوید می‌آورد: «متأسفانه تعداد اندکی از کتابم تکثیر شد. با ماشین تحریر معمولی و با زحمت زیاد کتابم را حروف‌چینی کردم و به دشواری در یکی از چاپخانه‌های ذوب آهن استان سار، حدود صد، صد و پنجاه نسخه تکثیر کردم» (سالمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱). هفت-هشت-ده نسخه کجا و صد یا صد و پنجاه کجا؟ این پریشان‌گویی آن هم درباره جزوه‌ای که خودش همه زحمات آماده‌سازی و انتشارش را کشیده است محل تأمل است.

دوم: سال نشر این جزوه؛ درباره سال نشر این جزوه نیز پریشان‌گویی وجود دارد که البته به اندازه مسئله قبل، جدی نیست و ممکن است سهوی در کار بوده باشد. او در یک جا سال نشر این جزوه را ۱۹۶۲ ذکر می‌کند (سالمی، ۱۳۸۵، ص ۵۱) و در جایی دیگر اوایل ۱۹۶۰ (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۷).

ب. سالمی با این پرسش مواجه شده بود که نگاشتن این نامه ایده خود کاشانی بود یا اطرافیان. او در این باره نیز پریشان سخن گفته است که بسیار محل تأمل است. از طرفی در مواجهه با پرسش شوکت چنین می‌گوید:

۵. «مصاحبه‌کننده: به نظر شما چرا عده‌ای وجود چنین نامه‌ای را نمی‌کنند و آن را جعلی می‌خوانند؟ به هر حال، این تأخیر طولانی در انتشار آن پرسش برانگیز است. آیا فکر نمی‌کنید عدم انتشار آن تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نادرست بوده است؟ [پاسخ سالمی:] من نمی‌دانم ناراحتی کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند از چیست. این یک اصل مسلم است که مصدق در تمام روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مردم را از وقوع کودتا بی‌خبر گذاشت. کافی بود یک کلمه در رادیو به مردم بگوید که دارد کودتا می‌شود... (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۶).

[شوکت] ابتکار یا پیشنهاد نامه نوشتن به دکتر مصدق با شما بود؟  
[سالمی] ایده از خود مرحوم کاشانی بود. ولی دکتر مصدق از نظر سیاسی و شخصی و از نظر حیثیت اجتماعی آن قدر به ایشان صدمه زده بودند که دیگر برایشان مشکل بود باز از او خواهش کنند؛ اما ایشان وقتی منافع ملت در پیش بود، هیچ وقت دنبال نفع شخصی نبودند (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۲).

از طرفی دیگر در سال ۱۳۹۱ در این باره می‌گوید:

ما که در جناح چپ بودیم، به آقای کاشانی می‌گفتیم: «درست است که هواداران دکتر مصدق خانه شما را سنگ باران کرده‌اند، درست است که شما اعلامیه داده‌اید دکتر مصدق دیکتاتوری راه انداخته است؛ ولی به خاطر مردم و مصلحت کشور این نامه را بنویسید!» به خصوص اینکه یک آقایی به اسم افشار، از برنامه آمریکایی‌ها به ما خبر می‌داد: «سرنخ‌ها دست امریکایی‌هاست و مصدق را روی انگشتشان می‌چرخانند و می‌خواهند نهضت ملی را نابود کنند...». با توجه به اینکه آقا مصطفی کاشانی مخفی شده بود، ما توانستیم به آقای کاشانی بقبولانیم نامه را به ترتیبی که **ملاحظه می‌کنید، بنویسد (سالمی، ۱۳۹۵، ص ۹ برجسته‌سازی‌ها از من است).**

در سال ۱۳۷۴ می‌گوید ایده نوشتن نامه از خود کاشانی بود (توجه داشته باشید که این پاسخ به پرسش صریح شوکت بوده است؛ شوکت پرسیده شما پیشنهاد نوشتن نامه را دادید و پاسخ داده شده است ایده کاشانی بود)؛ اما در سال ۱۳۹۱ می‌گوید ما (جناح چپی‌های بیت کاشانی) پیشنهاد کردیم و به کاشانی قبولانیدیم نامه را بنویسد. حتی عنوان مصاحبه سالمی در ۱۳۹۱ این است: «آقا به توصیه ما آن نامه را نوشت». این دو سخن از پریشان‌گویی گذشته و تناقض‌گویی است، آن هم درباره واقعه‌ای که باید برای سالمی آشکار باشد که بالاخره او پیشنهاد داده بود یا خود کاشانی. این تناقض‌گویی نیز می‌تواند در داوری درباره وثاقت سالمی به عنوان گواهی‌دهنده مؤثر باشد.

ج. درباره اینکه چه ساعتی به منزل مصدق رسید تا نامه را تحویل دهد باز هم در گفتار سالمی پریشان‌گویی دیده می‌شود که به جدیت دو نمونه پیشین نیست. در مصاحبه سال ۱۳۷۴ در پاسخ به پرسش از اینکه «چه ساعتی به منزل دکتر مصدق رفتید؟» می‌گوید: «حدود ساعت ۴ بعد از ظهر. ایشان توی رختخواب بودند. شمدی هم روی خود کشیده بودند» (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۲) اما در مصاحبه سال ۱۳۹۱ می‌گوید: «آقای سید علی مصطفوی وقت گرفته بود و من ساعت پنج عصر، با نامه پدر بزرگم به مقصد رسیدم» (سالمی ۱۳۹۱، ص ۹).

#### ۳.۴. اجتماع چندین نفر بر سکوت

اگر فقط سالمی از این نامه باخبر بود و به دلایلی آن را تا سال‌ها مسکوت گذاشته بود، وضع بهتر از حالت فعلی بود. در مسئله محل بحث، بنا بر قول سالمی، چندین نفر از نگاه‌شده شدن این نامه باخبر بوده است و اجتماع همه آن‌ها در ساکت ماندن درباره این قضیه عجیب است و می‌تواند از احتمال صدق سخن سالمی و اصالت نامه‌ها بکاهد.

از سخنان سالمی در سال‌های گوناگون مشخص می‌شود که هنگام نگاشته شدن نامه، این افراد حاضر بودند: ۱. محمدحسن سالمی، ۲. سیدعلی مصطفوی (داماد کاشانی)، ۳. چند نفر دیگر از اقوام و محارم کاشانی (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۲). همچنین بنا بر قول سالمی، محمد نخشب هم از این نامه مطلع بوده است:

نخشب همان شب ۲۸ یا ۲۹ مرداد به من گفته بود بعید نیست مصدق در سفارت امریکا پنهان شده باشد. به او گفتم چنین نامه‌ای وجود دارد. نخشب گفت مبادا چاپ کنید، باعث یأس مبارزین می‌شود (سالمی، ۱۳۷۴، ص ۶۴).

بنابراین، دست‌کم سالمی، مصطفوی، نخشب و چند نفر دیگر از اقوام و محارم کاشانی از نامه مذکور مطلع بوده‌اند. هرکدام از این افراد نیز احتمال دارد در این سال‌ها مسئله را با چندین نفر در میان بگذارند. فرض کنیم سالمی در این سال‌ها بنا بر دلایلی (مثل در اروپا بودن و ...) سخنی از نامه به میان نیاورده است. عجیب نیست که از دیگر افراد مطلع از این نامه نیز هیچ سخنی صادر نشده است؟ آن هم خانواده و اقوام و نزدیکان کاشانی که در این سال‌ها عزلت کاشانی را می‌دیدند و می‌توانستند با سخن گفتن از این نامه به اعتبار کاشانی بیفزایند و از اعتبار مصدق بکاهند (البته اگر حتی نامه در صورت صحت بتواند چنین کاری را انجام دهد. دست‌کم سالمی از انتشار نامه چنین خواستی داشته است). اینکه یک نفر بنا بر دلایلی ساکت بماند مسئله‌ای است و اینکه چندین نفر با وجود نامهربانی‌های بسیار (به‌زعم نزدیکان کاشانی) به کاشانی هیچ حرفی از این نامه به میان نیاورند مسئله‌ای است دیگر و عجیب‌تر.

اگر کسی سالمی را گواهی‌دهنده موثقی می‌داند و محتوای گواهی او را نیز بی‌اشکال، شاید بتواند به اصالت این نامه باور داشته باشد، در غیراین صورت هر یک از این احتمالات در نتیجه‌گیری و مشخص شدن میزان احتمال صدق یا کذب ادعای سالمی مؤثر است و باید به آن‌ها توجه شود.

#### ۴. نتیجه

پس از بررسی همه نوشته‌های موافقان و مخالفان اصالت نامه ۲۷ مرداد، به این نتیجه رسیدیم که دو تردید مطرح شده از سوی مخالفان با پاسخ‌های موجهی همراه شده است و بحث درباره آن تردیدها باید پایان یابد. همچنین مشخص شد که دلایل سالمی برای تأخیر در انتشار نامه در بازه‌های مختلف، موجه نیست و تأخیر در انتشار نامه با محتوای نامه (که اقتضای سرگشاده بودن دارد) سازگار نیست. همچنین، پریشان‌گویی‌ها و تناقض‌گویی‌هایی را در صحبت‌های سالمی (کسی که مدعی رساندن نامه از کاشانی به مصدق است) نشان دادیم که باعث می‌شود وثاقت او به عنوان گواهی‌دهنده، خدشه‌دار شود. افزون بر آن، به نظر می‌رسد روند اضافه شدن جزئیات ماجرا از سوی سالمی در سال‌های گوناگون مشکوک است و اگر این جزئیات واقعی بودند باید در همان سال‌های اولیه بیان می‌شدند. به نظر می‌رسد با توجه به وجود این تردیدها، نمی‌توان به نامه مذکور اعتماد و استناد کرد.

## منابع:

### کتاب‌ها

- افشار ایوب. (۱۳۶۹). «نامه‌آشانی به مصدق در ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ از دیدگاه سندشناسی». در هفتاد مقاله: ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی (یحیی مهدوی و ایرج افشار گردآورندگان). ج ۱، ۱، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۲۷-۲۸.
- برهان، عبدالله. (۱۳۶۸). «بیراهه: پاسخ به کزراهه احسان طبری»، ج ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- سفیری، محمدعلی. (۱۳۸۵). «قلم و سیاست»، ج ۱، ۲، تهران: نشر نامک.
- قشقایی، محمدناصر. (۱۳۶۶). «سال‌های بحران: خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقایی از فروردین ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۲». (نصراشته حدادی، تصحیح). ج ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- میرزاده، وحید. (۱۳۸۰). «کاشانی، حمایت از مصدق یا کودتا». در مصدق، دولت ملی و کودتا. (زیر نظر عزت‌الله سبحانی). صص ۳۱-۳۲ (این مقاله نخستین بار در ایران فردا، ش ۵۳، اردیبهشت ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است).
- همایون کاتوزیان، محمدهادی (۱۳۸۰). «استبداد، دموکراسی و نهضت ملی»، ج ۳، تهران: نشر مرکز، صص ۱۳۲-۱۴۳.

### مقالات

- برهان، عبدالله. (۱۳۷۴). «آن‌نامه هنوز هم جعلی است: پاسخ به گفته‌های دکتر سالمی، نوه‌آیت‌الله کاشانی». در پیام امروز، شماره هشتم، صص ۱۲۲-۱۲۸.
- حسینیان، روح‌الله. (۱۳۸۵). «آیت‌الله کاشانی و رویداد ۲۸ مرداد». در شاهد یاران، ش ۱۶، صص ۶۱-۶۵.
- سالمی، محمدحسن. (۱۳۷۴). «روز قبل از کودتا: گفت‌وگوی حمید شکوت با دکتر حسن سالمی درباره‌نامه‌آیت‌الله کاشانی به مصدق». در پیام امروز، شماره هفتم، صص ۶-۹.
- سالمی، محمدحسن. (۱۳۸۳). «پاسخ به جناب پروفیسور»، در تاریخ معاصر ایران، سال هشتم، شماره ۳، صص ۱۵۷-۱۷۰.
- سالمی، محمدحسن. (۱۳۸۵). «آقا نمی‌خواست نامه ۲۷ مرداد را بنویسد: آیت‌الله کاشانی از ۳۰ تیر تا ۲۸ مرداد، در گفت‌وگوشود شاهد یاران با دکتر محمدحسن سالمی». «شاهد یاران»، شماره ۱۶، صص ۴۶-۵۱.
- سالمی، محمدحسن. (۱۳۹۱). «آقا به توصیه‌ما آن‌نامه را نوشت: گفتنی‌ها و تأملاتی پیرامون نامه تاریخی ۲۷ مرداد آیت‌الله کاشانی به دکتر مصدق در گفتگو با دکتر محمدحسن سالمی». روزنامه جوان، سه‌شنبه ۳۱ مرداد، ۱۳۹۱، شماره ۳۷۶۱، صص ۹ و ۱۱.
- سالمی، محمدحسن. (بی‌تا الف). «سندشناسی نامه‌آیت‌الله کاشانی به دکتر مصدق». تاریخ و فرهنگ معاصر، سال دوم، شماره ششم-هفتم، صص ۱۵۱-۱۷۵.
- سالمی، محمدحسن. (بی‌تا ب). «نامه‌ای از دکتر حسن سالمی». تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره ۵-۱۶، صص ۳۶۳-۳۷۱.



نسخه برداری از فرمان‌ها و عریضه‌ها:

# دریچه‌ای به تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار<sup>۱</sup>

آصف اشرف<sup>۲</sup>

مترجمان: فرشید نوروزی<sup>۳</sup>، حمیدرضا آریان‌فر<sup>۴</sup>

کلیدواژه‌ها:  
ایران، قاجار، تاریخ  
سیاسی، منابع

این مقاله با بررسی دودست‌نوشته که شامل مجموعه‌ای از فرمان‌ها، عریضه‌ها و نامه‌های به‌جامانده از دوره قاجار در ایران هستند، به چگونگی حکومت‌داری در آن دوره می‌پردازد. ابتدا این دو دست‌نوشته معرفی می‌شوند و سپس به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود: چه کسانی و به چه دلیلی این دست‌نوشته‌ها را رونویسی کرده‌اند؟ محتوای این مجموعه‌ها پیش از آنکه گردآوری شوند، چگونه در جامعه قاجاری رواج داشته و این رواج چه چیزی درباره آن دوره به ما می‌گوید؟ این مقاله با تمرکز بر شیوه‌های ثبت و بازتولید اسناد در بافتار اداری و اجتماعی قاجار، به ما نشان می‌دهد که چگونه بازیگران مختلف، از دبیران دیوانی گرفته تا کارگزاران محلی، در فرایند تولید و نگهداری این دست‌نوشته‌ها نقش داشته‌اند. همچنین، بررسی این دست‌نوشته‌ها نه تنها محتوای فرمان‌ها و عریضه‌ها را روشن می‌سازد، بلکه امکان فهم مناسبات قدرت، شبکه‌های ارتباطی، و زبان رایج در تعاملات دیوانی را نیز فراهم می‌کند. در پایان، مقاله نشان می‌دهد که چگونه چنین مجموعه‌های دست‌نویسی، راه‌های تازه‌ای را برای پژوهش در تاریخ سیاسی قاجار می‌گشایند و افق‌های نوینی را برای فهم تجربه دولت‌داری در ایران پیشامدرن فراهم می‌سازند.

**استناد:** اشرف، آصف. (۱۴۰۴). نسخه برداری از فرمان‌ها و عریضه‌ها: دریچه‌ای به تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار. (فرشید نوروزی و حمیدرضا آریان‌فر، مترجمان). آرشيو ملي، ۱۸(۱)، ۷۱-۹۴.

## ۱. مقدمه

تحلیل انتقادی دست‌نوشته‌ها و منابع آرشیوی، حوزه مطالعاتی غنی و متنوعی در تاریخ خاورمیانه است. با این وجود، با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ایران، دودسته کلی پدیدار می‌شود. از یک سو، پژوهش‌هایی قرار دارند که بر محتوای اصلی مواد مستند تأکید می‌کنند. بخشی از

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از: Ashraf, A. (2019). "Copied and Collected: Firmans, Petitions, and the Political History of Qajar Iran". Brill, Journal of the Economic and Social History of the Orient 62, 963- 997. <https://doi.org/10.17863/CAM.39479>  
۲. دانشیار، دیارنمان مطالعات خاورمیانه و ایران، دانشگاه کمبریج، بریتانیا  
aa2098@cam.ac.uk  
۳. دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.  
Farshidnorozi20@gmail.com  
۴. استادیار، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران  
aryanfar@iranology.ir

1. B. G. Fragner, "Farmān," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2016,

در دسترس در: <http://www.iranicaonline.org/articles/farman>

همچنین بنگرید به: «Farmān» by multiple authors, *Encyclopædia of Islam, Second Edition*.

برای مطالعه‌ای مقدماتی درباره اسناد تاریخی، بنگرید به: قائم مقامی، جواد.

(۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: انجمن آثار ملی؛

Rajabzāda, H., & Eura, K. (Eds.). (1999). *Sixty Persian Documents from the Qajar Period: Agricultural Land Transactions* [Shast Sanad-i Fārsā az Dawra-yi Qājār: Muāmalāt-i Arāzī-yi Kishavarzī]. Tokyo: Institute for the Study of Languages and Cultures of Asia and Africa; Rajabzāda, H., & Haneda, K. (Eds.). (1997). *Fifty-Five Persian Documents from the Qajar Period* [Panjāh va Panj Sanad-i Fārsā az Dawra-yi Qājār]. Tokyo: Institute for the Study of Languages and Cultures of Asia and Africa;

کتاب تازه‌تری از علی سام به طور کامل به فرمان‌نویسی در اوایل دوره قاجار اختصاص دارد؛ هرچند تمرکز اصلی این اثر بیشتر بر قالب و ساختار فرمان‌هاست تا محتوای آن‌ها؛ سام، علی. (۱۳۹۲). بررسی فرمان‌نویسی دوره اول قاجار. تهران: انتشارات کلک

رزین؛ برای آشنایی مقدماتی با اسناد شرعی، بنگرید به: *Omid Rīzā ī, Dar Āmadbar Asnād-i Sharī'i Dawra-yi Qājār* (Tokyo: Institute for the Study of Languages and Cultures

این پژوهش‌ها بر ویژگی‌ها و خصوصیات فیزیکی خود منابع تمرکز دارند: نوع کاغذ استفاده شده، مهرها، نشان‌ها و عبارات آغازین اسناد، نحوه قرارگیری متن روی کاغذ، ساختار متن، اصطلاحات و عبارات رایج موجود در متن.<sup>۱</sup> دسته‌ای دیگر از این پژوهش‌ها، انواع منابع کمتر شناخته شده یا کمتر استفاده شده را معرفی می‌کنند و اطلاعات و داده‌هایی را که این منابع در خود دارند، برجسته می‌سازند.<sup>۲</sup> ایده کلی دسته دوم پژوهش‌ها که گاهی به شکل یک استدلال صریح بیان می‌شود، این است: اگر مورخان بیشتری از داده‌های تجربی موجود در این منابع استفاده می‌کردند، درک جمعی ما از دوره زمانی مربوطه تغییر می‌کرد.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر، پژوهش‌هایی هم وجود دارند که به بررسی چگونگی تولید و حفظ اسناد تاریخی می‌پردازند. در این زمینه، پژوهشگران ایرانی پیشرو بوده‌اند، شاید به این دلیل که به‌طور طبیعی درگیر جمع‌آوری، تحلیل و فهرست‌نویسی منابع آرشیوی و مجموعه‌های دست‌نویس بوده‌اند. برای نمونه، می‌دانیم که ریشه کتابخانه مجلس، یکی از مهم‌ترین مراکز پژوهشی ایران، به سال ۱۹۰۹ م/۱۲۸۷ ش برمی‌گردد؛ زمانی که دومین دوره مجلس شورای ملی، تأسیس کتابخانه‌ای ملی برای نگهداری کتاب‌ها و نسخه‌های خطی نفیس را پیشنهاد کرد. همچنین می‌دانیم که شماری از مجموعه‌های شخصی، نخستین بخش از منابع این کتابخانه را در هنگام گشایش آن در سال ۱۹۲۵ م/۱۳۰۳ ش. فراهم آوردند.<sup>۴</sup> فهرست‌های کتابخانه‌های بزرگ ایران، از جمله کتابخانه‌های واقع در تهران، مشهد، قم و تبریز، به‌همراه مقدمه‌هایی که بر مجموعه‌های دست‌نویس و اسناد آرشیوی منتشر شده نگاشته شده‌اند و اغلب به منشأ و پیشینه این منابع می‌پردازند، اطلاعاتی مفید و ارزشمندی درباره تاریخ گردآوری و شیوه‌های سازمان‌دهی منابع در کتابخانه‌ها و آرشیوهای برجسته کشور فراهم می‌کنند.

یکی از نکاتی که از مطالعه این فهرست‌ها مشخص می‌شود، پراکندگی منابع در ایران، به‌ویژه اسناد دولتی پیش از قرن بیستم است. کتابخانه مجلس، آرشیو ملی ایران، کتابخانه ملی ملک و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، اسنادی از حکومت‌های پیش از قرن بیستم ایران را در خود جای داده‌اند، اما هیچ‌کدام از این نهادها به‌تنهایی، مثلاً، آرشیو کاملی از اسناد دولتی دوره صفوی را ندارند. آرشیوهای صفوی، اگر اصلاً وجود داشته‌اند، یا نابود شده‌اند یا از بین رفته‌اند.<sup>۵</sup> و اگرچه احتمالاً در دربار قاجار «اتاق اسنادی» برای نگهداری مواد آرشیوی وجود داشته، بیشتر این مواد اکنون پراکنده‌اند.<sup>۶</sup> این وضعیت را با آرشیو عثمانی دفتر نخست‌وزیری (Başbakanlık Osmanlı Arşivi) مقایسه کنید که محل اصلی نگهداری اسناد دولتی عثمانی از ابتدای شکل‌گیری این امپراتوری است. در ایران، نهاد مشابهی وجود ندارد.

نبود یک آرشیو مرکزی واحد برای نگهداری اسناد دولتی پیش از قرن بیستم، چالش‌هایی را برای پژوهش‌های تاریخی درباره ایران ایجاد کرده است. مورخان معمولاً درباره این موضوع بحث می‌کنند که کمبود یا فقدان منابع، چه نوع پژوهش‌های تاریخی را ممکن می‌سازد.<sup>۷</sup> برای مثال، نبود آرشیو مشخصی از دوره صفوی، گاهی بحث‌های جدی‌ای را درباره چگونگی نوشتن تاریخ این



of Asia and Africa, 1387  
Sh. / 2008-09):

در خصوص اسناد فروش،  
بناگردد به:

Werner, C. (2003).  
"Formal Aspects of

Qajar Deeds of Sale.

" Persian Documents:

Social History of Iran and

Turan in the Fifteenth to

Nineteenth Centuries ed.

N. Kondo (London: Rout-

ledge, 2003): 13-49;

و نیز

Kondo, N. (2014). "The

Lives of Qabālahs:

Annotation, Transcription

and Registration of

Documents in Early

Modern Iran". *Lecteurs*

et copistes dans les

traditions manuscrites

iraniennes, indiennes

et centrasiatiques, (N.

Balbir and M. Szuppe,

eds.). *Eurasian Studies*

12: 561-75.

۲. فرمان‌هایی از دوره‌های

مختلف تاریخ ایران در

مجموعه‌های ویرایش شده یا

در نشریات علمی فارسی‌زبان

مانند بررسی‌های تاریخی و

یغما منتشر شده‌اند. برای

نمونه‌هایی از این اسناد،

بناگردد به: ناصحی، م.

(ویراستار). (۱۳۶۵). اسناد

و مکاتبات تاریخی ایران:

دوره افشاریه. رشت: جهاد

دانشگاهی دانشگاه گیلان؛

ناصحی، م. (ویراستار).

(۱۳۶۶). اسناد و مکاتبات

تاریخی ایران: قاجاریه. تهران:

انتشارات کیهان؛ نوایی، ع

(ویراستار). (۱۳۴۲). اسناد

و مکاتبات تاریخی ایران: از

تیمور تا شاه اسماعیل.

تهران: انتشارات بنگاه

ترجمه و نشر کتاب؛ نوایی،

ع. (۱۳۶۸). نادرشاه و

بازماندگانش؛ همراه با

دوره برمی‌انگیزد.<sup>۸</sup> مسائل مربوط به روش‌شناسی و چگونگی نگارش تاریخ ایران، هرچه به گذشته دورتر می‌رویم و تعداد منابع کمتر می‌شود، پیچیده‌تر می‌شوند.<sup>۹</sup> با اینکه این بحث‌ها از نظر علمی ارزشمندند، اما معمولاً بر این پیش‌فرض استوارند که آرشیوها صرفاً محل نگهداری واقعیت‌های تاریخی و منابع بی‌طرف‌اند و این پیش‌فرض کمتر مورد پرسش قرار می‌گیرد و این امر باعث می‌شود که توجه کمتری به تحلیل انتقادی خود آرشیوها و رابطه آن‌ها با قدرت سیاسی شده باشد؛ رابطه‌ای که آن استولر از آن با تعبیر «روابط قدرتی... که بر آرشیوها حک شده‌اند» یاد می‌کند.<sup>۱۰</sup> این بحث‌ها اغلب این نکته را نادیده می‌گیرند که در واقع، مورخان تاریخ ایران از روش‌ها و رویکردهای تاریخی گوناگونی استفاده کرده‌اند؛ دشواری‌های کار با آرشیوها در ایران، صرفاً مورخان را وادار می‌کند تا به شیوه‌های خلاقانه و نوآورانه از منابع موجود بهره ببرند.

این مقاله، با هدف استفاده نوین و متفاوت از منابع، بر دو مجموعه (مجموعه) از منابع متمرکز است. هر دو مجموعه، دست‌نوشته‌هایی<sup>۱۱</sup> هستند که حاوی رونوشت‌هایی از فرمان‌ها، عریضه‌ها، نامه‌ها (مراسله) و سایر مکاتبات دوره قاجار<sup>۱۲</sup> هستند که در دیوان‌های ولایتی (دیوان یا دیوان‌خانه) - یکی در نخجوان و دیگری در بروجرد - نگهداری می‌شدند.<sup>۱۳</sup> این دو دست (که از این پس به نام خانواده‌هایی که به عنوان منشی در دیوان‌های نخجوان و بروجرد خدمت می‌کردند، نسخه‌های کنگرلو و قدیمی نامیده می‌شوند) نمونه‌های خوبی از رویه‌ای گسترده‌تر برای رونویسی و گردآوری منابع در قالب دست‌نوشته‌های صحافی شده هستند که برخی از آن‌ها به صورت دست‌نوشته باقی مانده‌اند و برخی دیگر منتشر شده‌اند.<sup>۱۴</sup>

دست‌نوشته‌هایی از این دست که در فارسی به عنوان «مجموعه» یا «جنگ» شناخته می‌شوند، نوع نسبتاً شناخته شده‌ای از منبع هستند.<sup>۱۵</sup> سودمندی آن‌ها برای پژوهش‌های تاریخی، به دلیل اطلاعات تجربی موجود در آن‌ها و به ویژه برای تاریخ اقتصادی و اجتماعی، مدت‌هاست که مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>۱۶</sup> هر دو نسخه کنگرلو و قدیمی اکنون در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شوند و به عنوان منبع برای پژوهش‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.<sup>۱۷</sup>

این مقاله قصد دارد این منابع را نه فقط به عنوان داده، یا برای تاریخ اجتماعی، بلکه به عنوان دریچه‌ای برای فهم حکمرانی اوایل قاجار بررسی کند. از آنجا که فرمان‌ها، عریضه‌ها و نامه‌های موجود در این دست‌نوشته‌ها، رونوشت‌هایی هستند که متن مکتوب منابع را رونویسی می‌کنند، اما ظاهر فیزیکی یا ترتیب آن‌ها را بازسازی نمی‌کنند، برای علاقه‌مندان به مهربا، نشان‌ها یا صفحه‌آرایی متن، کاربرد مستقیم ندارند. در واقع، نبود این ویژگی‌ها این پرسش را پیش می‌کشد که وقتی مثلاً ده‌ها فرمان در یک دست‌نوشته صحافی شده رونوشت می‌شوند، چه چیزی از دست می‌رود؟ این پرسشی است که در ادامه بررسی خواهد شد. با این حال، تمرکز روی پرسش‌های دیگری خواهد بود که عموماً در تاریخ قاجار نادیده گرفته می‌شوند: چه کسانی این منابع را رونوشت کرده‌اند و چرا؟ فرمان‌ها، عریضه‌ها و مکاتبات در ایران قاجار چگونه گردش می‌کردند؟ گردش این منابع درباره ماهیت حکومت قاجار چه چیزی به ما می‌گوید؟

نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری. تهران: ژئین: کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۴۹). «چند فرمان تاریخی»، بررسی‌های تاریخی ۲۹، ۱۹۰-۱۷۷؛ همچنین همان شماره: ۱۵۳-۱۷۶؛ کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۵۰). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی ۳۱، ۱۹۲-۱۷۷؛ عبداللهی، عبدالله. (۱۳۵۰). «چند فرمان تاریخی»، بررسی‌های تاریخی ۳۷، ۲۸۴-۲۷۷؛ اصلبی، سوسن. (۱۳۸۱). «ده فرمان از تاریخ فتحعلی‌شاه». تاریخ ۳، ۱۱۰-۹۱.

۳. برای استدلال‌هایی در این زمینه بنگرید برای نمونه به: اصلبی، ده فرمان از تاریخ فتحعلی‌شاه. صص ۹۲-۹۳.

۴. برای اطلاع از تاریخچه کتابخانه مجلس بنگرید به: (۱۳۷۵). تاریخچه کتابخانه مجلس، اولین کتابخانه رسمی کشور. تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. Herzog, E.M. (1992). "The Volume of Iranian Raw Silk Exports in the Safavid Period." *Iranian Studies*. 25/1-2: 61. Mahdavi, A. (1983). "The Significance of Private Archives for the Study of the Economic and Social History of Iran in the Late Qajar Period." *Iranian Studies* 16/3-4: 243.

۷. افسانه نجم‌آبادی نقل می‌کند که از یکی از مورخان ایرانی شنیده که ادعا می‌کرده به دلیل کمبود منابع نمی‌توان درباره تاریخ زنان در دوره قاجار تحقیق کرد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: Najmabadi, Afsaneh. (2005). *Women with*

بررسی چنین پرسش‌هایی، که این مقاله به‌هیچ‌وجه ادعای پاسخگویی قطعی به آن‌ها را ندارد و تنها آغازگر پاسخ به آن‌هاست، موجب روشن‌تر شدن فرهنگ‌های مستندسازی می‌شود و در نهایت می‌تواند به فهم بهتری از نحوه عملکرد حکومت قاجار منجر شود.<sup>۱۸</sup> دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی، و دیگر مجموعه‌های مشابه آن‌ها، ردپایی کاغذی از نظام حکمرانی در دوره قاجار ارائه می‌دهند. تولید فرمان‌ها نتیجه کار مردان و خانواده‌هایی بود که در دیوان‌های دوره قاجار خدمت می‌کردند. سپس فرمان‌ها توسط پیک‌ها به گیرندگان موردنظرشان رسانده می‌شدند. برعکس، عریضه‌ها در جاهایی مانند نخجوان نوشته می‌شدند و توسط پیک‌ها به تبریز یا تهران، جایی که حاکمان قاجار مستقر بودند، حمل می‌شدند. در نهایت، استفاده گسترده‌تر از این منابع ممکن است به نگارش تاریخ‌های سیاسی‌ای منجر شود که بیشتر بر جامعه تأکید دارند و تصاویری کامل‌تر و جامع‌تر از دولت قاجار ارائه می‌دهند؛ تصاویری که در مقایسه با آنچه بر نهاد سلطنت، ساختار قبیله‌ای قاجارها، یا دفاتر سیاسی و اداری دوره قاجار تأکید دارند، به ارائه تصویری چندبعدی و جامع‌تر از دولت قاجار کمک می‌کنند.<sup>۱۹</sup>

## ۲. دست‌نوشته‌ها: مجموعه‌های کنگرلو و قدیمی

مجموعه‌ها چه هستند؟

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی هر دو مجموعه‌ای از رونوشت‌ها (سواد) از فرمان‌ها، عریضه‌ها، نامه‌ها و سایر مکاتبات هستند. این رونوشت‌ها صرفاً خلاصه فرمان‌ها یا عریضه‌ها نیستند، بلکه رونویسی کامل متن از منابع اصلی‌اند. دست‌نوشته کنگرلو ۱۱۸ برگ دارد و شامل بیش از ۲۰۰ قطعه مکاتبه ردویدل شده بین مقامات مختلف قاجار و اعضای جامعه قبیله‌ای کنگرلو در نخجوان در طول قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم است. درباره ترتیب مطالب، منابع موجود در دست‌نوشته تقریباً به ترتیب زمانی مرتب شده‌اند؛ به طوری که قدیمی‌ترین فرمان مربوط به دوره نادرشاه و جدیدترین آن مربوط به شعبان ۱۲۶۶ هجری قمری / ژوئن ۱۸۵۰ است (اگرچه فقط یک فرمان از این تاریخ متأخر وجود دارد، و با حذف آن مورد پرت، جدیدترین فرمان‌ها مربوط به سال ۱۸۲۸، سال پایان جنگ دوم ایران و روسیه است).<sup>۲۰</sup> میرزا علی بیگ، گردآورنده دست‌نوشته کنگرلو، با زبان خود زمینه‌های تولید دست‌نوشته اصلی را توضیح می‌دهد. (شکل ۱ را ببینید):

نگارنده این سطور (راقم حروف) [میرزا] علی بیگ، فرزند میرزا اسماعیل، [و] ساکن شهر نخجوان [است].<sup>۲۱</sup> من از زمان ورود و سپس خروج ایشپاخ‌دور [یعنی ژنرال روسی پاول سیسیانوف] در ایروان بودم. من تاریخی (تاریخ) از تمام وقایع آن زمان نوشته‌ام - از آغاز سلطنت آقامحمدشاه<sup>۲۲</sup> و ورود او به گرجستان (گرجستان)؛ تا کشتار، غارت و اسارت ساکنان گرجستان؛ و فرار فرماندار الکساندر میرزا به سن پترزبورگ؛ و قتل سیاسی آقامحمدشاه در ارگ شوشی قره‌باغ به دست دو نفر از ملازمانش؛ و سلطنت فتحعلی‌شاه، و نیابت سلطنت پسرش عباس میرزا؛ و رسیدن به سلطنت،



Mustaches and Men without Beards: Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity. Berkeley and Los Angeles: University of California Press: 1.

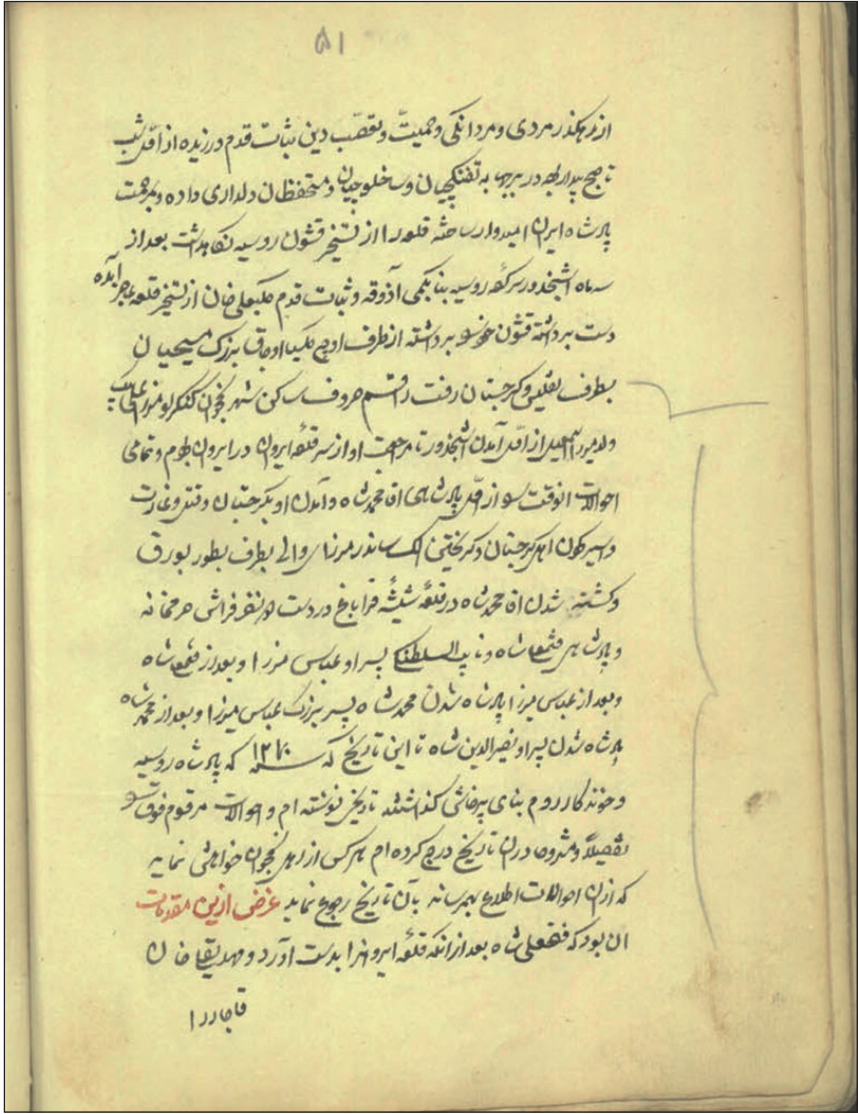
۸. برای نمونه به نقد Kioumars Ghareghlou Persia in Crisis: Safavid Decline and the Fall of Isfahan نوشته Rudi Matthee، پاسخ Matthee آن نقد، و پاسخ Ghareghlou به آن پاسخ در International Journal of Middle East Studies، ج ۴۷، شماره ۴ (۱۵-۲۰۱۵)، ج ۴۸، شماره ۲ (۱۶-۲۰۱۵)، ۴۲۹-۴۲۵ بنگرید.

۹. برای ارزیابی مفید از منابع موجود برای جهان اسلام پیش از سال ۱۵۰۰ میلادی بنگرید به:

Paul, J. (2018). "Archival Practices in the Muslim World Prior to 1500." In Manuscripts and Archives: Comparative Views on Record-Keeping. (A. Bausi et al., ed), Berlin and Boston: De Gruyter.: 339-360.

10. Stoler, A.L. (March 2002). Colonial Archives and the Arts of Governance". Archival Science 2/1-2: 87-109, 87.

این موضوع در مورد مجموعه‌ها و منابعی که در اختیار خانواده‌ها بودند، کمتر صدق می‌کند. برای نمونه، به مقاله اصغر مهدوی درباره آرشيو خانوادگی حاج محمد حسن امین‌الصریب، بازرگان و کارآفرین قرن نوزدهم، با عنوان «اهمیت آرشيوهای خصوصی» که پیش‌تر ذکر شد، بنگرید. مقاله مهدوی خلاصه‌ای از انواع مختلف



■ شکل شماره ۱. دست‌نوشته ۳۳۱ مجلس، برگ ۲۶ پ

پس از فتحعلی‌شاه و عباس میرزا، پسر بزرگ عباس میرزا، محمدشاه؛ و پس از محمدشاه، رسیدن ناصر [به این شکل در متن آمده] الدین شاه به سلطنت؛ تا و از جمله این سال ۱۲۷۰ هجری قمری / ۱۸۵۳-۵۴ که در آن پادشاه (پادشاه) روسیه و امپراتور (خوندیگار) روم [یعنی سلطان

منابعی که می‌توان در این آرشيو یافت، ارائه می‌دهد. همچنین بنگرید به: Mahdavi, Sh. (1999). For God, Mammon, and Country: A Nineteenth-Century Persian Merchant, Haj Muhammad Hassan Amin Al-Zarb (1834-1898). Boulder, Colo.: Westview Press.

بحث مرتبط با اسناد موجود در مجموعه‌های خانوادگی را می‌توان در Gurney (July 1983). A Qajar Household and Its Estates. Iranian Studies 16/3-4: 137-76.

یافت.

برای مروری مفید بر پژوهش‌های اخیر در تاریخ آرشيوها و مطالعات آرشيو، بنگرید به: Yale, E. (2015). "The History of Archives: The State of the Discipline". Book History 18: 332-59.

11. Manuscripts

۱۲. برای آشنایی با فرمان‌ها، ارقام و سایر اسناد سیاسی دوره‌ی قاجار، بنگرید به قائم‌مقامی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. صص ۴۴-۴۸ و ۷۴-۷۹.

۱۳. اصطلاح دیگری که گاهی در منابع قاجاری برای دیوان به کار می‌رود، «دفترخانه» است. استفاده از واژه «مکاتبات» دقیق نیست. در این مقاله، من آن را تقریباً به چیزی اطلاق می‌کنم که در فارسی «ترسل» نامیده می‌شود - یعنی هر مکاتبه‌ای که از طریق دیوان انجام می‌شود. برای این تعریف از ترسل، بنگرید به: Mitchell, Colin. (1997). "Safavid Imperial Tarassul and the Persian Inshā Tradition." Studia Iranica 26/2: 173-209, 177n7.

همچنین بنگرید به: عمادالدین محمود گاوان،

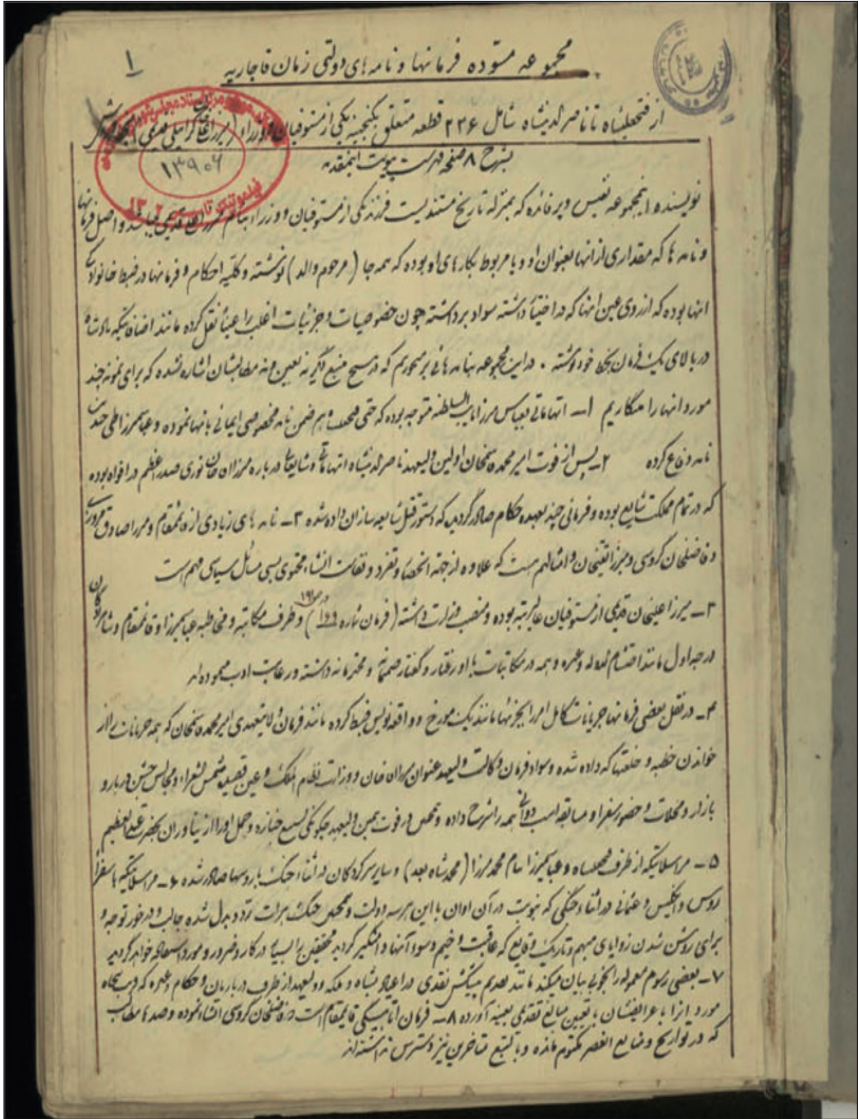
عثمانی [دگریری را آغاز کرده‌اند. من تمام وقایع ذکرشده در بالا را به‌طور کامل و با جزئیات آورده‌ام، به طوری که اگر هر یک از ساکنان نخجوان بخواهند از آن وقایع مطلع شوند، می‌توانند به آن تاریخ مراجعه کنند.<sup>۲۳</sup>

دست‌نوشته قدیمی، در مقابل، ۱۵۸ برگ دارد و شامل ۲۲۶ قطعه مکاتبه است که عمدتاً بین خاندان سلطنتی و وزرای دولت قاجار ردوبدل شده و مربوط به امور بروجرد است. مکاتبات موجود در این دست‌نوشته، برخلاف دست‌نوشته کنگرلو، به ترتیب خاصی رونوشت نشده‌اند. برای مثال، سندی مربوط به سال ۱۲۴۲ هجری قمری / ۱۸۲۶-۲۷، با سندی از سال ۱۲۷۳ هجری قمری / ۱۸۵۶-۵۷ و سپس سندی دیگر از سال ۱۲۵۶ هجری قمری / ۱۸۴۰-۴۱ دنبال می‌شود. به نظر می‌رسد جدیدترین منبع رونوشت شده، مربوط به سال ۱۲۷۳ هجری قمری / ۱۸۵۶-۵۷ باشد که رقمی (حکمی) خطاب به عبدالله خان، والی هویزه، مبنی بر اعلام فتح هرات است.<sup>۲۴</sup> یادداشتی در صفحه اول مجموعه قدیمی (شکل ۲ را ببینید) زمینه گردآوری این دست‌نوشته را توضیح می‌دهد:

نگارنده این مجموعه منحصربه‌فرد و گران‌بها که می‌توان آن را به‌عنوان یک تاریخ مستند (تاریخ مستند) رده‌بندی کرد، فرزند یکی از حسابداران و وزرای [دوره قاجار] به نام میرزا علی قدیمی است.<sup>۲۵</sup> فرمان‌ها و نامه‌های اصلی - که برخی از آنها خطاب به او [یعنی قدیمی] بوده یا مربوط به کار او بوده، و در موارد مقتضی عبارت «پدر مرحوم» [برای اشاره به او] نوشته شده است - همه دستورات و احکام در دفتر خانوادگی (ضبط خانوادگی) آنها بوده که [نگارنده] آن را در اختیار داشته و آنها را دقیقاً همان‌طور که هستند، رونوشت کرده است.<sup>۲۶</sup>

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی از نظر ساختار و سازمان‌دهی کلی نیز یک تفاوت دیگر دارند. دست‌نوشته کنگرلو فهرست مطالب ندارد و در عوض از صفحه پشت اولین برگ با رونویسی اولین فرمان آغاز می‌شود. هر فرمان یا عریضه با شرح مختصری از محتوای متن پیش‌رو (یعنی یک فرمان، یک عریضه یا منبعی دیگر)، صادرکننده آن و مخاطب آن معرفی می‌شود. منابع مربوط به دوره‌های نادرشاه، کریم‌خان زند، آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه همگی به این شکل آغاز می‌شوند. در مقابل، دست‌نوشته قدیمی دارای فهرست مطالب است. نه برگ اول دست‌نوشته، منابع رونوشت و گردآوری‌شده در دست‌نوشته را فهرست کرده و شرح‌های کوتاه‌ی یک‌خطی از منابع و صفحه‌ای که می‌توانند در آن یافت شوند، ارائه می‌دهند. منابع رونویسی‌شده خودشان به وضوح از یکدیگر در برگ‌ها جدا نشده‌اند؛ در عوض یادداشت‌های کوتاهی در کنار متن اصلی، در حاشیه و با جوهر قرمز وجود دارد که خلاصه‌ای کوتاه از موضوع هر منبع ارائه می‌دهد.

اگر نویسندگان این مجموعه‌ها سرخ‌هایی درباره چرایی رونوشت‌برداری از منابع و آنچه امیدوار بودند از آنها به دست آورند برای ما به‌جا گذاشته‌اند، عموماً درباره آنچه از نسخه‌ها حذف شده، چیزی نگفته‌اند. برخلاف فرمان‌های اصلی که برای نشان‌دادن اصالت خود شامل امضاها و مهرها می‌شدند، منابع موجود در دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی این ویژگی‌ها را ندارند.



شکل شماره ۲. دست نوشته ۱۳۹۴ هجری قمری، برگ ۱ ر

نویسندگان اظهار داشتند که دقت زیادی در رونوشت برداری از اسناد شده است؛ اما در نهایت، پاسخ به این پرسش که دست نوشته‌های موجود تا چه حد با دست نوشته‌های اصلی و اولیه مطابقت دارند و چقدر دقیق هستند، غیرممکن است.

(۱۳۸۱). مناظر الانشاء. (م. معدن کن، کوششگر). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.  
۱۴. این دست نوشته‌ها عبارتند از: میرزا علی بیگ. (بی تا). سواد فرامی. سلاطین و امرای حکام. دست نوشته ۳۳۱. کتابخانه مجلس، تهران (از این پس، دست نوشته ۳۳۱ مجلس یا نسخه کنکولو). قدیمی (بی تا). مجموعه مراسلات و فرمانها و مکاتیب دوره قاجار دست نوشته ۸۵۵۶. کتابخانه مجلس، تهران (از این پس دست نوشته ۸۵۵۶ مجلس یا نسخه قدیمی).  
۱۵. درباره تعاریف «مجموعه» در مقابل «چنگ». بنگری به Sefatgol, M. (2003). Majmū'ah#hā: Important and Unknown Sources of Historiography of Iran during the Late Safavids: The Case of Majmū'ah-i Mirzā Mu'īnā. In Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth to Nineteenth Centuries. (N. Kondo, ed.). London: Routledge. 103-115, 74.  
16. Afshar, I. (2003). "Maktūb and Majmū'at: Essential Sources for Safavid Research." In Society and Culture in the Early Modern Middle East: Studies on Iran in the Safavid Period. (N. Kondo, ed.). (Leiden: Brill, 51-61; Sefatgol, "Majmū'ah#hā. ۱۷. من ادعا نمی‌کنم که

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی را «کشف» کرده‌ام؛ اما تا آنجا که می‌دانم، هیچ‌کس درباره این منابع ننوشته یا به طور گسترده در پژوهش‌های خود از آن‌ها استفاده نکرده است. من هنگام جمع‌آوری فرمان‌ها و عریضه‌های دوره قاجار از کتابخانه‌ها و آرشیوهای مختلف در طول پژوهش برای رساله‌ی دکتری‌ام، به‌طور اتفاقی با این دست‌نوشته‌ها مواجه شدم. این دو دست‌نوشته از منابع اصلی مورد استفاده در منج زبیر بودند: Ashraf, Assef. (2016). From Khan to Shah: State, Society, and Forming the Ties that Made Qajar Iran [Unpublished PhD diss] Yale University. ۱۸. سعید ارجمند اخیزا بزرگ استفاده بیشتر از فرمان‌ها برای تاریخ سیاسی اوایل دوره قاجار استدلال کرده است. بنگرید به: Amir Arjomand, S. (2005). Political Ethic and Public Law in the Early Qajar Period. In Robert Glave (Ed.). Religion and Society in Qajar Iran. pp. 21-40, 22. کتاب Werner C. (2000). An Iranian Town in Transition: A Social and Economic History of the Elites of Tabriz. 1747-1848 نمونه مهمی از مطالعه‌ای است که برای تحلیل روابط دولت - جامعه در اوایل دوره قاجار از فرمان‌ها بهره می‌برد؛ اما کتاب عمدتاً بر شرایط اجتماعی - اقتصادی در آذربایجان، و به‌طور مشخص‌تر تبریز، تمرکز دارد؛ نه ارائه تصویری وسیع‌تر از حکمرانی قاجار Peirce, L. (2009). "Writing Histories of Sexuality in the Middle East", The American

به نظر می‌رسد هر دو نویسنده از این موضوع آگاه بوده‌اند که ممکن است در اصلت رونوشت‌های فرمان‌ها و عریضه‌ها تردید شود و به شیوه‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. در دو برگ جداگانه در دست‌نوشته کنگرلو، دو مهر از مهرهای فتحعلی‌شاه رونویسی شده و حتی به شکل مربعی که مهرها گاهی در فرمان‌ها ظاهر می‌شوند، نوشته شده‌اند.<sup>۲۷</sup> در همین حال، قدیمی نیز با نوشتن اینکه «[منابع را] دقیقاً همان‌طور که هستند رونوشت کرده است» - گویا برای اطمینان خاطر خواننده - به این مشکل اشاره می‌کند. کمی جلوتر می‌نویسد:

از آنجا که او دقیقاً جزئیات و مشخصات بیشتر [فرمان‌ها] را منتقل کرده، [اضافاتی را که] شبیه به اضافات کتابخانه سلطنتی در بالای یک فرمان است، به خط خود نوشته است.<sup>۲۸</sup> توضیح قدیمی در اینجا گیج‌کننده است. مشخص نیست که منظور او از «اضافات در بالای یک فرمان» (بالای یک فرمان) مهرهاست یا عبارات دعایی کلیشه‌ای که همه فرمان‌ها با آنها شروع می‌شوند. قدیمی مهرهای هر قطعه از مکاتبات را رونوشت نکرده است (شکل ۳ را ببینید).

از منابع دیگر می‌دانیم که اطمینان از اصلت و دقت فرمان‌ها و نقش ویژه‌ای که مهرها در تأیید صحت آنها ایفا می‌کردند، موضوعی جدی بوده است. رابرت کرپورتر، دیپلمات و هنرمند بریتانیایی که در دهه دوم قرن نوزدهم به ایران سفر کرد، شرح زنده‌ای از چرایی ضرورت مهرها بر روی فرمان‌ها ارائه می‌دهد:

شاه به من افتخار داد و مهماندارم را منصوب کرد؛ و کاغذی به نام رَقَم یا فرمان برای استفاده من تهیه کرد که به دارنده آن اختیار می‌داد تا مقدار معینی آذوقه برای خود و همراهانش و علوفه برای دام‌هایش در سراسر کشور تحت سلطنت اعلیحضرت تهیه شود. این سند امپراتوری علاوه بر اثر مشابهه یا ده نفر از وزرای ارشد مملکت، با مهر سلطنتی نیز مهر شده است. در واقع، همه این امضاهای بزرگ برای اعتبار کوچک‌ترین دستور مکتوب، برای ناچیزترین کمک عمومی، به اندازه قدرت جامع‌ترین فرمان ضروری است. این در ابتدا ممکن است یک تشریفات بسیار دردسرساز به نظر برسد؛ اما حفاظتی که در این کشورها از جان و مال طبقات پایین جامعه که در غیر این صورت ممکن بود توسط مطالبات بی‌وقفه و بی‌رحمانه به فقر مطلق کشانده شوند، فراهم می‌کند، آن را به یک اقدام احتیاطی شایسته‌ی بیشترین احترام تبدیل می‌کند.<sup>۲۹</sup>

برای سررأبتر، مهرها نشانگر اعتبار سند و در نتیجه، تضمین‌کننده امنیت رعایای قاجار در برابر افراد سودجویی بود که با ادعای دروغین در اختیار داشتن فرمان‌هایی که بر قدرتشان صحه می‌گذاشت، قصد فریب مردم را داشتند.

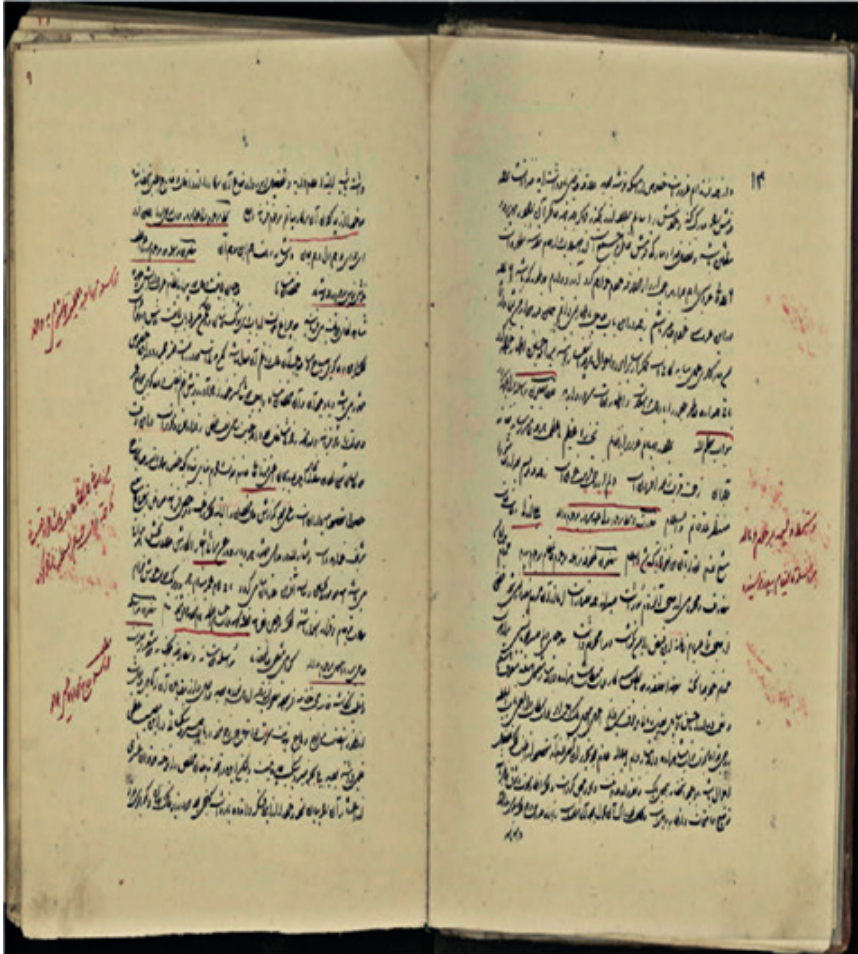
علاوه بر این، مهرها برای خوانندگان فرمان‌های قاجار، سرخ‌هایی درباره ماهیت قدرت سیاسی قاجار نیز ارائه می‌دهند. در یک سطح، قاجارها ادعای حق الهی برای سلطنت داشتند. مهرهای فتحعلی‌شاه که در بالا ذکر شد، به ایده‌ای مشابه اشاره می‌کنند: «مهر شاهنشاهی از قدرت ازلی گرفته شده و در کف شاه زمانه، فتعلی، قرار داده شده است.»<sup>۳۰</sup> مهر آغامحمدخان نیز حاوی معنایی مشابه بود: «کارم را به خدا می‌سپارم، [و] بنده او، محمد»<sup>۳۱</sup> او همچنین سکه‌هایی

۲۰. برای فرمان مربوط به سال ۱۲۶۶ هجری قمری، به دست نوشته ۳۳۱ مجلس، برگ ۵ ر بنگرید. پایان جنگ دوم ایران و روسیه از این جهت مهم بود که منجر به الحاق نخجوان توسط امپراتوری روسیه شد. نخجوان یکی از دو خانات آخری بود که قاجارها در جنگ با روس ها از دست دادند- دیگری ایروان بود. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به:

Bournoutian, G.A. (1982). Eastern Armenia in the Last Decades of Persian Rule, 1807-1828. Malibu, Calif: Undena Publications.

۲۱. مشخص نیست که آیا این دست نوشته خاص- دست نوشته ۳۳۱ مجلس- توسط خود میرزا علی بیگ نوشته شده است یا توسط یک رونوشت بردار بعدی. ۲۲. منظور آقامحمدخان قاجار است. (مترجم) ۲۳. دست نوشته ۳۳۱ مجلس، برگ ۲۶ پ. ۲۴. دست نوشته ۸۵۵۲ مجلس، برگ ۴ ر. ۲۵. این دست نوشته خاص- دست نوشته ۸۵۵۲ مجلس- به دست پسر قدیمی نوشته شده، نه توسط یک رونوشت بردار بعدی.

۲۶. دست نوشته ۸۵۵۲ مجلس، برگ ۱ ر. ۲۷. به دست نوشته ۳۳۱ مجلس، برگ های ۲۱ پ و ۲۲ پ بنگرید. دو شهر مربوطه به این صورت خوانده می شوند: گرفت خاتم شاهی ز قدرت ایل / قرار در کف شاه زمانه فتحعلی؛ و لاله الا الله الملك الحق المبين عده بابا خان.



■ شکل شماره ۳. رونوشت های مکاتبات در دست نوشته ۸۵۵۲ مجلس

به نام علی ابن موسی الرضا، هشتمین امام شیعه، و همچنین صاحب الزمان، یعنی اشاره ای به محمد مهدی، دوازدهمین امام، ضرب کرد. ۳۲. مهرهای دیگر فتحعلی شاه به ادعاهای او برای جهان گشایی و جانشینی تیمور (تیمور لنگ) اشاره می کردند. او از عنوانی استفاده کرد که امپراتور ترک- مغول به آن شهرت یافت و بعدها توسط صفویان و مغولان به کار گرفته شد: «سلطان صاحب قِران». ۳۳. مهرهای دیگر، از اوایل سلطنت فتحعلی شاه، با استفاده از نام پیش از سلطنت او، باباخان، به ریشه های قبیله ای قاجار او اشاره می کردند. ۳۴. مهرعباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه، به شاهزاده به عنوان «در دُریای فرمانروایی، عباس» اشاره می کرد و از واژه ای برای «فرمانروایی» (خسروی)

۲۸. دست‌نوشته ۸۵۵۲  
مجلس، برگ ۱ ر  
29. Ker Porter, S.R.  
(1821). *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia: During the Years 1817, 1818, 1819, and 1820.* London: Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown: 1: 365.

۳۰. گرفته خاتم همایونی از قدرت‌آزایی / قرار درکف شاه زمان فتحعلی. بنگرید به: فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار (جلد اول): ۱۲۱۱-۱۲۱۶ ق.  
(۱۳۷۱). تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. صفحات ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۵، ۶۷.

۳۱. «افوض امری الی الله عیده محمد» (همان): ۳۹. 32. Poole, R. S. (1887). *The coins of the Shāhs of Persia: Safavis, Afghāns, Efsghāris, Zands, and Kājārs* (pp. 143-144). London: British Museum.

۳۳. سلطان صاحب‌قران. این مهر مربوط به سال ۱۲۴۴ هجری قمری / ۱۸۲۸-۲۹ می‌باشد. بنگرید به: فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار: صفحات ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۸۱، ۸۳، ۸۵. برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخچه و معنای اصطلاح «صاحب‌قران» بنگرید به:

Haig, T. W. (n.d.). "Šāhib-Qirān". In P. Bearman et al. (Eds.). *Encyclopaedia of Islam. Second Edition.* available online at <http://brillonline.nl/>

Taylor, G. P. (1910). "On the Symbol 'Šāhib-Qirān'". *Journal & Proceedings of the Asiatic Society of Bengal* 6(10): 574-580. Chann, N. S. (2009). "Lord of the Auspicious Conjunction: Origins of the Šāhib-Qirān", Iran

استفاده می‌کرد که ریشه در برداشت‌های پیش از اسلام ایرانیان از پادشاهی داشت.<sup>۳۵</sup> استفاده از اصطلاحات گوناگون در فرمان‌ها و مهرهای قاجار برای اشاره به حکومت - شاه، سلطان، صاحبقران، خان، خاقان، خسروی - به ما یادآوری می‌کند که «جهان تصویری» فرهنگ سیاسی اولیه قاجار و ادعاهای قاجار برای مشروعیت، بر پایه سنت‌های دینی و فرهنگی متعددی استوار بود.<sup>۳۶</sup> بخش زیادی از این «جهان تصویری» در منابع رونویسی شده‌ای مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیم از دست می‌رود.

حذف مهرها و تمبرها از فرمان‌ها، عریضه‌ها و مکاتبات رونویسی شده در دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی، به موضوع مهم‌تری اشاره می‌کند: دست‌نوشته‌های رونویسی شده موجود در این دست‌نوشته‌ها احتمالاً توسط یک نفر - برخلاف دبیرخانه (دیوان) و وزیران متعددی که در تولید فرمان‌های اصلی دخیل بودند - انجام شده است. مردان دیوان اولیه قاجار، به‌ویژه آن‌هایی که در تهران مستقر بودند، طیف وسیعی از مسئولیت‌های سیاسی داشتند؛ از جمله انتصاب و عزل مقامات، جمع‌آوری و ثبت مالیات و هدایا، تخصیص حقوق و مقرری به کارمندان دولت و سربازان.<sup>۳۷</sup> بسیاری از کارمندان دیوان در مهارت‌های نامه‌نگاری، حسابداری و بایگانی آموزش دیده بودند.<sup>۳۸</sup> به‌طور خاص، صاحب دیوان (ناظر دیوان)، صدراعظم (نخست‌وزیر) و مستوفی‌الممالک (خزانه‌دار سلطنتی) هرکدام در نوشتن و رونوشت فرمان‌ها مشارکت داشتند.<sup>۳۹</sup> برای مثال، صاحب دیوان عمدتاً امور دیوان را سامان می‌داد؛ اما به نظر می‌رسد وظیفه تضمین عدم تکرار در فرمان‌های شاه را نیز بر عهده داشت. پس از انجام این کار، او امضا و مهر خود را در پشت اسناد می‌گذاشت.<sup>۴۰</sup> در همین حال، صدراعظم نیز باید اسناد را تأیید می‌کرد، همان‌طور که مستوفی‌الممالک و سایر حسابداران که برای او کار می‌کردند، این کار را انجام می‌دادند.<sup>۴۱</sup> مستوفی معمولاً در فرمان‌هایی که مربوط به تخصیص مبالغ مالی، حقوق یا هدایا بود، بیشترین نقش را ایفا می‌کرد. علاوه بر مهر شاه یا ولی عهد، تمامی این مقامات نیز فرمان‌ها را امضا و مهر می‌کردند.<sup>۴۲</sup>

### ۳. زمینه تاریخی: جمع‌آوری و نسخه‌برداری از فرمان‌های سلطنتی / حکومتی

یکی از ویژگی‌های بارز دیوان قاجار، پیوندهای خانوادگی بود که در آن جریان داشت. بسیاری از دبیران و وزرای دیوان قاجار در خانواده‌هایی متولد شده بودند که نسل‌ها تجربه اداری داشتند و با خاندان قاجار وصلت کرده بودند.<sup>۴۳</sup> این «خانواده‌های دیوانی» حتی در زمان تغییرات سلسله‌ای و سیاسی نیز به خدمت اداری خود ادامه می‌دادند. میرزا محمد رضا «بنده» که در اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه به عنوان منشی‌الممالک خدمت می‌کرد، نمونه‌ای خوب، اما به‌هیچ‌وجه استثنایی، از تداوم در دیوان بین سلسله‌های متوالی ارائه می‌دهد. پدر محمد رضا، میرزا شفیع تبریزی، پیش از ورود به خدمت آغامحمدخان و قاجارها، به عنوان مستوفی برای نادرشاه (حک. ۱۷۳۶ - ۱۷۴۷) خدمت می‌کرد.<sup>۴۴</sup>

الگوی مشابهی را می‌توان در زمینه مجموعه‌های کنگرلو و قدیمی مشاهده کرد. نویسندگان



and the Caucasus 13(1), 93-110.

Moin, A. A. (2012). The millennial sovereign: Sacred kingship and sainthood in Islam. (pp. 23-25). New York: Columbia University Press. 23-55.

۳۴. بنگرید به:

Rabino, H. L. (1945). Album of coins, medals, and seals of the Shāhs of Irān, 1500-1948. (Muhammad Moshiri, ed.), plate 51. Hertford, England: S. Austin and Sons.

۳۵. دژ دیرای خسروی

بنگرید به: فرمان‌ها و

رقم‌های دوره قاجار: ۱۱۲.

۳۶. تأثیرات اسلامی، ایرانی

باستان و ترکی- مغولی بر

فرهنگ سیاسی اولیه قاجار

منحصر به مهرهای سلطنتی

نیست. این تأثیرات در

تواریخ، سکه‌ها و نقاشی‌های

قاجار نیز مشهود است.

برای آشنایی مفید با میراث

فرهنگ سیاسی قاجار

بنگرید به:

Amanat, A. (2008). Pivot of the universe: Nasir al-Din Shah Qajar and the Iranian monarchy, 1831-1896. (2nd ed.). New York: I.B. Tauris, pp. 9-13.

در مورد «جهان تصویری»

بنگرید به:

Geertz, C. (2000). Thick description: Toward an interpretive theory of culture. In The interpretation of cultures. (p. 13). New York: Basic Books.

۳۷. شیرازی، م. ف. «خاوری»

(۱۳۸۵). تاریخ ذوالقرنین.

(ن. افشارفرو کوشش گر).

جلد ۱، تهران: کتابخانه، موزه

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی هر دو پسر مردان دیوانی بودند. رویه استخدام وزرا و مدیران از خانواده‌های دیوانی، یا صرفاً اجازه‌دادن به پسران خانواده‌های وزیر برای جانشینی پدرانشان، مزایای عملی داشت: پسران وزرا در مهارت‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ دیوان آموزش دیده بودند. ملاحظه اضافی ممکن است این بوده باشد که منابع و سوابق اصلی که از آنها رونوشت تهیه می‌شد، گاهی در خانه مقام دیوانی نگهداری می‌شد. به عبارت دیگر، خانه‌های آنها هم کارکرد خصوصی و هم عمومی داشتند.<sup>۴۵</sup> بنابراین، پسران این خانواده‌ها در صورت و زمانی که خودشان دبیر می‌شدند، تجربه لازم برای نقش‌های اداری را داشتند.

شناسایی پیشینه‌های خانوادگی نویسندگان دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی، چرایی نوشته شدن دست‌نوشته‌ها را توضیح نمی‌دهد، و همچنین چیز زیادی در مورد معنای خدمت در دیوان قاجار به ما نمی‌گوید. مردان دیوان واقعاً چه می‌کردند؟ سرنخی در مورد اخلاق حاکم بر دیوان قاجار را می‌توان در توصیف آن مناصب در تواریخ دوره قاجار یافت. برای مثال، در اینجا نحوه توصیف فضل‌الله «خاوری» شیرازی، مورخ دربار در زمان فتحعلی‌شاه، از مسئولیت‌های خزانه‌دار (مستوفی) و دبیر (منشی) در اوایل دوره قاجار آمده است:

وزیر شاهنشاهی خزانه (وزیر استیفا ممالک) مسئول تمام ترتیب معاملات و تشخیص جمع‌آوری، هزینه‌ها و حقوق هدایا (پیشکش) و مالیات (مالیات) است. وزیر دیوان که طبق عرف به عنوان منشی شاهنشاهی (منشی الممالک) شناخته می‌شود، مسئول نوشتن نامه‌های دیپلماتیک، احکام قانونی و دستوره‌های مهر شده است.<sup>۴۶</sup>

رونوشت‌برداری از مکاتبات، یکی از وظایف منشیان یا وزرا در دیوان بود.<sup>۴۷</sup> در همین حال، منابع دیگر، سرنخ‌های بیشتری در مورد آنچه خدمت در دیوان قاجار مستلزم آن بود، ارائه می‌دهند. منابع روایی مانند تواریخ و تذکره‌ها (مجموعه‌های زندگی‌نامه‌ای) شواهد فراوانی ارائه می‌دهند که چگونه تبار و نسب خانوادگی یک فرد برای اینکه آیا آنها شایسته مقام خود تلقی می‌شدند، حیاتی بود.<sup>۴۸</sup> مورخ اوایل قرن نوزدهم، دنبلی، توصیفی معمولی ارائه می‌دهد، زمانی که میرزاعیسی قائم‌مقام، وزیر برجسته در دربار عباس میرزا، ولیعهد قاجار را معرفی می‌کند: «اکثر اجداد او - نسل اندر نسل، بزرگ از بزرگ - در وزارتخانه‌های پادشاهان و الا خدمت کرده‌اند.»<sup>۴۹</sup> مقدمه‌های کوتاه توسط نویسندگان نسخه‌های کنگرلو و قدیمی را می‌توان به عنوان تلاشی از سوی این مردان برای قراردادن خود در دسته مقامات شایسته دیوان تلقی کرد. برای مثال، مقدمه قدیمی، به صراحت دو جنبه از اخلاق وزارتی را که به تاژگی ذکر شد، بیان می‌کند: حس وظیفه هم در قبال مسئولیت‌های اداره اداری و هم در قبال نسب خانوادگی. در همین حال، میرزاعلی بیگ، نویسنده نسخه کنگرلو، می‌نویسد که پدرش، میرزا اسماعیل، منشی ولایت در دیوان‌خانه کلب‌علی‌خان، حاکم نخجوان در دو دهه اول حکومت قاجار بوده است.<sup>۵۰</sup> رونوشت‌برداری از فرمان‌ها و عریضه‌ها در مجموعه‌هایی مانند نسخه‌های کنگرلو و قدیمی را نیز می‌توان با مراجعه به متون انشا (منشآت) توضیح داد. این کتاب‌ها برای آموزش و تربیت مقامات دیوان استفاده می‌شدند؛ اما علاوه بر اهداف ادبی و

آموزشی، گاهی اوقات شامل فرمان‌ها، نامه‌ها و سایر مکاتبات نمونه نیز به عنوان الگو برای تقلید بودند.<sup>۱۵</sup> آنها معمولاً از نوشته‌های آن دسته از وزرا یا منشیانی که به سبک نگارش ظریف خود مشهور بودند و در واقع اغلب به عنوان شاعر، مقاله‌نویس یا مورخ به دنبال حرفه بودند، استفاده می‌کردند.<sup>۱۶</sup> برای مثال، مخزن‌الانشاء، نمونه‌ای از چنین کتابی از اواخر قرن نوزدهم، شامل نامه‌ها و متونی است که توسط قائم‌مقام، عبدالوهاب معتمدالدوله، مهدی‌خان نادری، محمدابراهیم نواب تهرانی و فاضل گروسی، از جمله دیگر ادیبان دوره قاجار نوشته شده است.<sup>۱۷</sup> با توجه به اهدافی که برای آنها نوشته شده بود، بسیاری از مکاتبات موجود در آثار انشا، طبیعتاً هم به «سیاست‌های عالی» مربوط می‌شوند و هم به دقت برای توانایی آنها در خدمت به عنوان مواد آموزشی انتخاب شده‌اند. نسخه‌های کنگرلو و قدیمی را می‌توان به عنوان متعلق به این سنت طولانی کتاب‌نویسی درک کرد. با این وجود، نسخه‌های کنگرلو و قدیمی، درحالی‌که فرمان‌ها و عریضه‌هایی دارند که شامل زبان فرمولی تقریباً همه مکاتبات است، حداقل از دو جهت قابل توجه با کتاب‌های منشآت متفاوت هستند: آنها شامل مکاتباتی هستند که به زیبایی نوشته نشده‌اند و به نظر نمی‌رسد که نسخه‌ها با هدف آموزش وزرای آینده دیوان نوشته شده باشند. برای مثال، نسخه کنگرلو شامل چندین نامه تسلیت و یادداشت‌های کوتاه دوستی است که درحالی‌که برای اهداف آشکارکردن روابط شخصی بین افراد جالب هستند، قطعات نمونه‌ای از نوشتن نیستند.<sup>۱۸</sup> و جالب اینجاست که هیچ‌یک از نویسندگان اظهار نکردند که نسخه‌های خود را برای اهداف آموزشی یا پرورشی نوشته‌اند؛ بنابراین، این نسخه‌ها را می‌توان با مجموعه‌های دیگر قرن نوزدهم، مانند چهار جلد اواخر قرن نوزدهم «کژاسه‌المعی»، تألیف غلامحسین افضل‌الملک که شامل فرمان‌ها، عریضه‌ها و سایر منابع مربوط به دوره صفویه است، مقایسه کرد.<sup>۱۹</sup> اما حتی در اینجا، نسخه‌های کنگرلو و قدیمی برجسته هستند. «کژاسه‌المعی» زیر نظر محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، دولتمرد، محقق و نویسنده قاجار نوشته شده است. این شامل اسنادی است که احتمالاً در کتابخانه‌ها و آرشیوهای مستقر در تهران بوده‌اند و تحت حمایت ناصرالدین‌شاه تهیه شده است.<sup>۲۰</sup> در مقابل، به نظر می‌رسد که نسخه‌های کنگرلو و قدیمی در نتیجه ابتکار فردی نوشته شده‌اند و بر اساس سوابق نگهداری شده در آرشیوهای خانوادگی بوده‌اند. مجموعه قابل مقایسه خوب که مربوط به دوره قاجار نیز هست، مجموعه فرمان‌هایی است که در اختیار میرزا محمد نائینی «فروغ»، مستوفی در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه بوده است.<sup>۲۱</sup> آگاهی کلی بیشتر از اهمیت اسناد برای اهداف تاریخی نیز انگیزه‌ای برای رونوشت برداری از مکاتبات در کتاب‌های صحافی شده بود. پسر قدیمی به آن آگاهی اشاره می‌کند، زمانی که در مقدمه خود که قبلاً ذکر شد، به مکاتباتی که گردآوری کرده است، به عنوان شایسته در نظر گرفته شدن به عنوان «تاریخ مستند» اشاره می‌کند. میرزاعلی بیگ در یادداشت مقدماتی خود صریح‌تر است. او به تاریخ گرجستان در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم اشاره می‌کند که احتمالاً به عنوان یک نسخه جداگانه نوشته شده است. دست‌نوشته کنگرلو شامل این متن نیست. نکته قابل توجه این است که میرزاعلی بیگ مجبور شد ذکر کند که چنین تاریخی نوشته است و

و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۲۴۳. 38. Lambton, A. K. S. (1987). "Social change in Persia in the nineteenth century". In G. Nashat (Ed.), *Qajar Persia: Eleven studies* (pp. 194-222). London: Tauris.

برای اطلاعات بیشتر در مورد مهارت‌های طبقه کاتبان، بنگرید به:

Kinra, R. (2010). "Master and Munshi: A Brahman secretary's guide to Mughal governance". *Indian Economic & Social History Review*, 47(4), 527-561.

<sup>۱۹</sup> برای شرح مسئولیت‌های این وزرای دیوان، بنگرید به: خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، جلد اول، صفحه ۲۴۳. همچنین بنگرید به: Lambton, Persian Society under the Qajars: 99 به نظر می‌رسد مورد ایران اوایل قاجار از استدلال Paul Dover مبنی بر اینکه «دولت کارآمد... مستلزم مدیریت مکاتبات است؛ تهیه پیش‌نویس، خواندن، مرتب‌سازی و بایگانی» پشتیبانی می‌کند. بنگرید به: "Introduction: The Age of Secretaries." In P.M. Dover (Ed.). (2016). *Secretaries and Statecraft in the Early Modern World*. Edinburgh: Edinburgh University Press: 4.

<sup>۲۰</sup> پشت فرمان‌ها و برات‌های حواله وجوه دولتی را طغرا بگذارند و مهر کنند. مستوفی، عبدالنّه.

(۱۳۴۳). شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. ص ۲۷. تهران: زوار. مستوفی ادعا می‌کند که این دفتر «در تقلید آگاهانه از دوره‌های باستان» (به تقلید دوره‌های خیلی قدیم) ایجاد شده و انتظار می‌رفت که «برای جلوگیری از ناهماهنگی، سوابق افرادی



که حقوق دریافت می‌کنند و همچنین مبلغ دریافتی آن‌ها را ثبت کند». رویه استفاده ترکیبی از امضا و مهر برای تأیید اصالت، به ویژه در پشت فرمان‌ها، در دوره صفوی به خوبی مستند شده است. برای نمونه، بنگرید به:

Büsse, H. (1959). Untersuchungen zum islamischen Kanzleiwesen an Hand turkmenischer und safawidischer Urkunden. Cairo: Kommissionsverlag Sirović Bookshop.

صاحب دیوان را به عنوان «ناظر بر حساب‌های هر بخش و ناظر بر خروجی دبیرخانه» توصیف می‌کند. بنگرید به:

Colin Meredith. (1971). "Early Qajar administration: An analysis of its development and functions". Iranian Studies, 4(2-3), 59-78.

همچنین بنگرید به:

Hambly, G. (1991). Iran during the reigns of Fath 'Ali Shah and Muhammad Shāh. In P. Avery, G. Hambly, & C. Melville (Eds.), The Cambridge history of Iran. Vol. 7, pp. 156-157. Cambridge: Cambridge University Press.

۴۱. برای بحث در مورد نقش این مقامات دیوان در تولید فرمان‌ها، بنگرید به سام، بررسی فرمان‌نویسی: صفحات ۱-۷۲. ۴۲. برای برخی نمونه‌ها بنگرید به فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار: صص ۴۰، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۴۸، ۵۱، ۵۴-۵۳، ۵۹-۵۷، ۶۴-۶۳، ۶۹-۶۸، ۷۱، ۷۳، ۸۰-۸۷، ۸۸، ۸۴، ۷۹.

به صراحت بیان کند که قرار بود در آینده مورد استفاده قرار گیرد. ممکن است این طور بوده باشد که جمع‌آوری و رونوشت برداری از فرمان‌ها، عریضه‌ها و سایر مکاتبات توسط میرزاعلی بیگ بخشی از پروژه‌ای برای نوشتن تاریخ منطقه بوده است. در واقع، منطقی به نظر می‌رسد که فرض کنیم اگر میرزاعلی بیگ تاریخی نوشته باشد، از این مکاتبات به عنوان منابع خود استفاده کرده است. اکثر تواریخ قرن نوزدهم، و همچنین تواریخ دوره‌های قبل، فرمان‌ها را به عنوان بخشی از روایات تاریخی خود نقل می‌کنند که نشانه‌ای واضح است که نویسندگان هنگام نوشتن متون خود از این منابع استفاده کرده‌اند. علاوه بر این، شرایط تاریخی فوری میرزاعلی بیگ باید نقش مهمی در سوق دادن او به ثبت و نوشتن تاریخ منطقه داشته باشد. در اواخر همین بخش، او به طور خلاصه به درگیری (پرخاش) تازه آغاز شده بین امپراتوری‌های روسیه و عثمانی اشاره می‌کند که باید اشاره‌ای به جنگ کریمه (اکتبر ۱۸۵۳ - مارس ۱۸۵۶) باشد. با توجه به اینکه میرزاعلی بیگ در نخجوان، شهری نزدیک به صحنه شرقی جنگ، زندگی می‌کرد، ممکن است احساس کرده باشد که ثبت اسناد دیوان و اطمینان از به یادماندن تاریخ منطقه در آینده، به ویژه ضروری است.<sup>۵۸</sup>

یکی از توضیحات احتمالی دیگر برای چرایی گردآوری مجموعه‌های دست‌نوشته این است که نویسندگان صرفاً قصد افزایش اعتبار شخصی خود را داشتند. میرزاعلی بیگ و قدیمی با بازگویی وقایعی که شاهد آن بودند و برجسته‌کردن روابط خانوادگی خود با مردانی که در دیوان قاجار خدمت می‌کردند، احتمالاً می‌خواستند موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را تثبیت کنند. از سوی دیگر، به نظر نمی‌رسد که این متون توسط حامی مالی سفارش داده شده باشند و مشخص نیست که در آن زمان چه کسی آن‌ها را می‌خوانده؛ بنابراین این افزایش اعتبار چگونه به وجود می‌آمد و نویسندگان قصد ارائه این افزایش اعتبار را نزد چه کسی داشتند نیز نامشخص است.

با وجود این واقعیت که هر دو گردآورنده اظهار داشتند که دست‌نوشته‌های آن‌ها باید برای درک تاریخ مورد استفاده قرار گیرد، تعیین چگونگی استفاده واقعی از این مجموعه‌ها در سال‌های پس از نگارش آن‌ها دشوار است. دست‌نوشته‌هایی به خط روسی در حاشیه چندین برگ از دست‌نوشته کنگرلو وجود دارد که نشان می‌دهد توسط یک خواننده یا محقق روسی زبان استفاده شده است. با توجه به الحاق نخجوان به امپراتوری روسیه در سال ۱۸۲۸، این موضوع منطقی است، اگرچه هیچ نشانه‌ای از زمان نوشته شدن یادداشت‌ها در حاشیه وجود ندارد.<sup>۵۹</sup> این دست‌نوشته در مقطعی به کتابخانه شخصی مجید فیروز رسید که سپس آن را در اواخر دهه ۱۹۵۰ به کتابخانه مجلس اهدا کرد.<sup>۶۰</sup> دست‌نوشته قدیمی نیز مانند دست‌نوشته کنگرلو دارای یادداشت‌های حاشیه‌ای، اما به زبان فارسی است. این یادداشت‌ها ممکن است توسط یک محقق نوشته شده باشد؛ اگرچه به نظر می‌رسد که احتمالاً توسط خود قدیمی نوشته شده‌اند.<sup>۶۱</sup> دست‌نوشته قدیمی نیز مانند دست‌نوشته کنگرلو در نهایت به کتابخانه مجلس راه یافت.

در نهایت، دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی به برخی از مضامین اصلی پشت گردآوری و نسخه برداری از فرمان‌ها، عریضه‌ها و مکاتبات اشاره می‌کنند: نقش خانواده‌های دیوانی در حفظ

۴۳. بنگرید به: Ashraf, A. (2019). "A familial state: Elite families, ministerial offices, and the formation of Qajar Iran". International Journal of Middle East Studies, 51(1), 43-64.

۴۴. بیگ، عبدالرزاق، دنبلی (مفتون)، (۱۳۴۲). تذکره نگارستان دار. (عبدالرسول خیام پور، کوشش گر). تبریز: بی‌نا، صص ۶۴-۶۳.

میرزاعلیقلی، اعتضاد السلطنه. (۱۳۷۰). اکسیر التواریخ. (جمشید کیانفر، کوشش گر). تهران: ویسمن، ص ۲۴۷.

45. Mahdavi, 244.

۴۶. خاوری شیرازی، ج اول: ۲۴۳.

۴۷. برای بحثی مشابه در زمینه انگلستان اوایل دوره مدرن، بنگرید به: Pollmann, J. (2016). "Archiving the present and chronicling for the future in early modern Europe". Past & Present, 230 (Supplement 11), pp.231-252.

۴۸. برای بحث در مورد چگونگی کمک تبارشناسی (حسب) و افتخار کسب شده از طریق اعمال (نسب) به تخمین ارزش یک مرد در جوامع اولیه اسلامی، بنگرید به: Mottahedeh, R. (2001). Loyalty and leadership in an early Islamic society (2nd ed). London & New York: I.B. Tauris, pp 98-104

۴۹. اکثر اسلاف ایشان سالفاً بعد سالف و کابرای بعد کابریه وزارت سلاطین مفاخر خدمت کردند. دنبلی، ۱۴۵.

۵۰. دست نوشته، شماره ۳۳۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۵۲، روی صفحه. میرزا اسماعیل به عنوان منشی ولایت، در دیوانخانه ایروان نیز خدمت می‌کرد. بنگرید به:

اسناد، تمایل به نسخه برداری از منابع به خاطر آیندگان و رویدادهای تاریخی که فرد را به نسخه برداری و گردآوری منابع ترغیب می‌کند.

#### ۴. ارتباطات و پیوندها در ایران قاجار

فرمان‌ها و عریضه‌ها شریان حیاتی حکومت بودند و ارتباط مؤثر برای تثبیت حکومت قاجار ضروری بود. گنجاندن طیف وسیعی از نامه‌نگاری‌ها در دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی به گردش مکاتبات در سراسر قلمرو قاجار اشاره دارد. انظر این نویسنده، آنچه در این دو مجموعه قابل توجه است، گنجاندن عریضه‌ها یا ارجاع به عریضه‌ها در فرمان‌ها است.

بسیاری از موارد مربوط به نظام دادخواهی در اوایل دوره قاجار همچنان نامشخص است، اما به نظر می‌رسد دادگاه سنتی که به عریضه‌های رعایا رسیدگی می‌کرد، یعنی «دیوان مظالم»، در این دوره وجود نداشته است.<sup>۶۲</sup> اگرچه دادگاه مظالم ریشه‌های بسیار قدیمی‌تری داشت و حتی ممکن است منشأ آن در ایران پیش از اسلام باشد و سپس توسط عباسیان پذیرفته شده و تا دوره صفویه نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد، برخی از محققان استدلال کرده‌اند که این دادگاه تنها در اواخر دهه ۱۸۵۰ توسط حاکمان قاجار و پس از احتمالاً متروک ماندن در قرن هجدهم، احیا شد.<sup>۶۳</sup> با این وجود، عمل دادخواهی در اوایل قرن نوزدهم رخ می‌داد. نمونه‌های متعددی از اوایل قرن نوزدهم وجود دارد که نشان می‌دهد عریضه‌هایی همراه با پیشکش نوروژی سالانه به شاه فرستاده می‌شد.<sup>۶۴</sup> جیمز موریه که در دهه اول قرن نوزدهم به عنوان منشی هیئت هارفورد جونز به ایران قاجار سفر کرد، شرح زیر را در مورد چگونگی رسیدن شکایات به شاه ارائه می‌دهد:

کلانتر<sup>۶۵</sup> هر جا که ریاست کند، شخص مهمی است. او از مأموران تاج و تخت است و سالی یک بار در حضور شاه حاضر می‌شود، افتخاری که به کدخدای<sup>۶۶</sup> داده نمی‌شود. او همچنین از خزانه پادشاه حقوق دریافت می‌کند که کدخدا این طور نیست. کلانتر واسطه‌ای است که از طریق آن خواسته‌ها و نیازهای مردم به اطلاع شاه می‌رسد: او در همه مواقع رئیس و نماینده آنهاست و هرگاه احساس ظلم کنند، شکایات رعایا<sup>۶۷</sup> را مطرح می‌کند. او همچنین از ثروت هر رعیت و نحوه پرداخت خراج سالانه او آگاه است: بنابراین سهمیه‌ای را که هر فرد باید بپردازد، تعیین می‌کند و اگر مهر او بر اسنادی که رعیت در زمان جمع‌آوری مالیات ارائه می‌دهد، نباشد، ارزیابی معتبر نیست و مبلغ قابل دریافت نیست.<sup>۶۸</sup>

عریضه‌ها، به دلیل منشأ آنها در شهرها و شهرستان‌های سراسر ایران قاجار و سپس ارسال آنها به حکام ولایات و شاه، می‌توانند اطلاعاتی در مورد چگونگی شکل‌دهی نگرانی‌های محلی به تصمیمات امپراتوری ارائه دهند. به عنوان مثال، در مجموعه کنگرلو، دو عریضه وجود دارد که به عنوان ارسال شده توسط «اهالی نخجوان» (اهالی و اهل نخجوان) و خطاب به قائم‌مقام، وزیر اعظم عباس میرزا در تبریز، توصیف شده‌اند.<sup>۶۹</sup> در عین حال، نسخه‌هایی از فرمان‌ها نیز وجود دارد که در آنها به عریضه‌های قبلی اشاره شده است. برای مثال، یک فرمان از فتحعلی‌شاه بیان



Bournoutian: 67 and 92.

۵۱. در مورد سنت انشا در

زمینه صفویه، بنگرید به:

Mitchell, 1997: 61-72.

Alam, M., & Subrahman-

yam, S. (2004). "The

making of a munshi".

Comparative Studies of

South Asia, Africa and the

Middle East, 24(2), 61-72.

۵۲. Hans Roemer. استدلالات

می‌کنند که کلمه انشا برای

تعیین نوعی از ادبیات،

رایج و گسترده در منطقه

زبان‌های فرهنگی اسلامی»

استفاده می‌شد. بنگرید به:

Roemer, H. R. (1995).

"Inshā". In Encyclopa-

edia of Islam (2nd ed.).

Leiden: Brill.

۵۳. محمدرضا بن محمد

رحم. (ه ۱۲۶۰ ق.). مخزن

الانشاء. تهران.

۵۴. برای نمونه بنگرید به:

دست‌نوشته شماره ۳۳۱

کتابخانه مجلس شورای

اسلامی، برگ ۸۷، پشت

صفحه.

۵۵. اگرچه بخش‌هایی از

این مجموعه منتشر شده

است، اما چهار جلد آن هنوز

به طور کامل منتشر نشده و

به صورت دست‌نویس باقی

مانده است. دست‌نوشته

های مجلس. ه ۹۴۵.

۹۴۵۱، ۹۴۵۲، ۹۴۵۳.

الفعلی نام مستعار (تخلص)

افضل الملک بود. بنگرید به:

افضل الملک،

غلام‌حسین میرزا. (۱۳۶۱).

افضل‌التواریخ. (منصوره

اتحادیه نظام‌مافی و سربوس

سعدوندیان، ویراستاران).

تهران: نشر تاریخ ایران،

ص ۳۱۱.

۵۶. دست‌نوشته شماره

ه ۹۴۵ کتابخانه مجلس

شورای اسلامی، برگ ۱،

روی صفحه، و برگ ۲، پشت

صفحه.

می‌کند که شنیده است که نیروهای قاجار مستقر در دشت‌های اوجان، در آذربایجان، بخش زیادی از غذای منطقه را مصرف کرده و «بار بی‌موردی» بر دوش روستاییان گذاشته‌اند، قبل از اینکه به حاکم محلی دستور دهد غلات را به‌درستی ذخیره کند و کسانی را که روستاییان را آزار می‌دهند، مجازات کند.<sup>۷۰</sup> این فرمان به‌وضوح نشان می‌دهد که نوعی شکایت به شاه رسیده است و علی‌رغم عدم وجود یک دادگاه رسمی مظالم، شکایات به حاکمان قاجار ارسال می‌شد.

همان‌طور که بحث فوق نشان می‌دهد، دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی همچنین شواهدی از شبکه‌ای از ارتباطات ارائه می‌دهند که شهرها و شهرستان‌ها را به یکدیگر متصل می‌کرد و گردش اطلاعات و اخبار را در سراسر ایران قاجار تسهیل می‌کرد. کل نظام ارسال فرمان‌ها و عریضه‌ها به سراسر قلمرو قاجار به‌نظام چاپار وابسته بود که گردش مکاتبات را تسهیل می‌کرد - سیستمی که در طول قرن هجدهم روبه‌زوال گذاشته بود و تنها در اوایل دوره قاجار دوباره ساخته شد.<sup>۷۱</sup> نظام چاپار شبیه به یک سرویس پیک پستی بود که در آن ایستگاه‌های بین‌راهی (چاپارخانه) با اسب‌های تازه در فواصل ازپیش‌تعیین‌شده در جاده‌ها قرار داشتند و پیام‌رسان‌های سواره از یک ایستگاه بین‌راهی به ایستگاه بعدی می‌رفتند و اسب‌ها و گاهی حتی پیام‌رسان‌ها را عوض می‌کردند تا به مقصد برسند.<sup>۷۲</sup> این نظام سابقه‌ای هزاران ساله داشت و منابع متعددی، از جمله تاریخ‌های یونانی، نشان می‌دهند که ریشه‌های آن در دوره هخامنشی (حدود ه ۵۵۰ - ۳۳۰ قبل از میلاد) بوده است.<sup>۷۳</sup> بااین‌حال، استفاده از آن در طول قرن‌ها کم‌وزیاد شد.<sup>۷۴</sup> در اوایل دوره قاجار و به‌ویژه در زمان سلطنت فتح‌علی‌شاه بود که برخی از جاده‌ها تعمیر و بیشتر مورد استفاده قرار گرفتند.<sup>۷۵</sup> از طریق این شبکه از جاده‌ها و ایستگاه‌های بین‌راهی بود که احکام و عریضه‌ها، گاهی اوقات در مسافت‌های مایل، در سراسر قلمرو قاجار حمل می‌شدند و گاهی اوقات در نهایت به مجموعه‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی ختم می‌شدند (شکل ۴ را ببینید).

علاوه بر این، دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی نشان‌دهنده ارتباطات مادی بین ایالت‌ها و شهرها هستند. به‌عنوان مثال، فرمان‌های متعددی در دست‌نوشته کنگرلو به اعزام نیرو از نخجوان، ایروان یا تفریس به منطقه دیگری اشاره دارند.<sup>۷۶</sup> به‌طور مشابه، تدارکات و کالاها از یک منطقه به منطقه دیگر در قفقاز منتقل می‌شدند.<sup>۷۷</sup> حاکمان قاجار در تبریز یا تهران نیز همه این تلاش‌ها را هماهنگ نمی‌کردند. گاهی اوقات کمک‌ها به دلایلی مربوط به روابط خانوادگی و خویشاوندی که جوامع ایروانی، دنبلی و کنگرلو را که به ترتیب به‌عنوان حاکمان ایروان، خوی و نخجوان خدمت می‌کردند، به هم پیوند می‌داد، می‌رسید.<sup>۷۸</sup> فرمان‌ها و عریضه‌ها نشان می‌دهند که ارتباطات در سراسر ایران قاجار چندجهته بود.

در همین حال، مراسمی که ارائه و خواندن فرمان‌ها و عریضه‌ها را احاطه کرده بود، به‌منظور انتقال اقتدار حکومت قاجار بود. این امر بیشتر در خود دربار قاجار (دربار) مشهود بود، جایی که رژه‌های روزانه درباریان، ملازمان و زنان حرم برگزار می‌شد و عریضه‌ها از سراسر قلمرو قاجار برای شاه خوانده می‌شد.<sup>۷۹</sup> بااین‌حال، حتی در خارج از دربار نیز، خواندن یک فرمان سلطنتی با تشریفات



■ شکل شماره ۴. مسیرهای چایار و خطوط تلگراف در اواخر قرن نوزدهم؛ منبع: عبدلی فرد، چاپخانه‌ها و راه‌های چایاری در ایران، جلد دوم: ص ۷۴

همراه بود. جیمز موریه داستان رسیدن فرمانی به بوشهر را که خطاب به هارفورد جونز بود، نقل می‌کند:

ما با این خبر که کریم‌خان، حامل نامه پادشاه، در فاصله دو کیلومتری اردوگاه ما قرار دارد، بی‌درنگ آماده شدیم. از آنجایی که لازم بود آن را با نهایت احترام دریافت کنیم، لباس‌های مسافرتی خود را با یونیفرم و شمشیر عوض کردیم که ایرانیان یاد گرفته‌اند آن را به عنوان لباس رسمی در میان اروپاییان گرامی بدارند. ما با عجله تمام به سمت جاده شیراز حرکت کردیم، با گارد محافظ در بهترین لباس‌های خود، با پرچم‌های برافراشته و صدای شیپور... سفیر، مهماندار و همه آقایان هیئت از اسب‌های خود پیاده شدند و به صورت منظم به سمت کریم‌خان رفتند که به همین ترتیب با ملازم پشت سرش که حامل فرمان پادشاه بود به سمت ما آمد. هنگامی که خوشامدگویی‌ها رد و بدل شد، خان نامه پادشاه را از زیر دستمالی که روی آن را پوشانده بود، برداشت و با صدای بلند گفت: «این فرمان پادشاه است» و آن را به دست سفیر داد. سیر هارفورد آن را با هر دودست خود دریافت کرد و پس از آنکه با احترام آن را به سر خود برد، آن را در سینه خود قرارداد.<sup>۸۰</sup>

هارفورد جونز در بازگشت به چادر خود، از پیرمراد بیگ، منشی فارسی خود، خواست تا فرمان را با صدای بلند بخواند. «هنگامی که فرمان به دست او رسید، همه حاضران ایستادند و اروپایی‌ها

۵۷. برای یک مجموعه منتشر شده، بنگرید به: Karimzāda-Tabrizī, M. 'A. (Ed.). (1989). *Asnād va farāmīn-i muntashir nāshuda-yi Qājār* [Unpublished Qajar documents and decrees]. London: Kanoune Ketab Limited.

این اثر بعدها با عنوان نائینی فروغ، میرزامحمد. (۱۳۷۷). *سفینة الفرامین (سفینة الانشاء): مجموعه منشآت و مکاتیب میرزامحمد منشی نائینی (فروغ)*. (محمد گلبن، کوشش‌گر). خرم‌آباد: پیام، دوباره منتشر شد. ۵۸. در نتیجه جنگ کریمه، صدها هزار نفر خانه‌های خود را در قفقاز و کریمه ترک کردند. بنگرید به: Crews, R. D. (2006). *For Prophet and Tsar: Islam and empire in Russia and Central Asia*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Brooks, W. (1995). "Russia's conquest and pacification of the Caucasus: Relocation becomes a pogrom in the post-Crimean War period". *Nationalities Papers*, 23(4), 675-686.

۵۹. برای نمونه، به دست‌نوشته مجلس ۳۳۱، برگ‌های ۱۵، ۱۲، ۱۱ و ۱۰ پ و ۱۸ پ بنگرید.

۶۰. چندین برگ در این دست‌نوشته دارای مهری در گوشه بالایی است که به فارسی نوشته شده است: «کتابخانه مجید فیروز، اهدایی به کتابخانه مجلس شورای ملی». برای نمونه به برگ‌های ۱ و ۵ ر بنگرید. عبدالمجید فیروز سپهبد ارتش ایران و عضو مجلس شورای ملی و سنا بود. او صاحب یک کتابخانه شخصی با بیش از ۶۰۰۰ جلد، شامل کتاب‌هایی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی،



کلاه‌های خود را برداشتند: پیرمراد بیگ فرمان را با تأکید مشخص و آهنگین خواند.<sup>۸۱</sup>  
جدید حکام قاجار در خواندن فرمان‌ها و عریضه‌ها زمانی بیشتر نمایان می‌شود که اشتباهات و خطاها موجب کاهش شکوه و تأثیر آن‌ها می‌شد.

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام در نامه‌ای به برادرش میرزا موسی خان اندکی پس از نوروز ۱۲۳۹ هجری قمری / مارس ۱۸۲۴ نوشت که در رژه نوروزی اخیر، خواننده معمول عریضه‌ها (عریضه‌خوان) غایب بود و بنابراین شاه از پسری یکی از درباریان خواست تا عریضه خراسان را با صدای بلند بخواند. باین حال، او آن قدر بد آن را خواند و اشتباهات زیادی مرتکب شد که دیگران در میان حصار شروع به خندیدن کردند و باعث خشم شاه شد.<sup>۸۲</sup>

## ۵. خواندن مجموعه‌ها به عنوان آرشيو

دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی، مانند بسیاری از مجموعه‌های دیگر، اثر نویسنده‌ای را که منابع موجود در آنها را سازمان‌دهی و گردآوری کرده، نشان می‌دهند. نامه‌نگاری‌ها تقریباً به ترتیب زمانی (مانند دست‌نوشته کنگرلو) رونوشت شده‌اند یا با فهرستی از مطالب که شامل خلاصه کوتاهی از هر منبع رونوشت شده است (مانند دست‌نوشته قدیمی) آمده‌اند. یادداشت‌هایی در حاشیه برگ‌ها ظاهر می‌شوند که اطلاعات اضافی ارائه می‌دهند. این ویژگی‌ها، همراه با این واقعیت که دست‌نوشته‌ها در واقع توسط افراد گردآوری، رونوشت و نوشته شده‌اند، در نگاه اول آنها را از تصورات ایدئال آرشیوها متمایز می‌کند. ما گاهی تصور می‌کنیم که آرشیوها به‌مرور زمان به‌صورت ارگانیک رشد کرده‌اند و اسناد به‌صورت تصادفی مرتب‌شده یا فهرست‌بندی‌نشده در انتظار «کشف» توسط یک محقق جسور هستند. یک نمونه بارز از این نوع آرشیو می‌تواند گنجینه قاهره باشد، با تکه‌های کاغذی که در طول صدها سال در زیرشیروانی یک کنیسه قاهره قرار داده شده‌اند - اسنادی که آن قدر مهم نبودند که نگهداری شوند؛ اما دورانداختن آنها مجاز نبود؛ زیرا کلمه خدا روی آنها ظاهر می‌شد. گنجینه قاهره در واقع به عنوان «زباله مقدس» توصیف شده است که قرن‌ها فراموش شده بود و تنها در اواخر قرن نوزدهم کشف شد و اکنون توسط محققان برای بازسازی تاریخ جوامع قرون وسطایی مدیترانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۸۳</sup>

باین حال، دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی در واقع با بسیاری از نمونه‌های آرشیوها همخوانی دارند. تقریباً همه آرشیوها منطق اساسی خود را دارند و سطحی از طراحی انسانی را منعکس می‌کنند. اسناد توسط افراد انتخاب، فهرست‌بندی و سازمان‌دهی می‌شوند.<sup>۸۴</sup> دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی و سایر مجموعه‌های مشابه آنها باید مانند سایر آرشیوها مورد بررسی قرار گیرند و برای پاسخ به طیف وسیعی از پرسش‌های تاریخی مورد استفاده قرار گیرند. به‌ویژه هنگامی که در ترکیب با سایر منابع انجام شود، مجموعه‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی می‌توانند تاریخ ایران را حداقل در سه حوزه تحقیقاتی مختلف غنی کنند.  
حوزه اول در عرصه سیاست است. مکاتباتی مانند فرمان‌ها و عریضه‌ها منابع ضروری برای

عربی و فارسی بود. چند سال قبل از مرگش در سال ۱۳۳۸ شمسی / ۱۹۵۹، مجموعه خود را به کتابخانه مجلس اهدا کرد. بنگرید به: عاقلی، باقر (۱۳۸۰). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. جلد ۵، تهران: نشر گفتار، ص ۱۱۳۶.  
۶۱. برای نمونه، برخی از یادداشت‌ها به پدر قدیمی با عنوان مرحوم والد اشاره می‌کنند. بنگرید به دست‌نوشته مجلس ۸۵۲، برگ ۱۳ پ.  
۶۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد ادگاه‌های مظالم، بنگرید به: Schacht, J., Inalcik, H., Findley, C. V., Lambton, A. K. S., et al. (n.d.). Mahkama. In Encyclopaedia of Islam, Second Edition. Hallaq, W. B. (2009). An Introduction to Islamic law. Cambridge and New York: Cambridge University Press, pp. 74-77.  
مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۶۶). «دیوان مظالم». فرهنگ ایران زمین، ۲۷، ۹۸-۱۱۸.  
۶۳. نویواکی کوندواستدلال می‌کند که منشأ دادگاه مظالم در ایران قاجار در اصلاحات دیوانخانه در سال ۱۸۵۸ نهفته است. بنگرید به: Islamic law and society in Iran: A social history of Qajar Tehran (2017). London and New York: Routledge, pp. 27-30.  
باین حال بیشتر محققان استدلال می‌کنند که این دادگاه در سال ۱۸۶۰ دوباره ظاهر شد. بنگرید به: Lambton, A. K. S. (n.d.). Mahkama 3. Iran. In

Encyclopaedia of Islam, Second Edition. Floor, W. (1983). Change and development in the judicial system of Qajar Iran (1800-1925). In C. E. Bosworth & C. Hillenbrand (Eds.). Qajar Iran: Political, social, and cultural change, 1800-1925. Edinburgh: Edinburgh University Press, pp. 113-147. Schneider, I. (2005). "Religious and state jurisdiction during Nāṣir al-Dīn Shāh's reign". In R. Gleave (Ed.). Religion and society in Qajar Iran. London: Routledge, p 86. اشنادیدر مظالم را به عنوان «دادگاه شکایات علیه بی‌عدالتی‌ها» ترجمه می‌کند. ۶۴. برای نمونه بنگرید به: قائم‌مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم، (۱۳۳۷). منشآت قائم‌مقام (جهانگیر قائم‌مقامی، گوشش‌گرا، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، صص ۸۵-۸۶. ۶۵. کلانتر توسط موریه به عنوان شخصی (که علاوه بر حاکم واقعی، در هر شهر شهرستان و روستا اقامت دارد و بر جمع‌آوری خراج نظارت می‌کند، تعریف شده است. ۶۶. کدخدا. توسط موریه به عنوان «رئیس یک روستا، تعریف شده است. ۶۷. رعیت، معمولاً به عنوان «تبعه»، «دهقان» یا «رعیت» ترجمه می‌شود. 68. Morier, James. (1812). A Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, in the Years 1808 and 1809. London: Longman, Hurst, Rees, ۶۹. دست‌نوشته مجلس ۲۳۱، برگ‌های ۸۶ پ و ۸۹ پ. ۷۰. همان، برگ ۲۳ ن ۷۱. عبدلی‌فرد، ف.

درک ایدئولوژی حکومت هستند. همان‌طور که محققان مدت‌هاست اشاره کرده‌اند، زبانی که در فرمان‌ها و عریضه‌ها استفاده می‌شود می‌تواند به ما در شناسایی ویژگی‌های اصلی فرهنگ سیاسی کمک کند.<sup>۸۵</sup> توجه دقیق به زبان پرطمطراق و رسمی مکاتبات که برخی استدلال کرده‌اند به جای روشن کردن پیام، آن را مبهم می‌کند، می‌تواند به روشن کردن نکات ظریف معنا در متن کمک کند.<sup>۸۶</sup>

مکاتبات در کنگرلو و قدیمی همچنین توجه ما را به رویه‌های سیاسی مانند واگذاری زمین، مراسم هدیه‌دادن یا پیشکشی، اعطای خلعت و دادخواهی جلب می‌کند.<sup>۸۷</sup> علی‌رغم آگاهی طولانی از اهمیت فرمان‌ها و عریضه‌ها، کمتر به سودمندی آنها برای درک این جنبه‌های خاص حکومت، به‌ویژه در زمینه ایران قاجار، توجه شده است. اخیراً، فرمان‌ها در مطالعات موضوعات متنوعی مانند تاریخ سیاست‌های استانی، مصرف مواد مخدر و محرک و دیپلماسی گنجانده شده‌اند.<sup>۸۸</sup> استفاده سامانمند از چنین مکاتباتی می‌تواند بینشی در مورد اینکه چه کسانی در این رویه‌ها شرکت داشتند و چه زمانی، چگونه و چرا آنها رخ داده‌اند، ارائه دهد.

اما در عین حال، دست‌نوشته‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی فرصت‌هایی را برای انجام تحلیل‌های جامعه‌محورتر از سیاست قاجار ارائه می‌دهند. یک رویکرد جامعه‌محور تاحدی مستلزم توجه بیشتر به چهره‌های تاریخی کمتر شناخته شده است. کلب‌علی‌خان کنگرلو، شخصیتی که اغلب در فرمان‌ها و عریضه‌های دست‌نوشته کنگرلو ظاهر می‌شود، به‌ندرت در منابعی که به‌طور سنتی برای تاریخ سیاسی دوره قاجار استفاده می‌شوند، مانند تواریخ و گزارش‌های دیپلماتیک خارجی، ظاهر می‌شود.<sup>۸۹</sup> از دست‌نوشته کنگرلو، ما همچنین در مورد پیشینه کلب‌علی‌خان و ماهیت در حال تکامل رابطه او با حاکمان قاجار مانند آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه می‌آموزیم. به‌عنوان مثال، می‌آموزیم که کلب‌علی‌خان زمانی با آغامحمدخان دچار مشکل شد که او را از مقامش برکنار کرد و زبانش را برید، قبل از اینکه بعداً آشتی کند و دوباره او را به عنوان حاکم نخجوان منصوب کند.<sup>۹۰</sup> به‌طور مشابه، از دست‌نوشته قدیمی، تصویری از میرزا علی قدیمی شروع به‌ظاهر شدن می‌کند. می‌آموزیم که میرزا علی نام‌های متعددی از طیف وسیعی از شخصیت‌های برجسته سیاسی اوایل قاجار - از جمله عباس‌میرزا، قائم‌مقام، میرزاصادق مروزی، میرزافاضل‌خان گروسی و میرزاتقی‌خان - در مورد طیف وسیعی از موضوعات سیاسی دریافت کرده است.<sup>۹۱</sup> از آنجاکه منابعی مانند تواریخ و گزارش‌های دیپلماتیک خارجی تمایل دارند بر سیاست‌های عالی و بر شاه، شاهزادگان یا حاکمان تمرکز کنند، سایر چهره‌هایی که ممکن است در سطح محلی تأثیر بیشتری داشته‌اند، نادیده گرفته می‌شوند.

منابعی مانند فرمان‌ها و عریضه‌ها نیز به‌ویژه برای کشف چگونگی شکل‌دهی فشارهای اجتماعی، اقتصادی و حتی زیست‌محیطی محلی به حکومت مفید هستند. برای روشن کردن مطلب، ارزش دارد که به مثالی که قبلاً به‌طور خلاصه ذکر شد، بیشتر پرداخته شود: فرمانی از تابستان ۱۸۰۵ که توسط فتحعلی‌شاه صادر شد، به کلب‌علی‌خان و سایر حاکمان آذربایجان بزرگ



دستور داد تا انبارهای غله را به درستی مدیریت کنند و هرگونه «یاغی یا تحریک کننده» (متمردین) را مجازات کنند.

خواندن دقیق فرمان نشان می‌دهد که به احتمال زیاد در پاسخ به عریضه‌ای از مردم محلی صادر شده است. در فرمان، شاه توضیح می‌دهد که شنیده است که حضور نیروهای قاجار که در خارج از تبریز و در میانه جنگ با روسیه مستقر بودند، منجر به مصرف ۱۰۰۰ خروار غله اضافی در روز شده است.<sup>۹۲</sup> شاه در ادامه بیان می‌کند که می‌داند که مقدار زیادی غذای مصرف شده باعث «خرابی» در منطقه و «باری فراتر از توان مردم» (باری بود فوق طاقت ایشان) شده است.<sup>۹۳</sup> دستور ذخیره کارآمدتر غله و مجازات کسانی که شورش می‌کنند ممکن است مشکل را حل نکرده باشد و ممکن است تسلی برای ساکنان منطقه فراهم نکرده باشد؛ اما نشان می‌دهد که چگونه شرایط محلی، حتی در مکان‌های دورافتاده، می‌تواند مورد توجه حاکمان قاجار قرار گیرد و تصمیمات آنها را شکل دهد.

اما یک رویکرد جامعه‌محور به تاریخ سیاسی چیزی فراتر از تاریخ اجتماعی یا آگاهی از چگونگی تأثیر فشارهای اجتماعی بر سیاست است. همچنین باید مبتنی بر مجموعه‌ای گسترده از پرسش‌ها باشد - مانند اینکه چه کسانی در دولت خدمت می‌کردند، چرا انتخاب می‌شدند و پیوندهای آنها با یکدیگر چگونه بود؟ - که هدف آنها روشن کردن چگونگی عملکرد واقعی دولت است. چگونه روابط سیاسی در طول زمان شکل گرفتند، تکامل یافتند و از هم پاشیدند؟ چه نیروهای اجتماعی به حفظ اقتدار سیاسی کمک کردند؟ اینها سؤالاتی هستند که در تاریخ قاجار به خوبی درک نشده‌اند و مجموعه‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی می‌توانند نور قابل توجهی بر آنها بتابانند.

راه دوم و روشی که تاریخ ایران از منابعی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و دیگر متون قدیمی به عنوان آرشیو استفاده می‌کند، بررسی ماهیت دولت‌های ایران پیش از دوره مدرن است. مکاتباتی همچون فرمان‌ها و عریضه‌ها می‌توانند به سؤالات تاریخی گسترده‌تری پاسخ دهند، از جمله این که آیا دولت تنها مجموع نهادهای سیاسی و ادارات بوروکراتیک بود، یا این که روابط غیررسمی و شخصی نیز وجود داشت که به حفظ حکومت کمک می‌کرد؛ رابطه بین مرکز و پیرامون چگونه بود؟ سطوح محلی، ایالتی و مرکزی اقتدار چگونه با یکدیگر تعامل داشتند؟ تا به امروز، بیشتر پژوهش‌هایی که به این سؤالات در تاریخ ایران پرداخته‌اند، به مجموعه‌ای سنتی از منابع متکی بوده‌اند: تواریخ، تاریخ‌های محلی، سفرنامه‌ها و گزارش‌های دیپلماتیک خارجی. مکاتباتی مانند آنچه در دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی یافت می‌شود، دیدگاه‌های غنی و متفاوتی ارائه می‌دهد.<sup>۹۴</sup> به عنوان مثال، هر دو دست‌نوشته شواهد فراوانی نه تنها برای وجود مراکز و پیرامون‌های سیاسی متعدد، بلکه برای ماهیت چندجهته مکاتبات ارائه می‌دهند. مکاتبات نه تنها بین مرکز و پیرامون، بلکه بین پیرامون‌ها نیز ردیبلد می‌شد؛ بنابراین نمونه‌های متعددی از نامه‌ها، برای مثال، بین قدیمی، مستقر در بروجرد (در غرب ایران) و قائم مقام، در تبریز در مورد مسائل مختلف سیاسی ردیبلد می‌شد.<sup>۹۵</sup>

استفاده از فرمان‌ها و عریضه‌ها برای بررسی سؤالات مربوط به شکل و عملکرد دولت،

(۱۳۸۴). چاپخانه‌ها و راه‌های چاپاری در ایران. تهران: هیرمند، ص ۳.  
۷۲. علاوه بر پیام‌رسان‌های سواره، از واگن‌ها (مکاری) و کاروان‌ها نیز برای حمل پیام‌ها استفاده می‌شد. برای بحث و تصاویر مربوط به سایر وسایل نقلیه مورد استفاده، به همان منبع: ج اول، صص ۸-۹. بنگرید.  
۷۳. همان منبع: ج اول، صص ۲-۹.  
۷۴. این سیستم به تدریج در اواخر قرن نوزدهم کنار گذاشته شد و با ارتباط تلگرافی جایگزین گردید. برای اطلاعات بیشتر در مورد توسعه تلگراف، بنگرید به: Rubin, M. A. (1999). The formation of modern Iran, 1858-1909: Communications, telegraph and society [Unpublished doctoral dissertation]. Yale University.  
8. Floor, W. (2001). The Chapar-Khāna system in Qajar Iran. Iran, 39, 258.  
۷۵. دست‌نوشته مجلس  
۷۶. برگ‌های ۲۶ و ۲۸ پ، ۳۲ و ۴۲ و ۴۳ پ.  
۷۷. همان: برگ ۲۸ پ.  
۷۸. همان: برگ ۲۶ ر.  
۷۹. عضالدوله، احمدمیرزا، (۱۳۷۶). تاریخ عضدی (عبدالحسین نوابی، کوشش گر). تهران: علم، صص ۱۷-۱۸ و ۲۷.  
۸۰. Morier, ۱۸۱۴: ۹۵.  
۸۱. همان: ۹۶.  
۸۲. قائم مقام: ۸۵-۸۶.  
83. Hoffman, A., & Cole, P. (2011). Sacred trash: The lost and found world of the Cairo Geniza. New York: Schocken Books.  
84. Stoler, "Colonial

Archives and the Arts of Governance": 102-103. 85. Fragner, "Farmān;" Encyclopædia Iranica; Multiple authors, "Farmān," Encyclopædia of Islam. Second Edition ۸۶. در این مورد بنگرید به: Allouche, A. (1990). "Tegüder's ultimatum to Qalawun". International Journal of Middle East Studies, 22(4), 437-446. Melvin-Koushki, M. (2011). "The delicate art of aggression: Uzun Hasan's fathnama to Qaytbay of 1469". Iranian Studies, 44(2), 197-200. ۸۷. برای نمونه به دست‌نوشته مجلس ۸۵۵۲، برگ‌های ۷-۲ بنگرید به: 88. Werner, C. (n.d.). An Iranian town in transition. Matthee, R. (2005). The pursuit of pleasure: Drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900. Princeton: Princeton University Press. Ekbal, K. (1977). Der Briefwechsel Abbas Mirzas mit dem britischen Gesandten MacDonald Kinneir im Zeichen des zweiten russisch-per-sischen Krieges (1825-1828). Freiburg im Breisgau: Schwarz. ۸۹. در شاید مهم‌ترین وقایع‌نامه آذربایجان در اوایل دوره قاجار کلب‌علی‌خان فقط گذرا ظاهر می‌شود. بنگرید به: دنبلی، عبدالرزاق بیگ دنتلی (مفتون). (۱۳۸۴). مائزلسلطانیه. (فیروز منصور، کوشش‌گر). تهران: مؤسسه اطلاعات، صص ۹۳ و ۱۰۰. ۹۰. دست‌نوشته مجلس ۳۳۱، برگ‌های ۲۵ پ-۲۶. ۹۱. دست‌نوشته مجلس ۸۵۵۲، برگ‌های ۲-۷.

هنگامی که با درک سیاست‌ها و رویه‌های حکومت ترکیب شود، درنهایت به پایه بهتری برای مقایسه بین ایران و سایر مناطق جهان منجر خواهد شد. برای مثال، بحث‌های علمی در مورد تاریخ امپراتوری‌ها را در نظر بگیرید: امپراتوری‌ها چگونه جمعیت‌های خود را تنظیم، کنترل و مدیریت می‌کردند؟ چرا امپراتوری‌ها ظهور کردند و چرا سقوط کردند؟ چه چیزی یک امپراتوری را به یک امپراتوری تبدیل می‌کند؟ اینها و سایر سؤالات مشابه، بخش‌های بزرگی از حرفه تاریخ را تحت تأثیر قرار می‌دهند. با این حال، حکومت‌هایی که بر ایران حاکم بودند، اغلب به‌طور آشکار از این مباحث کنار گذاشته شده‌اند.<sup>۹۶</sup> حتی امپراتوری صفوی که معمولاً همراه با امپراتوری‌های عثمانی و مغول به عنوان نمونه‌ای از امپراتوری‌های باروتی اوایل مدرن جهان اسلام دسته‌بندی می‌شود، گاهی اوقات در تحلیل‌های تطبیقی امپراتوری‌ها نادیده گرفته می‌شود.<sup>۹۷</sup> قاجارها به نوبه خود عموماً از مجموعه امپراتوری‌ها حذف می‌شوند.<sup>۹۸</sup> درحالی‌که دلایل این وضعیت بسیار زیاد است که در اینجا به آنها پرداخته شود، بخشی از توضیح باید در این واقعیت نهفته باشد که مطالعات کمتری در مورد دولت‌های صفوی یا قاجار نسبت به سایر امپراتوری‌های قابل مقایسه وجود دارد. برای رفع این عدم تعادل، ما به درک قوی‌تری از چگونگی حکومت صفویان و قاجارها - یا سایر دولت‌ها - نیاز داریم. مکاتبات، مانند فرمان‌ها و عریضه‌ها، منابع بسیار مفیدی برای این سؤال هستند و باید برای تکمیل منابع سنتی مورداستفاده قرار گیرند.<sup>۹۹</sup>

یکی از آخرین حوزه‌های تاریخ ایران که می‌تواند از بررسی دقیق‌تر مجموعه‌هایی مانند دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی بهره‌مند شود، مطالعه گردش اخبار و اطلاعات است. درحالی‌که تحقیقات محدودی در زمینه تاریخ مسیرهای پستی در ایران انجام شده است، اما نحوه انتشار اخبار و اطلاعات، نوع اخبار و اطلاعاتی که پخش می‌شد و اینکه این روند چه چیزی درباره روابط داخلی ایران و ارتباطات آن با سایر نقاط جهان به ما می‌گوید، هنوز به‌طور کامل مورد مطالعه قرار نگرفته است. در مقابل، تاریخ‌نگاران دیگر مناطق با استفاده از مکاتبات به تحلیل مسائل مختلف پرداخته‌اند، از جمله چگونگی ایجاد اعتماد میان بیگانگان، تسهیل تجارت‌های دوردست و گسترش نوع جدیدی از دانش.<sup>۱۰۰</sup> اطلاعات دقیق و قابل اعتماد همچنین برای حکام سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار بود.<sup>۱۰۱</sup> فرمان‌ها و عریضه‌ها می‌توانند در روشن کردن این ابعاد از تاریخ ایران کمک شایانی کنند.

## ۶. نتیجه‌گیری

با معرفی دست‌نوشته‌های کنگرلو و قدیمی و پاسخ به سؤالاتی چون اینکه چه کسانی این منابع را گردآوری کرده‌اند و به چه دلیلی، چگونه منابع موجود در آن‌ها منتشر شده است و این انتشار چه چیزی درباره ایران قاجاری به ما می‌آموزد، این مقاله فراخوانی برای مطالعات بیشتر در زمینه حکومت‌داری و شیوه‌های سیاسی در دوره قاجار بود. فرمان‌ها و عریضه‌ها منابع کلیدی به شمار می‌آیند؛ زیرا شواهد مستقیمی از سیستم حکومتی فراهم می‌آورند. اگرچه این مجموعه‌ها



نسخه‌هایی از منابع اصلی هستند و به همین دلیل ممکن است در ارائه اطلاعات دقیق در خصوص مهرها و امضاها محدودیت‌هایی داشته باشند، اما با توجه به این محدودیت‌ها، می‌توانند به عنوان مبنای محکمی برای بررسی روابط میان دولت و جامعه، شیوه‌های حکمرانی حاکمان و دلایل اتخاذ چنین شیوه‌هایی مورد استفاده قرار گیرند.

#### منابع:

##### فارسی

- اسناد دست‌اول منتشرشده

- افضل الملک، غلامحسین میرزا، (بی‌تا). کراسه‌المعی. دست‌نوشته‌های ۹۴۵۱، ۹۴۵۲، ۹۴۵۳، ۹۴۵۴، ۹۴۵۵، کتابخانه مجلس، تهران. این مورد به چهار دست‌نوشته (دست‌نوشته‌های ۹۴۵۱، ۹۴۵۲، ۹۴۵۳، ۹۴۵۴) اشاره دارد که همگی بخشی از «کراسه‌المعی» نوشته غلامحسین میرزا افضل الملک هستند. «بی‌تا» به معنی «بدون تاریخ» است و نشان می‌دهد که تاریخ نگارش دست‌نوشته‌ها مشخص نیست. این دست‌نوشته‌ها در کتابخانه مجلس در تهران نگهداری می‌شوند.

- میرزاعلی بیگ، (بی‌تا). سواد فرامین سلاطین و امرای حکام. دست‌نوشته ۳۳۱. کتابخانه مجلس، تهران. این مورد به یک دست‌نوشته (دست‌نوشته ۳۳۱) اشاره دارد که توسط میرزاعلی بیگ نوشته شده است. عنوان دست‌نوشته «سواد فرامین سلاطین و امرای حکام» را می‌توان به «پیش‌نویس فرامین پادشاهان و امیران حاکم» ترجمه کرد. بازهم «بی‌تا» نشان می‌دهد که تاریخ دست‌نوشته مشخص نیست. این دست‌نوشته در کتابخانه مجلس در تهران نگهداری می‌شود.

- قدیمی، میرزاعلی خان، (بی‌تا). مجموعه مراسلات و فرمان‌ها و مکاتیب دوره قاجار. دست‌نوشته ۸۵۵۶، کتابخانه مجلس، تهران. این مورد مربوط به یک دست‌نوشته (دست‌نوشته ۸۵۵۶) است که «مجموعه مراسلات و فرمان‌ها و مکاتیب دوره قاجار» نوشته میرزاعلی خان قدیمی است. «بی‌تا» دوباره به تاریخ نامشخص اشاره دارد. این دست‌نوشته در کتابخانه مجلس در تهران نگهداری می‌شود.

- منابع دست‌اول منتشرشده به زبان فارسی

##### کتاب‌ها

- افضل الملک، غلامحسین میرزا، (۱۹۸۲). افضل التواریخ. (منصوره اتحادیه نظام مافی و سیروس سعدوندیان، کوشش گران). تهران: نشر تاریخ ایران. - دنیلی، عبدالرزاق بیگ «مفتون»، (۲۰۰۵). مآثر سلطانیه. (فیروز منصور، کوشش گر). تهران: مؤسسه اطلاعات.

- دنیلی، عبدالرزاق بیگ «مفتون»، (۱۹۶۳). تذکره نگارستان دارا. (عبدالرسول خیام پور، کوشش گر). تبریز: کتابفروشی تهران.

- اعتضادالسلطنه، علی قلی میرزا، (۱۹۹۱). اکسیر التواریخ. (جمشید کیانفر، کوشش گر). تهران: ویسمین. - رجب‌زاده، هاشم و کینچی اورا. (ویراستاران). (۱۹۹۹). شصت سند فارسی از دوره قاجار: معاملات اراضی کشاورزی. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.

- رجب‌زاده، هاشم، و کوچی هانده‌دا. (ویراستاران). (۱۹۹۷). پنجاه‌وپنج سند فارسی از دوره قاجار. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.

- رضایی، امید. (۱۳۸۷). ش. ۹ / ۲-۸-۲۰. درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.

- شیرازی، میرزافضل‌الله «خاوری»، (۲۰۰۱). تاریخ ذوالقرنین. (نصیر افشارفر، کوشش گر). ج. ۲. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- عضدالدوله، احمد میرزا قاجار (۱۹۹۷). تاریخ عضدی. (عبدالحسین نوایی، کوشش گر). تهران: علم. کتاب «تاریخ عضدی».

- قائم مقام، میرزا ابوالقاسم. (۱۹۵۸). منشآت قائم مقام. (جهانگیر قائم مقامی، کوشش گر). تهران: کتابخانه ابن سینا.

- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۹۸۹). اسناد و فرامین منتشرشده قاجاری. لندن: کانون کتاب لیمیتد.

- گاوران، عمادالدین محمود. (۲۰۰۲). مناظرالانشاء. (معموصه معدن کن، کوشش گر). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- مستوفی، عبدالله. (۱۹۶۴). شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار.

- ناشناس. (۱۹۹۲). فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار (جلد اول: ۱۲۱۱-۶ ه. ق.). تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

- نائینی، فروغ، میرزا محمد. (۱۹۹۸). سفینه‌الفرامین (سفینه‌الانشاء): مجموعه منشآت و مکاتیب میرزا محمد منشی نائینی (فروغ). (کوشش گر: محمد گلبن). خرم‌آباد: پیغام.

- نصیری، محمد رضا. (۱۹۸۷). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: قاجاریه. ج. ۴. تهران: انتشارات کیهان.

- نصیری، محمد رضا، ویراستار (۱۹۸۸). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران: «دوره افشاریه». رشت: جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان.

- نوایی، عبدالحسین. (۱۹۸۹). نادرشاه و بازماندگانش: همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری. تهران: زرین.

- نوایی، عبدالحسین، ویراستار (۱۹۶۳). اسناد و مکاتبات تاریخ ایران: از تیمور تا شاه اسماعیل. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

##### مقالات

- اصیلی، سوسن. (۱۳۸۱). ش/ ۲۰۰۲. «ده فرمان از عصر فتحعلی‌شاه». تاریخ، ش. ۳، صص ۱۱-۹۱.

- عبداللهی، عبدالله. (بهمن- اسفند ۱۳۷۰ ش. / ژانویه ۱۹۷۲). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی، ش. ۳۷، صص ۲۸۴-۲۷۷.

- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (آذر-دی ۱۳۴۹ ش. / نوامبر ۱۹۷۰). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی، ش. ۲۹، صص ۱۹۰-۱۷۷.

- کی، محمود. (آذر-دی ۱۳۴۹ ش. / نوامبر ۱۹۷۰). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی، ش. ۲۹، صص ۱۷۶-۱۵۳.

- کی، محمود. (مرداد- شهریور ۱۳۵۰ ش. / ژوئیه ۱۹۷۱). «چند فرمان تاریخی». بررسی‌های تاریخی، ش. ۳۱، صص ۱۹۲-۱۷۷.

۹۲. برای ارائه تصویری از باری

که توسط افزایش مصرف

ایجاد شده است، یک خروار

تقریباً برابر با ۳۰۰ کیلوگرم یا

یک سوم تن است؛ بنابراین

۳۰۰۰ خروار بیش از ۱۰۰۰

تن خواهد بود. برای اطلاعات

بیشتر در مورد اوزان و

مقیاس‌ها بنگرید به:

Lambton, A. K. S. (1953).

Landlord and peasant in

Persia: A study of land

tenure and land revenue

administration (pp. 406-

409). London: Oxford

University Press.

۹۳. دست‌نوشته مجلس

۳۳۱، برگ ۲۳ ر.

۹۴. برای مطالعه‌ای در

این زمینه، به مقاله کالین

میچل بنگرید که از مکاتبات

به عنوان راهی برای خروج از

برداشت‌های وپیری از دولت

صغوی استفاده می‌کند:

\*Provincial Chancelleries

and Local Lines of Au-

thority in Sixteenth-Cen-

tury Safavid Iran. Oriente

Moderno 88/2

(۸۰. ۲۰). ۷۴۸۳-۵.

۹۵. برای نمونه، به

دست‌نوشته مجلس ۸۵۵۲،

برگ‌های ۱۴ پ و ۳ پ

بنگرید.

۹۶. یک کتاب اخیر که تلاش

می‌کند امپراتوری‌ها را در فضا

و زمان مقایسه کند، به ندرت

به امپراتوری صفوی (یا هر

امپراتوری در جهان ایران)

اشاره می‌کند. بنگرید به:

Burbank, J., & Cooper,

F. (2010). Empires in

world history: Power and

the politics of difference.

Princeton: Princeton

University Press.

کتاب اخیر دیگر یک فصل،

توسط استفان بلیک، دارد که

در مورد امپراتوری صفوی در

- Ker Porter, Sir Robert. (1821). *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia: During the Years 1817, 1818, 1819, and 1820*. London: Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown.
- Morier, James. (1812). *A Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, in the Years 1808 and 1809*. London: Longman, Hurst, Rees, Orme, Brown, and Green.
- Todua, Magali, and Ismail K. Shams, eds. (1989). *Tbilisskaia kollektsiia persidskikh firmanov = The collection of Persian firms of Tbilisi*. 2 vols. Tbilisi: Tsentral'nyi Gosudarstvennyi Istoricheskii Arkhiv.
- کنار امپراتوری‌های عثمانی و مغول بحث می‌کند. بنگرید به: Bayly, P. F. B., & Bayly, C. A. (Eds.). (2011). *Tributary empires in global history*. New York: Palgrave Macmillan.
۹۷. در این مورد بنگرید به: Matthee, R. (2010). "Was Safavid Iran an empire?", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 53(1-2), 233-265.
۹۸. با این حال، برخی از نویسندگان اخیر تصمیم گرفته‌اند که ایران قاجار را یک امپراتوری بنامند. بنگرید به: Khazeni, A. (2009). *Tribes and empire on the margins of nineteenth-century Iran*. Seattle: University of Washington Press.
- Gustafson, J. M. (2015). *Kirman and the Qajar empire: Local dimensions of modernity in Iran, 1794-1914*. London: Routledge.
۹۹. برای استدلالی مشابه، بنگرید به: Ghareghlou: 428. Trivellato, F. (2009). *The familiarity of strangers: The Sephardic diaspora, Livorno, and cross-cultural trade in the early modern period*. New Haven: Yale University Press.
- Sood, G. (2016). *India and the Islamic heartlands: An eighteenth-century world of circulation and exchange*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Aslanian, S. D. (2011). *From the Indian Ocean to the Mediterranean: The global trade networks of Armenian merchants from New Julfa*. Berkeley: University of
- Books**
- 'Abdullifard, Farīdūn. (2005). *Chāpārkhānā hā va Rāh hā-yi Chāpārī dar Irān*. Tehran: Hirmand.
- Afshar, Iraj. (2003). *Maktūb and Majmū'a: Essential Sources for Safavid Research*. In *Society and Culture in the Early Modern Middle East: Studies on Iran in the Safavid Period*. Leiden: Brill: (pp.51-61).
- Amanat, Abbas. (2008). *Pivot of the Universe: Nasir al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy, 1831-1896*. 2nd ed. New York: I.B. Tauris.
- 'Āqilī, Bāqir. (2001). *Sharh-i Ḥāl-i Rijāl-i Siyāsī va Niẓām-i Mu'āshir-i Irān*. 6 vols. Tehran: Nashr-i Guftār.
- Aslanian, Sebouh D. (2011). *From the Indian Ocean to the Mediterranean: The Global Trade Networks of Armenian Merchants from New Julfa*. Berkeley: University of California Press.
- Bang, Peter Fibiger and C.A. Bayly. (2011). *Tributary Empires in Global History*. New York: Palgrave Macmillan.
- Bayly, C.A. (1996). *An Empire of Information: Political Intelligence and Social Communication in North India, C 1780-1880*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bournoutian, George A. (1982). *Eastern Armenia in the Last Decades of Persian Rule, 1807-1828*. Malibu, Calif.: Undena Publications.
- Burbank, Jane and Frederick Cooper. (2010). *Empires in World History: Power and the Politics of Difference*. Princeton: Princeton University Press.
- Busse, Heribert. (1959). *Untersuchungen zum Islamischen Kanzleiwesen an Hand turkmenischer und safawidischer Urkunden*. Cairo: Kommissionsverlag Sirović Bookshop.
- Crews, Robert D. (2006). *For Prophet and Tsar: Islam and Empire in Russia and Central Asia*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- Dover, Paul M. (2016). *Introduction: The Age of Secretaries. In Secretaries and Statecraft in the Early Modern World*. Edinburgh: Edinburgh University Press: (pp.1-15).
- Ekbāl, Kamran. (1977). *Der Briefwechsel Abbas Mirzas mit dem britischen Gesandten MacDonald Kinneir im Zeichen des zweiten russisch-persischen Krieges (1825-1828)*. Freiburg im Breisgau: Schwarz.
- Geertz, Clifford. (2000). "Thick Description: Toward an Interpretive Theory of Culture". In *The Interpretation of Cultures*. New York: Basic Books
- Floor, Willem. (1983). *Change and Development in the Judicial System of Qajar Iran (1800-1925)*. In *Qajar Iran: Political, Social, and Cultural Change, 1800-1925*. Edinburgh: Edinburgh University Press: (pp.113-47).
- Gustafson, James M. (2015). *Kirman and the Qajar Empire: Local Dimensions of Modernity in Iran, 1794-1914*. London: Routledge.
- Hallaq, Wael B. (2009). *An Introduction to Islamic Law*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Hambly, Gavin. (1991). *Iran During the Reigns of Fath 'Alī Shāh and Muhammad Shāh*. In Peter Avery, Gavin Hambly, and Charles Melville (Eds.). *The Cambridge History of Iran*. vol. 7. Cambridge: Cambridge University Press: (pp.144-173).
- Hoffman, Adina and Peter Cole. (2011). *Sacred Trash: The Lost and Found World of the Cairo Geniza*. New York: Schocken Books.
- Khazeni, Arash. (2009). *Tribes and Empire on the Margins of Nineteenth-Century Iran*. Seattle: University of Washington Press.
- Kitābkhāna-yi Majlis-i Shūrā-yi Milli (Irān). (1996). *Ta'rikhcha-yi Kitābkhāna-yi Majlis, Avvalin Kitābkhāna-yi Rasmī-yi Kishvar*. Tehran: Kitābkhāna, Mūza, va Markaz-i Asnād-i Majlis-i Shūrā-yi Islāmī.
- Kondo, Nobuaki. (2017). *Islamic Law and Society in Iran: A Social History of Qajar Tehran*. London and New York: Routledge.
- Kondo, Nobuaki. (2014). "The Lives of Qabālahs: Annotation, Transcription and Registration of Documents in Early Modern Iran". In *Lecteurs et copistes dans les traditions manuscrites iraniennes, indiennes et centrasiatiques*. *Eurasian Studies* 12: (pp. 561-575).
- Lambton, Ann K.S. (1953). *Landlord and Peasant in Persia: A Study of Land Tenure and Land Revenue Administration*. London: Oxford University Press.
- Lambton, Ann K.S. (1987). *Social Change in Persia in the Nineteenth Century. In Qajar Persia: Eleven Studies*. London:



California Press.  
Yale, E. (2016). *Sociable knowledge: Natural history and the nation in early modern Britain*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.  
101. Bayly, C. A. (1993). "Knowing the country: Empire and information in India". *Modern Asian Studies*, 27(1), 3-43.  
Bayly, C. A. (1996). *An empire of information: Political intelligence and social communication in North India, c. 1780-1880*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Tauris: (pp.194-222).
- Mahdavi, Shireen. (1999). *For God, Mammon, and Country: A Nineteenth-Century Persian Merchant, Haj Muhammad Hassan Amin Al-Zarb (1834-1898)*. Boulder, Colo.: Westview Press.
- Matthee, Rudi. (2005). *The Pursuit of Pleasure: Drugs and Stimulants in Iranian History, 1500-1900*. Princeton: Princeton University Press.
- Moin, A. Azfar. (2012). *The Millennial Sovereign: Sacred Kingship and Sainthood in Islam*. New York: Columbia University Press.
- Mottahedeh, Roy. (2001). *Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society 2nd ed*. London and New York: I.B. Tauris.
- Najmabadi, Afsaneh. (2005). *Women with Mustaches and Men without Beards: Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Paul, Jürgen. (2018). "Archival Practices in the Muslim World Prior to 1500". In *Manuscripts and Archives: Comparative Views on Record-Keeping*. Berlin and Boston: De Gruyter: (pp.339-360).
- Poole, Reginald Stuart. (1887). *The Coins of the Shāhs of Persia, Safavis, Afghāns, Efsḥāris, Zands, and Kājārs*. London: British Museum.
- Qā'im-Maqāmī, Jahāngīr. (1971). *Muqaddama 'I bar Shinākht-i Asnād-i Tārīkhī*. Tehran: Anjuman-i Āsā r-i Millī.
- Rabino, Hyacinth Louis. (1945). *Album of Coins, Medals, and Seals of the Shāhs of Irān, 1500-1948*. Hertford, England: S. Austin and Sons.
- Sām, 'Alī. (2013). *Bar' risi-yi Farmān Nivīsī-yi Dawra-yi Avval-i Qājār*. Tehran: Intishārāt-i Kilk-i Zarrīn.
- Sefatgol, Mansur. (2003). Majmū'ah 'hā: Important and Unknown Sources of Historiography of Iran during the Late Safavids: The Case of Majmū'ah-i MirzāMu ṭnā. In *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth to Nineteenth Centuries*. London: Routledge: (pp.103-115).
- Schneider, Irene. (2005). Religious and State Jurisdiction during Nāsir Al-Dīn Shāh's Reign. In *Religion and Society in Qajar Iran*. London: Routledge: (pp.84-110).
- Sood, Gagan. (2016). *India and the Islamic Heartlands: An Eighteenth-Century World of Circulation and Exchange*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Trivellato, Francesca. (2009). *The Familiarity of Strangers: The Sephardic Diaspora, Livorno, and Cross-Cultural Trade in the Early Modern Period*. New Haven: Yale University Press.
- Werner, Christoph. (2003). Formal Aspects of Qajar Deeds of Sale. In *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth to Nineteenth Centuries*. London: Routledge: (pp.13-49).
- Werner, Christoph. (2000). *An Iranian Town in Transition: A Social and Economic History of the Elites of Tabriz, 1747-1848*. Wiesbaden: Harrassowitz.
- Yale, Elizabeth. (2015). *The History of Archives: The State of the Discipline*. Book History 18: (pp. 332-59).
- Yale, Elizabeth. (2016). *Sociable Knowledge: Natural History and the Nation in Early Modern Britain*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.

#### Articles

- Alam, Muzaffar and Sanjay Subrahmanyam. (2004). "The Making of a Munshi". *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 24/2: 61-72.
- Allouche, Adel. (1990). "Tegüder's Ultimatum to Qalawun". *International Journal of Middle East Studies*, 22/4: 437-46.
- Arjomand, Said. (2005). Political Ethic and Public Law in the Early Qajar Period. In *Religion and Society in Qajar Iran*. New York: Routledge: 21-40.
- Ashraf, Assef. (2019). "A Familial State: Elite Families, Ministerial Offices, and the Formation of Qajar Iran". *International Journal of Middle East Studies*, 51/1: 43-64.
- Bayly, C.A. (1993). "Knowing the Country: Empire and Information in India". *Modern Asian Studies*, 27/1: 3-43.
- Brooks, Willis. (1995). "Russia's Conquest and Pacification of the Caucasus: Relocation Becomes a Pogrom in the Post-Crimean War Period". *Nationalities Papers*, 23/4: 675-86.
- Chann, Naindeep Singh. (2009). "Lord of the Auspicious Conjunction: Origins of the Şāḥib-Qirān". *Iran and the Caucasus*, 13/1: 93-110.
- Floor, Willem. (2001). The Chapar-Khāna System in Qajar Iran. *Iran*, 39: 257-291.
- Gurney, John D. (1983). "A Qajar Household and Its Estates". *Iranian Studies*, 16/3-4: 137-76.
- Herzig, Edmund M. (1992). "The Volume of Iranian Raw Silk Exports in the Safavid Period". *Iranian Studies*, 25/1-2: 61-79.
- Kinra, Rajeev. (2010). "Master and Munshi: A Brahman Secretary's Guide to Mughal Governance". *Indian Economic & Social History Review*, 47/4: 527-61.
- Mahdavi, Asghar. (1983). "The Significance of Private Archives for the Study of the Economic and Social History of Iran in the Late Qajar Period". *Iranian Studies*, 16/3-4: 243-78.

- Matthee, Rudi. (2010). "Was Safavid Iran an Empire?" *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 53/1-2: 233-65.
- Melvin-Koushki, Matthew. (2011). "The Delicate Art of Aggression: Uzun Hasan's Fathnama to Qaytbay of 1469". *Iranian Studies*, 44/2: 193-214.
- Meredith, Colin. (1971). "Early Qajar Administration: An Analysis of Its Development and Functions". *Iranian Studies*, 4/2-3: 59-84.
- Mitchell, Colin. (1997). "Safavid Imperial Tarassul and the Persian Inshā' Tradition". *Studia Iranica*, 26/2: 173-209.
- Mitchell, Colin. (2008). "Provincial Chancelleries and Local Lines of Authority in Sixteenth-Century Safavid Iran". *Oriente Moderno*, 88/2: 483-507.
- Mudarrisi Ṭabāṭabā'ī, Ḥusayn. (1366 Sh. / 1987-88). *Dīvān-i Maẓālim. Farhang-i Irān- Zamīn*, 27: 98-118.
- Peirce, Leslie. (2009). "Writing Histories of Sexuality in the Middle East". *The American Historical Review*, 114/5: 1325-39.
- Pollmann, Judith. (2016). "Archiving the Present and Chronicling for the Future in Early Modern Europe". *Past & Present*, 230/ Supplement 11: 231-52.
- Stoler, Ann Laura. (2002). "Colonial Archives and the Arts of Governance". *Archival Science*, 2/1-2: 87-109.
- Taylor, G.P. (1910). "On the Symbol 'Šāhib-Qirān.'" *Journal & Proceedings of the Asiatic Society of Bengal*, 6/10: 574-80.

#### Dissertations

- Ashraf, Assef. (2016). *From Khan to Shah: State, Society, and Forming the Ties that Made Qajar Iran*. [PhD diss., Yale University].
- Rubin, Michael Allan. (1999). *The Formation of Modern Iran, 1858-1909: Communications, Telegraph and Society*. [Unpublished PhD diss.]. Yale University.



# بررسی وضعیت گوشت در دوره ناصری و مظفری

(۱۲۶۴-۱۳۲۴ ق.)

فریده طلوعیان<sup>۱</sup>

کلیدواژه‌ها:  
قصابان، گرانی،  
مالیات،  
ناصرالدین‌شاه،  
مظفرالدین‌شاه،  
مشروطه

تأمین نیازهای معیشتی مردم از دغدغه‌های اصلی حکام و زمامداران هرکشور و نشان‌دهنده قدرت اقتصادی و سیاسی آنجاست. گوشت از جمله اقلام مهم و ضروری در فرهنگ غذایی ایرانیان است. در دوره حکومت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار بارها شاهد اعتراضات مردمی به کمبود و گرانی گوشت هستیم. نوشتار حاضر با استفاده از اطلاعات منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به چرایی این معضل و عوامل مؤثر بر آن است. در منابع و اسناد تاریخی به موارد بسیاری از سودجویی و رفتارهای خلاف قانون افراد موثر در چرخه تأمین و توزیع گوشت از قصاب تا حکام و کارگزاران حکومتی مواجه می‌شویم. عمال حکومتی با گرفتن حق‌العمل و مابه‌التفاوت به قصابان و روسای کشتارگاه‌ها فشار و در نتیجه زمینه گرانی گوشت و نارضایتی مردم را فراهم می‌آوردند. حکومت بارها سعی کرد با اعمال سیاست‌های تشویقی و تنبیهی این مشکل را حل کند؛ اما به نتیجه مطلوب دست نیافت.

**استناد:** طلوعیان، فریده، ۱۴۰۴. بررسی وضعیت گوشت در دوره ناصری و مظفری (۱۲۶۴-۱۳۲۴ ق.).

آرشیو ملی، (۱۱۸)، ۹۵-۱۱۵.

## ۱. مقدمه

گوشت در فرهنگ غذایی ایران چون بسیاری از نقاط دیگر جهان از اقلام ضروری و مصرفی روزانه مردم محسوب می‌شود. طبق گزارش‌های سفرنامه‌نویسان و منابع تاریخی عموم مردم مخصوصاً طبقه اشراف و متوسط جامعه از میان انواع گوشت به نوع گوسفندی آن علاقه ویژه داشته‌اند و قشر تهی دست و کمتر برخوردار جامعه که به گوشت گوسفندی دسترسی نداشتند، گوشت گاو و شتر مصرف می‌کرده‌اند (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۲۲۷، دروویل، ۱۳۷۰: ۸۴، دروویل، ص ۸۴، پولاک، ۱۳۶۸، ص ۷۰).

۱. کارشناسی ارشد  
تاریخ معاصر، تهران سازمان  
اسناد و کتابخانه ملی، ایران  
Tolofarideh@gmail.com

دامپرووری به شیوه سنتی صورت می‌گرفت؛ بنابراین عوامل طبیعی مانند خشکسالی و نبود علوفه مورد نیاز دام در کیفیت و کمیت گوشت تأثیر عمده داشت. در دوره ناصری و مظفری، کشور بارها دچار قحطی شد. در منابع، موارد متعددی از اعتراضات مردمی به خاطر کمبود و گرانی گوشت و نان اشاره شده است. البته در منابع، به معضل کمبود و گرانی نان و بلوهایایی که به خاطر آن روی داده، بیشتر از معضل کمبود گوشت پرداخته شده است. این موضوع دلیل بر نبود مشکل و یا بی‌اهمیتی نقش گوشت در سفره ایرانیان نیست؛ بلکه نتیجه اولویت‌بندی رفع نیازها است. پرواضح است در روزگاری که تأمین قرصی نان دشوار بوده و حتی اغنیا و خواص نیز به‌سختی از عهده پرداخت بهای آن برمی‌آمده‌اند، وضعیت گوشت از نظر کمی و کیفی چگونه بوده و تأمین آن برای مردم تاجه‌حد مشکل و غیرممکن بوده است. در چنین شرایطی افراد به رفع حداقل‌ها قناعت می‌کرده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع نان در سفره آحاد جامعه، اغلب پژوهش‌های انجام‌شده به کمبود و گرانی نان بوده است و تاکنون پژوهش مستقلی به موضوع گوشت در این دوره نپرداخته است. نوشتار حاضر بر آن است که با استفاده از یافته‌های منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و روش توصیفی-تحلیلی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

## ۲. ساختار و روابط درون‌گروهی صنف قصابان در دوره قاجار

قصاب‌ها پس از نانوایان منظم‌ترین و با سروسامان‌ترین صنف دوره قاجار بودند. آن‌ها چون سایر صنوف، تحت نظارت رئیسی که او را کدخدا یا «باشی» می‌نامیدند، اداره می‌شدند که به‌صورت انتخابی و گاه ارثی به این مقام منصوب می‌شد. قصاب‌باشی با همکاری و مباشرت ریش‌سفیدان صنف، به اموری چون توزیع مالیات و رفع اختلافات جزئی و عادی بین افراد صنف، تعیین تعداد کشتار روز و... می‌پرداخت. عضویت در این صنف منوط به طی دوره شاگردی و کسب مهارت کافی بود. شاگردان قصابی برای عضویت در صنف و استقلال کاری، نیازمند کسب رضایت اکثریت افراد یا ریش‌سفیدان صنف و یا خریدن حق بنیچه<sup>۱</sup> یکی از اعضا بودند (کاسکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۵۴، راوندی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۱۵، رششورا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱). آن‌ها در طبقه پیشه‌وران معمولی قرار می‌گرفتند و چون سایر اصناف بازار با اعضای صنف خود روابط درون‌گروهی داشتند و ملزم به رعایت قوانین تعیین‌شده روستای اتحادیه خود بودند.

در ابتدا در هر محله‌ای چندپاچوب<sup>۲</sup> قرار داشت؛ پاچوب‌ها متعلق به صاحبان مستغلات بودند (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۴۸۶-۴۸۷). هم‌زمان با حکومت ناصرالدین‌شاه (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق)، تعداد هفتاد دکان قصابی در تهران وجود داشت. جمعیت و تعداد ساکنین، تعیین‌کننده تعداد قصابی‌های واقع در هر محله بود (روششورا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰). این تعداد تقریباً ثابت بود. در صورت نیاز در حاشیه و محله‌های تازه‌تأسیس شهر با اجازه قصاب‌باشی، دکان جدیدی باز می‌شد (کاسکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۵۴). بین دو واحد از یک صنف باید حداقل هفت دکان فاصله و فعالیت دو نفر از یک صنف در مقابل یا جنب یکدیگر مخالف قانون بود. در صورت چنین مشکلی

۱. «جمعیتی را گویند که بر اصناف حرقت و املاک می‌بندند» (دهخدا: «بنیچه»).

۲. پاچوب عبارت بود از دو ستون چوبی که یک تیرکمان روی آن قرار داشت و قلاب‌های آهنی برای آویختن گوشت به آن کوبیده شده بود، این پاچوب‌ها، به تدریج به صورت دکان قصابی درآمده بود. (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۶، صص ۴۸۶-۴۸۷)

اداره بلدیه، ملک جدید را مهروموم می‌کرد (ساکما، ۲۵۲، ۱۵۷، ۳۶۰). قصاب‌ها با رعایت شرایطی می‌توانستند در معابر، گوشت بفروشند؛ اما ریختن ضایعات و زباله‌های آن‌ها در معابر ممنوع بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵، ص ۴۴۳).

### ۳. روند تأمین و توزیع گوشت

در چرخه توزیع گوشت از تولیدکننده تا مصرف‌کننده نهایی پنج شغل درگیر بودند. پس از دامدار نخستین حلقه این چرخه، چوبدارها بودند که گوسفندها را از مناطق مختلف به مراکز شهری می‌آوردند. چوبدارها مستقیم یا با واسطه با طرازدار (عمده‌فروش گوشت) معامله می‌کردند. هرکسی نمی‌توانست در قصاب‌خانه، صاحب سهم، به عبارتی طرازدار باشد؛ این امتیاز معمولاً به توارث و به صورت آبا و اجدادی منتقل می‌شد و اینگونه افراد صاحب یک یا چند دکان قصابی می‌شدند که می‌بایست گوشت آنها را فراهم می‌کردند. طرازدار حق داشت کشتار را به تعداد معینی انجام دهد. پس از وزن‌کشی و معامله، نوبت به سلاخ می‌رسید که دام‌ها را ذبح و آماده توزیع کند. لاش‌کش‌ها گوسفندانی را که سلاخان، نیمه‌شب آماده کرده بودند، اول صبح بار یابو و قاطرها کرده، در قصابی‌های سطح شهر توزیع می‌کردند (شهری، ۱۳۶۹، ص ۳۶۰). قصاب‌باشی، در مقام مسئول سلاخ‌خانه هر روز تعداد دام‌های ذبح‌شده را به اطلاع حاکم شهر می‌رساند. در قصاب‌خانه‌ها کشتارها مهر می‌شدند؛ به طوری که ذبح غیرقانونی به راحتی قابل تشخیص بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹، ص ۹۴۷). لاش‌کش‌ها آن‌ها را به دکان‌های قصابی برده و بعد از توزین، از قصاب رسید دریافت کرده و به قصاب‌باشی تحویل می‌دادند. دکان‌دار هر شب موظف بود پس از بستن دکان، مبلغی را که طبق قبض بدهکار است بپردازد؛ اما تصفیه حساب چوب‌دارها با خود قصاب‌باشی بود (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۵۴). در شهرستان‌ها نیز روند تأمین و توزیع گوشت، شبیه تهران بود. به جز ایرانیان، اتباع خارجی نیز می‌توانستند دکان‌های قصابی باز کنند؛ البته آن‌ها موظف بودند چون سایرین مالیات و عوارض بپردازند (ساکما، ۱۷۰۷۱، ۲۴۰). طبق قانون در این دوره (به جز سال‌های ۱۳۱۳ - ۱۳۱۷ ق. که قانون معافیت مالیاتی صنف قصاب و خباز اجرا می‌شد)، هرکسی نمی‌توانست آزادانه اقدام به ذبح گوسفند کند و همه کشتارها با نظارت حاکم شهر و در کشتارگاه‌ها انجام می‌شد. کشتارگاه‌ها خارج از شهر قرار داشتند و هرساله از طرف حکومت به قصاب‌ها اجاره داده می‌شدند (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۶۰). البته قوانین همیشه اجرا نمی‌شدند و قدرتمندان می‌توانستند به هر صورت که خواستند عمل کنند؛ مانند آنکه طبق قانونی نانوشته قصابی‌گاو و فروش گوشت آن در انحصار امین‌السلطان، صدراعظم بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹، ص ۹۱۰).

### ۴. شیوه مالیات‌دهی قصابان

قصاب‌ها مانند سایر پیشه‌وران موظف به پرداخت مالیات سالیانه به صورت مستقیم بودند. کشتارگاه‌ها هرساله از طرف حاکم شهر به قصاب‌ها اجاره داده می‌شد. این گروه موظف به پرداخت

مالیات مستقیم به دو صورت نقدی و جنسی بودند. آن‌ها می‌بایست برحسب تعداد دام‌های ذبح و داغ‌شده مبلغ تعیین‌شده ازطرف دیوان را به خزانه‌داری پرداخت می‌کردند (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۴۸۷). به گفته رششوارا قصاب‌ها در دوره ناصری چهارده هزار تومان مالیات پرداخت می‌کردند که شامل عوارض کشتارگاه نیز می‌شد. این مبلغ به تناسب اهمیت کسب و کار هر قصاب بین آن‌ها سرشکن می‌شد (رششوارا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱-۱۶۰). در سال ۱۳۳۲ ق. به ازای هر رأس گوسفند، یک قران مالیات مصوب و رأسی پنج شاهی بابت کرایه کشتارگاه و مخارج نظیف و... از همه قصابان گرفته می‌شد (ساکما، ۱۷۰۷۱، ص ۲۴۰). پرداخت غیرنقدی شامل تحویل پوست، کله، پاچه، جگر و روده دام به دیوان بود (ساکما، ۲۹۹۰۰۶۲۹۹). از آنجاکه مسئولین کشتارگاه‌ها تمامی هزینه‌ها و مالیات را به قیمت تمام‌شده گوشت اضافه می‌کردند در واقع قصابان خرد به صورت غیرمستقیم مالیات را پرداخت می‌کردند. قصابان روستایی از پرداخت مالیات معاف بودند؛ در صورتی که در قصبه و شهری کوچک کشتار صورت می‌گرفت و قصاب و فروشنده گوشت یکی بود، این افراد از پرداخت مالیات پيشه‌وران معاف بودند و تنها موظف بودند به ازای هر رأس دام یک قران مالیات غیرمستقیم به حاکم و خزانه‌داری پرداخت کنند (ساکما، ۱۸۸۶۴۳/۲۴۰).

### ۵. شیوه نظارت حکومت بر عملکرد قصابان

به علت تأثیر گوشت بر معیشت و گذران زندگی روزانه اقشار مختلف و تأثیر مستقیم قیمت آن بر فرآورده‌های لبنی، حکومت روند تأمین و توزیع گوشت را تحت نظر داشت. در دوره ناصری و مظفری، وظیفه نظارت بر عملکرد قصابان چون خبازان بر عهده اداره نظمیّه بود. رئیس اداره نظمیّه تحت ریاست و امرونهی حاکم شهر بود و مستقیماً از طرف پادشاه عزل و نصب و امرونهی نمی‌شد. (افضل الملک کرمانی، ص ۱۴۵، ۱۸۱ و ۲۹۴) برخورد با تخلفاتی مانند کم‌فروشی، گران‌فروشی و فروش دام مریض، از جمله وظایف نظمیّه بود. طبق قانون، کشتارگاه‌ها باید از قبول دام‌های مریض خودداری کرده، آن‌ها را برای کشتار نمی‌پذیرفتند؛ در صورتی که گله‌دارها و قصاب‌ها گوسفندان و دام‌های مریض را به صورت غیرقانونی ذبح و در شهر به فروش می‌رساندند، نظمیّه موضوع را پیگیری می‌کرد. اداره مالیه تهران از تخلفات گوشت در شهرستان‌ها نیز مطلع می‌شد و دستورات لازم را صادر می‌کرد (ساکما، ۱۷۱۰۱۷۰۱۷۱/۲۴۰).

### ۶. کمبود و گرانی گوشت در دوره ناصری و اعتراضات مردمی

در دوره حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) هفتاد و دو بار در مناطق مختلف کشور قحطی و گرانی روی داد (رحمانیان و میکیانی، ۱۳۹۲، ص ۶۹)؛ فاجعه‌آمیزترین آن‌ها قحطی سال ۱۲۸۸ ق. بود. شدت گرسنگی و قحطی در سراسر کشور تا به حدی بود که مردم به مرده‌خواری و بچه‌خواری روی آوردند و گروه‌گروه می‌مردند. این دوره قحطی حدود سه سال طول کشید و بخش

عظیمی از جمعیت ایران از بین رفت (افضل‌الملک کرمانی، ۱۳۶۱، صص ۳۹۴-۳۹۵). در وضعیتی که تعداد زیادی از مردم به علت نداشتن قرصی نان جان می‌دادند، وضعیت دسترسی آنها به گوشت واضح و آشکار است.

در دهه آخر حکومت ناصرالدین‌شاه، شاهد اعتراضات آشکار و صریح مردمی با محوریت کمبود و گرانی گوشت و نان هستیم. در سال ۱۳۰۸ ق. گروه‌هایی از زنان به خاطر گرانی گوشت و سایر مأكولات به شاه اعتراض کردند. در پی این واقعه ناصرالدین‌شاه به کامران‌میرزا نایب‌السلطنه دستور داد که برای بررسی موضوع گرانی، مجلسی از کسبه با حضور امام‌جمعه تشکیل بدهد. نایب‌السلطنه صورتی از قیمت اجناس به شاه ارائه می‌دهد. طبق این گزارش «از این ببعد نان یک من ده شاهی، گوشت چارکی سه عباسی، برنج که منی شش هزار است چهار هزار، زغال که خرواری هفت تومان است خرواری سه تومان بفروشند» (اعتمادالسلطنه، ۱۷۴، ص ۷۳۸)؛ هرچند این نرخ‌نامه تنها بر کاغذ بود و عملاً در جامعه اجرا نمی‌شد.

سه سال پایانی حکومت ناصری، مشکلات معیشتی مردم در کشور به اوج رسیده بود. اعتمادالسلطنه در رمضان سال ۱۳۱۱ ق. می‌نویسد: «گوشت در طهران وجود عقنا دارد». شدت اعتراضات مردم به حدی بود که به پیشنهاد مجدالدوله، ناصرالدین‌شاه از برگزاری تعزیه در تکیه دولت به روال هرساله منصرف می‌شود. اعتمادالسلطنه به کنایه به نقش نایب‌السلطنه در وضع موجود اشاره می‌کند و می‌گوید: «عجب آن است که قبل از آنکه به حکم پادشاه، نایب‌السلطنه در اصلاح نان و گوشت بکوشد، این هردو جنس ارزان‌تر و فراوان‌تر بود و حالا کمیاب است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، صص ۹۳۴ و ۹۳۷).

با وجود اینکه در واپسین سال حکومت ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ ق.) اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم بیش از پیش آشفته شده بود، شاه برای اصلاح امور دست به اقدام جدی نمی‌زد. در ماه رجب این سال، نایب‌السلطنه صورتی از قیمت ارزاق تهران را به شاه می‌دهد. اطرافیان تلاش می‌کنند که غیرواقعی بودن این گزارش را به شاه خاطر نشان کنند؛ اما وی سخنان آن‌ها را باور نکرده [یا تجاهل کرده] و می‌گوید این «ناظرهای شما هستند که مال شما را می‌دزدند و این نرخ‌ها درست هستند و الا نایب‌السلطنه چطور به ما گزارش خلاف می‌دهد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، صص ۱۰۵۱-۱۰۵۲). مردم که بی‌توجهی شاه به گرانی ارزاق و نیازهای اولیه معیشتی را می‌دیدند، به منظور اعتراض، به محل‌های رفت و آمد شاه می‌رفتند. بیشتر معترضین، زنان بودند و با صراحت او را مورد انتقاد قرار می‌دادند. در ماه رمضان ۱۳۱۳ زمانی که شاه به قصد سرکشی به مسجد سپه‌سالار رفته بود، با اعتراض شدیدالحن معترضین به گرانی نان و گوشت - که به نقلی تعداد آن‌ها بیش از سی هزار نفر زن و مرد بودند - مواجه می‌شود. زنان معترض به شاه گفته بودند: «شما بجای اینکه بحال رعایا برسید و تعدی نایب‌السلطنه را از سر ما کوتاه کنید جز پی زنها دویدن کار دیگر ندارید. مگر همان نیستید که چهل سال قبل از این چند روزی در طهران قحطی شد و محمودخان کلاتر را کشتید.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۰۵۹).

## ۷. نقش حاکم تهران و کارگزاران حکومتی در گرانی و کمبود گوشت

همان‌گونه که گفته شد، نان و گوشت تحت نظارت مستقیم حاکم شهر تأمین و توزیع می‌شد و کشتارگاه‌ها از طرف وی به قصابان اجاره می‌شد. نایب‌السلطنه که سال‌های طولانی منصب حکمرانی تهران را داشت، از این مقام، نهایت سوءاستفاده را می‌کرد؛ با گرفتن حق‌العمل و رشوه از رؤسای کشتارگاه‌ها، دست آن‌ها را باز می‌گذاشت که گوشت را به هر قیمتی که بخواهند بفروشند. همان اندازه که نایب‌السلطنه رشد می‌نمود و مخارج زیاد می‌شد، مال‌الاجاره قانونی قصاب‌ها و اخاذی نایب‌السلطنه و معاون و نوکرهایش رو به فزونی می‌رفت؛ چنانکه علاوه بر پنج هزار تومان حقوق قانونی، حدود بیست و پنج هزار تومان نیز از راه‌های غیرقانونی درآمد داشت. این مبالغ که هرساله افزایش می‌یافت، در سال آخر سلطنت شاه به حدود دویست هزار تومان رسیده بود. در این میان اعتراضات مردم که برای تهیه گوشت به مضیقه افتاده بودند، به جایی نمی‌رسید. در چند مورد که نزدیک بود اعتراضات به اغتشاش منجر شود، شاه به سربازان، اجازه کشتار و فروش گوشت را داد؛ با این راهکار موقتاً قیمت حتی به نصف و یک‌سوم قیمت قبلی کاهش پیدا می‌کرد؛ اما دوباره قصاب‌ها با پیشکش به نایب‌السلطنه و مادرش زمینه گرانی گوشت را فراهم می‌کردند. نایب‌السلطنه بخشی از پیشکش را به شاه اهدا می‌کرد و شاه نیز به طور متقابل، کشتار گوسفندان را به وسیله سربازان قدغن می‌کرد و بار دیگر قیمت‌ها افزایش می‌یافت و نایب‌السلطنه و قصاب‌ها بر اجحاف به مردم ادامه می‌دادند (کاساکوفسکی، ۱۳۸۷، ص ۵۷). در حقیقت گرانی گوشت حاصل روابط قصابان و حاکمان بود. در این میان شاه نیز چون نایب‌السلطنه، طماع بود و با دریافت پیشکشی، چشم بر خطاهای او می‌بست.

در شهرهای دیگر نیز وضعیت، مشابه تهران بود. روابط حاکم شهر، قصاب‌باشی‌ها و چوب‌دارها تعیین‌کننده قیمت گوشت بود. نظام‌السلطنه مافی زمانی که در سال ۱۲۹۰ ق. به حکمرانی یزد رسید، با معضل جدی کمبود و گرانی گوشت در این شهر مواجه شد. وضعیتی که حاصل همدستی حاکم پیشین و قصاب‌باشی شهر بود. با وجود آنکه مالیات رسمی و دیوانی قصاب‌خانه‌های یزد، هشتصد تومان بود، اما یکی از رؤسای قصاب‌خانه‌ها با تطمیع حاکم، کشتارگاه را به ۱۵۰۰ تومان اجاره کرده بود؛ به شرط آنکه دستش در قیمت‌گذاری گوشت باز باشد؛ سپس تمامی گوسفندانی را که از اطراف وارد شهر می‌شدند، به نصف قیمت، آن‌هم به صورت نسیه می‌خرد. در نتیجه هر روز قیمت گوشت بالاتر می‌رفت و اعتراض مردم هم به جایی نمی‌رسید. در نهایت قصاب‌ها برای فرار از پرداخت بدهی چوب‌دارها و حتی باقی‌مانده اجاره حاکم، در یکی از امامزادگان شهر بست نشستند. بست‌نشینی قصابان، کمبود گوشت را به بحران تبدیل کرد. با آگاهی از این موارد، برخلاف اصرار اولیای امور و روحانیون مبنی بر کنارآمدن با قصابان و لزوم دلجویی از آن‌ها، نظام‌السلطنه به قصابان باج نداد و سعی کرد مشکل را با تدبیر و به صورت ریشه‌ای حل کند. وی با واردکردن گوسفند از سایر مناطق و لغو حق انحصار ذبح دام توسط قصابان موفق شد مشکل کمبود و گرانی گوشت را برطرف کند. با این تصمیمات، قصابان به بی‌نتیجه بودن بست‌نشینی پی برده و

از نظام السلطنه خواستند که کار را به خودشان واگذار کند. وی پذیرش درخواست آن‌ها را منوط به پرداخت بدهی چوب‌دارها و حاکم و تبعیت از قیمت تعیین شده کرد. سرانجام با قبول شروط او، پس از تسعیر قیمت، بار دیگر کار گوشت به قصابان واگذار شد. تا پایان حکمرانی نظام السلطنه اوضاع گوشت در یزد بسامان بود (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۶۷-۶۹).

### ۸. تأثیر عملکرد قصابان بر گرانی و کمبود گوشت

در طول زمان، کسبه و پیشه‌وران به تجربه دریافته بودند که با اتحاد با یکدیگر می‌توانند در برابر زیاده‌روی و زورگویی حکومت بایستند؛ چراکه عمال حکومتی به آسانی می‌توانستند یک قصاب یا یک عطار را مجازات کنند؛ اما نمی‌توانستند تمامی قصاب‌ها یا عطاری‌های یک شهر را چوب و فلک کنند (روششوارا، صص ۱۵۷-۱۵۸). قصاب‌ها نیز در مواقع لزوم برای رسیدن به خواسته‌های خود با یکدیگر متحد می‌شدند. درباره‌گران کردن قیمت گوشت نیز به همین شیوه هم‌دست شده و با تحت فشار قرار دادن مردم، دولت را مجبور به پیروی از خواسته‌های خود می‌کردند. قصاب‌ها در این دوره به دولت مالیات نقدی و غیرنقدی پرداخت می‌کردند. آنها نیز مانند سایر کسبه و پیشه‌وران موظف بودند سالیانه مبلغی معین به عنوان مالیات کسب و پیشه پرداخت کنند. قصاب‌باشی و همکارانش که کشتارگاه‌ها را به اجاره می‌گرفتند، به‌ازای کشتار هر رأس دام، مالیات تعیین شده را به صورت مستقیم به حاکم شهر پرداخت می‌کردند. از آنجاکه هزینه پرداختی بر قیمت گوشت افزوده می‌شد، در واقع این قصاب‌های جزء و در مرحله بعد مصرف‌کننده نهایی بودند که مالیات دولت را به صورت غیرمستقیم پرداخت می‌کردند. افزایش مالیات، فشار قصاب‌باشی به قصابان را در پی داشت و در نهایت دست‌آویزی برای اعتراض قصابان و همچنین گرانی گوشت می‌شد. در سال ۱۲۹۷ ق کمپانی گوشت مقرر کرده بود قصابان نهصد تومان کرایه یا به‌ازای هر رأس دو قران پرداخت کنند. قصابان در اعتراض به این حکم در حرم حضرت عبدالعظیم، بست نشستند (ساکما، ۲۷۴۵. ۰۲۹۵). بست نشینی و عدم کشتار روزانه، کمبود گوشت در مغازه‌ها را در پی داشت. در نهایت دولت مجبور به تخفیف مالیاتی شد و در اثر این اقدام، گوشت، ارزان و به چارکی ده شاهی رسید (ساکما، ۲۷۸۸. ۰۲۹۵).

شبهه این ماجرا در شهرستان‌ها نیز رخ می‌داد و قصاب‌ها با بست نشینی و اعتصاب به عنوان اهرم فشار به حکومت استفاده می‌کردند. در سال ۱۳۰۲ ق. قصاب‌های قم که موظف بودند پوست، کله، پاچه، جگر و روده همه کشتارهای خود را به مباشر کشتارگاه و دیوان تحویل دهند، به واسطه اختلاف با مباشرین مدتی دست از کار کشیدند و بست نشستند (ساکما، ۲۹۵۰. ۰۶۲۹۹).

### ۹. فرمان ناصرالدین شاه مبنی بر معافیت ابدی قصابان و خبازان از پرداخت مالیات

در سیستم توزیع گوشت، حکومت، مالیات را مستقیماً از قصاب‌باشی و او نیز آن را از قصاب‌های جزء دریافت می‌کرد. در سال ۱۳۱۳ ق. امین‌السلطان تلاش کرد با گرفتن حق بخشش مالیات

قصابان و خبازان، به اوضاع گوشت و نان سامان، و نارضایتی اقشار مردم از حکومت را کاهش دهد. مقارن با پنجاهمین سالگرد سلطنت ناصرالدین شاه، صدراعظم با اصرار زیاد، شاه را راضی کرد به مبارکی این اتفاق فرخنده، مالیات نان و گوشت را ملغی کند. شاه ابتدا راضی به چشم بستن به مالیات این دو صنف نمی شد؛ صدراعظم، با تهدید رئیس گمرک گیلان، پنجاه هزار تومان به گمرکات افزود و از این راه شاه را راضی کرد که از عوارض نان و گوشت صرف نظر کند. بالاخره در ۲۹ شوال ۱۳۱۳ (تقریباً ۱۸ روز قبل از کشته شدنش) عوارض نان و گوشت را ملغی نمود (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۶). طبق این فرمان، هرکسی مجاز و مختار بود که «گوسفند و بره و گاو و هر قسم حیوانات مأکول اللحم را بدون ادای دیناری مالیات در دروازه و داغ و غیره به شهر داخل نماید و به مصرف رساند و بفروشد بدون اینکه دیناری به هیچ عنوان مالیات بدهد و تمام اعضا دام مذبوح از گوشت و پوست و کله و پاچه و روده و غیره به خود صاحب مذبوح متعلق است که به میل خود به هرکس خواست بفروشد.» (ساکما، ۲۳۲۲۶/۲۹۶).

برخلاف انتظار، اعلام قانون معافیت مالیاتی نه تنها باعث خوشحالی قصابان نشد، بلکه در اعتراض به این حکم، به تحریک نایب السلطنه، قصاب ها دکان های خود را بسته و در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشستند. بهانه آن ها این بود که بیش از ۱۲۰۰۰ تومان به چوب دارها مقروض هستند. چوب دارها نیز به بهانه دریافت طلب خود از حمل گوسفند خودداری می کردند. قصاب ها مدعی بودند در زمستان سال گذشته گوسفند را خیلی گران تر از قیمت بازار خریداند و به امید سود در بهار و تابستان، علاوه بر پیشکش ۱۲۰۰۰ تومان در وجه صدیق الدوله، مالیات شش ماه را نیز به صورت مساعده به نایب السلطنه پرداخته اند؛ بنابراین نمی توانند حساب چوب دارها را تسویه کنند. صدراعظم برای حل این مشکل و تسویه بدهی چوب دارها مبلغ ۱۲۰۰۰ تومان از بانک شاهی وام گرفت (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۵۸).

دومین مشکل گوشت و نان در این سال اختلاف قران نقره و پول سیاه بود. جنس سکه های رایج ایران، نقره بود و پول سیاه در واقع سکه های مسی بودند که در مواقع لزوم به خواست حکومت ضرب می شدند. از آنجاکه رنگش پس از مدتی تیره و سیاه می شد، آن را در مقابل پول نقره، سیاه می گفتند. مشکلی که سکه های مسین داشتند، نوسان ارزش آن در مقابل پول نقره بود. امین الضرب در مدت مسئولیت خود با افراط در ضرب سکه مسین، زمینه بی ارزش شدن آن در مقابل پول نقره را فراهم آورده بود؛ چنانکه بیست و پنج شاهی به یک قران مبادله می شد؛ درحالی که علی القاعده می بایست بیست پول سیاه (شاهی)، يك قران باشد. شاه نیز از ضرب این سکه ها بی نصیب نبود و نفع مستقیم می برد. اجاره کننده های ضرابخانه ها درازای ضرب بی حساب پول سیاه، محرمانه به شاه سهم می دادند. همین سود مانع برخورد جدی با خاطئین و حتی تشویق به این کار می شد. وقتی ارزش پول سیاه، بسیار پایین می آمد، شاه به اصطلاح اقدام به «شکستن پول سیاه» می کرد و به جای اینکه ۲۰ شاهی یک قران باشد، سی یا چهل شاهی را یک قران قرار می داد. در این سال، تنزل نرخ جهانی مس در سراسر ایران باعث وحشت شده بود؛

به طوری که در اصفهان ۸۰ شاهی معادل یک قران شد و تجار، پول سیاه را به صورت کیلویی و منی معامله می کردند. با توجه به اینکه بیشترین پول سیاه در دست نانوا و قصاب بود، در این اختلاف حساب متضرر می شدند و مجبور بودند برای جبران ضرر، قیمت را افزایش دهند. صدراعظم برای جلب رضایت قصابان، مبلغی استقرایی به بانک انگلیسی (شاهنشاهی) ایران داد تا در عوض پول سیاه، پول نقره تحویل بگیرد و قرار شد در حدود چهل روز این کار را انجام دهند (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵، صص ۳۱-۶۰-۶۹).

### ۱۰. وضعیت گوشت در دوره حکومت مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴ ق)

مظفرالدین میرزا در ذی الحجة الحرام ۱۳۱۳ بر تخت پادشاهی نشست. او به همراه تاج پادشاهی، وارث مشکلات و معضلات حکومت پدر نیز شد. مشکلاتی که حل و مدیریت آن برای ولیعهدی که سال های طولانی از پایتخت و حکومت داری دور بود، سخت و صعب بود. وی بر فرمان پدر فقید خود مبنی بر معافیت مالیاتی دائمی قصابان و خبازان، صحه گذاشت. با این حکم رسماً از حدود صد و شصت هزار تومان مالیات صرف نظر کرد. این مقدار، مبلغی بود که رسماً در دفاتر دیوان خانه سیاهه می شد. مبلغ واقعی که حکام جزء و وزرای مالیه از رؤسای این دو صنف بزرگ و مباشرین آن ها به اسامی مختلف با اجبار و اکراه می گرفتند، بیش از سیصد هزار تومان بود (افضل الملك کرمانی، ۱۳۶۱، صص ۱۸-۲۳). اولیای امور موظف بودند فرمان شاهی و حکم صدراعظم را در اسرع وقت به اطلاع حکام ولایات ممالک محروسه و آنان به اطلاع اهالی برسانند و پیگیر اجرایی شدن آن باشند (ساکما، ۲۹۶/۱۶۷۷۵).

با حکم معافیت مالیاتی موقتاً قیمت گوشت پایین آمد. در تبریز بعد از چند ماه، گوشت، ارزان شد (سپهر، ۱۳۸۶، ص ۳۷) و در تهران قیمت گوشت از منی ۲۵ شاهی به پانزده تا شانزده شاهی رسید (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۱۹۵). این ارزانی دیری نپایید و به زودی قیمت گوشت افزایش پیدا کرد؛ حتی گران تر از قبل شد. کلنل کاساکوفسکی، فرمانده بریگارد قزاق-که اواخر حکومت ناصرالدین شاه و اوایل پادشاهی مظفرالدین شاه مسئولیت نظم پایتخت را بر عهده داشت- به تناسب شغل خود با موضوع گوشت و نان نیز درگیر بود. وی علت اصلی این وضعیت را وجود حکام و کارگزاران طماع و متخلف می داند.

### ۱۱. تأثیر عملکرد حکام و کارگزاران دولتی در کمبود و گرانی گوشت

در چرخه توزیع گوشت در این زمان نیز چون دوره ناصری، حکومت و بهتر است بگوییم حکام شهرها نقش و دخالت مستقیم داشتند. در سال ۱۳۱۴ ق. حکومت تهران به سلطان حسین میرزانیرالدوله رسید. حکمرانی او بر تهران گرانی نان و گوشت را در پی داشت؛ چنانکه از دوره ناصری، که از خبازخانه و قصاب خانه مالیات و تفاوت عمل زیاد گرفته می شد، گرانی بیشتر شد. او به بهانه های مختلف و با لطایف الحیل از قصابان و خبازان مبالغی به اسم تفاوت عمل می گرفت و قصابان گوشت را به

قیمت دلخواه می‌فروختند و وقتی از او سؤال می‌شد که «چرا قیمت نان و گوشت بی‌مالیات بالاتر رفته است؟»، او عذرهای می‌آورد که برف آمده و گوسفند از لرستان نیاورده‌اند و قیمت سوخت و هیزم خبازخانه بالاتر رفته، به این جهت گران شده است. بعضی ملتفت دروغ او بوده، قدرت دم‌زدن نداشتند؛ و بعضی که قدرت داشتند، مال وافر داشته، از ترس منصب و کار خود، مطلبی به عرض دولت نمی‌رسانیدند که مبادا به فساد و شورش، منسوب و متهم گردند» (افضل‌الملک کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۸۴).

به جز حاکم تهران و دستیاران او، صاحب‌منصبان دیگری نیز بودند که درآمد آن‌ها به نان و گوشت مردم وابسته بود؛ مثلاً نایب‌السلطنه در حکومت مظفرالدین‌شاه همچنان از قصاب‌خانه‌ها برافزایش قیمت گوشت مؤثر بود؛ برای مثال زبردستانش را به مسیرهایی می‌فرستاد که چوب‌دارها معمولاً از آنجا گوسفند به شهر حمل می‌کردند، و با تزویر و حيله، گوسفندان را خریده و پنهانی وارد شهر می‌کرد و دو سه برابر قیمت می‌فروخت (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵، ص ۵۷).

گاهی با روی کارآمدن فردی کاردان و عامل به قانون، اوضاع اندکی سامان می‌یافت. ناظم‌الدوله در سال ۱۳۱۶ ق به حکومت تهران رسید. او با معاونت و همکاری مختارالسلطنه، مسئول اداره نظمی، سعی کرد اجحافات که پیش‌ازین، کارگزاران حکومت طهران به اسم تفاوت عمل و بهانه‌های دیگر به قصاب‌ها می‌کردند را پایان دهد. با اعلام و انتشار نرخ‌نامه مصوب و برخورد شدید نظمی با متخلفین، دست قصابان در تغییر نرخ بسته شد. این اقدامات، ارزانی گوشت و سایر مأكولات را در پی داشت (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۵۸). حکمرانی ناظم‌الدوله دوامی نداشت و در ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ ق. به بهانه اینکه وی سالخورده و پیرمرد است، از حکومت طهران، عزل و آصف‌الدوله جانشین او شد (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۲۵).

فروش مناصب، منبع درآمدی برای مظفرالدین‌شاه مقروض بود. او حکومت تهران را درقبال گرفتن دویست هزار تومان به آصف‌الدوله که یازده منصب دیگر نیز داشت، واگذار کرد. در روزهای نخست حکومت، در حضور شاه اعلام کرد که در ماه جمادی‌الاول نان تهران را «یک من شش عباسی خواهم کرد و گوشت را چارکی سه عباسی، در ماه بعد نان را یک من یک قران قرار خواهم داد.» در ابتدای حکمرانی آصف‌الدوله، قصاب‌های تهران از ترس وی گوشت را صد دینار ارزان کرده، هفتصد دینار می‌فروختند (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۲۶-۴۲۷). اما وی عملاً نتوانست به وعده‌هایش عمل کند. در سال ۱۳۱۷ ق در زمانی که شاه در سفر فرنگ بود، ترکمن‌های استرآباد به اطراف شهرها حمله کرده، ۵۰ هزار رأس گوسفند را دزدیدند. به علت سفر شاه، دام در پایتخت کمیاب شده و قیمت گوشت افزایش یافته بود. پیش از قانون معافیت مالیاتی، گوسفند و بره رأسی دو هزار دینار بود؛ اما در حکومت، وی با وجود موقوف بودن مالیات، از هر گوسفند و بره، شش هزار دینار دریافت می‌کرد.

ناتوانی آصف‌الدوله در تثبیت و ارزانی نرخ گوشت و نان باعث اعتراض مردم شد. تعدادی از زنان معترض به وضعیت موجود به خانه آصف‌الدوله ریختند و می‌خواستند وی را بکشند. آصف‌الدوله

وعده ارزانی گوشت و نان را داد؛ اما آن‌ها باور نکردند و باز به خانه او حمله کردند و با نگهبانان او درگیر شدند. حاجی سیدحسین واعظ یزدی کتابی در خیانت‌های آصف‌الدوله به نام خیانة الأصفیه نوشت. در مسیر برگشت مظفرالدین شاه از سفر، درحالی‌که از اوضاع تهران و مشقت‌های مردم بی‌خبر بود، پادشاه عثمانی مقاله‌ای از روزنامه حبل‌المتین با موضوع تخلفات آصف‌الدوله به وی نشان داد. از آنجاکه شاه به اشاره صدراعظم در جریان امور نبود، مطلب را انکار و از آصف‌الدوله دفاع می‌کرد. شاه که اخبار گرانی را شنیده بود در ماه شعبان، یکی از نوکرهایش را محرمانه فرستاد نان و گوشت خریدند. وزن، کم و گران‌تر از قیمت اعلامی بود. این موضوع را به صدراعظم و او به آصف‌الدوله اطلاع داد. سرانجام در رمضان این سال، آصف‌الدوله عزل و عین‌الدوله جایگزین او شد (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۴۲۶-۴۲۷، ۴۰۴، ۵۰۷، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۱۱-۵۱۲، ۵۴۲).

در ابتدای حکومت عین‌الدوله نیز چون سایر حکام، موقتاً مدت کوتاهی گوشت و سایر اقلام معیشتی ارزان شد. چنانکه در محرم ۱۳۲۱ علی‌رغم مساعدت عوامل طبیعی و خوبی محصول، نان و گوشت در تهران خیلی کمیاب و گران بود. عامل این بی‌نظمی، رشوه‌ای بود که عین‌الدوله از قصاب و خباز می‌گرفت. وی با عناوین مختلف، از نانوائیان و قصابان روزانه حدود هزار تومان می‌گرفت. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱، سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۵۸).

پس از وی علاءالدوله به حکمرانی تهران رسید. علاءالدوله سعی کرد با اعمال سیاست‌های تشویقی و تنبیهی، موضوع گوشت را مدیریت کند. طبق نرخ‌نامه اعلامی وی، گوشت در بهار، يك قران و در تابستان چهار عباسی و در زمستان شش عباسی قیمت‌گذاری شده بود. علاوه بر این وی با اعطای لقب ذبح‌الملکی و اضافه‌موجب به قصاب‌باشی نظر او را جلب کرد و مانع تخلف او شد. این اقدامات نتیجه مثبت داد و ارزانی گوشت در زمستان سال ۱۳۲۳ در تهران بی‌سابقه بود (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۸۹۱).

## ۱۲. راهکارهای حکومت برای ساماندهی به وضعیت گوشت

حکومت سعی می‌کرد با پیشنهاد و اجرای راهکارهایی بازار گوشت را کنترل کند. عزل و نصب حکام یکی از همان راهکارها بود. همان‌گونه که اشاره شد، این سیاست تأثیر موقت داشت و در اکثر مواقع، تأثیر عکس می‌گذاشت و اجناس گران‌تر و وضعیت معیشتی مردم بحرانی‌تر می‌شد.

سیاست بخشش و معافیت مالیاتی نیز در عمل، راه به جایی نبرد. در سال ۱۳۱۷ ق حکم معافیت مالیاتی ابدی قصابان و خبازان، ملغی و به همه ولایات اعلام شد؛ زیرا از یک طرف معافیت مالیاتی قصابان، سالیانه نزدیک دو کرور به دولت ضرر می‌زد و از طرف دیگر این بخشودگی فایده‌ای به حال مردم نداشت و حتی گوشت گران‌تر از قبل شده بود؛ چراکه شاهدزادگان و بیگلربیگیان سودجو دکان‌های قصابی را می‌بستند و فقط کسانی مجاز به فعالیت بودند که داغ معافی، داشته باشند. داغ معافی، سالیانه حدود پنجاه تومان برای قصاب هزینه داشت. قصاب این هزینه را به مردم تحمیل می‌کرد. کار به جایی رسید که مردم از برگشت مالیات قصاب‌خانه، راضی بودند

(سیرجانی، ۱۳۸۳، ص ۵۸۳). علاوه بر پایتخت در سایر نقاط کشور نیز وضعیت به همین منوال بود. ناظم الاسلام کرمانی نیز با بیانی تأسف بار از وخامت حال مردم و مغشوش و بد بودن وضع گوشت و نان مردم سخن می‌گوید و علت این ماجرا را علیرغم خیرخواهی شاه، کسانی می‌دانست که از خباز و قصاب پول گزاف می‌گرفتند (ناظم الاسلام، کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۰).

اقدامات پیشگیرانه از دیگر راهکارهایی بود که حکومت به کار می‌برد. امین‌الدوله که سال‌ها در فرنگ بود بعد از اینکه به جای امین‌السلطان ردای صدارت را بر تن کرد، سعی کرد با برخی اقدامات و اصلاحات، به خصوص در زمینه اقتصادی، اوضاع کشور را کمی بسامان کند. قیمت گوشت در فصول مختلف، متغیر بود. در فصل بهار و تابستان به علت زیادی علوفه، قیمت پایین‌تر از زمستان بود. از جمله عوامل گرانی گوشت در زمستان، کشتار بره‌ها در بهار به طمع فروش پوست آن‌ها به قیمت بالا بود. در دوره صدارت امین‌السلطان، برای رفع این مشکل حکم شد در تهران ذبح بره در بهار ممنوع و برای هر پوستی که به خارج صادر شود یک تومان حق گمرکی تعیین شود. اجرای این حکم، نتیجه مثبت و فراوانی گوشت در زمستان را در پی داشت. در سال ۱۳۱۴ بار دیگر، کشتار بره رایج شد. امین‌الدوله قانون منع کشتار بره را مجدد امضا و اعلام کرد؛ هرچند با پایان صدارت او اجرای آن متوقف شد (افضل‌الملک کرمانی، ۱۳۶۱، ص ۱۴۵، سپهر، ج ۱، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳). در نتیجه اعمال نشدن این قانون و به علت کشتار بی‌رویه بره، گوشت در سال ۱۳۲۳ ق در شیراز بسیار کمیاب شد (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۷۶۷).

### ۱۰۱۲. تشکیل شورای نرخ و اعلام نرخ‌نامه مصوب

تشکیل شورای انتظام نرخ، از جمله راهکارهایی بود که در دولت مظفری برای کنترل نرخ ارزاق بکار گرفته شد. پیش از تشکیل این شورا در سال ۱۳۱۵ ق. امین‌الدوله به علت افزایش بی‌رویه نرخ اجناس دارالخلافه اقدام به اعلام قیمت معین برای اجناس کرد و دلالی و قپان‌داری را که وسیله و بهانه‌ای برای حق‌العمل گرفتن کارگزاران دولتی بود ممنوع کرد. با این اقدام چند ماهی مردم راحت بودند (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۱۲۱-۱۲۲).

در ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ ق با دستور مظفرالدین‌شاه، در حضور امین‌السلطان صدراعظم، مجلسی به منظور بررسی علت گرانی نرخ اجناس و رفع آن از وزرا و اعیان و معارف تجار، منعقد شد (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۷۱). صدراعظم، حاجی محمدحسن، امین سابق دارالضرب را به ریاست شورای انتظام نرخ منصوب کرد. این شورا وظیفه داشت نرخ اجناس را تصویب و اعلام کند و نظمیته نیز موظف بود بر اجرای آن نظارت کند. جلسات شورا در حجره حاجی محمدحسن در بازار تشکیل می‌شد. وزرا و تجار در آنجا حاضر شده و قیمت ماکولات را تسعیر می‌کردند. مختارالسلطنه، وزیر نظمیته، با حاجی محمد بسیار همکاری می‌کرد؛ خود از کسبه رشوه نمی‌گرفت و اجازه این کار را هم به کسی نمی‌داد؛ با لباس مبدل به میدان و درب دکاکین می‌رفت؛ پرس‌وجو و خطاکاران را مجازت می‌کرد. (افضل‌الملک کرمانی، ۱۳۶۱، ص ۲۸۹).

در زمستان سال ۱۳۱۷ در پی اقدامات حاجی محمدحسن، نرخ مأكولات از جمله گوشت به چارکی هفتصد دینار پول سفید رسید؛ در حالی که در زمستان سال‌های قبل سه برابر این قیمت بود (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۳). مهم‌ترین عامل موفقیت این شورا همکاری نظمیه با آن بود. در سال ۱۳۱۶ مختار السلطنه به ریاست اداره نظمیه رسید. شخص رئیس اداره نظمیه مستقلاً از طرف پادشاه، عزل و نصب و امر و نهی حاکم تهران بود (افضل‌الملک کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۴).

مجلس نرخ، در ابتدا با جدیت به وظایفش عمل می‌کرد و هیچ تخلفی را بر نمی‌تافت؛ چنانکه در عید غدیر ۱۳۱۶ مجلس نرخ تعیین کرد که در طهران گوشت را چارکی چهار عباسی بفروشند (یعنی یک من ۶ قران و چهار شاهی و کیلویی حدوداً ۲ قران و یک شاهی و کسری)؛ در بیست و یکم متوجه شدند که چارکی نهصد دینار فروخته‌اند؛ اعضای مجلس که به شدت به اجرای حکم مقید بودند، اضافه دریافتی را از آن‌ها گرفته و برای اعانه اطفال مدارس به انجمن معارف فرستادند (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۸۷). نتایج اقدامات شورای انتظام نرخ چنان بود که مردم تهران به هنگام درگذشت امین‌الضرب (که در دوره ناصری بخاطر ضرب پول سیاه مغضوب بود) برایش «طلب مغفرت کردند و محض انتظام نرخ که از او سر زد، او را به خیروخوشی یاد می‌کردند» (افضل‌الملک کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۰). پس از مرگ حاجی محمدحسن، فرزندش حاجی محمدحسین آقا جانشین او شد و چون پدر، در انتظام نرخ تلاش می‌کرد. او نیز در سال ۱۳۱۷ از سمت خود استعفا کرد و امیرخان سردار به این منصب رسید (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۹۶).

مختار السلطنه در مقام ریاست نظمیه همچنان مستقلاً به وظایف خود عمل می‌کرد؛ قیمت نرخ اجناس را تعیین و به عرض و تظلم مردم رسیدگی می‌کرد و در این مورد اصلاً از آصف‌الدوله، حاکم وقت تهران پیروی نمی‌کرد. آصف‌الدوله این را بر نمی‌تابید و می‌گفت: «وزارت نظمیه به اذن و اجازه حکومت در گرفتن دزدان و مستان عربده‌کن و زنان فاحشه مداخله کند؛ به کار نرخ اجناس و امر و نهی به کسبه و رسیدگی به هرگونه عرض عارضین، متعرض نشود.» مختار السلطنه که به درستی کار خود ایمان داشت به این سخنان اهمیتی نمی‌داد. بالاخره به علت تن‌ندادن به خواسته‌های آصف‌الدوله مجبور به استعفا از سمت خود شد (افضل‌الملک کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۴۲۰).

مختار السلطنه در سال ۱۳۲۱ ق. به ریاست اداره نرخ تهران منصوب شد و بازم با جدیت به وظایفش عمل می‌کرد؛ وی از قیمت نان و گوشت کاست و اگر این اقدامات را نمی‌کرد، احتمال شورش مردم و عزل عین‌الدوله، صدراعظم زیاد بود. او با متخلفین به شدت برخورد می‌کرد. روزی دستور داد قصابی را به علت کم‌فروشی از سقف بازار آویزان کردند (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۷۰۶، ۷۱۳). مقایسه عملکرد افرادی چون مختار السلطنه و حکام تهران به خوبی نقش عوامل انسانی در گرانی گوشت را مشخص می‌کند. از آنجاکه راهکارهای حکومت، موقت و وابسته به حضور اشخاص بود و برنامه مدون و درازمدتی برای حل ریشه‌ای مسائل نداشت، اوضاع اقتصادی و به تبع آن وضعیت گوشت معضل همیشگی حکومت قاجار بود.

### ۱۳. نهضت مشروطه و معضل کمبود و گرانی گوشت

بررسی تحولات ایران در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه نشان‌گر تأثیر عوامل اقتصادی در همراهی مردم با مشروطه‌خواهان است. کمیابی و بی‌ارزش شدن پول ملی و افزایش قیمت‌ها، شکل‌گیری ناآرامی و اغتشاش در مناطق مختلف کشور را در پی داشت (دشتکی‌نیا، ۱۴۰۰، ص ۱۹۷). دغدغه تأمین نیازهای معیشتی، از جمله انگیزه‌های مردم و فقرا برای همراهی با مشروطه‌خواهان بود. آن‌ها امید داشتند با استقرار حکومت مشروطه، گرفتاری‌ها و مشکلات اقتصادی‌شان حل شود و نان فراوان و گوشت ارزان در دسترسشان قرار گیرد. وعظ و رهبران جنبش نیز مردم و قشرهای پایین دست جامعه را با وعده بهبود وضعیت معیشتی به حمایت از خود دعوت می‌کردند. یکی از این وعظ‌فردی به نام شیخ سلیم بود. «این مرد چه در این هنگام و چه پس‌ازآن با زبان ساده روستایی سخنانی گفتی و پیش از همه دلسوزی به بینوایان نموده و داستان کمیابی نان و گرانی گوشت را بمیان آوردی و نویدها دادی که چون مشروطه باشد نان فراوان و ارزان و گوشت در دسترس همگی خواهد بود و بینوایان از نان و کباب سیر خواهند گردید و بالای منبر انگشتان را پهن کرده و وجب خود را نشان داده و با همان زبان ترکی روستایی چنین گفتی: «کباب بویانده کاسب»<sup>۳</sup> این گفته‌های او نیز ارج دیگری می‌داشت و مایه دلداری بینوایان می‌بود.» (کسروی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۱).

در جریان انقلاب مشروطه و بست‌نشینی علما و اصناف، صنف قصابان نیز در کنار سایرین حاضر بودند. پس از تشکیل مجلس شورای ملی، اصناف دباغ، مرغ فروش و بره فروش یک نماینده در مجلس شورای ملی داشتند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۴۳). مظفرالدین‌شاه در چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق. (۱۴ / ۵ / ۱۲۸۵ ش.) فرمان مشروطیت را امضا کرد و اولین مجلس شورای ملی در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ (۱۴ / ۷ / ۱۲۸۵ ش.) گشایش یافت.

در آغاز به کار دولت مشروطه مانند روزهای آخر حکومت ناصرالدین‌شاه، حکومت همچنان با مشکل بدهی قصابان به چوب‌دارها مواجه بود. چوب‌دارها که گوسفندان خود را نسیه به قصابان فروخته و ماه‌ها در تهران برای تسویه حساب معطل مانده بودند، از فرستادن گوسفند به تهران خودداری می‌کردند؛ در نتیجه گوشت کمیاب و گران شده بود. درباره مبلغ دقیق این طلب، اختلاف بود؛ قصاب‌ها می‌گفتند هشتاد هزار تومان و چوب‌دارها این مبلغ را سی هزار تومان می‌گفتند (سیهر، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۱۰۲۲-۱۰۲۳).

در زمان بست‌نشینی در سفارت، قرار بر این شد که حکومت، طرف چوب‌دارها باشد و حساب آن‌ها را تسویه کند؛ اما عملاً خزانه دولت خالی بود و از انجام آن طفره می‌رفت. در ۹ رجب چوب‌دارهای طلبکار به دربار رفته و با فریادزدن، طلب خود را از صدراعظم مطالبه می‌کردند. «وزیر دربار به صدراعظم گفت یا پول آن‌ها را بدهید یا سرشان را ببرید؛ اسباب رسوایی است. صدراعظم گفت حاجی‌رضاخان می‌دهد. او هم به تنگ‌گوشی گفت من از ریاست گوشت، استعفا دادم. سی

<sup>۳</sup>. یعنی «کبابی به این اندازه»

هزار تومان را از کجا بدهم؟ چوب‌دارها گفتند ما همه جهت، سی هزار تومان طلب داریم. قصاب‌ها دروغ می‌گویند که هشتاد هزار تومان از دولت می‌خواهیم. (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۱۰۲۲-۱۰۲۳). در جلسات اول مجلس، حاجی‌رضاخان، مسئول قصاب‌خانه‌ها حاضر شد درمقابل کنترات گوشت تهران و فروش آن در تمام سال به مبلغ چارکی يك قران، بدهی چوب‌دارها را بپردازد؛ اما بهبهانی به عنوان نماینده ملت با مبلغ پیشنهادی موافق نبود؛ نظرش این بود که گوشت چارکی چهار شاهی فروخته شود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۰۴؛ سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۱۰۱۶).

موضوع کنترات دادن گوشت پیش از این نیز مطرح شده بود، در ربیع‌الاول ۱۳۲۴ ق. وزرا با صدراعظم جلسه‌ای تشکیل داده بودند؛ راهکاری که ارائه داده بودند این بود که گوشت پایتخت را به نرخ ثابت کنترات بگیرند. سپهدار و حاجی حسین آقا امین دارالضرب قبول کردند که برای چند سال امور نان و گوشت را از دولت به صورت کنترات بگیرند و نان را يك من، يك قران و گوشت را در دو فصل چارکی چهار عباسی و يك قران بفروشند. طرفین قبول کردند؛ اما امین‌السلطان شرط پرداخت ۲۰۰ هزار تومان پیشکشی را مطرح کرد؛ جلسه به هم خورد و آن‌ها نپذیرفتند (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۹۵۱). در جلسه ۱۱ رجب مجلس شورای ملی مصوب شد که پوست و کله به خود قصاب برسد و حکومت از آن سهمی نبرد. این مصوبه باعث شد صد دینار از قیمت گوشت کم شود و چارکی يك قران رسید. دولت هم ده هزار تومان به چوب‌دارها پرداخت کرد و قرار شد بیست هزار تومان دیگر را پانزده روزه تسویه کند؛ ولی بعداً از پرداختن آن سرباز زد و آن را برعهده قصاب‌ها گذاشت. به خاطر این موضوع تعدادی از قصاب‌ها در حضرت عبدالعظیم (ع) بست نشستند و چوب‌دارها هم همچنان معترض بودند و دولت با خزانه خالی از پرداخت این مبلغ ناچیز مستأصل شده بود (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۱۰۳ و ۱۰۲۴).

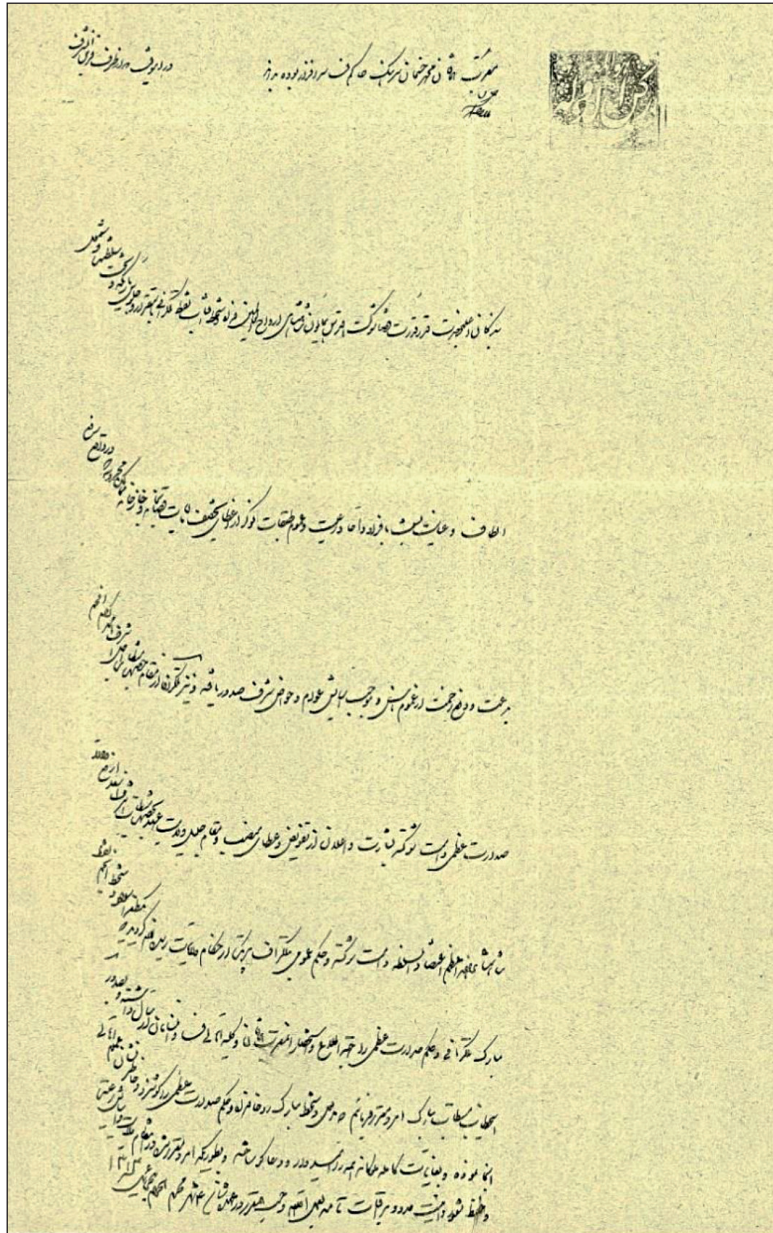
بهبهانی و سایر نمایندگان به مردم وعده واگذاری امور نان و گوشت به تجار و ثبات قیمت و ارزانی در طول سال را می‌دادند؛ ازطرفی کارگزاران و عمال حکومتی نیز سعی می‌کردند به هر نحوی امور عمل نان و گوشت را خود تقبل کنند و مانع آن شوند که تجار و به اصطلاح ملت، عهده‌دار این امر شوند؛ به همین خاطر نیرالدوله و سپهدار، وزیر دربار و قوام الدوله پیشنهاد دادند کنترات کنند که نان را بیست ساله يك من يك قران و گوشت را چارکی چهار عباسی بفروشند. (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۱۰۲۶ و ۱۰۳۰). بی‌اعتمادی نمایندگان ملت به کارگزاران دولتی باعث می‌شد سعی کنند کار را به آن‌ها نسپردند و ازطرفی نمایندگان، نرخ کمتری برای گوشت و نان از نرخ پیشنهادی آن‌ها در نظر داشتند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۹۵).

گوشت، موضوع بحث چندین جلسه دیگر در مجلس شورای ملی بود. درنتیجه مذاکرات مجلس، سرانجام در این سال قیمت يك قران برای گوشت تصویب شد و وزیر مخصوص، اختیار قصاب‌خانه را به حیدرعلی‌خان کاشی سپرد. وی با قصاب‌هایی که می‌خواستند گران فروشی کنند، برخورد می‌کرد. مجلس هم قیمت‌ها را زیر نظر داشت. در ماه رمضان که قیمت گوشت بی جهت صد دینار بالا رفت، برای توضیح این تخلف وزیر مخصوص حاکم طهران به مجلس شورای ملی احضار

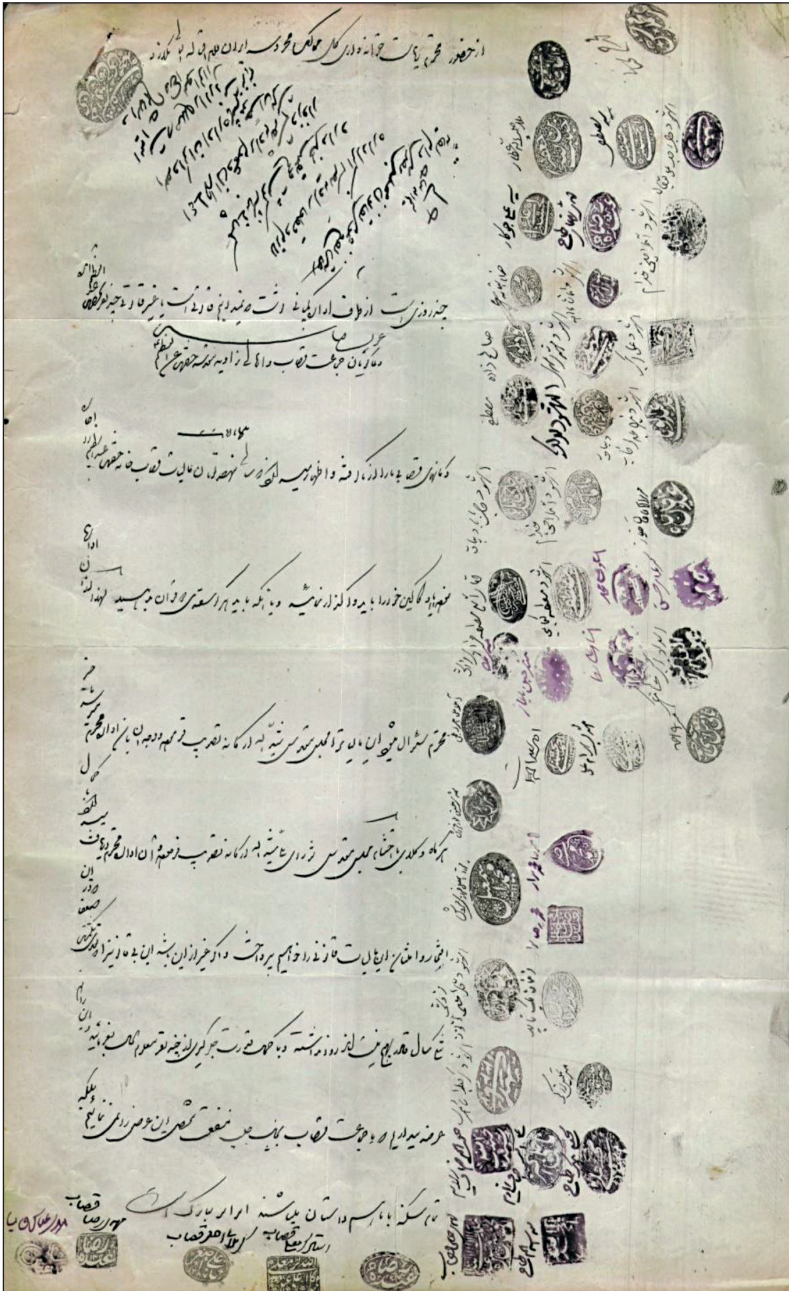
شد (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۰۵۲). اصلاحات مشروطه خواهان در زمینه گوشت چون سایر اقدامات آنها با به توپ بستن مجلس ناکام ماند.

#### ۱۴. نتیجه گیری

یکی از چالش های مدیریت معیشت مردم در طول دوره قاجار، ساماندهی بازار گوشت بود. کمبود و گرانی گوشت، نارضایتی و اعتراض مردم را در پی داشت. حکومت سعی می کرد با اعمال سیاست های تنبیهی مانند مجازات قصابان و کارگزاران متخلف و همچنین سیاست های تشویقی مانند بخشش های مالیاتی، گوشت ارزان به دست مردم برسد. این راهکارها به طور موقت، ارزانی را در پی داشت؛ اما در مدت کوتاهی، وضعیت مانند سابق و حتی بدتر می شد. اعلام قانون پر سروصدای معافیت مالیاتی عملاً گرانی و اجحاف بیشتر کارگزاران به قصابان و در نتیجه مردم را در پی داشت؛ آن گونه که مردم خواهان لغو آن شدند. به نظر می رسد در بازه زمانی مورد بحث با وجود تأثیرگذاری عوامل طبیعی در روند پرورش و تأمین دام، تأثیر این متغیر در مقابل عوامل انسانی ناچیز بوده باشد؛ چه بسا سال هایی با وجود مساعد بودن عوامل طبیعی، مردم همچنان با مشکل گرانی و کمبود گوشت مواجه بوده اند. حکومت به منظور نظارت به بازار و تأمین نیازهای معیشتی، در امر توزیع گوشت، دخالت مستقیم داشت و دام فقط در کشتارگاه های مورد تأیید حکومت ذبح می شد. حاکمان شهرها علاوه بر دریافت های قانونی با گرفتن حق العمل و تعارفات، هزینه قصابان را افزایش می دادند و قصابان نیز برای جبران، قیمت گوشت را افزایش می دادند؛ افزایش قیمتی که اعتراض مردم و اغتشاش جامعه را در پی داشت. در آستانه انقلاب مشروطه، تأمین نیازهای معیشتی از دغدغه های مهم مشروطه خواهان بود. با استقرار مجلس اول شورای ملی، در جلسات متعددی در خصوص مشکل گوشت، مذاکره شد. اما علیرغم تلاش نمایندگان ملت، همچنان حضور عمال و کارگزاران متخلف دولتی مانع سامان یابی و ارزانی گوشت بود؛ بنابراین بر اساس بررسی های این پژوهش، عوامل انسانی بیشترین و مؤثرترین نقش را در گرانی و کمبود گوشت در دوره مورد بحث داشته اند.



■ تصویر شماره ۱. اعلام فرمان لغو مالیات گوشت و نان از طرف مظفرالدین شاه به سراسر کشور (ساکما، ۱۶۷۷۵ / ۲۹۶)



تصویر شماره ۲. شکواییه قصابان به خزانه داری از کمپانی گوشت در پی درخواست مالیات اضافه (ساکما، ۲۷۴۵۰۰۲۹۵۰)



مورخه ۲۸ برج شهریور ۱۳۰۴ مطابق شهر ۱۳  
نمبره ۱۵۹۱۸



وزارت مائیه

اداره مائیه خراسان و سیستان و قزاقستان

شعبه

ضمیمه

۱۳۰۴/۲۸  
۱۰۴۲۴

در وقت کرایه قمره (۱۶۷۵) بایع بر تصدیه قصه را کانی بکار تصدیه بکار دارد  
که بعد از تصدیه قس سوره که کشنده که سفند و فروشنده کشت فقط تصدیه  
و تصدیه پیشتر بکار بر نهاده شد بعد هر تریه بایع تصدیه بکار بر نهاده شد  
قصه را کانی بکار بر نهاده شد فقط که سفند کفترانی بایع تصدیه بکار بر نهاده شد

دارنده  
پنجاب کوه پهن و غنی و دینی  
Melvin Hall

۱۱/۱۱

۱۳۰۴/۱۰/۲۰  
۸۲۱۲۲۲

۱۱/۱۱  
۱۳۰۴

۵  
۷/۲۰

تصویر شماره ۳. معافیت از پرداخت مالیات قصابان زمانی که ذبح کننده و فروشنده گوشت یکی باشد (ساکما، ۲۴۰/۸۸۶۴۳)

توج مسوده پنا  
 Prepared by  
 Director  
 موضوع مسوده  
 Signed by  
 مسئول ذك كورس  
 1922



وزارت مالیه  
 اداره امور مالیات  
 دایره

شماره (۶)  
 ۳۸۷۵  
 تاریخ  
 ۲۰۰۴  
 ۲۷  
 ۲۷

تاریخ شماره ۲۷ مورخ ۱۶ جولای ۱۹۲۲ تاریخ با کورس  
 تاریخ ثبت ۱۳  
 تاریخ ارسال ۱۳

Major Hall  
 Inspector, District of Phorassan Sistan & Ghazni  
 Your letter No. 2762, regarding  
 taxes of the Butcher's corporation of Radkan  
 is received. In reply you are informed that  
 the tax which is collected from the sellers  
 of meat as part of Butcher's Corporation tax,  
 is different from what tax is collected  
 from those who kill sheep, in the name  
 of "Zabazeh", because the engagement of  
 these two corporations is different, and each  
 pays a certain tax for the use that she  
 makes from her business.

From what is known by the  
 decision concerning taxes of "Zabazeh", the  
 above taxes which are collected from the  
 slaughterer of the sheep concern only  
 the important cities and villages, and  
 small villages are exempted from this tax.

Considering the above facts you  
 are requested to make necessary investiga-  
 tion on the tax case of Butcher's Corporation  
 of Radkan, and in case in the said  
 locality the slaughterers of the sheep do  
 both the killing and selling, leave

مادره مال رادکان این خبر است  
 در شماره ۲۷ مورخ ۱۶ جولای ۱۹۲۲  
 قضاوت رادکان وکیل و دادگستری  
 توضیح نمیدانند که در رادکان گوشت  
 حیوان را با دست میفروشند و با دست  
 غیر از آنجا است که با دست میفروشند  
 گوشت آنها در ویزیت میگردند زیرا  
 گوشت را با دست میفروشند و گوشت  
 گوشت آنها که در گوشت میفروشند  
 در دست میفروشند.  
 این خبر را در صورت بازرسی مالیات و بازرسی  
 مندرج در ایالت زبازیه گرفته اند که گفته  
 است که در وقت در بازار ویزیت  
 بازرسی ویزیت کرده و قرار دادند  
 معاف باشند  
 نظر بر آنست که در مورد گوشت در مجموع مالیات  
 صرف گوشت قضاوت رادکان محض است  
 این آرد و در وقت میفروشند و در وقت  
 گوشت فروش گوشت را در رادکان

تصویر شماره ۴. الزام قصاب به پرداخت یک قران مالیات به حاکم و خزانه داری به ازای هر رأس دام (ساکما، ۲۴۰/۸۸۶۴۳)

## منابع:

### کتاب‌ها

- اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه. تهران: امیرکبیر.
- افضل‌الملک، غلام‌حسین. (۱۳۶۱). افضل‌التواریخ (منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، محقق / مصحح). تهران: نشر تاریخ ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۵). لغت‌نامه. دانشگاه تهران: موسسه دهخدا.
- پولاد، یاکوب ادوارد پولاد (۱۳۶۸). سفرنامه پولاد «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران. ج ۳ و ۶، تهران: انتشارات نگاه.
- روششوارز ژولین دو. (۱۳۸۷). خاطرات سفر ایران. (مهران توکلی، مترجم). تهران: نشر نی.
- سالور، قهرمان‌میرزا. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. (مسعود سالور و ایرج افشار، کوشش‌گران). تهران: اساطیر.
- سپهر، عبدالحسین‌خان. (۱۳۸۶). مرآت‌الوقایع. (عبدالحسین نوایی، محقق / مصحح). ج ۱ و ۲، تهران: میراث مکتوب.
- سیرجانی، سعیدی. (۱۳۸۳). وقایع اتفاقیه. (سعیدی سیرجانی، محقق / مصحح). تهران: نشر آسیم.
- شهری، جعفر. (۱۳۶۹). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم. زندگی و کسب‌وکار ج ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی هنری رسا.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۵). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار. (ابوالقاسم سری، مترجم). ج ۲، تهران: توس.
- کاساکوفسکی. (۱۳۵۷). خاطرات کلنل کاساکوفسکی. (عباسقلی جلی، مترجم). تهران: سیرمغ.
- کرمانی، ناظم الاسلام. (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۱ و ۳، تهران: امیرکبیر.
- مشتاقی نائینی، علی بن محمد. (۱۳۶۶). گزارش کویر: سفرنامه صفاء السلطنه نائینی. تهران: اطلاعات.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان. (فاطمه قاضیها، محقق / مصحح). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۸۱). سفرهای ناصرالدین‌شاه به قم. (فاطمه قاضیها، محقق / مصحح). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی‌خان، خاطرات و اسناد حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی. (۱۳۶۲). (معصومه مافی، منصوره اتحادیه و دیگران، محققین / مصححین). تهران: نشر تاریخ ایران.

### مقالات

- دشتکی‌نیا، فرهاد (ه ۱۴۰۰). «بحران معیشت و انقلاب مشروطیت». جامعه‌شناسی تاریخی، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۷۱-۱۷۴.
- رحمانیان، داریوش و میرکیانی، مهدی. (۱۳۹۲). «تأثیر بلواهای نان بر روابط حکومت و مردم در عصر ناصری». تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۶۵-۹۷.
- روستایی، محسن. (۱۳۸۷). «آخرین فرمان ناصرالدین‌شاه (حذف مالیات صنف خباز و قصاب)». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد ۱۳۸۷، صص ۱۰۱-۱۰۷.

بازنمایی مواد و ابزار تزیین در  
کتاب آرای قراقویونلوها:

# مطالعه‌ای بر نسخه خطی دیوان حافظ سعد تبریزی به رقم شیخ محمود پیربوداقی



سمیه زارعی<sup>۱</sup>، علی اصغر فهیمی فر<sup>۲</sup>، همایون حاج محمدحسینی<sup>۳</sup>

جهانشاه قراقویونلو به همراه فرزندش پیربوداق (۸۵۷-۸۷۱ ق.) در غرب ایران، به‌ویژه تبریز، شیراز و بغداد حکمرانی می‌کردند. آنان کارگاه‌های کتاب‌آرایی به‌جای مانده از دوره‌های جلایری و تیموری را در اختیار گرفتند. اوج توجه به هنر کتاب‌آرایی در دوره حکومت پیربوداق در شیراز مشهود است. یکی از نمونه‌های برجسته این دوره، دیوان حافظ سعد تبریزی به قلم شیخ محمود پیربوداقی (۸۶۴ ق.) است که در کتابخانه بریتانیا با شماره Or. 11846 نگهداری می‌شود. هم‌زمان با کتابت این نسخه، پیربوداق نامه‌ای به دارالعباده یزد ارسال و در آن موادی چون لاجورد، سیلوی خطایی و دهنه فرنگی را درخواست کرده است. پژوهش حاضر با این فرضیه که نامه مذکور در راستای تأمین مواد موردنیاز برای تزیین این نسخه کتابت شده است، به بررسی این پرسش‌ها می‌پردازد که مواد و ابزار تزیین در کتاب‌آرایی دوره قراقویونلوها چگونه بازنمایی می‌شود؟ و سنگ لاجورد، سیلوی خطایی و دهنه فرنگی چه کاربردی در تزیینات این نسخه از دیوان حافظ سعد داشته است؟ روش پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای و اسنادی است و به تحلیل و توصیف تزیینات این دیوان تمرکز دارد تا مواد و رنگ‌های به‌کاررفته در آن را با محتوای نامه پیربوداق در سال ۸۶۴ ق. تطبیق دهد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این نسخه با بهره‌گیری از مواد متنوعی تزیین شده است که این تنوع در عناصر تزیینی، بیانگر سطح بالای فنون کتاب‌آرایی در دوره قراقویونلوهاست. همچنین مستندات تاریخی از جمله نامه رسمی حاکم در همان سال مبنی بر درخواست تأمین مواد، نقش حمایتی و مؤثر او را در ارتقاء هنر کتاب‌آرایی در دوره قراقویونلوها نشان می‌دهد.

**استناد:** زارعی، سمیه، فهیمی فر، علی اصغر و حاج محمدحسینی، همایون. (۱۴۰۴). بازنمایی مواد و ابزار تزیین در کتاب‌آرایی قراقویونلوها: مطالعه‌ای بر نسخه خطی دیوان حافظ سعد تبریزی به رقم شیخ محمود پیربوداقی. آرشيو ملی، ۸(۱)، ۱۱۶-۱۴۰.

کلیدواژه‌ها:  
بازنمایی مواد و ابزار،  
آرایه‌های کتاب‌آرایی،  
دیوان حافظ سعد  
تبریزی، نسخه‌شناسی،  
قراقویونلوها

۱. دانشجوی دکتری، گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، تهران، ایران  
s\_zarei@modares.ac.ir  
۲. دانشیار، گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران  
fahimifar@modares.ac.ir  
۳. استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران  
h.hosseini@umz.ac.ir

سلاطین ایران غربی به نام قراقویونلو در موقع تقسیمات خانات هلاکویی در ناحیهٔ ارمنی نشین «موش» اقامت داشتند و از آنجا تا اطراف موصل را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند (گروسه، ۱۳۶۵، ص ۶۴۱). در اواخر قرن هشتم هجری قرامحمد قراقویونلو در خدمت آل جلایر بود (نوابی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹). قرایوسف در سال ۸۱۰ ه. ق. بر تبریز و سراسر آذربایجان تسلط یافت و تا سال ۲۳۸ ه. ق. بر آذربایجان و عراق عرب سلطنت داشت تا اینکه شاهرخ تیموری به قصد لشکرکشی به آذربایجان رفت. شاهرخ در سال ۸۳۲ و ۸۳۸ ه. ق. به آذربایجان رفت و به نیابت از طرف خود، حکومت آن سرزمین را در سال ۸۳۹ ه. ق. به جهانشاه پسر دیگر قرایوسف سپرد. او مدت ۲۲ سال بعد از شاهرخ حکومت کرد و سرانجام در سال ۸۷۲ ه. ق. کشته شد (نوابی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱). قسمت غربی ایران یعنی آذربایجان، عراق عرب، عراق عجم، اصفهان، فارس و کرمان بعد از مرگ شاهرخ (۸۵۰ ه. ق.) به دست جهانشاه قراقویونلو افتاد و در سال ۸۶۲ ه. ق. جهانشاه عازم خراسان شد و در همان سال هرات را تصرف کرد (نوابی، ۱۳۷۰، ص ۷۶۵). پسران جهانشاه، حاکم قراقویونلو در مناطق مختلف ایران به نیابت از او حکومت می‌کردند. پیربوداق یکی از این پسران بود که در شیراز و بغداد حکومت داشت؛ اما به دلیل سرپیچی از پدر و ادعای استقلال، در سال ۸۷۱ ه. ق. در جنگی با پدرش، به دست برادرش در بغداد کشته شد. هم‌زمان با حکومت قراقویونلوها در غرب ایران، شرق ایران تحت سلطه تیموریان بود. عصر طلایی فرهنگ، هنر و ادب ایران با حکومت شاهرخ تیموری آغاز شد. شاهرخ در مرکز حکومتی خود، کتابخانه‌ها و کارگاه‌های هنری متعددی تأسیس کرد که باعث شکوفایی نقاشی، تذهیب، خوشنویسی و صحافی در این دوره شد. پس از مرگ شاهرخ، یک دورهٔ گذار آغاز شد و حکومت به دست قراقویونلوها افتاد. در نیمه دوم قرن نهم هجری، کارگاه‌ها و گنجینه‌های ارزشمند تیموریان به دست ترکمانان (قراقویونلوها و آق قویونلوها) افتاد. در این دوره، کاتبان، خوشنویسان و هنرمندان قراقویونلو و آق قویونلو به کتابت و تزیین نسخه‌های خطی متعددی پرداختند. اشعار گوناگونی از جمله رباعیات، دیوان، ترجیعات، شاهنامه و مثنوی با خطوط زیبا و تزیینات نفیس در حاشیه و متن، از این دوره به یادگار مانده‌اند که اکنون در موزه‌ها و کتابخانه‌های مختلف ایران و جهان نگهداری می‌شوند. بیشترین این نسخه‌ها مربوط به دورهٔ فرمانروایی پیربوداق در شیراز و بغداد است. یکی از این نسخه‌های ارزشمند، دیوان حافظ سعد تبریزی است. این نسخه به دلیل ویژگی‌های برجستهٔ کتاب‌آرایی نظیر تذهیب‌های ظریف، جدول‌کشی زرین، تنوع رنگ‌ها و استفاده از موادی چون لاجورد، طلا و سبز کروی برای مطالعه انتخاب شده است. یکی دیگر از دلایل انتخاب این نسخه، هم‌زمانی کتابت آن با نامه‌ای از پیربوداق، حاکم وقت است. این نامه با عنوان «پیربوداق بهادر سوزومیز» که در همان سال نوشته شده، بزرگی از مرقع شماره ۲۱۵۳ در موزهٔ توپکاپی استانبول است. در این نامه، درخواست تهیهٔ رنگ‌ها و مواد کتاب‌آرایی مطرح شده است. اگرچه مستقیماً به این نسخه اشاره‌ای نشده، اما این احتمال وجود دارد که بخشی از این مواد در کارگاه‌های سلطنتی

برای آثاری مشابه به کاررفته باشد. با این فرض که این نامه برای تأمین مواد و ابزار کتابت، نوشته شده باشد، در پژوهش حاضر، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که مواد و ابزار تزیین در کتاب‌آرایی دوره قراقویونلوها چگونه بازنمایی می‌شود؟ و سنگ لاجورد، سیلوی خطایی و دهنه فرنگی چه کاربردی در تزیینات این نسخه از دیوان حافظ سعد داشته است؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. پژوهش حاضر، ضمن معرفی نسخه خطی دیوان حافظ سعد تبریزی به خط شیخ محمود پیربوداقی (موجود در کتابخانه بریتانیا، بخش نسخ شرقی<sup>۲</sup> به شماره ثبت ۱۱۸۴۸ or)، به بررسی نسخه رقمی آن از نظر تزیینات حاشیه و متن شامل نقوش گیاهی، هندسی و تک‌نگاره می‌پردازد و رنگ‌های به‌کاررفته را با توجه به نامه پیربوداقی بازنمایی می‌کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی درباره تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قراقویونلوها و مکتب ترکمانان انجام شده است. در معرفی نسخه‌های دوره ترکمانان بیشتر به خاوران نامه پرداخته شده است؛ اما نسخه‌های دوره قراقویونلوها کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به صورت کلی در خلال مطالب به معرفی نسخه‌های آن دوره می‌پردازند. یعقوب آژند (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «شیوه شیراز مکتب ترکمان» پیربوداق را پدیدآورنده مکتب شیراز دانسته و به عنوان نسخه‌های کتابت شده، کاتب، تاریخ و محل نگهداری آن‌ها اشاره می‌کند؛ اما یوشیفوسا سه‌کی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «مجموعه ترجیعات سرکاری یادگاری از عصر قراقویونلوها، (محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با شماره ۹۹۷۰)» به معرفی و بررسی این نسخه به صورت کامل پرداخته است. این نسخه در دربار پیربوداق در شوشتر و بغداد تهیه و تدوین شده است که توسط هفت کاتب آن دوره نوشته شده است. در زمینه تزیینات نسخه‌های خطی نیز حبیب‌الله عظیمی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «ادوار تذهیب در کتاب‌آرایی مذهبی ایرانی» به سیر پیدایش و تکامل تذهیب در هنر کتاب‌آرایی ایرانی در پنج دوره از قرن سوم تا یازدهم قمری می‌پردازد که در قرن‌های هشتم و نهم قمری (دوره تیموریان)، طرح‌های تزیینی به‌ویژه طرح‌های اسلیمی در حاشیه‌های با ظرافت و ملاحظت بیشتر و طرحی با جزئیات دلنواز ادامه یافته است. مهناز شایسته‌فر در کتاب هنر شیعی، عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان (۱۳۸۴) به معرفی نسخه‌های خطی در دوره قراقویونلوها که تصویر پیامبر در آن هست، می‌پردازد. نسخه کتاب کلیله و دمنه مورخ ۸۶۵ ه. ق که در کتابخانه گلستان تهران نگهداری می‌شود، تحت حمایت قراقویونلوها و آق‌قویونلوها نگارش شده است. حال نوآوری پژوهش حاضر در معرفی نسخه دیوان حافظ سعد تبریزی به خط شیخ محمود پیربوداقی و هم‌زمانی نامه پیربوداق با آن است که هر دو در یک سال اتفاق افتاده و تاکنون توسط پژوهشگران مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است.

1. British Library  
2. Oriental Manuscripts

### ۳. تداوم کارگاه‌های هنری پیش از قراقویونلوها در دورهٔ پیربوداق

پیربوداق فرزند جهانشاه را می‌توان بنیان‌گذار شیوهٔ شیراز مکتب ترکمانان دانست (آژند، ۱۳۹۸، ص ۵۰). پیربوداق پسر ارشد و ممتاز جهانشاه در سال ۸۵۷ ه. ق از طرف پدر حاکم شیراز شد و بعد از استقرار در شیراز در تصرف مناطق وسیعی از بغداد، کرمان و هرات پدرش را یاری رساند (میرجعفری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۸). هنگام حکمرانی در شیراز، هنرمندان این مکتب را در کنف حمایت خود قرار داد و شیخ محمود هروی را کلانتر کارگاه خود کرد (پلر، ۱۳۹۶، ص ۳۲۸). در سال ۸۶۲ ه. ق که جهانشاه به خراسان لشکرکشی کرد، پیربوداق در شیراز بود (طهرانی، ۱۳۵۶، ص ۶). در پی صلح جهانشاه با سلطان ابوسعید پس از فتح هرات در سال ۸۶۲ ه. ق، پیربوداق به دلیل نارضایتی از این عمل پدرش، به فکر استقلال و عدم تابعیت از او افتاد. جهانشاه از او خواست فارس را واگذارد و به بغداد برود (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۵)؛ پیربوداق نیز چنین کرد و در سال ۸۶۷ ه. ق راهی دارالسلام بغداد شد (طهرانی، ۱۳۵۶، ص ۶)؛ در بغداد، پیوسته متعرض حواشی مملکت پدر بود و هوای حکومت شیراز را در سر داشت (واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ص ۷۱۵). سرانجام جهانشاه در سال ۸۷۰ ه. ق حدود یک سال و نیم بغداد را محاصره کرد (نویسی، ۱۳۷۰، ص ۵۴۹) و در سال ۸۷۱ ه. ق پیربوداق به دست برادرش محمدی میرزا بن جهانشاه کشته شد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۵). چندین نسخهٔ خطی باقی‌مانده از دورهٔ قراقویونلوها به دستور پیربوداق سفارش داده شده‌اند که نشان‌دهندهٔ حمایت او از هنر کتاب‌آرایی است. در دربار برخی دیگر از شاهزادگان قراقویونلو نیز نسخه‌های خطی نفیسی سفارش داده می‌شد. از جملهٔ این نسخه‌ها دیوان قاسم مربوط به سال ۸۶۳ ه. ق است که در موزهٔ هنر ترک و اسلامی استانبول نگهداری می‌شود. در سرلوح‌های این نسخه، ظرافت و نقوش متنوعی به کار رفته که جلوه‌ای متفاوت از سبک تیموری را به نمایش می‌گذارد (Gray, ۱۹۷۷, p. ۵۳).

پیربوداق، با فراهم آوردن محیط مناسب و راهنمایی‌های لازم، باعث تثبیت شیوهٔ بیان سبک‌های مختلفی شد. تصاویر نسخه‌های خطی که در دورهٔ حکومت وی تهیه شد، ارائه‌گر حلقهٔ ارتباط، بین مکتب پیشین هرات و مکتب پسین شیراز است (شایسته‌فر، ۱۳۸۴، ص ۶۵). از این دوره، نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های مختلف ایران و جهان و نیز در مجموعه‌های شخصی به یادگار مانده‌اند که معمولاً محل کتابت آن‌ها در غرب ایران از جمله شیراز، بغداد و تبریز بوده است. در این نسخه‌ها، هنرمندان گاه با خلاقیت خود، ابتکاراتی در هنر کتاب‌آرایی به کار می‌بردند تا به زیبایی تزیینات بیفزایند. شماری از نسخه‌های دورهٔ قراقویونلوها در نیمهٔ دوم قرن نهم هجری کتابت شده‌اند که یکی از آن‌ها دیوان حافظ سعد تبریزی است که در سال ۸۶۴ ه. ق در شیراز به رشتهٔ تحریر درآمده است.

### ۳.۱. کتاب‌آرایی و تزیین نسخه‌ها

کتاب‌آرایی اصطلاحی سنتی است و هنرهای متفاوتی را در برمی‌گیرد. این هنر مجموعه‌ای از

شاخه‌های هنری چون نگارش، خط، خوشنویسی، طراحی، تزیینات، رنگ، صفحه‌آرایی و تصویرگری همراه با ساخت کاغذ و نوع آن و روش‌های مربوط به جلدسازی است. امروز که در عصر کتاب‌آرایی و چاپ دیجیتال به سر می‌بریم شاید فقط بتوان با مرور گذشته، مبهوت عظمت اقدامات بشر برای رساندن مکنونات قلبی خود شد. در دوره آل جلایر، آل مظفر و ایلخانان، هنر کتاب‌آرایی در دربار حکمای محلی شکل گرفت که به تولید نسخه‌های خطی پرداختند؛ اما محققان، دوره تیموری و ترکمانان را دوره شکوفایی هنر کتاب‌آرایی در ایران می‌دانند (رهنورد، ۱۳۸۶، ص ۴۳). با ظهور اسلام در ایران، زمینه رشد و شکوفایی هنر کتاب‌آرایی فراهم شد؛ اهمیت تزئین و زیباسازی قرآن مجید موجب افزایش فعالیت هنرمندان گردید و خوشنویسی که یکی از هنرهای کلیدی دوره اسلامی است، شکوفا گردید.

هنر کتاب‌آرایی، تلفیقی از هنرهای گوناگون از جمله خطاطی، تذهیب، نگارگری و جلد‌آرایی است (پلر، ۱۳۹۶، ص ۵۴). تزئینات نسخه‌های خطی شامل تذهیب، ترصیع، تشعیر، تحریر، حل‌کاری، افشان، مرکب الوان و قطاعی بوده است (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۲۳). سلسله جلایریان در شکل‌گیری هنرهای نقاشی، تذهیب و دیگر صنایع، بزرگ‌ترین منبع تحقیقی است که می‌توان به آن اشاره کرد. تذهیب در دوره تیموری و دوره‌های پس از آن مدیون سلسله آل جلایر است. ترکمانان قراقویونلو در قسمت‌های غربی ایران حکومت می‌کردند که با جلایریان ارتباط نزدیکی داشتند. حکومت جلایریان و قراقویونلوها که اهل ذوق و هنر بودند، ارباب هنر را در دربارهای خود گردآوردند و دو فرهنگ متفاوت یا دو سبک کاملاً مجزا را به وجود آورد (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). یکی از آثار هنری دوره قراقویونلوها (جهانشاه قراقویونلو)، تزئینات میناکاری مسجد کبود تبریز است (البهسی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۰). در دوره فرمانروایی قراقویونلوها به‌ویژه در زمان پیربوداق بن جهانشاه که بیشترین نسخه‌های آن دوره به آن زمان تعلق دارد، نام خوشنویسان در برخی از انجامه‌ها ذکر شده و تاریخ کتابت نیز آمده است. در مقابل، نام نگارگران، تذهیب‌کاران و جدول‌کش‌ها در نسخه‌ها نیامده است. به نظر می‌رسد عدم ذکر نام نگارگران، تذهیب‌کاران و جدول‌کشان در این نسخه‌ها به سنت‌های آن دوره و اهمیت ویژه‌ای که برای هنر خوشنویسی قائل بودند، مرتبط باشد. تزیینات این نسخه‌ها شامل تذهیب، ترصیع، حل‌کاری، تشعیر، تحریر، خوشنویسی، جدول‌های مرصع و زرین و رنگین، زرافشانی و نگاره است. یکی از نسخه‌های تزیینی مهم این دوره، دیوان حافظ سعد تبریزی است که با توجه به تاریخ انجامه آن، در دوره قراقویونلوها کتابت شده و در ادامه به معرفی بیشتر آن می‌پردازیم.

### ۱.۱.۳. معرفی نسخه خطی دیوان حافظ سعد تبریزی به خط شیخ محمود پیربوداقی

هنر کتاب‌آرایی از سده‌های پیش از قراقویونلوها رواج داشته است. جهانشاه و پسرش پیربوداق نیز به توسعه و رونق آن کمک کردند و به انتقال هنرمندان اقدام نمودند. پیربوداق در مناطق شیراز و بغداد به ترویج بیشتر این موضوع پرداخت و هنرمندان از دیگر مناطق را به آنجا دعوت

می‌کرد. این امر موجب تبادل تجربیات هنری هنرمندان مناطق مختلف با یکدیگر شد. در میان این هنرمندان، شیخ محمود پیربوداقی، کلانتر کتابخانه پیربوداق در شیراز آن قدر حرمت داشت که پیربوداق عنوان لقب خود را به او داد و در شیراز و بغداد از کاتبان خاص او بود (زارعی، حاج محمدحسینی، ۱۴۰۳، ص ۷۳). دیوان حافظ سعد تبریزی در سال ۸۶۴ ه. ق به خط ایشان کتابت شده است.

جلال‌الدین حافظ سعد تبریزی ملقب به «سعد الله» از شاعران فارسی‌گوی قرن نهم هجری است. دیوان وی بیش از ۴۷۰ بیت دارد و شامل ۶ قصیده، ۴۲۶ غزل، یک مستزاد و یک مخمس، ۲۶ قطعه، ۳۵۲ رباعی و بیش از ۶۱۱ معماست. غزلیات و رباعیات دیوان وی اکثراً دارای مضامین عارفانه و عاشقانه هستند و قطعات غالباً مشتمل بر درخواست پول و مایحتاج زندگی از ممدوح است. کثرت معماها از مشخصات دیوان وی است؛ تاحدی که می‌توان آن را از ویژگی‌های سبکی شعر حافظ سعد دانست (پورمختار و حاج‌احمدی‌پور رفسنجانی، ۱۳۹۲، ص ۷۷-۷۹). نسخه‌ای از این دیوان به سال ۸۶۴ ه. ق به رقم شیخ محمود پیربوداقی است. خط این نسخه با رعایت کرسی‌بندی، تناسب حروف و چینش منظم سطور، از نظر کیفی در رده نستعلیق نفیس درباری و از نظر اجزا در سطح تحریر عالی ارزیابی می‌شود. نظم بصری، وضوح خوانایی و دقت در طراحی حروف، نشان‌دهنده مهارت حرفه‌ای و آموزش‌یافته در سنت خوشنویسی درباری است. نحوه اجرای خط در آرایه‌های تصویری نشان می‌دهد این نسخه کاربردی برای اهدا یا نگهداری در کتابخانه سلطنتی تهیه شده است. محل کتابت آن شیراز و شامل صفحه تقدیمیه به پیربوداق و پرتله‌ای از پیربوداق (تصویر ۴) است. این نسخه هم‌اکنون در کتابخانه بریتانیا با شماره Or. 11846 نگهداری می‌شود. این مجموعه دیوان حافظ سعد شامل رباعیات، قصاید، غزلیات، مستزاد و معمیات است و ۳۷۰ صفحه دارد. دو صفحه ابتدایی که به تقدیم و معرفی دیوان اختصاص یافته‌اند، با پنج سرلوح با عناوین «فی‌الفضاید»، «الغزلیات»، «فی‌المستزاد»، «المقطعات»، «الرباعیات» و «المعمیات» تزئین شده‌اند. تزئینات این صفحات شامل تذهیب، تشعیر در حاشیه، جدول‌کشی و تذهیب در متن با گل‌هایی به رنگ ساقه‌های سبز، گل‌های سفید، بنفش و نارنجی است که به زیبایی ابیات افزوده‌اند. دو برگه دارای لچکی و چلیپانویسی است؛ سرلوح‌ها در زمینه لاجوردی یا طلایی و دارای رفته‌های لاجوردی، جدول‌کشی زرین، حاشیه زرافشان، تشعیرهای زیبا یا حل‌کاری در حاشیه هستند. رنگ‌های به‌کاررفته در تزئین این نسخه، لاجوردی، طلایی، سبز، قرمز، سیاه، سفید، آبی روشن، قهوه‌ای، سفید، نارنجی، زرد و بنفش است. بعد از انجام این نسخه، رقم کاتب، تاریخ و نام وی با عبارت «بلوح ابخط فی القرطاس دهرأ و کاتبه رمیم فی التراب» نوشته شده است. نکته دیگر در این دیوان این است که داخل حلقه‌های حروفی مانند (ص، ط، ف، ق، ه) با رنگ سیاه پر شده است. خلاصه‌ای از معرفی این نسخه در زیر آمده است (جدول ۱).

| نام اثر          | دیوان حافظ سعد  |
|------------------|---|
| مؤلف             | جلال‌الدین حافظ تبریزی ملقب به سعد الله                           |
| تقدیمیه          | پیربوداق بهادرخان   |
| کاتب             | شیخ‌محمود پیربوداقی   |
| قلم              | نستعلیق   |
| تاریخ            | اواخر صفر ۸۶۴ قمری  |
| محل کتابت        | شیراز   |
| آرایه‌های تزینی  | تذهیب، تشعیر، جدول‌کشی، تک‌نگاره، حل‌کاری، زرافشان                |
| رنگ‌ها           | طلایی، لاجوردی، سبز، سیاه، سفید، قهوه‌ای، بنفش، زرد، قرمز، نارنجی |
| تعداد صفحات      | ۳۷۰   |
| ابعاد (میلی‌متر) | ۱۳۰ * ۲۵۷   |
| محل نگهداری      | کتابخانه بریتانیا به شماره ۱۱۸۴۶.۲۰                               |

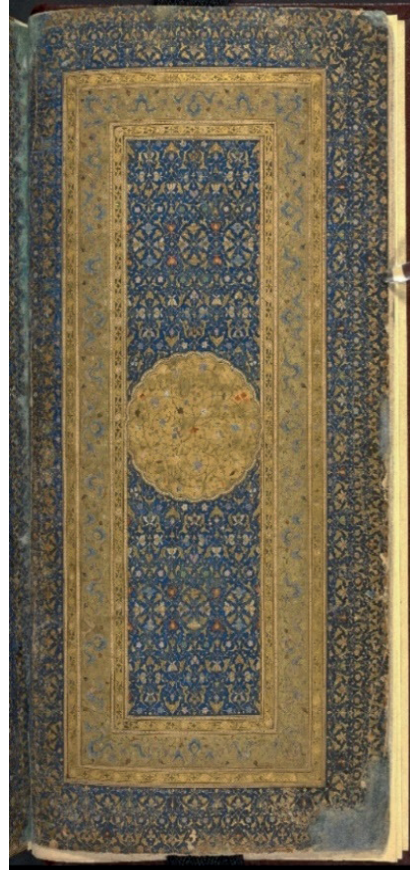
■ جدول شماره ۱

### ۱.۱.۱.۳. آرایه‌ها

از جمله تزیینات نسخه‌های خطی، جدول، کمند، سرلوح، سرفصل، نگاره، شمسه، ترنج، سرترنج، نیم‌ترنج، لچکی و تزیین فهرست نسخه است (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۲۶ - ۳۰). پایه‌گذار حقیقی تذهیب، دولت آل جلایر است که به جنید بغدادی (از اهالی شیراز) مربوط می‌شود (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). در ابتدا به طرح گل و گیاه که با طلا نقش می‌شد، تذهیب می‌گفتند؛ اما کم‌کم رنگ‌های دیگر نیز در تذهیب به کار رفت و در دوره مغولان و تیموریان عوامل چینی نیز به این هنر وارد شد (وزیری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۵۶). اگر در نقوش تذهیب، جز آب زر، محلول شنگرف، لاجورد، سفیداب، زنگار، زعفران و سیاه بکار رود و نقش‌ونگار، رنگ‌به‌رنگ شده باشد، آن را مرصع می‌گویند. معمولاً هر نقش مرصع، مذهب نیز هست؛ ولی عکس آن لازم نیست (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۲۴). تذهیب نیز مانند نقاشی، بر اساس دوره‌های مختلف تاریخی در سده‌های نخست اسلامی، دوره سلجوقیان، دوره ایلخانان، دوره تیموریان و دوره صفویان تقسیم‌بندی می‌شود. در دوره تیموری مکتب‌های تبریز، شیراز و خراسان هرکدام ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند (عظیمی، ۱۳۸۸، ص ۲۵). در دوره ترکمنان قراقویونلو نیز این هنر مورد توجه بوده است. به عنوان مثال، در نسخه مورد مطالعه، قبل از سرلوح، ترصیعی زیبا از گل‌ها و اسلیمی‌های رنگی و طلایی بر زمینه لاجوردی و دیگر رنگ‌ها همراه با شمسۀ طلایی در مرکز دیده می‌شود که آن را به پیربوداق تقدیم کرده‌اند و نام نسخه در صفحه دوم آن آمده است. در حاشیۀ ترصیع این دو صفحه، واگیره آمده است (تصاویر ۱ و ۲).




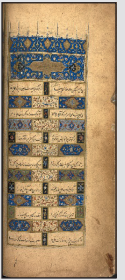




■ تصویر شماره ۱. شمسۀ صفحهٔ عنوان «روضه من ریاض البیان و لطیفه من لطایف التبیان من کلام صاحب الفرقان المشتهر بحافظ سعد علیه الرحمه و الغفران» (Digital copy, f. 2r).



■ تصویر شماره ۱. ترصیع شمسۀ صفحهٔ تقدیم «برسم خزانه ظل الله المنان ملاذ خوافین الزمان ابوالفتح بیروداق بهادرخان ایده الله بالبر و الاحسان» (Digital copy, f. 1v).

در شروع هر نوع شعر، سرلوحی جداگانه آمده است. مجموعاً پنج سرلوح شامل کتیبه‌هایی است که به عنوان شعر به رنگ طلایی محصور در خط مشکی نوشته شده است (تصاویر جدول ۲). نقوش منظم هندسی که با خطوط مشکی و طلایی تزئین شده، ممکن است از زر خالص به کار برده شود یا با مقادیر مختلف نقره و مس آمیخته شود و رنگ آن زرد، سبز و سرخ‌های متنوع شود (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۲۴). تذهیب نسخه‌های خطی پیش از هجوم مغولان در بغداد انجام می‌شد (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۵۷). آل جلایر از منابع بزرگ تحقیقی در شکل‌دادن به هنر نقاشی هستند و ترکمانان قراقویونلو با آل جلایر ارتباط نزدیکی داشتند (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). در دورهٔ تیموری که از دوره‌های مهم هنر تذهیب است، تذهیب نسخه‌ها با بهره‌گیری از نمونه‌های دورهٔ ایلخانی، جلایری و مظفری با پختگی و پروردگی صورت گرفت (آزاد، ۱۳۹۴، ص ۵۴). طلا و لاجورد یکی از عوامل

اصلی کار تذهیب‌کاران این دوره بوده است. تذهیب‌های این دوره بر زمینه‌های معمولاً آبی، طرح تزیینی به رنگ سفید، زرد، سرخ، آبی و سبز است. طراحی سرلوح هم‌تراز با خط نستعلیق در این دوره ظاهر شده است و برای اولین بار از انواع کاغذ استفاده شده است. کاغذهای رنگی و زرافشان، رواج عمومی پیدا کرد (عظیمی، ۱۳۸۸، ص ۲۹). در دوره قراقویونلوها نیز تذهیب با طرح‌های تزیینی و رنگ‌های زیبا در نسخه‌های خطی رایج بوده است. دیوان حافظ سعد نمونه بارزی از این نسخه‌هاست که سرلوح‌های آن در جدول ۲ قابل مشاهده است.

| انجامه  | سرلوح   |   |   |   |  |
|---|---|---|---|---|--|
|  |  |  |  |  |  |
| تصویر جدول ۲-۶. انجامه دیوان، حافظ سعد (۱۸۶r. digital copy.f)                     | تصویر جدول ۲-۵. سرلوح پنجم، معصیات (۱۴۹r. digital copy.f)                         | تصویر جدول ۲-۴. سرلوح چهارم، رباعیات (۱۱۸r. digital copy.f)                       | تصویر جدول ۲-۳. سرلوح سوم، مستزاد (۱۱۱r. digital copy.f)                          | تصویر جدول ۲-۲. سرلوح دوم، غزلیات (۹r. digital copy.f)                            | تصویر جدول ۲-۱. سرلوح آغازین، الفصاید (۳r. digital copy.f)                         |

■ جدول شماره ۲

تشعیر علاوه بر حاشیه قاب‌بندی، در یک تک‌صفحه به صورت تصویر مستقل نیز اجرا می‌شود. اجرای تشعیر در کنار نقاشی قاب وسط صفحه کتاب، نوعی کنتراست فضای پر و خالی از رنگ ایجاد می‌کند که این امر موجب بهتر و زیباتر شدن هر یک از قسمت‌های مختلف اثر می‌گردد. از عهد جلایریان نمونه‌های تشعیر مربوط به دیوان سلطان احمد جلایری است. شیوه اجرای این آثار حذفاصلی میان شیوه طراحی تک‌رنگ چینی و قلم‌گیری آزاد نقاشی عصر جلایری است (ندرلو، ۱۳۸۶، ص ۳۴) و تشعیرسازی از حدود قرن نهم هجری نیز در نسخه‌های خطی به چشم می‌خورد. در دوره سلطان حسین بایقرا تشعیر کمتر به کار می‌رفت؛ زیرا حاشیه‌سازی زرافشان بیشتر ترجیح داده شده است (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱-۱۲). در دوره قراقویونلوها نیز در نسخه‌های خطی، تشعیر هم در حاشیه و هم به صورت برگه‌ای جداگانه در درون متن به کار رفته است. نمونه‌ای از این نسخه‌ها، دیوان حافظ سعد تبریزی است که در حاشیه برخی از برگ‌های آن، نوعی تذهیب



ساده با نقوش گیاهی و گل و بوته با آب طلا ترسیم شده است. تشعیر حاشیه صفحات، به جز دو برگه‌ای که یکی از آن‌ها دارای نگاره‌ای با پرنده و ابرهای پیمان می‌باشد، در بقیه برگه‌ها تقریباً شبیه به هم است (تصاویر ۳ و ۴) و برگه‌هایی که تشعیر ندارد، دارای حاشیه زرافشان است. نمونه‌ای از این آرایه‌های تزئینی در زیر مشاهده می‌شود (جدول ۳).

در دوره قراقویونلوها پیربوداق حامی تولید نسخه‌های خطی مصور در شیراز بود که چندین کارگاه با هنرمندان ماهر از دوره‌های قبل در شیراز آماده نسخه‌نگاری در دربار او بودند (Hayashi, 2012, p 172). در تزئین نگارگری که از تزئینات نسخه‌های خطی در دوره پیربوداق است، نگاره‌ها دارای رنگ‌بندی درخشان، پیکره‌ها گاهی درشت‌اندام و گاهی باریک، چهره‌ها بچگانه، دستارها درهم پیچیده و پاها کوچک هستند و نگاره‌ها متمایل به شکل مربع و افقی‌اند (آزید، ۱۳۹۸، ص ۵۲). از میان نمونه نسخه‌های قراقویونلوها، برخی از نگاره‌های خمسه نظامی شیراز ۸۶۲ ه. ق محفوظ در توپکاپی استانبول (به شماره ۵۳ HV)، به سبک شیراز دوره تیموریان، رنگ آمیزی و ترکیب بندی شده و باقی به سبک هرات تصویرگری شده است (شاد قزوینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷). در دیوان حافظ سعد، نگاشته شده در سال ۸۶۴ ه. ق، تنها یک نگاره مشاهده می‌شود. این نگاره، پیربوداق را به تصویر کشیده و در زیر آن، کتیبه‌ای سبزرنگ با عنوان «شاه بوداق بهادر» به چشم می‌خورد. در ذیل این کتیبه، چهار بیت شعر با خطی متفاوت از متن اصلی نسخه، در جدولی آورده شده است. در بخش بالایی خیمه پیربوداق، دو موجود خیالی شبیه به اژدها که در حال شکار حیوانی شبیه بز کوهی شاخ دار هستند، به صورت متقارن تصویر شده‌اند. پوشش رویین لباس پیربوداق هم‌رنگ با اژدهای درون چادر است؛ درحالی که لباس زیرین او به رنگ سبز کم‌رنگ است. یک درخت سرو سبز نیز از کادر نگاره بیرون زده است. فرش زیر پای پیربوداق با نقوش اسلیمی‌های طلایی، هم‌رنگ با لباس رویین او، تزئین شده است. گل مرکزی این کتیبه دارای زمینه‌ای نارنجی با برگ‌های سبز پررنگ است و تزئینات شال کمر او نیز از لوزی‌های طلایی تشکیل شده است. لباس دو نفر در سمت راست پیربوداق تقریباً به رنگ سبز کم‌رنگ است؛ اما لباس خادمان متفاوت است. یکی از خادمان، کتابی را به پیربوداق تقدیم می‌کند و رنگ لباس او با پوشش رویین پیربوداق یکسان است. این نگاره در انتهای بخش رباعیات این دیوان قرار گرفته است (تصویر ۴).

### ۳.۱.۱.۲. بازشناسی مواد و ابزار

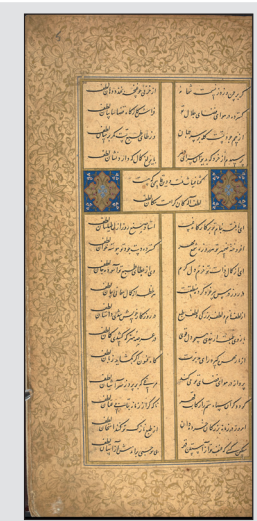
#### ۳.۱.۲.۱.۱. طلا

در میان فلزات هفت‌گانه، طلا (زر) در گرمسیر یافت می‌شد و بیشترین معادن و بهترین جوهر آن در مغرب از جمله اندلس بود که آن را زر مغربی می‌نامیدند. در ایران نیز در دامغان معدنی بود که آن را کوه زر می‌خواندند (مستوفی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۱). در هنر کتاب‌آرایی از طلا و نقره برای فن زرافشانی<sup>۳</sup>، تذهیب، تشعیر، حل کاری و جدول مرصع در نسخه‌های خطی استفاده می‌شد. قاضی احمد در کتاب گلستان هنر می‌گوید: افشان طلا از اواخر عهد سلطان حسین بایقرا بر روی اوراق

۳. آنچه بر کاغذ از طلا و نقره حل کرده بپاشانند زرافشان گویند. انواع افشان نیز افشان میانه، غبار، لینه، چشم موری، سرموری، بیخته، پریشه می‌باشد که در قدیم گاهی تمام ورق و گاهی حواشی کتاب را برای زیبا ساختن زرافشان می‌کردند (منشی قمی، ۱۳۵۲، ص ۴۴).



تصویر جدول ۳-۳  
تشعیر  
(۶r. digital copy, f)



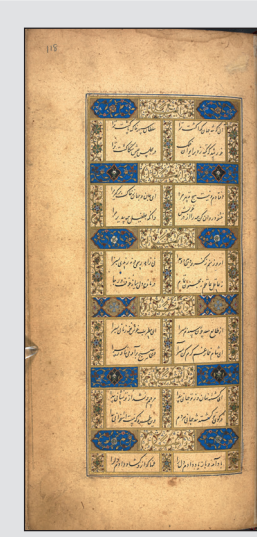
تصویر جدول ۳-۲  
تتشعیر و تذهیب  
(45r. digital copy, f)



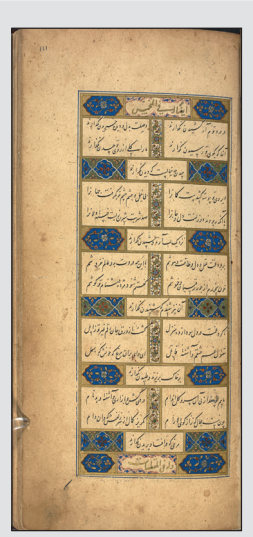
تصویر جدول ۳-۱  
تتشعیر و تذهیب  
(3v. digital copy, f)



تصویر جدول ۳-۶  
زرافشان و تذهیب  
(۱۴۹r. digital copy, f)

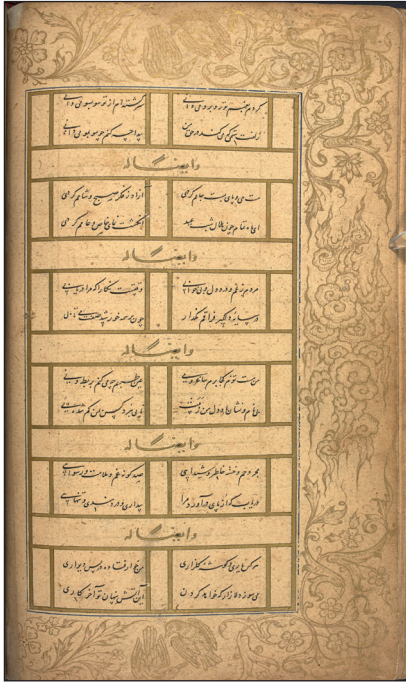


تصویر جدول ۳-۵  
زرافشان و تذهیب  
(r. digital copy, f 118)



تصویر جدول ۳-۴  
زرافشان و تذهیب  
(111r. digital copy, f)

جدول شماره ۳



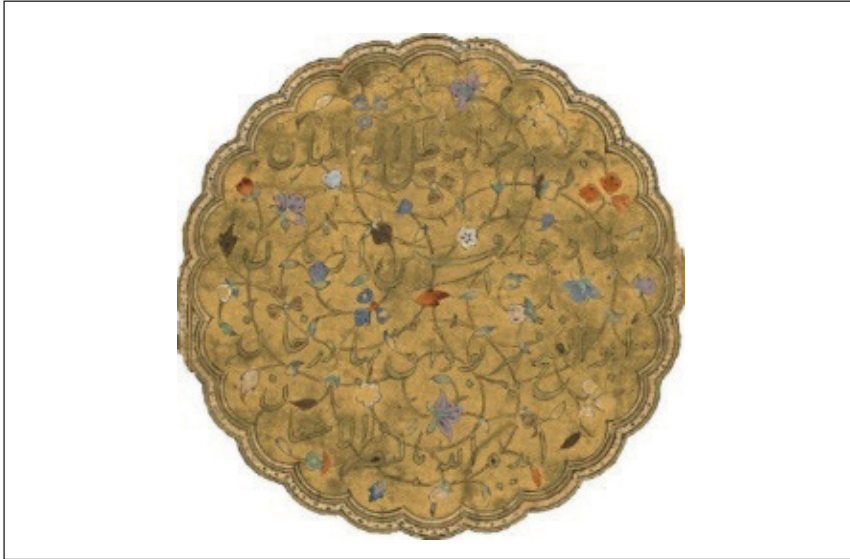
■ تصویر شماره ۴. تشعیر در حاشیه، نگاره، کتیبه با عنوان «شاه بوداق بهادر» (148r. Digital copy, f)



■ تصویر شماره ۳. تشعیر در حاشیه، تزیینات: پرنده، ابرو گل و گیاه (147r. Digital copy, f)

کتاب و کاغذ و حواشی کتاب‌های نفیس در ایران مرسوم گشت و انواع مختلف دارد و واضح افشان مولانا غیاث‌الدین مذهب مشهدی می‌باشد که در سال ۹۴۲ ه. ق در مشهد وفات یافته است (منشی قمی، ۱۳۵۲، ص ۴۴). علاوه بر افشان زره، تذهیب با الوان دیگر نیز، متن و حاشیه کتاب‌ها و مرقع‌ها را زینت می‌بخشید. گاهی در بعضی نسخه‌ها تمام مطالب کتاب، روی متن زرافشان نوشته می‌شد و گاهی حاشیه، افشان و متن صفحه‌ها ساده بود و گاهی متن و حاشیه هر دو افشان است (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۲۴). آنچه در بیشتر اوراق دوره قراقویونلوها مشاهده می‌شود، استفاده از کاغذهای مزین، زرافشان و گاهی کاغذهای رنگین است. از آنجاکه حروف خوشنویسی بر روی این زرها قرار گرفته، به نظر می‌رسد ابتدا کاغذها را زرافشان و بعد کتابت می‌کردند. قاضی میراحمد در گستان هنر، افشان طلا را از دوره حسین بایقرا بیان کردند؛ از این رو ممکن است با توجه به انواع افشان، نوعی افشان طلا به روش خاص، مدنظر ایشان باشد. یکی از نسخه‌هایی که در آن از فن زرافشان استفاده شد، دیوان حافظ سعد تبریزی است که زرافشانی در متن و حاشیه انجام پذیرفته است. علاوه بر فن زرافشانی، کاربرد طلا در این نسخه در شمسه، حل کاری، اسلیمی‌ها و گل‌ها، جدول‌های مرصع، قاب‌های دور کتیبه‌ها، عناوین اشعار در کتیبه‌ها و نوشته‌های محرر می‌باشد.

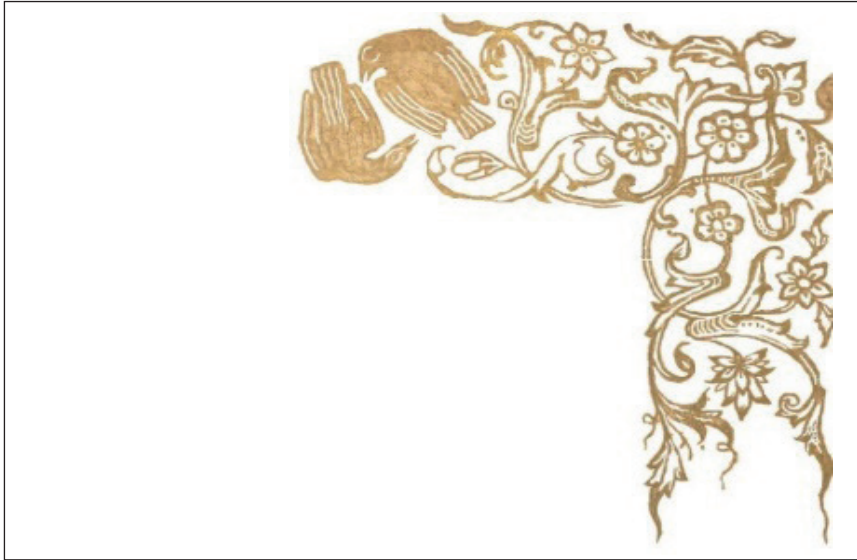
در صفحات افتتاحیه کتاب، دو شمسۀ زرین خودنمایی می‌کنند؛ یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ. این دایره‌های تذهیب‌شده به شیوۀ مرصع آراسته شده‌اند. در میان شمسۀ سمت راست، عنوان تملک کتاب، متعلق به پیربوداق بهادر به چشم می‌خورد و در شمسۀ مقابل، عنوان اصلی کتاب نقش بسته است. این نوشته‌ها به خط رقاغ به قلم طلایی محرر در میان گل‌وبوته‌هایی به رنگ نازنجی، سفید، آبی بر زمینۀ طلایی آمده است. شمسه با عنوان تقدیم به پیربوداق در زیر قابل مشاهده است (تصویر ۵).



■ تصویر شماره ۵. شمسۀ طلایی، صفحه تقدیم به پیربوداق بهادرخان. برشی از تصویر ۱

فن حل‌کاری عبارت است از طلاکاری یکپارچه، بدون خطوط تحریر از تصویر جانوران و بیشتر شاخ و برگ و گل‌وبوته و پرندگان و حیوانات افسانه‌ای مانند اژدها و سیمرغ که حواشی کتاب‌های تزیینی، مرقعات و صفحات بدرقه (صفحات سفید ابتدا و انتهای کتاب) با آن تزیین می‌شود (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۲۴). در نسخه مورد مطالعه، تشعیر یا حل‌کاری در حاشیۀ چهارده برگ شامل شاخ و برگ و گل‌وبوته دیده می‌شود. همچنین در یک برگ، علاوه بر شاخ و برگ، دو پرندۀ به صورت متقارن در حاشیه‌های بالا و پایین و ابرهای پیچان نیز در همین برگ و در حاشیۀ تک‌نگارۀ پیربوداق وجود دارد. در مجموع، ۱۶ تصویر دارای تشعیر یا حل‌کاری هستند. یکی از نمونه‌های این حل‌کاری در زیر قابل مشاهده است (تصویر ۶).

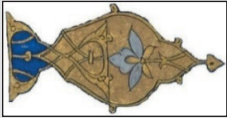
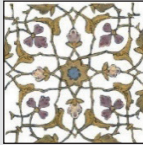

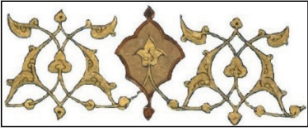






کی دیگر از کاربردهای طلا یا زر در نسخه‌های خطی، در شاخه‌های اسلیمی توپر، همراه با سراسلیمی‌های دارای چنگ‌های مختلف و نیز اسلیمی‌های توخالی ساده، بی‌تناسب، یا توپر همراه با چنگ است. در برخی نسخه‌ها نیز به‌جای مرکب سیاه رایج، از مرکب الوان یا زر برای نگارش



■ تصویر شماره ۶. برشی از تشعیر یا حل کاری گل و پرند، حاشیه بزرگ تصویر ۴

استفاده شده است و گاهی نیز کلمات به صورت مُحَرَّر (دارای کادر) نوشته شده‌اند. همچنین، گاهی اطراف نقوش، کلمات یا عباراتی که با آب زر یا الوان دیگر کتابت شده‌اند، با قلمی بسیار باریک و مرکب مشکی، خطوطی ظریف ترسیم می‌کنند. به این عمل، «تحریر» گفته می‌شود و نقوش و کلمات محدود شده را «مُحَرَّر» می‌نامند (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۴۰). در نسخه مورد مطالعه، این کاربردها به وفور دیده می‌شود. به عنوان نمونه، در سرلوح‌ها کتیبه‌هایی وجود دارند که عنوان اشعاری نظیر رباعیات و غزلیات به صورت مُحَرَّر نگاشته شده‌اند (تصاویر ۴-۵، ۴-۶، ۴-۷، ۴-۹). از مرکب طلایی برای نگارش خود متن نیز استفاده شده است؛ به گونه‌ای که برخی کلمات برجسته شده‌اند. گاهی نیز برای علائم افزوده شده (شامل اعراب‌گذاری، نشانه‌های سجاوندی و علائم تزئینی کوچک) که به نظر می‌رسد به منظور زیبایی و جلب توجه بیشتر به متن به کاررفته‌اند، از زر استفاده شده است؛ علاوه بر این، برای نوشتن عنوان‌ها، ترسیم شاخه‌های اسلیمی توپر و چنگ‌های طلایی گوناگون، نقوش گل و بوته و غنچه و نیز حرکات ترکیبی قوسی و طرح‌های زیبا در زمینه طلایی کتیبه‌ها از زر استفاده شده است. نمونه‌ای از کاربرد طلا در تزئینات دیوان حافظ سعدی در جدول ۴ آمده است.

معمولاً جدول‌های تزئینی در کتاب‌ها از بیشتر از یک خط تشکیل شده است و غالباً خطوط آن‌ها به رنگ‌های گوناگون است. ساده‌ترین نوع این جدول‌ها، شامل یک خط پهن از آب‌طلاست که در دو طرف آن، دو خط نازک مشکی با فاصله‌ای اندک کشیده شده است (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۲۶). در دیوان حافظ سعدی از جدول‌های مرصع برای تزئین حاشیه و اطراف قطعات خوشنویسی با طلا

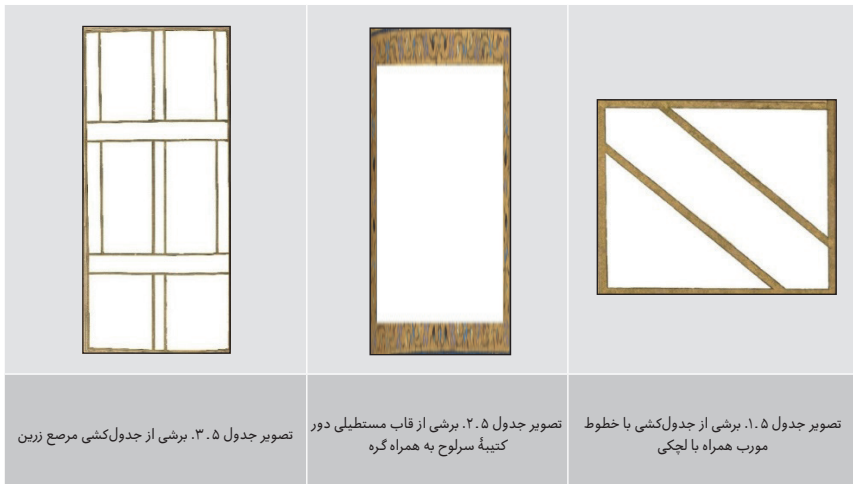
|   |   |
|---|---|
|    |      |
| <p>تصویر ۲۰۴. برشی از کتیبهٔ رباعیات، مثلثی و ترنج طلایی (تصویر ۴۰۲)</p>            | <p>تصویر ۱۰۴. برشی از کتیبهٔ غزلیات، شاخه‌های اسلیمی طلایی و هشت‌ضلعی (تصویر ۴۰۲)</p> |
|    |      |
| <p>تصویر ۴۰۴. برشی از سرلوح مستزاد، گل و اسلیمی (تصویر ۳۰۲)</p>                     | <p>تصویر ۳۰۴. برشی از سرلوح غزلیات، اسلیمی و ترنج طلایی (تصویر ۲۰۲)</p>               |
|    |      |
| <p>تصویر ۶۰۴. برشی از کتیبهٔ داخلی درون متن (تصویر ۳۰۲)</p>                         | <p>تصویر ۵۰۴. برشی از کتیبهٔ سرلوح مستزاد (تصویر ۳۰۲)</p>                             |
|  |     |
| <p>تصویر ۸۰۴. برشی از کتیبهٔ الفصاید (تصویر ۱۰۲)</p>                                | <p>تصویر ۷۰۴. برشی از سرلوح غزلیات، قاب دور کتیبه (تصویر ۲۰۲)</p>                     |
|  |    |
| <p>تصویر ۱۰۰۴. برشی از کتیبهٔ رباعیات (تصویر ۴۰۲)</p>                               | <p>تصویر ۹۰۴. برشی از تک‌نگارهٔ تصویر پیربوداق (تصویر ۴)</p>                          |

■ جدول شمارهٔ ۴. کاربرد طلا در تزیینات دیوان حافظ سعد تبریزی



و رنگ‌های الوان استفاده شده است (تصویر جدول ۵ - ۳). در این دیوان، جدول‌های متنوعی به چشم می‌خورد که گاه یک بیت یا معما را در برمی‌گیرند و گاه ابیات یک غزل را در دو صفحه مقابل احاطه می‌کنند. این جدول‌ها با توجه به نوع اشعار، طراحی شده‌اند. جدول‌هایی با خطوط موازی، متن را در میان می‌گیرند؛ اما در دو صفحه، جدولی با خطوط مورب دیده می‌شود که به صورت چلیپا نوشته شده و لچکی‌هایی را به وجود آورده است (تصویر جدول ۵ - ۱). همچنین، طراحی گره در قاب دور کتیبهٔ مستطیلی شکل بر زمینهٔ طلایی نقش بسته است، مانند آنچه در (تصویر جدول ۵ - ۲) دیده می‌شود.

نامه‌ای با عنوان «ابوالفتح پیربوداق بهادر سوزومیز»<sup>۴</sup> که احتمالاً توسط خود پیربوداق یا دبیر<sup>۵</sup> دربار او در سال ۸۶۴ ه. ق به داروغهٔ دارالعبادهٔ یزد نوشته شده، موجود است. در سمت چپ این نامه (مرفوع به شماره H. ۲۱۵۳)<sup>۶</sup> نقاشی‌ای با امضای «محمد سیاه‌قلم» قرار دارد (تصویر ۷). در این نامه، پیربوداق از دارالعبادهٔ یزد، سنگ لاجورد، سیلوی خطایی و دهنهٔ فرنگی درخواست کرده است. با این فرض که این نامه برای تأمین مواد و ابزار مورد نیاز کارگاه‌های کتاب‌آرایی آن دوره نوشته شده باشد، در ادامه به بازنمایی و کاربرد این مواد می‌پردازیم. لازم به ذکر است نسخهٔ رقمی این نامه در دسترس نگارندگان قرار دارد.



■ جدول شماره ۵. جدول کشی مرصع زرین در دیوان حافظ سعد تبریزی

### ۳.۱.۱.۲.۲. لاجورد<sup>۸</sup>

شناخت سنگ لاجورد و استفاده از آن به دورهٔ باستان برمی‌گردد؛ از جمله در کتیبهٔ آپادانای شوش به «کپتوتکه»<sup>۹</sup> اشاره شده است. این واژه در فارسی باستان به معنای آبی است و اگر در کنار سنگ آید به معنای سنگ لاجورد است (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۴، ص ۲۴). لاجورد، مطلوب‌ترین و مقدس‌ترین

سنگ نزد اقوام باستانی، ایلامی، بین‌النهرین و مصر بوده است. سنگی جسیم و کبود که به سنگ آبی مشهور است (بیانی و امان‌اللهی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۱۰). این سنگ، دارای ساختار بلوری ایزومتریکی است. ترکیب شیمیایی آن محتوی سدیم، آلومینم، سیلیکات است. از نظر شفافیت، سنگی کدر، انتشار نور و چندرنگی ندارد. بهترین نوع آن محدوده آبی‌رنگ تا آبی بنفش با غلظت رنگ می باشد و رنگ‌مایه تیره دارد (بیانی و امان‌اللهی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۱۱). نقاشان، سوده آن را به کار می‌بردند؛ در تذهیب و کتاب‌آرایی نیز از لاجورد به همراه طلاکاری استفاده می‌شد (بیانی و امان‌اللهی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۱۴).

رازی در کتاب الاسرار می‌گوید: لاجورد، سنگ سرمه‌ای است که در آن کمی سرخی و چشم‌های براق طلائی وجود دارد (رازی، ۱۳۴۹، ص ۲۸). خواجه نصیرالدین طوسی در تنسوخ‌نامه آورده است که لاجوردی نیکوتر است که سنگ بسیار با آن آمیخته باشد و در آن نقطه‌های زر بتوان دید (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۱۱۶). لاجورد در مرتبه اول جوهر است. جوهر اصل ماده است؛ جوهر بخشی از زمین است که آسمانی شده و آسمان را به نام‌های جواهر خوانده‌اند: گنبد لاجورد، حُم لاجورد و دایره لاجورد. نام جواهر، نام رنگ است مانند لاجوردی (قیومی بیده‌ندی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴). از لاجورد، زینت، دارو و رنگ کاشی، آبیگینه، مینا، آلات چوبی، جامه، پرده، فرش، کتابت و آثار هنری بر کاغذ و دیوار (قیومی بیده‌ندی، ۱۳۹۴، ص ۱۸)، کاسه و کوزه و انگشتر و امثال این سازند. اگر ریزه آن را در آتش‌اندازند، دود گوناگون پدید آید (دشتکی، بی‌تا، ص ۱۱۲۸).

طلا و لاجورد از اصلی‌ترین موادی بودند که تذهیب‌کاران دوره تیموری از آن‌ها استفاده می‌کردند (عظیمی، ۱۳۸۸، ص ۲۹). در آن دوره به‌غیر از رنگ‌های لاجورد، از زنگار، شنگرف سرنج، سیاه، سیلو، آبی روشن، بنفش، گل ماشی، سفید و طلا، با هماهنگی دقیق در کنار هم استفاده شده است (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). در واقع، تذهیب‌کاری که جزو هنرهای تزئینی به شمار می‌رود، نوعی نقاشی تجربیدی از برگ‌ها، نباتات، اشکال گیاهی، طرح درختان و ترکیبی از اسلیمی‌ها و ختایی‌هاست. تذهیب در نسخه‌های خطی دوره قراقویونلوها، ادامه تذهیب‌های دوره‌های پیشین بود و مراحل تکامل خود را پیمود. نمونه بارز این تکامل را می‌توان در دیوان حافظ سعد تبریزی دید که دارای تذهیب و ترصیع‌هایی با زمینه‌های لاجوردی و طلائی است. در صفحات آغازین این دیوان، دوبرگه مرصع زیبا با زمینه لاجوردی به چشم می‌خورد (تصاویر ۱ و ۲). در سرلوح‌های دیوان نیز طرح‌های هندسی و گیاهی بارنگ‌های شفاف و درخشان به‌کاررفته و تعادل بصری رنگ‌هایی چون لاجوردی و طلائی در آن‌ها مشهود است. استفاده از رنگ لاجوردی، به شکلی چشمگیر، بیش از سایر رنگ‌ها به نظر می‌رسد. همچنین در این دیوان، کتیبه‌های متعددی دیده می‌شود که موضوع داستان، شعر، خاتمه یا آغاز سخن در آن‌ها نگاشته شده و اغلب تذهیب‌کاری و با رنگ‌های لاجوردی و طلائی زینت یافته‌اند. رنگ لاجورد به‌کاررفته در این تذهیب‌ها، طیف‌های تیره و روشن را در برمی‌گیرد (تصاویر ۲-۶، ۶-۸، ۶-۱۰).

همان‌طور که در نامه ابوالفتح پیربوداق نیز مشهود است، لاجورد یکی از مواد ارزشمند و

پیکاربرد در هنر تذهیب دوره تیموری و قراقویونلوها به شمار می‌رفته است. اسلیمی ماری<sup>۱۰</sup> که حرکتی چون مار دارد و متنوع‌ترین طراحی آن را می‌توان در طراحی فرش، تذهیب و جلدسازی مشاهده کرد (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۴۵)، در اواخر دوره تیموری، قبل از صفوی ظاهر شده است و در طراحی تذهیب نقش بسزایی داشته است (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹). این اسلیمی‌ها در دوره قراقویونلوها در نسخه‌های خطی آمده است. اسلیمی ماری در واگیره، دو برگه تقدیمیه دیوان حافظ سعد تبریزی، به رنگ لاجوردی روشن پر شده و دارای دورگیر طلایی است (تصویر جدول ۶-۱). در دیوان مورد مطالعه، ترصیع صفحه تقدیمیه دارای طراحی زیبا از گل‌های نارنجی، سبز، بنفش، سفید و شاخه‌های اسلیمی به رنگ‌های طلایی همراه با قوس‌های هماهنگ بر زمینه لاجوردی پرنیگ نمایان شده است (تصویر جدول ۳-۶). رنگ لاجوردی در کتیبه‌ها، قاب دور کتیبه‌ها، سرلوح‌ها، افتتاحیه و انجامه استفاده شده است. به نظر می‌رسد شکوه و جلال تذهیب در دوره صفوی در ارتباط با زمینه طولانی دوره تیموری است که قراقویونلوها در انتقال این هنر و حفظ و زیبایی بخشی به آن در این انتقال سهمیم هستند. در این نسخه، لاجورد در کنار زر، تقابل درخشندگی و روشنی با کدری و تیرگی را انعکاس می‌دهد. جدول زیر شرحی از نمونه‌های به کار رفته رنگ لاجوردی در تزئین نسخه دیوان حافظ سعد است (جدول ۶).



■ تصویر شماره ۷. بزگی از مرقع به شماره ۲۱۵۳، نوشته حاوی نامه پیریوداق به داروغه دارالعباده یزد، ۸۶۴ هـ. ق (موزه توپکاپی استانبول)

### ۳.۲.۱.۱.۳. سیلوی خطایی

سیلو، نوعی رنگ سبز خام است (مایل هروی، ۱۳۵۳، ص ۲۶) که آن را کروم سبز<sup>۱۱</sup> می‌نامند

۱۰. اسلیمی ماری انواع مختلفی دارد که به اسامی گوناگون از جمله اسلیمی ماری ابری، اسلیمی ماری گل دار، اسلیمی ماری ساده، اسلیمی ماری توپیر و توخالی نامید (مجرد تاکستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹).  
11. chrome green

(مرزبان و معروف، ۱۳۷۷، ص ۸۴). اکسید کروم<sup>۱۲</sup> یک رنگریزه سبزرنگ است که باعث ایجاد طیف‌های رنگی سبز و زرد در لعاب و زیر لعاب می‌گردد (عرب‌بیگی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۶۶).

معنی تام برای کلمه خطا<sup>۱۳</sup> (ختا. خطای) در تواریخ و کتب ادبی اسلامی دشوار است؛ اما به قسمت شمالی چین یعنی نواحی منچوری، مغولستان و ترکستان شرقی اطلاق می‌شد (سامی فلاشری، ۱۳۰۸، ج ۳، ص ۴۹۰). ختایی، یادگاری از نفوذ هنر چین در ایران پس از حمله مغول، از اسم طایفه ختا یا قراختا گرفته شده است (شاد قزوینی، ۱۳۹۳، ص ۵۱). در دوره ایلخانی، نقوش ختایی به عنوان اسلوب جدیدی از نقوش گیاهی در تمدن اسلامی ظهور کرد (موسوی، بلخاری قهی و موسوی گیلانی، ۱۳۹۹، ص ۶۳). در دوره تیموری (شاهرخ) روابط سیاسی و فرهنگی ایران با چین (دوره مینگ) افزایش یافت (نوابی، ۱۳۷۰، ص ۸۷) که از جمله گواهان این مطلب، مسجد عظیمی در شهر نکچئوی چین، در کنار خلیج زرد با کتیبه‌ای بزرگ به فارسی است که شروع آن در زمان شاهرخ (متوفی ۸۵۰ ه. ق) و اتمام آن در رمضان ۸۵۶ ه. ق بوده است (نوابی، ۱۳۷۰، ص ۹۲). نقوش ختایی که در دوره ایلخانی به عنوان یک اسلوب نوین در هنر اسلامی پا به عرصه گذاشت، در دوره تیموری و با گسترش مراودات فرهنگی با چین، همچنان جایگاه خود را حفظ کرد و به تکامل رسید. درک ریشه‌های این نقوش و معنای اصطلاح «ختایی» برای فهم کامل سیر تحول آن ضروری است. قاضی میراحمد منشی در گلستان هنر در تعریف کاغذ و رنگ کردن می‌گوید: کاغذی بهتر از ختایی نیست (منشی قمی، ۱۳۵۲، ص ۶۹). خطایی نوعی رنگ نیز می‌باشد (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۳) و یکی از هفت قلم معتبر است که شامل اسلامی، خطایی، فرنگی، فصالی، ابر، داق و گره هستند (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۹). با توجه به کاربرد واژه سیلوی خطایی در نامه پیربوداق قراقویونلو و در نظر گرفتن آن به عنوان ماده‌ای برای کتابت، احتمالاً منظور از آن اکسید کروم بوده است. این ماده که به عنوان رنگ سبز در نقاشی، کتابت، رنگ‌آمیزی کاغذ و طراحی نقوش به کار می‌رفته و احتمالاً از چین وارد می‌شده، بیشترین کاربرد را در تک‌نگاره‌ای از دیوان حافظ سعدی متعلق به پیربوداق (شامل درباریان، خادمان و نوازندگان) داشته است. تنها نوشته سبزرنگ در این نسخه، نام «شاه بوداق بهادر» در همین برگه است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اکسید کروم علاوه بر رنگ سبز، قابلیت تولید رنگ‌های صورتی و نارنجی را نیز دارد که استفاده از این دورنگ نیز در نگاره مذکور مشهود است (جدول ۷).

همچنین اکسید کروم می‌تواند رنگ‌هایی مانند قرمز، قهوه‌ای، زرد و به خصوص سبز تولید کند. در نسخه مورد مطالعه نیز علاوه بر رنگ‌های لاجوردی، طلایی و سبز از رنگ نارنجی، صورتی، قرمز و قهوه‌ای در تزیینات درون متن استفاده شده است که در تصاویر زیر قابل مشاهده است (جدول ۸).

### ۳.۱.۱.۱.۴. دهنه فرنگی

در برهان قاطع آمده است دهنه، به فتح اول و ثانی، اکنون، به معنی دهانه است که زنگار فرنگی

12. Cr2O3 - Chromium (III) oxide  
۱۳. کلمه خطا یا خطان نام طایفه‌ای از طوایف مغول است و این طایفه در اواخر قرن چهارم هجری تحت فرمان «بولیچی آپو اکی» تمام مغولستان و قسمتی از چین را تصرف کردند و در همین اوقات نام خطا به همه این ممالک وسیع اطلاق گردید. یکی از منسوبان خاندان خطا به خطه «چونغاریه» که ناحیه‌ای در شمال غربی مغولستان است، رفت و دولت کوچکی در آنجا تأسیس کرد. ناحیه مزبور پوشیده از جنگل‌ها بود؛ از این رو این کشور کوچک را «قره خطا» نامیدند (سامی فلاشری، ۱۳۰۸، ج ۳، ص ۴۹۰).

|   |   |  |
|---|---|--|
|    |    |    |
| تصویر ۳.۶. درشت‌نمایی از ترصیع تقدیمیه (تصویر ۲)                                    | تصویر ۲.۶. برشی از سرلوح، کتیبهٔ مستزاد در زمینهٔ لاجوردی (تصویر جدول ۲-۳)          | تصویر ۱.۶. برشی از اسلیمی ماری توپر به رنگ لاجوردی در واگیرهٔ ترصیع (تصویر ۱)        |
|    |    |    |
| تصویر ۶.۶. درشت‌نمایی از سرلوح الفضاید (تصویر جدول ۱-۲)                             | تصویر ۵.۶. برشی از تذهیب درون متن   | تصویر ۴.۶. برشی از شرفه حاشیهٔ تذهیب سرلوح (تصویر جدول ۲-۲)                          |
|    |    |    |
| تصویر ۹.۶. درشت‌نمایی از بالای کتیبهٔ رباعیات (تصویر جدول ۴.۲)                      | تصویر ۸.۶. برشی از سرلوح غزلیات داخل کتیبه (تصویر جدول ۲.۲)                         | تصویر ۷.۶. طراحی گره در قاب دور کتیبهٔ سرلوح، لاجوردی کم‌رنگ، (تصویر جدول ۳.۲)       |
|  |  |  |
| تصویر ۱۲.۶. درشت‌نمایی از ترنج پایانی در انجمله (تصویر جدول ۶.۲)                    | تصویر ۱۱.۶. درشت‌نمایی از تذهیب داخل متن (تصویر جدول ۶.۳)                           | تصویر ۱۰.۶. برشی از کتیبهٔ سرلوح اول الفضاید، (تصویر جدول ۱.۲)                       |

■ جدول شماره ۶. کاربرد رنگ لاجوردی در تزئین دیوان حافظ سعد تبریز

۱۴. این ماده طبیعی گرم و خشک دارد و مزه‌های شیرین و تلخ را در خود جمع کرده است. برای تشخیص شیرینی یا تلخی آن، این‌گونه آزمایش می‌شود: آن را با آب می‌سایند و پیر روی آینه می‌ریزند تا خشک شود اگر آینه رنگین شد، نشان از تلخ بودن آن دارد و در غیر این صورت، شیرین است (طوسی، ۱۳۴۸). معنی دیگر دهنه، قسمت آهنی افسار است که در دهان اسب قرار می‌دهند و به آن دهنه، دهانه و لجام گویند (بهزادی، ۱۳۶۹، ص ۶۰۳).

باشد و آن سنگی است سبزرنگ مشهور به دهنه فرنگ و معرب آن دهنج<sup>۱۴</sup> است (تبریزی، ۱۳۴۲، ج ۲، ص ۹۰۶). دهنج نوعی سنگ فیروزه به رنگ سبز است؛ در عراق آن را دهنج، در هرات زرنجویه و در هند توتیا گویند (بیرونی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۵)؛ بنا بر این دهنج، نوعی سنگ سبز است؛ بر دو نوع فرنگی و کرمانی که نوع فرنگی آن بهتر است و در فارسی به آن دهنهٔ فرنگ می‌گویند. در معادن مس و غیر از آن از بخارات معدن متکون می‌شود و آن را زنگار معدنی نیز گویند (طوسی، ۱۳۴۸، ص



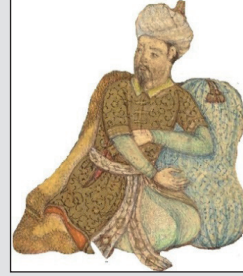
تصویر ۱۰۷. درشت‌نمایی از کتیبه معرفی نگاره به رنگ سبز



تصویر ۴۰۷. کاربرد رنگ نارنجی در لباس نوازنده



تصویر ۳۰۷. کاربرد رنگ صورتی در لباس خادم



تصویر ۲۰۷. کاربرد رنگ سبز زرد و نارنجی در لباس پیکره پیربوداق

■ جدول شماره ۷. کاربرد رنگ سیلو در دیوان حافظ سعد تبریزی، درشت‌نمایی و برشی از نگاره تصویر ۴

| قهوهای  | قرمز  | صورتی   | نارنجی  | سبز  |
|---|---|---|---|--|
|   |   |   |   |   |
| تصویر ۵۸. تزئین متن   | تصویر ۴۰۸. تزئین سرلوح  | تصویر ۳۰۸. تزئین متن  | تصویر ۲۰۸. تزئین کتیبه  | تصویر ۱۰۸. تزئین متن   |
|  |  |  |  |  |
| تصویر ۱۰۸. تزئین کتیبه  | تصویر ۹۰۸. تزئین کتیبه  | تصویر ۸۰۸. تزئینات متن  | تصویر ۷۰۸. تزئین متن  | تصویر ۶۰۸. تزئین متن   |

■ جدول شماره ۸. رنگ‌های وابسته به سیلو (اکسید کروم) در تزئینات متن، سرلوح و کتیبه‌های دیوان حافظ سعد

۲۸۳-۲۸۴). در ترکستان، دهنه سرخ به رنگ یاقوت نیز وجود دارد (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۱۱۹). دهنه سبز بر پنج نوع است: سبز سیر، سبز ریحانی، سبز سیاه‌فام، سبز سفیدفام و سبز زمردی دارد که




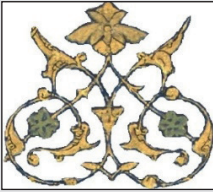
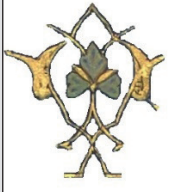
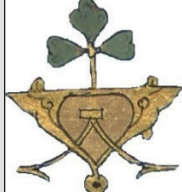


۱۵. اگر روغن زیت در دهنه بمالند، رنگین شود و حسن و طراوت آن بیفزاید و اگر بسیار استعمال کنند حسن و طراوت آن زایل گردد و نور فروغش باطل شود و دهنه مانند فیروزه در حالت صفوت هوا صاف باشد و در حالت کدورت هوا کدر نماید (دشتکی، بی تا، ص ۵۹).  
۱۶. با نام علمی آمونیوم کلراید (Ammonium Chloride) شناخته می شود. ۱۸. مشخصات مالاکیت  $(CO_3)_2Cu(OH)_2$  (۲) به این شرح است که ساختار بلوری آن دارای مولی کلست است که از بلورهای ریزه هم فشرده با نوارهای شعاعی متحدالمركز به وجود آمده و گاه از گره های درشت دندانانه دار تشکیل شده است. رنگ آن سبز روشن، دارای جلای ابریشمی، دارای ناخالصی هایی مانند CaO و  $SiO_2$  سختی آن: ۳/۵-۴ و ضریب شکست نور آن ۱/۸۸ می باشد (بیانی و امام اللهی وفایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۳۹۹).  
در یک جهت ترک خوب دارد. در اسید کلریدریک تجزیه می شود. در برابر شعله احیا کننده، ذوب می شود و گلوله مسی تولید می کند. در لوله بسته، قطرات آب تولید کرده و به رنگ سیاه درمی آید. به حرارت اسید آمونیاک و آب جوش حساس است. در قرون وسطی باور بر این بود که این ماده کودکان را از بیماری حفظ می کند. مردم باستان نیز مالاکیت سوده را به صورت خمیری درآورده و از این خمیر برای آرایش و درمان عوارض چشمی سود می بردند؛ و در تزئینات و تهیه مس از آن استفاده می کردند. در طب ←

در طراوت و درخشندگی شبیه زمرد است<sup>۱۵</sup> (دشتکی، بی تا، ص ۵۸). مکان دهنه در فرنگ، کرمان و عربستان است که دهنه شیرین فرنگی خوش رنگ مشابه زمرد که درخشندگی آن مثال پر طاووس باشد (دشتکی، بی تا، ص ۶۰). اگر قدری دهنه را با زر بگدازند، زر را نرم اندام و سرخ فام می کند و بهای آن را افزایش می دهد (دشتکی، بی تا، ص ۶۱). برای اینکه دهنه، گرد نرم و سرخی شود، آن را آهکی می کنند؛ برای این منظور آن را می سابند و با آب زنگار و زاگ و شاد<sup>۱۶</sup> آغشته می کنند و آن ها روی خاکستر گرم برشته کنند تا سنگرف شود، سپس آن را با گوگرد سفیدی بافته و پایدار شده و با آب زنگار، زاگ و شاد<sup>۱۷</sup> آغشته و برشته کنند تا گرد نرم و سرخی شود (رازی، ۱۳۴۹، ص ۱۱۷).

زکریای رازی در کتاب الاسرار، عقاقیر را سه گونه جانوری، رستنی و خاکی می داند و سنگ ها را جزء دسته خاکی دانسته که دارای سیزده نمونه هستند و لاجورد و دهنه نیز جزء این نمونه های سنگی است (رازی، ۱۳۴۹، ص ۲۴) که دهنه را سنگ سبز رگه داری می داند که از آن مهر و دانه های گردن بند می تراشند (رازی، ۱۳۴۹، ص ۲۸). دهنه - دهنج در واقع سنگ مالاکیت<sup>۱۷</sup> می باشد (رازی، ۱۳۴۹، ص ۵۲). در تقسیم بندی کانی های جواهر، برحسب خواص فیزیکی و شیمیایی، مالاکیت، در دسته سیترات ها و کربنات هاست<sup>۱۸</sup> (بیانی و امام اللهی وفایی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۷). مالاکیت، یکی از کانی هایی است که دارای تغییرات رنگ (چندرنگی)<sup>۱۹</sup> بسیار شدید، بی رنگ و سبز است (بیانی و امام اللهی وفایی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۶۹). بشر اولیه این سنگ معدنی را شناخت و بعدها سبب کشف خواص مس گردید. نام آن از کلمه یونانی مالاخه<sup>۲۰</sup> به معنی گل پنیرک و به علت تشابه رنگ این کانی با بوته های این گیاه و نرمی آن گرفته شده است (بیانی و امام اللهی وفایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۹۸). مصریان، رومیان و یونانیان به عنوان سنگ قیمتی از آن استفاده می کردند؛ چون سنگ زیاد سختی نیست و در جواهرسازی به کار می رود (بیانی و امام اللهی وفایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۰۱).

واژه فرنگی منسوب به فرنگ، یعنی اروپا است. این واژه علاوه بر معنای لغوی خود، در دوره تیموری به عنوان یکی از اصول هنر ایران پذیرفته شد. نقش مایه های تزئینی مانند نقوش گل ها و گیاهان که پیش تر در تزئینات بیزانسی به کار می رفت و گل های ریزنقش با ساقه های پیچا پیچ در حواشی نسخه ها و تذهیب (که در دوره تیموری گاهی طرح های اسلیمی را با عناصر فرنگی درمی آمیختند و ترکیبی زیبا پدید می آوردند) (شاد قزوینی، ۱۳۹۳، ص ۵۳)، نمونه هایی از این تأثیر هستند؛ بنابراین به نظر می رسد منظور از دهنه فرنگی که در نامه پیربوداق آمده، درخواست سنگ سبزی باشد که از فرنگ آورده شده است و در واقع اشاره به سفارش سنگ مالاکیت فرنگی دارد. از این رو در دوره قراقویونلوها دهنه فرنگی احتمالاً اصطلاحی برای ابزار کتاب آرایبی بوده است. علاوه بر اینکه نقوش ختایی و فرنگی جزو هفت اصل تزئینی محسوب می شدند، اصول و ضوابط دیگری نیز با همین نام ها به کار گرفته می شد. همان طور که در نامه پیربوداق آمده است، اصطلاحات سیلوی خطایی و دهنه فرنگی نشان می دهند که واژه های فرنگی و خطایی احتمالاً در رنگ شناسی نیز کاربرد داشته اند. در دیوان حافظ سعد نیز استفاده از رنگ سبز در کنار رنگ طلایی و لاجوردی بسیار دیده می شود (جدول ۹)

|   |   |  |
|---|---|--|
|  |  |  |
| تصویر جدول ۳۹. درشت‌نمایی، سرلوح مستزاد   | تصویر جدول ۲۹. درشت‌نمایی سرلوح معمبات  | تصویر جدول ۱۹. درشت‌نمایی از تصویر سرلوح معمبات                                    |
|  |  |   |
| تصویر جدول ۶۹. برشی از اسلیمی و گل به رنگ طلایی و سبز (تصویر ۱)                   | تصویر جدول ۵۹. برشی از سرلوح اول فصاید  | تصویر جدول ۴۹. برشی از سرلوح غزلیات  |

■ جدول شماره ۹. کاربرد رنگ سبز در نسخه دیوان حافظ سعد تبریزی

#### ۴. نتیجه‌گیری

نسخه خطی دیوان حافظ سعد تبریزی، کتابت شده توسط شیخ محمود پیربوداقی، نمونه‌ای برجسته از هنر کتاب‌آرایی دوره قراقویونلوها به شمار می‌رود. این نسخه با بهره‌گیری از مواد متنوعی چون لاجورد، طلا و دیگر رنگ‌ها تزئین شده و نمایانگر سطح بالای فنون کتاب‌آرایی در آن دوره است. احتمالاً نامه پیربوداقی به دارالعباده یزد برای تهیه موادی نظیر لاجورد، سیلوی خطایی و دهنه فرنگی، در راستای تأمین مواد اولیه برای تزئین این نسخه یا آثار مشابه بوده است. پژوهش حاضر به بررسی چگونگی بازنمایی مواد و ابزار تزئین در کتاب‌آرایی دوره قراقویونلوها و کاربرد لاجورد، سیلوی خطایی و دهنه فرنگی در تزئینات این نسخه از دیوان حافظ سعد پرداخته است و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تنوع عناصر تزئینی در این نسخه، گویای غنای هنر کتاب‌آرایی و نقش مؤثر حاکمان این دوره در حمایت و ارتقای آن است. از ویژگی‌های این دیوان می‌توان به استفاده از نقوش گیاهی (ختایی)، ابر چینی در دو صفحه از تشعیر در حاشیه، دو نقش متقارن اژدها، تقسیم برگه‌ها به حاشیه دارای حل‌کاری، متن شعر و طراحی داخلی متن در برخی برگه‌ها همراه با کتیبه‌هایی به رنگ‌های مختلف و جداول مرصع زرین، نقوش اسلیمی و ختایی در سرلوح‌ها و ترصیع دو صفحه تقدیم و عنوان به رنگ طلایی و زمینی لاجوردی اشاره کرد که زیبایی چشمگیری به این نسخه بخشیده است. ساقه‌های اسلیمی با قوس‌های بلند و منظم به چشم می‌خورند و در دو برگه، چلیپانویسی به کار رفته است. همچنین، رباعیات با لچکی‌های زیبا تزئین شده‌اند و در بیشتر برگه‌ها، تنها به حاشیه زرافشان و جدول مرصع بسنده شده است. استفاده از رنگ طلایی و لاجوردی و پس‌از آن رنگ سبز، بیشترین کاربرد را دارد.

→ ایرانی از آن برای درمان آب‌مروارید استفاده می‌شد و معتقد بودند که گزند چشم زخم را خنثی می‌کند. در خاورمیانه و مناطق بیابانی برای خنثی کردن آسیب تأثیر نور خورشید استفاده می‌شد (بیانی و امان‌اللهی وفاقی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۰). ملاکیت، در کانسارهای مس همراه با کانی کربناته دیگر مس موسوم به آرزوریت دیده شده است و با فیروزه و کربزکولا همراه است. به همین جهت این سنگ که حد وسط کربنات‌های آبدار و بی‌آب است، ایلات (Eilat) خوانده می‌شود. بلورهای ملاکیت، کمیاب است و حالت منشوری دارد. وقتی قطعه‌ای از آن را صیقل کنند، دارای نوارهایی با رنگ سبز خواهد بود که از نظر تزئینی بسیار زیبا و با برق آبریشمی است (بیانی و امان‌اللهی وفاقی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۹۸). بعضی از نگین‌های جواهر وقتی از جهات مختلف، بررسی شوند، به نظر می‌رسد که هر جهت دارای رنگ‌های مختلفی است یا همان رنگ در جهات مختلف، تیره به نظر می‌رسد، این پدیده را چندرنگی گویند. علت این تفاوت در فشرده‌گی اتم‌ها، و قدرت متفاوت جذب نور کریستال به دلیل تراکم برابر مولکول‌ها در جهات مختلف و جذب نوری متفاوت است. این پدیده در سیستم مکعبی ایزومتریک به دلیل یکسان بودن تراکم مولکولی دیده نمی‌شود (بیانی و امان‌اللهی وفاقی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۷).  
20. malache

اگر نامۀ پیربوداق که در سال ۸۶۴ ه. ق به دارالعبادۀ یزد نوشته شده و در آن درخواست لاجورد، سیلوی خطایی و دهنه‌فرنگی دارد، با دیوان حافظ سعد کتابت‌شده در سال ۸۶۴ ه. ق در شیراز تطبیق داده شود، با توجه به انتخاب رنگ در تزئینات، به نظر می‌رسد که این درخواست برای کتاب‌آرایی دیوان مورد بحث یا دیگر آثار هنری آن دوره بوده است؛ بنابراین، قراقویونلوها در کارگاه کتاب‌آرایی خود در شیراز به انواع رنگ و مواد شیمیایی آگاه بوده و از آن‌ها استفاده می‌کردند. همچنین، واژه‌های خطایی و فرنگی، علاوه بر معانی پیشین خود به‌عنوان جزئی از هفت اصل تزئینی، به‌عنوان مواد و ابزار هنری نیز به کار می‌رفته‌اند. با توجه به اینکه سیلوی خطایی و دهنه‌فرنگی دارای طیف رنگی متنوعی هستند، احتمالاً از مقرون به‌صرفه‌ترین مواد برای رنگ‌آمیزی بوده‌اند که هنرمندان قراقویونلو با کمترین مواد و مصالح، بیشترین بهره را در تزئین نسخه‌ها از آن‌ها می‌بردند. «سیلو» نوعی رنگ سبز خام است که امروزه آن را اکسید کروم (کروم سبز) می‌نامند. اکسید کروم قادر است طیف وسیعی از رنگ سبز، از جمله سبز لیمویی براق و شفاف، مات و جلدار مایل به زرد و همچنین رنگ‌های خاکستری، قهوه‌ای، قرمز، صورتی و نارنجی را تولید کند و علت استفاده از آن، مقاومت در برابر فرسایش، خوردگی و مواد شیمیایی است. ختایی نیز منسوب به چین است و احتمالاً منظور پیربوداق، درخواست اکسید کرومی بوده که از چین وارد می‌شده است. دهنه‌فرنگی نیز می‌تواند نوعی سنگ سبزرنگ به نام سنگ مالاکیت باشد که دارای طیف رنگی از سبز روشن تا زمردین است. در دیوان حافظ سعد، رنگ‌های سبز، قرمز، صورتی، نارنجی، قهوه‌ای، زرد، سیاه و سبز روشن و مات استفاده شده است که به نظر می‌رسد ناشی از استفاده از اکسید کروم و مالاکیت باشد. استفاده از رنگ طلایی و لاجوردی در تزئیناتی مانند تذهیب سرلوح، ترصیع، حل‌کاری، جدول‌کشی و رنگ سبز و دیگر رنگ‌ها در تذهیب‌های درون‌متنی و تک‌نگاره مشاهده می‌شود. امید است با بررسی بیشتر نسخه‌های این دوره، اطلاعات جامع‌تری از هنر کتاب‌آرایی قراقویونلوها به دست آید.

#### منابع: فارسی کتاب‌ها

- آژند، یعقوب. (۱۳۹۴). نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران). ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- البنهدسی، عقیق. (۱۳۹۱). هنر اسلامی. (محمود پورآقاسی، مترجم). تهران: انتشارات سوره مهر.
- بلر، شیلا. (۱۳۹۶). خوشنویسی اسلامی. (ولی‌الله کاووسی، مترجم). تهران: فرهنگستان هنر.
- بهزادی، بهزاد. (۱۳۶۹). فرهنگ آذربایجانی. فارسی. تهران: دنیا.
- بیانی، سوسن؛ امان‌اللهی و قایمی، مهدی. (۱۳۹۸). جواهرشناسی سنگ‌های قیمتی (زیورها). ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- بیانی، سوسن؛ امان‌اللهی و قایمی، مهدی. (۱۳۹۰). جواهرشناسی سنگ‌های قیمتی. ج ۲، تهران: انتشارات سمت.
- بیانی، مهدی. (۱۳۵۳). کتابشناسی کتاب‌های خطی. (حسین محبوبی اردکانی، کوشش‌گر). تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی. چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف متخلص به برهان. (۱۳۴۲). برهان قاطع. (به اهتمام: محمد معین). ج ۲، تهران: چاپ افست رشدیه.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر. (محمد دبیرسیاقی، مصحح). ج ۱، تهران: انتشارات خیام.
- رازی، محمد زکریا. (۱۳۴۹). کتاب الاسرار یا رازهای صنعت کیمیا. (حسنعلی شیبانی، ترجمه و تحقیق) تهران: دانشگاه تهران.
- رهنورد، زهرل. (۱۳۸۶). تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: کتاب‌آرایی. تهران: انتشارات سمت.
- سامی فلاشری، شمس‌الدین (۱۳۰۸/۱۸۹۱ م.). قاموس الاعلام. رفع محمود العثمانی. اوچنچی جلد (جلد سوم). استانبول: مهران مطبعه سی.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۴). هنر شیعی، عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

- طوسی، خواجه نصرالدین. (۱۳۴۸). *تسوخ‌نامه ایلخانی*. (مدرس رضوی، مقدمه و تعلیقات). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- طهرانی، ایوبکر. (۱۳۵۶). *دیار بگریه*. (نجاتی لوغال و فاروق سومر، مصحح). تهران: طهوری.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۷۳). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته*. تهران: روزنه.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۹۴). *پژوهش‌های معماری و هنر*. تهران: روزنه.
- کاتبی، حسنی. (۱۳۵۵). *ادب و ادبیات*. تهران: انتشارات آبان.
- گروسه، زنه. (۱۳۶۵). *امپراتوری صحرائوردان*. (عبدالحسین میکده، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۵۳). *لغات و اصطلاحات فن کتاب‌سازی*. تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- مجرد تاکستانی، اردشیر. (۱۳۹۰). *شیوه تذهیب*. تهران: سروش.
- مرزبان، پرویز؛ معروف، حبیب. (۱۳۷۷). *فرهنگ مصور هنرهای تجسمی*. تهران: سروش.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). *زنده‌القلوب*. تهران: چاپخانه دامغان.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۲). *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*. تهران: انجمن آثار ملی.
- منشی قمی، قاضی میراحمد. (۱۳۵۲). *گلستان هنر*. (احمد سهیلی خوانساری، مصحح). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- میرجعفری، حسین. (۱۳۸۸). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*. تهران: سمت.
- نوابی، عبدالحسین. (۱۳۷۰). *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- والاه اصفهانی، محمد یوسف. (۱۳۷۹). *روضه‌های ششم و هفتم از خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)*. (میرهاشم محدث، کوشش گر). ج ۱، تهران: میراث مکتوب.
- وزیر، علیقی. (۱۳۷۳). *تاریخ عمومی هنرهای مصور*. ج ۲، انتشارات: هیرمند.

### مقالات

- آزید، یعقوب. (۱۳۹۸). «شیوه شیراز مکتب ترکمان». *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ۲۴(۴)، صص ۵۶-۴۹.
- پورمختار، محسن؛ حاج‌احمدی پور رفسنجانی، مزده. (۱۳۹۲). «جلال‌الدین حافظ سعد تبریزی (زندگی و اشعار او)». *فصلنامه تخصصی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، ۲(۲۶)، صص ۷۷-۹۲.
- زارعی، سمیه؛ حاج‌محمدحسینی، همایون. (۱۴۰۳). «تحولات هنر کتاب‌آرایی قراقویونلوها در دوره پیربوداق با تأکید بر کاتبان نیمه دوم قرن نهم هجری (۸۵۷-۸۷۱)». *نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۲۹(۳)، صص ۶۳-۷۵.
- سه‌کی، یوشیفوسا. (۱۳۸۸). «مجموعه ترجیعات سرکاری (یادگاری از عصر قراقویونلوها)». *نامه بهارستان*، ۱۵(۱)، صص ۱۳۷-۱۷۶.
- شاد قزوینی، پریسا. (۱۳۹۳). «بررسی اصول مبانی هنرهای سنتی ایران: نگاهی به کتاب هفت اصل تزئینی هنر ایران». *فصلنامه نقد کتاب*، ۳(۴)، صص ۹۴-۵۹.
- شاد قزوینی، پریسا. (۱۳۸۶). «بررسی نسخه‌های خطی و مرقعات ایرانی سده‌های هشتم تا دهم هجری در موزه توپ‌قاپی‌سرای استانبول». *فصلنامه گنجینه اسناد*، ۱۷(۳)، صص ۱۲۲-۱۴۰.
- عرب‌بیگی، ابوالفضل؛ سامانیان، صمد؛ اکبری، عباس. (۱۴۰۲). «تأثیر نوآوری‌های فنی رنگ بر تحولات بصری سفال قاجار». *دوفصلنامه علمی هنرهای صنعتی ایران*، ۲(۲۶)، صص ۵۷-۸۲.
- عظیمی، حبیب‌الله. (۱۳۸۸). «ادوار تذهیب در کتاب‌آرایی مذهبی ایرانی». *نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۲(۴۱)، صص ۲۳-۳۲.
- موسوی، محسن؛ بلخاری قهی، حسن و سیدرضی‌الدین موسوی گیلانی. (۱۳۹۹). «بارشناخت مبانی حکمی نقوش اسلیمی، بر اساس تجربه زیسته هنرمندان سنتی». *دوفصلنامه الهیات هنر*، ۱۸(۱)، صص ۵۴-۸۸.
- ندلرو، مصطفی. (۱۳۸۶). «مقدمه‌ای بر هنر تشعیر در نقاشی ایرانی». *هنرهای تجسمی*، ش ۲۶، صص ۳۴-۳۷.

### نسخه خطی

- دشتکی، محمد بن منصور (بی‌تا). *رساله‌ای در بیان احوال جواهر*. کتابخانه ملی. شماره بازیابی: ۱۷۹۶-۵ (شناسه کد کتاب: ۱۱۰۰۹۹۱).

### لاتین

#### Book

- Gray, Basil. (1977). *Persian painting*. London: Macmillan.

#### Article

- Hayashi, N. (2012). "The Turkman Commercial Style of Painting: Origins and Developments Reconsidered". *Orient*, 47, 169-189. <http://doi.org/10.5356/orient.47.169>.



# گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزاشدهٔ اداره کل خدمات آرشیوی

(گروه ارتباطات آرشیوی) در پاییز ۱۴۰۳

زهرا جاویدی<sup>۱</sup>، حمیده بختیاری<sup>۲</sup>

اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) سازمان اسناد و کتابخانه ملی به منظور معرفی منابع موجود در آرشیو ملی ایران به مجامع علمی و فرهنگی و عموم جامعه، در فصل پاییز ۱۴۰۳ اقدام به برگزاری نمایشگاه‌های سیار با محوریت رخدادهای تاریخی کرده است. آثار این نمایشگاه‌های سیار را تصاویر اسناد منتخب برای مراکز درخواست‌کننده و مراکز تحت پوشش سازمان تشکیل می‌دهد که در قالب قاب‌های نمایشگاهی طراحی و ارسال می‌شود. در این نوشتار به معرفی برخی از شاخص‌ترین آنها پرداخته خواهد شد.

**استناد:** جاویدی، زهرا و بختیاری، حمیده. (۱۴۰۴). گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزاشدهٔ اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) در پاییز ۱۴۰۳. آرشیو ملی، ۸(۱)، ۱۴۱-۱۵۳.


## ۱. نمایشگاه اسناد فلسطین

نمایشگاه اسناد فلسطین که دربرگیرندهٔ ۱۷ عنوان، مشتمل بر ۲۲ برگ سند بود، به مناسبت شهادت سرداران مقاومت، تهیه و تدوین و در ساختمان آرشیو و هماهنگ با آن در ۱۳ نمایندگی استانی و منطقه‌ای برگزار شد. اسناد این مجموعه دارای موضوعاتی مانند حمایت از فلسطینیان و مهاجرت یهودیان بوده و بخش عمدهٔ آن اسناد مربوط به برگزاری کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین بود که در مهر ۱۳۷۰ برای نخستین بار در تهران برگزار شد.

موافقت با مهاجرت گروهی از یهودیان وارد شده به مشهد در اردیبهشت ۱۳۱۰ نخستین سند مجموعه بود. این سند متن تلگرافی است که به وزارت داخله ارسال و در آن اعلام شده که تابعیت ایرانی این یهودیان، محرز نشده و از انگلیسی‌ها اجازهٔ رفتن به فلسطین را گرفته‌اند. موارد دیگری از اسناد معرفی شده در این نمایشگاه عبارت‌اند از:

۱. کارشناس ارشد تاریخ، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران  
z-javidi@nlai.ir  
۲. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران  
h-bakhtiari@nlai.ir

گزارش قاچاق مواد مخدر توسط یهودیان در قوطی‌های کاکائو و لزوم بررسی‌های دقیق در کمکات، ۲ دی ۱۳۱۰ ش؛ گزارش جمع‌آوری کمک از سوی شیوخ و کدخدایان آبادان برای کمک به

|  |  |
|--|--|
| شماره .....  |         |
| تاریخ .....  | جمهوری اسلامی ایران  |
| پیوست .....  | هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی<br>کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی<br>مردم فلسطین |
| <b>بیست و نهم</b>  |  |
| اطلاعیه فرماندهی متحد ملی در کشور فلسطین اشغالی خطاب به رهبری ایران  |  |
| <u>برادران مبارز اعضای شورای انقلاب در کاد رهبری ایران</u>   |  |
| <p>ما از قلب بیت المقدس و سرزمین مبارک مسجد القصی و از سوی<br/>شهادت ابرار و پدیده سنگی مقدس انتفاضه از شما می‌خواهیم تا اجازه دهید<br/>اختلافاتی که میان شما و فرماندهی این ملت انقلابی یعنی سازمان<br/>آزادببخش فلسطین وجود دارد بر منافع والا و ملی فائق آید .<br/>ما به نمایندگی از طرف صدای انتفاضه و فرماندهی متحد ملی<br/>و صدای آزادببخش فلسطین از شما می‌خواهیم ، سرانجام خوش جشنواره‌ها<br/>و کنفرانسی‌های شما در حمایت از انتفاضه به دعوت از نمایندگان ملت فلسطین<br/>جهت حضور در این گردهمایی منتهی شود تا کنفرانس شما به موفقیت<br/>مطلوب ترنائل آید . و صداقت شما با این کار مشخص گردد .</p> |  |
| فرماندهی متحد ملی فلسطین   |  |
| ۱۹۹۰/۱۲/۳  |  |

■ تصویر شماره ۱ . پیام فرماندهی متحد ملی فلسطین به رهبری ایران با آرزوی موفقیت در برگزاری کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین؛ [۱۳۷۰ ش.].  
شناسه سند: ۴۵۵۹ - ۴۰۰

کمیته اعراب فلسطینی، ۱۴ دی ۱۳۲۶ ش؛ گزارش شهربانی از نام‌نویسی از داوطلبان و مجاهدین فلسطین در قصر شیرین با کمک و اجازه آیت‌الله کاشانی (ره)، ۲۰ خرداد ۱۳۲۷ ش؛ گزارش استانداری فارس درخصوص سخنرانی سیدحسام‌الدین فالی در مسجد وکیل با موضوع جنگ فلسطین و کمک به مسلمانان فلسطینی، ۳۱ تیر ۱۳۲۷ ش؛ اجتماع مردم شهرستان فسا در مسجد جامع آن شهر در دفاع از حقوق مردم فلسطین و اعتراض به عملکرد یهود در آن سرزمین، ۲ مرداد ۱۳۲۷ ش؛ گزارش بخشدار لردگان به استانداری اصفهان از ورود مهاجران فلسطینی به این منطقه و سکونت در دهستان جانکی، ۷ خرداد ۱۳۲۹ ش؛ دستور وزارت دارائی به گمرک درخصوص بازرسی دقیق تر وسایل یهودیان مهاجر به فلسطین اشغالی در فرودگاه در پی گزارش قاچاق طلا و نقره از سوی آن‌ها، ۲۱ مرداد ۱۳۲۹ ش؛ مکاتبه شهربانی کل و وزارت کشور درخصوص درخواست بازگشت مهاجرین یهودی به ایران پس از پذیرش ممنوع بودن بازگشت قبل از مهاجرت به فلسطین و اعلام تصمیمات وزارت به نمایندگی ایران در فلسطین، ۸ مهر ۱۳۲۹ ش؛ خلاصه گزارش گمرک از آمار مسافران، کالاها و ارزهای ضبط شده و جرایم با محوریت مهاجرین یهود، ۲۷ مهر ۱۳۲۹ ش؛ بخشی از متن عربی سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع شرکت‌کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، [۱۳۷ ش.]. متن سخنرانی دکتر علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، [مهر ۱۳۷ ش.]. پیام فرماندهی متحد ملی فلسطین به رهبری ایران با آرزوی موفقیت در برگزاری کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، [۱۳۷ ش.]. اعلام اسامی هیئت سودانی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین؛ ۲۲ مهر ۱۳۷۰ ش.؛ متن بیانیه پایانی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین (بیانیه تهران)، ۳۰ مهر ۱۳۷۰ ش.؛ قطعنامه آیت‌الله کاشانی (ره) برای حمایت از فلسطینیان، ضمیمه روزنامه دنیای اسلام؛ اطلاعیه درخصوص نام‌نویسی برای جمع‌آوری کمک‌های مالی و اعزام نیرو به فلسطین در خوزستان.

## ۲. نمایشگاه اسناد ثبت اسناد و املاک کشور

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای تدوین موزه ثبت اسناد و املاک، منتخب اسناد مرتبط با مجموعه خود را از اداره کل خدمات آرشیوی درخواست کرد. در پاسخ به این درخواست، تصاویر ۲۸ عنوان سند ۳۳ برگی برای این سازمان ارسال شد. اسناد نمایشگاه یادشده مربوط به سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی بود و بازه زمانی ۵۶ ق. / ۲۵ ه. ش. تا ۱۳۶۷ ش. را دربرمی‌گیرد.

اسناد این مجموعه به شرح زیر است:

مبايعه‌نامه فروش املاک و مزارع واقع در سمیرم فارس، توسط جمشید بن شیخ احمد بیگی به فرزندان مرادآقا، ۱۰ شعبان ۱۰۵۶ ق.؛ مصالحه‌نامه فروش ملک در شهر بسطام میان کربلایی نجار

بسطامی و جعفرقلی خان، ربیع‌الاول ۵ ۱۲۰ ق.؛ مبیعه‌نامه و اگذاری چند باب دکان واقع در میدان قدیم دارالسلطنه اصفهان مابین حاجی‌زین‌العابدین (فروشنده) و حاجی‌محمدجعفر تاجر اصفهانی (خریدار) به مبلغ ۲۰۸ تومان تبریزی، ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۲۳۷ ق.؛ نکاح‌نامه محمدحسن فرزند محمدجعفر با مریم‌خانم فرزند احمد، ۲۳ رجب ۱۲۵۹ ق.؛ مصالحه‌نامه و اگذاری یک باب باغ واقع در مجدرساوج مابین میرزامرتضی و محمدعلی، ۱۲۷۲ ق.؛ مصالحه‌نامه و اگذاری منافع باغ بلورک میرزامهدی در محله اسپهریج به میرزاحسین، ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۲۸۰ ق.؛ نکاح‌نامه میرزااسدالله فرزند ابوالقاسم تاجر شیرازی با بی‌بی صاحب‌السلطان فرزند میرزامحمود نقیب‌الاشراف، ۶ ذی‌القعدة ۱۲۸۴ ق.؛ مصالحه‌نامه فروش شش من زمین بذرافشان مابین علی فرزند جمشید و کربلایی علی میرزا فرزند علی‌اکبر به مبلغ چهار تومان و دو هزار دینار وجه رایج، ۱۲۸۷ ق.؛ اجاره‌نامه بخشی از موقوفه یحیی‌آباد از سوی محمدحسن فیروزآبادی به مصطفی‌خان امیرتومان به مدت ده سال به مبلغ پنج هزار وجه رایج خزانة، رمضان ۱۲۹۳ ق.؛ مصالحه‌نامه مابین حسنعلی خلف علی‌نقی‌البادرانی و محمدحسین خلف حاجی‌محمد درخصوص واگذاری بخشی از باغ مشهور به باغ ابراهیم واقع در کوچه نجارباشی لبنان مابین اصفهان، ۲۷ شوال‌المکرم ۱۳۰۹ ق.؛ ذمه‌نامه محمدهاشم زنجانی (داین) به فیض‌الله افجه (مدیون) برای پرداخت مبلغ دین خود با مبلغ یک تومان و ده هزار دینار وجه نقد در مدت یک سال، ۱۲ شعبان ۱۳۲۴ ق.؛ استشهادیه جمعی از مؤمنان، علما و سادات روستای [سوریان] درخصوص سارقان اسب و قاطر، [شوال ۱۳۳۱ ق.]: استشهادیه محلی درخصوص تأیید حدود قریه قمی‌آباد از مطلعان محلی، ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۳۳۶ ق.؛ رونوشت وقف‌نامه‌ای درخصوص وقف قسمتی از مزرعه دهنارکاشان با کاروانسرای اختصاصی آن، قهوه‌خانه و قنات جعفرآباد (متعلق به سیدجعفر طباطبایی)، تعیین متولی و مصارف موقوفه مذکور، همراه با گواهی ورثه در حاشیه سند، غره محرم ۱۳۶۵ ق.؛ سواد وکالت‌نامه محمدتقی به امیرعابدین مقیم‌زاده، برای خریدوفروش بروات تجارته تجارت‌خانه شرکت هاشمی، ذی‌قعدة ۱۳۴۲ ق.؛ مکاتبه خزانة‌داری با اداره تفتیش کل درخصوص تفتیش ثبت اسناد تبریز، ۲ شهریور ۱۳۱۰ ش.؛ تقاضای اهالی مرغملک، کرسنگ و اوج بقاز، از اداره حکومت منطقه چهارمحال برای تعیین حاجی‌آخوند به منظور رسیدگی به کارهای جزئی ونوشتجات شرعی، ۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ ش.؛ مکاتبه رئیس مالیه نیشابور با اداره ثبت اسناد و املاک درخصوص مالیات صاحبان محاضر، ۱ آبان ۱۳۱۳ ش.؛ واگذاری حق امضاء همه احکام و نامه‌های صادره مربوط به اداره کل ثبت به عبدالله مستوفی در غیاب متین‌دفتری کفیل وزارت عدلیه از سوی رئیس‌الوزراء، [شهریور ۱۳۱۵ ش.؛ مکاتبه کفیل حکومت بندر دیلم با حکمران بوشهر و بنادر جنوب با موضوع صدور دستور تأسیس دفتر ازدواج رسمی به نام پیش‌نماز آن بندر، ۲۸ فروردین ۱۳۱۶ ش.؛ تقاضای بخشدار داراب از استاندار جنوب، مبنی بر لزوم تأسیس دفتر ثبت اسناد رسمی در آن بخش، ۲۲ دی ۱۳۱۶ ش.؛ مکاتبه کفیل وزیر دادگستری با نخست‌وزیر درخصوص پاسخ به نامه محمد وجدانی مبنی بر انتصاب مجدد وی به سردفتری درجه اول، ۲۲ اسفند ۱۳۱۸ ش.؛ پاسخ



■ تصویر شماره ۲. نکاح‌نامه محمدحسن فرزند محمدجعفر با مریم‌خانم فرزند احمد؛ ۲۳ رجب ۱۲۵۹ ق. شناسه سند: ۲۹۶-۲۴۶۴۳

ثبت کل اسناد و املاک استان هفتم (فارس) به درخواست واگذاری سردفتری ازدواج و رهایی (طلاق) برزجان به یکی از متقاضیان خوش‌نام محلی و اعلام شرایط احراز آن مقام، ۱۶ آذر ۱۳۱۹ ش.؛ آگهی رئیس ثبت اسناد دامغان درخصوص تأسیس دفترخانه اسناد رسمی درجه ۳ در ۵ بخش آن شهرستان و چگونگی استخدام چند نفر سر دفتردار و دفتربار برای آن مراکز، ۷ اردیبهشت ۱۳۲۶ ش.؛ درخواست رئیس ثبت اسناد استان هفتم از شهردار مرودشت با موضوع ارسال مدارک شخص واجد شرایط برای تأسیس دفتر اسناد رسمی در قصبه محل کارخانه قند، ۱۴ تیر ۱۳۳۱ ش.؛ لایحه قانونی راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض و اراضی مجاور معابر عمومی در ده ماده و شش تبصره، ۲۸ خرداد ۱۳۳۲ ش.؛ مکاتبه استاندار خراسان با اداره ثبت اسناد و املاک، مبنی بر لزوم صدور دستور تأسیس اداره ثبت اسناد رسمی در بخش اسفراین، ۲۲ مهر ۱۳۳۷ ش.؛ ارسال مکاتبه سرپرست دفتر امور حقوقی و مجلس با استاندار سمنان درخصوص نامه‌های کمیسیون اصل نود و تقاضای اهالی مهدی شهر (سنگسر سابق) جهت تأسیس شعبه دفتر ثبت اسناد و املاک، شعبه تأمین اجتماعی و... برای رسیدگی و اعلام نتیجه از سوی ادارات تابعه، ۱۷ دی ۱۳۶۷ ش.

### ۳. نمایشگاه یک جهان اندیشه به مناسبت هفته کتاب، کتابخانه و کتابدار

هم‌زمان با برگزاری هفته کتاب و در روز کتابدار، تصاویر اسناد منتخب با موضوع کتابدار و کتابداری به ۱۳ نمایندگی استانی و منطقه‌ای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ارسال شد. اسناد نمایشگاه یک جهان اندیشه در ۳۹ عنوان شامل ۴۴ برگ و ۱۰ قطعه عکس تدوین شد.

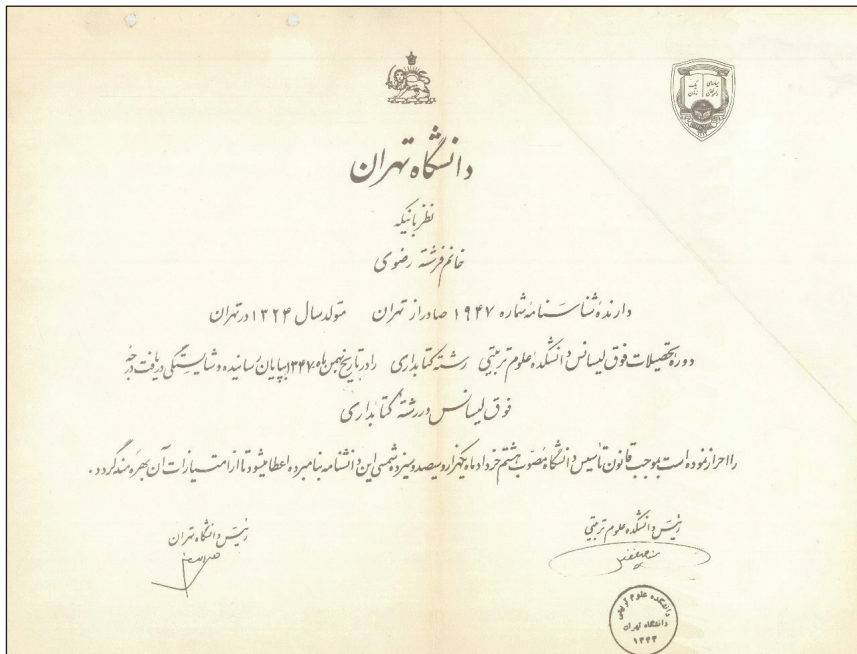
حکم ترفیع علیقلی خان، کتابدار مدرسه دارالفنون به سمت منصب آجودانی در ربیعالاول ۱۲۷۱ ق. / آذر ۱۲۳۳ ش. نخستین سند مجموعه ارسالی است. از شاخص‌ترین اسناد این نمایشگاه می‌توان به قرارداد استخدام پروین اعتصامی، شاعر برجسته کشورمان به عنوان کتابدار دانشسرای عالی در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در تیر ۱۳۱۴ ش. اشاره کرد. همچنین نمونه دانشنامه دوره فوق‌لیسانس دانشگاه تهران از دیگر اسناد جالب نمایشگاه یاد شده است.

سایر اسناد این مجموعه به شرح زیر بودند:

درخواست از حجت‌الاسلام مدرسی، متولی مدرسه ناصری برای موافقت با حضور پنج‌روزه کتابدار مدرسه در کتابخانه به منظور تهیه صورت کتب آن، ۱۲ مهر ۱۳۰۵ ش.؛ درخواست از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای ارجاع شغل به رئیس سابق کتابخانه سلطنتی، ۱۳ دی ۱۳۰۶ ش.؛ رونوشت ابلاغ حکم انتصاب میرزاهاشم خان شمس داوری به سمت مدیری، ماشین‌نویسی و کتابداری کتابخانه عمومی، ۱ تیر ۱۳۱۳ ش.؛ قرارداد استخدام مهدی [حصیبی] به سمت کتابداری دانشکده فنی دانشگاه تهران، ۲۲ آبان ۱۳۱۷ ش.؛ ابلاغ مصوبه هیئت‌وزیران در موافقت با مأموریت سه‌ماهه رئیس کتابخانه دانشکده تهران به فرانسه و انگلستان برای بازدید کتابخانه‌های بزرگ و کسب اطلاع از روش‌های جدید کتابداری، ۷ مرداد ۱۳۳۵ ش.؛ بخش‌نامه وزارت فرهنگ و هنر درخصوص معرفی متقاضیان شرکت در دوره آموزش ضمن خدمت تربیت بایگان و کتابدار متخصص دانشگاه تهران و شرایط شرکت در آن، ۱۰ آبان ۱۳۳۳ ش.؛ ابلاغ تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در اجرای مصوبه اخذ تضمین از صاحب‌جمعان جنسی درمورد کتابدار دانشسرای عالی دانشگاه تهران به دلیل دراختیارداشتن ششصد هزار ریال کتاب، ۹ خرداد ۱۳۳۶ ش.؛ واگذاری نظارت بر چاپ کتاب «کنزالحکمه و روضه خلد» به حسین خدیوچم، کتابدار کتابخانه ملی و درخواست وی از اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر برای ابلاغ اجازه چاپ کتاب به چاپخانه تهران مصور، ۲۱ آبان ۱۳۴۵ ش.؛ گسترش کتابخانه دبستان‌های دولتی قریه چیدر و درخواست از وزیر آموزش و پرورش برای اعزام نیرو جهت کمک در کارهای کتابخانه، ۲۷ دی ۱۳۴۷ ش.؛ شرح وظایف کتابدار نخست‌وزیری، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۱ ش.؛ لزوم توسعه کتابخانه‌های موجود در مدارس ابتدایی، ایجاد کتابخانه‌های جدید دبستان‌ها و درخواست تکمیل فرم‌های ارسالی برای کسب اطلاع از تعداد و مشخصات کتابداران، تعداد کتابخانه‌ها و کتابهای موجود در آنها و آشنایی با مقتضیات اقلیمی و امکانات حوزه‌های آموزشی کشور، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۱ ش.؛ تشکیل دوره کلاس کارآموزی برای کتابداران کتابخانه‌های مدارس کشور در انستیتو مدیریت و دستور معرفی یک نفر کتابدار مدرسه به منظور شرکت در آن، ۲۳ مهر ۱۳۵۱ ش.؛ اعلام اسامی قبول‌شدگان و افراد ذخیره امتحانات کتابداری وزارت فرهنگ و هنر در روزنامه برای مراجعه به حوزه امتحانی و انجام مصاحبه، [۱۳۵۳ ش.]; مکاتبه دبیرکل هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور با فرماندار بابل درخصوص پیش‌بینی‌های



به عمل آمده برای بهبود وضع کتابخانه عمومی امیرکلا از جمله استخدام کتابدار، ارسال کتابهای مرجع و تأمین بودجه آن، ۲ دی ۱۳۵۳ ش.؛ آگهی وزارت فرهنگ و هنر برای استخدام کتابدار، درج شده در روزنامه کیهان، ۲۳ دی ۱۳۵۳ ش.؛ اسامی دیپلمه‌های شرکت‌کننده در مسابقه ورودی کتابداری وزارت فرهنگ و هنر، [۱۳۵۴ ش.].؛ برنامه آموزشی لیسانس‌ها و دیپلمه‌های دوره کتابداری اداره کل فرهنگ و هنر کرمان، [فروردین ۱۳۵۴ ش.].؛ اسامی شرکت‌کنندگان در کلاس آموزش کتابداری اداره کل فرهنگ و هنر کرمان، ۲ اردیبهشت ۱۳۵۴ ش.؛ معرفی مطهره ستاری، کارمند فنی کتابخانه مدرسه عالی امور اداری و بازرگانی کرمان به فرهنگ و هنر آن استان جهت گذراندن دوره کتابداری، ۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ ش.؛ اعلام مشخصات مدرسان مدعو دوره آموزش کتابداری و تعداد ساعات تدریس آنان در اداره کل فرهنگ و هنر کرمان، ۱۸ تیر ۱۳۵۴ ش.؛ اعلام مشخصات مدرسان دوره آموزش کتابداری و تعداد ساعات تدریس آنان در اداره کل فرهنگ و هنر کرمان، ۱۸ تیر ۱۳۵۴ ش.؛ اعلام استخدام دو کتابدار برای میناب و بستک در آگهی نیازمندی‌های استخدامی اداره کل فرهنگ و هنر هرمزگان، [۱۳۵۶ ش.].؛ انتقاد استاندار هرمزگان از بسته بودن کتابخانه جزیره قشم و دستور اداره آن با دو کتابدار به منظور جلوگیری از تعطیلی، ۱ بهمن ۱۳۵۶ ش.؛ نامه مدیرکل فرهنگ و هنر فارس به فرمانداری اقلید درباره



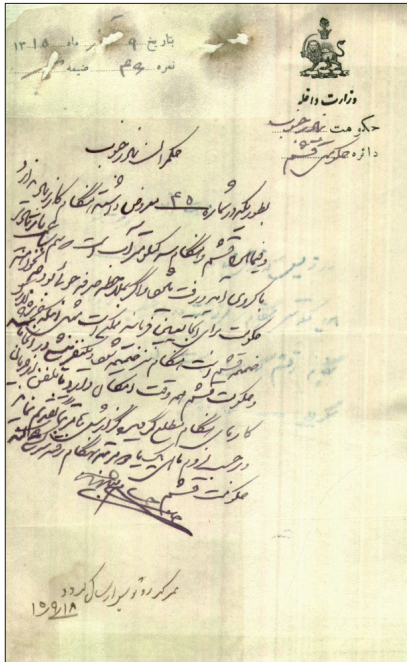
■ تصویر شماره ۳. دانشنامه فرشته رضوی، فارغ التحصیل رشته کتابداری دوره فوق لیسانس دانشگاه تهران؛ [۱۳۴۷ ش.].  
شناسه سند: ۲۰-۳۰۶۲

اعزام کتابدار برای کتابخانه آن شهر و احداث کتابخانه عمومی جدید در اراضی واگذار شده منابع طبیعی با تأمین اعتبار آن، ۲۲ خرداد ۱۳۵۷ ش.؛ درخواست اداره فرهنگ و هنر استان ساحلی برای صدور پایه ترفیع خدمت سربازی چند تن از کارکنان وظیفه از جمله کتابدار آن اداره کل، ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ ش.؛ معرفی حبیب صمدی برای اجرای تصمیم انجمن کتاب استان آذربایجان غربی در تنظیم کتابخانه‌های ارومیه بر اساس طبقه‌بندی دیویی و برگزاری نمایشگاه کتاب بر طبق طبقه‌بندی فوق در سطح شهر، ۱۵ آبان ۱۳۵۸ ش.؛ درخواست از کتابخانه عمومی سلماس برای آموزش کتابداری به خلیل ارجمندی، فرد معرفی شده از فرمانداری آن شهرستان، ۱۲ مهر ۱۳۶۱ ش.؛ معرفی کتابدار کتابخانه عمومی شهرستان خدابنده و درخواست مدیرکل ارشاد استان زنجان از فرمانداری برای همکاری در مورد حضور و غیاب وی، پیشبرد اهداف فرهنگی و فعال نمودن کتابخانه، ۴ دی ۱۳۶۲ ش.؛ ابلاغ حکم فرامرز گرجیان برای کار در کتابخانه عمومی هندیجان، ۱ بهمن ۱۳۶۸ ش.؛ بخشی از آیین‌نامه انتخاب کتابدار نمونه، مهر ۱۳۷۲ ش.؛ آمار کتابخانه‌های استان لرستان از نظر تعداد کتابدار کارشناس، کاردان، دبلم، زیردبلم رسمی و غیررسمی و با اعلام تعداد اعضاء فعال، مراجع ماهانه و شمار کتب موجود؛ ۷ تیر ۱۳۷۷ ش. تصاویری از درب ورودی کتابخانه و قرائت‌خانه اداره فرهنگ خراسان؛ نمای بیرونی کتابخانه مرکز پرورش فکری کودکان در نیاوران تهران؛ سالن مطالعه کتابخانه مجلس شورای ملی؛ منتخبی از تصاویر مراسم تجلیل از کتابداران نمونه و بازنشستگان کتابدار کتابخانه‌های عمومی استان تهران و فعالیت علی یگانه، کتابدار سیار، در روستاهای بوشهر، اردیبهشت ۱۳۵۱ ش. عناوین عکس‌های ارسالی است.

#### ۴. نمایشگاه اسناد قشم

هم‌زمان با نشست تخصصی «استعمار بریتانیا در جزیره قشم» در ۷ آذر ۱۴۰۳ نمایشگاه اسناد تاریخی قشم و باسعیدو در جنب نشست برگزار شد. تصاویر ۲۰ عنوان سند مشتمل بر ۲۵ برگ از اسناد موجود در آرشیو ملی متعلق به بازه زمانی ۱۲۸۹ ش. تا ۱۳۵۵ و با موضوعات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قشم، در قالب قاب‌های نمایشگاهی آماده و ارسال شد. اسناد این نمایشگاه به شرح زیر بودند:

مکاتبه رئیس مجلس شورای ملی با وزارت مالیه در خصوص سؤال احتمالی برخی نمایندگان مبنی بر تغییر کاربری یکی از ساختمان‌های دراختیار انگلیس واقع در جزیره باسعیدو از جزایر متصل به قشم و ورود تجهیزات از گمرک بندر لنگه متفاوت با کاربری اولیه، ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۸ ق. / ۲ دی ۱۲۸۹ ش.؛ گزارشی از مدارس علوم دینی و مکتب‌خانه‌های قشم و توابع بندرعباس، اعلام نام مؤسس، زمان تأسیس، تعداد دانش‌آموزان و دروس تدریس شده در آنها، [۱۳۳۳ ق.؛ کمی بارش در قشم و درخواست موافقت با تخفیف مالیاتی اهالی آن، ۲۹ محرم ۱۳۳۴ ق. / ۱۵ آذر ۱۲۹۴ ش.؛ نامه وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه به وزارت امور خارجه برای تذکر



■ تصویر شماره ۴. پیشنهاد حکومت قشم به حکمران بنادر جنوب برای ضمیمه کردن هنگام به قشم به منظور صرفه جویی در بودجه و تعیین منشی جهت گزارش کارهای جزیره؛ ۹ آذر ۱۳۱۵ ش.  
شناسه سند: ۱۸۸۸-۲۹۰

به کمپانی نفت به دلیل استخراج گوگرد، ماسه سیاه و ... از معادن قشم و عدول از قرارداد با دولت ایران، ۱ آبان ۱۲۹۹ ش.؛ ارسال رونوشت گزارش شیوع طاعون در قشم، نبود پزشک و بیم افزایش تلفات از سوی گمرک به وزارت مالیه برای اتخاذ تصمیم‌های لازم، ۳ اردیبهشت ۱۳۰۳؛ گزارش اکتشاف نفت در قشم، [اسفند ۱۳۰۳ ش.]; مکاتبه کارگزاری مهمام خارجه بندرعباس (سدیدالسلطنه) با کارگزاری بنادر درخصوص ارسال گزارش تشکیل جلسه پانزدهم شرکت عمومی محدوده نفت انگلیس و ایران در لندن با موضوع جزیره قشم، ۲۲ اسفند ۱۳۰۳ ش.؛ درخواست مردم جزیره قشم از نماینده مجلس شورای ملی به منظور وساطت و مذاکره برای استثنای اهالی جزیره در پوشیدن کلاه پهلوی به دلیل ملاح بودن مردم منطقه و اشتغال آنان در دریا، ۲۴ دی ۱۳۰۸ ش.؛ درخواست وزارت جنگ از ریاست وزرا برای اعلام نتیجه تصمیمات گرفته شده درخصوص

عملیات انگلیسی‌ها در باسعیدو، ۹ اردیبهشت ۱۳۰۹ ش.؛ گزارش کفیل نیابت حکومت قشم به حکمران کل بنادر و خلیج ایران و دشتی و دشتستان از وضعیت عادی جزیره قشم، رضایت از عملکرد مأموران دولتی و تمایل مردم به مهاجرت به عمانات به دلیل افزایش عوارض گمرکی و خشکسالی، ۱۰ اسفند ۱۳۱۰ ش.؛ گزارش کفیل نیابت حکومت قشم از ورود و خروج مهندسان شرکت نفت ایران و انگلیس، ۲۲ مهر ۱۳۱۱ ش.؛ آمار و مشخصات معلمان، تعداد دانش‌آموزان و امکانات دبستان ملی جزیره قشم، [۱۳۱۳ ش.]; مکاتبه دفتردار و متصدی حمل و نقل و استخراج خاک سیخ ایران (جزیره هرمز، قشم و لارک) با وزیر مالیه درباره حساب‌سازی‌های صورت گرفته، درآمدهای حاصله و درخواست وقت دیدار حضوری به همراه آماری از درآمدها و میزان مواد صادراتی، ۱۲ آذر ۱۳۱۳ ش.؛ مکاتبه کفیل حکومت قشم با والی ایالت فارس درخصوص لزوم ابلاغ تحویل و تحول صورت گرفته در اداره حکومتی جهرم با تغییر سمت وی، ۱۲ تیر ۱۳۱۵ ش.؛ پیشنهاد حکومت قشم به حکمران بنادر جنوب برای ضمیمه کردن هنگام به قشم به منظور صرفه جویی در بودجه و تعیین منشی جهت گزارش کارهای جزیره، ۹ آذر ۱۳۱۵ ش.؛ گزارش

تلگرافی درخصوص ممانعت گمرک و شهرداری از حمل خرما به جزیره قشم و درخواست صدور جواز آزادی حمل آن، ۲۵ مرداد ۱۳۲۱ ش.؛ قسمتی از گزارش توصیفی جزیره قشم و بیان امکانات و کاستی‌های آن، و لزوم احداث پل جزیره، [۱۳۵۲ ش.]; غیرضروری تشخیص دادن ساختمان پل برای ایجاد ارتباط بین جزیره قشم و ساحل بندرعباس در جلسه سازمان برنامه و بودجه، ۱۷ دی ۱۳۵۲ ش.؛ نبود اعتبار در شهرداری قشم برای اجرای دستورالعمل وزارت کشور در ایجاد تأسیسات رفاهی توریستی در شهر و درخواست از استانداری به منظور صدور دستور مقتضی در این مورد، ۱۴ آبان ۱۳۵۳ ش.؛ مکاتبه درخصوص ارسال ده جلد پوشه آماری از صاحبان اعیانی ده قریه از روستاهای جزیره قشم؛ ۹ [خرداد] ۱۳۵۵ ش.

### ۵. نمایشگاه روایت تصویری بسیج و جهاد مقدس

۵ آذر، سالروز صدور فرمان امام خمینی (ره) برای تأسیس بسیج مستضعفان است. بسیج در زمان جنگ ایران و عراق از بازوهای اصلی دفاع در مقابل دشمن متجاوزگر بود. اداره ارتباطات آرشویی به مناسبت سالروز تشکیل این نهاد مردمی، نمایشگاهی از عکس‌های حضور بسیجیان در جبهه‌های جنگ را در قالب قاب‌های نمایشگاهی آماده و به بسیج نهاد ریاست جمهوری و ۱۳ نمایندگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در مناطق مختلف کشوری ارسال کرده است. عکس‌های این نمایشگاه با عناوین آموزش دفاع نظامی به بسیجیان، شوق اعزام، مراسم بدرقه بسیجیان با حضور خانواده و دوستان، زندگی عادی بسیجیان در جبهه‌ها، رعایت اخلاق



■ تصویر شماره ۵. چه با زره چه با تن آماده دفاع؛ رزمندگان بسیجی در حال آموزش دفاع زرهی و نبرد با تانک. شناسه سند: ۹-۲۱-۲۱-۲۵

در مواجهه با اسرار، آمادگی برای شرکت در رزم و اعزام به خط مقدم، حضور اقسار مختلف مردم در جبهه، خواهران بسیجی، دیده‌بانی در جنگ، ساعت تنهایی در جبهه‌ها، برافراشتن پرچم در مناطق جنگی، خنثی کردن مین، حمایت از جبهه‌ها و جمع‌آوری کمک‌های مردمی آماده و برای برگزاری به مراکز درخواست‌کننده ارسال شدند.

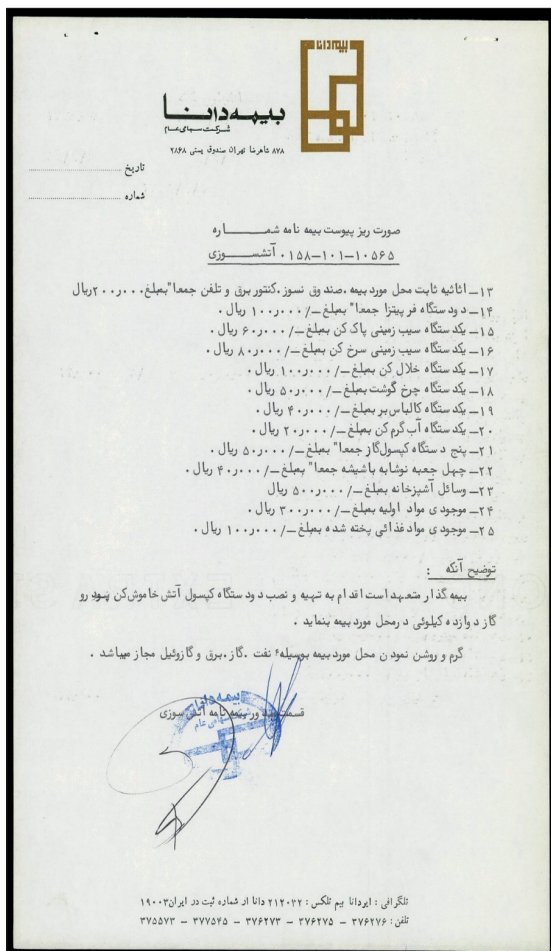
## ۶. نمایشگاه اسناد بیمه و آموزش و پرورش

بیمه فرایندی است که در آن شرکت بیمه متعهد میشود در مقابل دریافت وجهی از بیمه‌گذار او را در زمان وقوع خسارت حمایت کند. ایرانیان اولین بار در سال ۱۲۸۹ استفاده از بیمه را با فعالیت دو مؤسس روسی تجربه کردند. از آن زمان تا تشکیل یک شرکت بیمه ایرانی ۲۵ سال طول کشید تا اینکه در ۱۵ آبان ۱۳۱۴ شرکت سهامی بیمه ایران به‌عنوان اولین شرکت ایرانی بیمه تأسیس شد. با وجود تشکیل بیمه در آن زمان چیزی به‌عنوان روز بیمه در تقویم کشور مطرح نبود تا اینکه هم‌زمان با تصویب قانون اداره امور شرکت‌های بیمه در ۱۳ آذر ۱۳۶۷ روز بیمه وارد تقویم کشوری شد.

اداره ارتباطات آرشیوی به‌مناسبت فرارسیدن روز بیمه و به درخواست شرکت بیمه معلم، تصاویر اسناد منتخب بیمه را در ۲۹ عنوان، مشتمل بر ۶۱ برگ سند آماده و ارسال کرد. قدیمی‌ترین سند مجموعه ارسالی، آگهی شرکت سهامی بیمه در ۲۵ فروردین ۱۳۱۹ بود که شرکت سهامی بیمه ایران برای بیمه زندگی، اثاثیه، خانه، اموال و ماشین در مقابل خطراتی چون فقر، آتش‌سوزی، خرابی، غرق، تصادم و ضایع شدن منتشر کرده بود. جدول آماری میزان حق بیمه‌های دریافتی و خسارت پرداختی شرکت سهامی بیمه ایران در استان سمنان از متأخرترین اسناد ارسالی بود.

سایر اسناد عبارت‌اند از:

احضار تعدادی از مسئولان شرکت بیمه ایران به دفتر بازرسی مخصوص نخست‌وزیر برای ادای توضیح درمورد شکایت صورت‌گرفته از آن بیمه، ۱۰ مهر ۱۳۲۵ ش.؛ شرایط اعلامی شرکت سهامی بیمه ایران برای صدور گواهی استراحت یا مرخصی استعلاجی با گواهی صادره به امضای پزشک معالج و اطلاع بیمه فرهنگیان در موارد ضروری، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۹ ش.؛ زیان شرکت سهامی بیمه ایران از اجرای بیمه فرهنگیان و مقدور نبودن انجام تقاضای بیمه خدمتگزاران جزء، ۲۵ آذر ۱۳۲۹ ش.؛ تخصیص بودجه حق‌العلاج و جبران زیان‌های مالی کارمندان و معلمان در بودجه فرهنگ و پیشنهاد تشکیل کمیسیون برای تصمیم‌گیری درمورد چگونگی استفاده از آن، ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ ش.؛ آغاز به کار مجدد بیمه فرهنگیان با قرارداد شرکت سهامی بیمه ایران و اعلام شرایط استفاده و دریافت دفترچه بیمه، ۷ مهر ۱۳۳۰ ش.؛ ابلاغ بخش‌نامه وزارت فرهنگ به مراکز اداری و فرهنگی تابعه درخصوص مسئول نبودن شرکت بیمه به پرداخت هزینه مداوای بیمه‌شدگان فرهنگی هنگام مراجعه به پزشکان غیرمنتخب و سعی در اطلاع‌رسانی به بیمه در صورت ابتلا به بیماری سخت در حین معالجه، ۸ بهمن ۱۳۳۱ ش.؛ خودداری اداره فرهنگ فارس در وصول



■ تصویر شماره ۰۶ نمونه بیمه آتش سوزی صادر شده در بیمه دانا شناسه سند: ۱۸۸۸ - ۲۹۰

حق بیمه از پیمانکاران تابعه و درخواست سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران از وزارت فرهنگ برای اعلام دستورات لازم در این خصوص، ۲۸ بهمن ۱۳۳۷ ش.؛ بخشنامه وزیر فرهنگ در خصوص بسط و توسعه بیمه فرهنگیان با شرکت سهامی بیمه ایران و چگونگی تأمین منابع مالی آن، ۱۹ مرداد ۱۳۳۸ ش.؛ آیین‌نامه «پرداخت کمک‌هزینه معالجه و جبران زیان مالی کارمندان و کارکنان وزارت فرهنگ»، ۲۵ شهریور ۱۳۳۸ ش.؛ بخش‌نامه اداره کل بازرسی به اداره فرهنگ در مورد موافقت با آمادگی شرکت بیمه ایران برای بیمه دانش‌آموزان با حق بیمه اعلام شده و درخواست توجیه مزایای آن در انجمن‌های خانه و مدرسه برای اولیای دانش‌آموزان، ۱۷ آبان ۱۳۳۸ ش.؛ درخواست

رئیس فرهنگ خلخال از ریاست اداره کل رفاه معلم وزارت فرهنگ برای منظور کردن اعتبار مورد نیاز در اجرای مقررات بیمه فرهنگیان منطبق بر بودجه سال تحصیلی جاری، ۲۴ شهریور ۱۳۳۹ ش.؛ نبود پزشک برای درمان دانش‌آموزان و فرهنگیان محتاج معالجه در فیروزآباد و درخواست از وزارت فرهنگ برای اعلام اقدامات انجام شده در خصوص انتخاب پزشک برای شهرستان یادشده، ۱۱ اسفند ۱۳۳۹ ش.؛ درخواست تعویض دفترچه بیمه سیداحمد حسینی به دلیل تغییر شرایط استخدامی و اعلام حقوق دریافتی وی، ۳۰ تیر ۱۳۴۱ ش.؛ نبود وسیله و خطوط ارتباطی در منطقه بهنام بازوکی ورامین برای استفاده از پزشک بیمه ورامین و درخواست تعدادی از فرهنگیان



از شرکت بیمه فرهنگیان برای قراردادن رئیس بیمارستان آن منطقه در کادر پزشکان بیمه، ۱ بهمن ۱۳۴۱ ش.؛ مکاتبه وزارت دارائی با وزارت فرهنگ درخصوص طرح بیمه دانشجویان دولت، ۲۷ شهریور ۱۳۴۲ ش.؛ تهیه فرم ارزیابی استفاده از خدمات بیمه موجود در اداره کل بازرسی اداره رفاه معلم در پی شکایت از عدم رضایت مراجعان از کیفیت خدمات دهی، ۲۴ دی ۱۳۴۲ ش.؛ اقدام شرکت سهامی بیمه ایران در انتشار دفترچه ویژه برای انواع بیمه عمر و درخواست از وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر برای کمک به بیمه ایران در پیاده کردن این طرح و پوشش آن در بین مردم، ۱۱ آذر ۱۳۵۳ ش.؛ اعلام تعرفه بیمه اتومبیل مصوب شرکت های بیمه، [تیر ۱۳۵۶ ش.؛ اساسنامه ۶۸ ماده ای شرکت سهامی عام بیمه تهران، [۱۳۵۶ ش.؛ صورت ریز پیوست بیمه آتش سوزی بیمه دانا، [۱۳۵۸ ش.؛ بخش نامه شرکت سهامی بیمه ایران به شعبه سمنان خود درخصوص تمدید بیمه حوادث دانش آموزان، هنرجویان، کارکنان اداری و آموزشی و دانشجویان تربیت معلم و تذکر چند نکته در این خصوص، ۱۳ خرداد ۱۳۶۴ ش.؛ قرارداد بیمه امراض و حوادث معلمین، کارمندان و خدمتگزاران فرهنگ بین بیمه ایران و وزارت فرهنگ؛ صورت اسامی پزشکان بیمه فرهنگیان و تخصص های مربوطه؛ ترازنامه شرکت سهامی بیمه ایران، پیش از تقسیم در پایان سال ۱۳۴۳؛ سیاهه حساب سود و زیان شرکت سهامی بیمه ایران در پایان اسفند ۱۳۴۳.؛ صورت درآمد و هزینه شرکت سهامی بیمه ایران در پایان سال ۱۳۴۳ ش.؛ بیمه نامه آتش سوزی بیمه دانا.

A Report on the Autumn 2024  
Mobile Exhibitions Conducted by

**the General**

**Directorate of Archival Services**

(Archival Communications Group)

Zahra Javidi<sup>1</sup>, Hamideh Bakhtiari<sup>2</sup>



Throughout autumn 2024, Iran's National Library and Archives' General Directorate of Archival Services (Archival Communications Group) conducted a series of mobile exhibitions based on historical events. These exhibitions were aimed at introducing research and cultural communities, and the public, to the collections of National Archives of Iran. The topic of the exhibitions comprised pictures of selected archival documents, selected and mounted in exhibition sets, and made available to requesting organizations and centers in the organization. This report refers to a selection of the most important exhibitions.

**Citation:** Javidi, Z. and Bakhtiari, H. (2025). A Report on the Autumn 2024 Mobile Exhibitions Conducted by the General Directorate of Archival Services (Archival Communications Group). *National Archives*, 8(1), 141–153

1. Master of History, National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran z-javidi@nlai.ir  
2. Master of Knowledge and Information Science, National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran h-bakhtiari@nlai.ir  
Copyright © 2025, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Recognition of Materials and Decorative Tools in  
Qara Qoyunlu Manuscript Illumination:

# A Study of the Manuscript of the Divan of Hafez Sa'd Tabrizi Written By Shaykh Mahmood Purbudaqi

Somayeh Zarei<sup>1</sup>, Ali Asghar Fahimifar<sup>2</sup>  
Homayoun Haj Mohammad Hosseini<sup>3</sup>

**Keywords:**  
Recognition of  
Materials and  
Tools, Ornaments  
of Manuscript  
Illumination, Divan  
of Hafez Sa'd Tabrizi,  
Manuscript Studies,  
Qara Qoyunlu.

1. PhD student, Department of  
Research in Art History, Tarbiat  
Modares University, Tehran,  
Iran (Corresponding Author)  
s\_zarei@modares.ac.ir  
2. Associate Professor,  
Department of Research in  
Art History, Tarbiat Modares  
University, Tehran, Iran  
fahimifar@modares.ac.ir  
3. Assistant Professor,  
Department of Research in  
Art History, University of  
Mazandaran, Mazandaran, Iran  
h.hosseini@umz.ac.ir  
Copyright © 2025,  
NLAI (National  
Library & Archives of  
I. R. Iran). This  
is an Open Access  
article distributed  
under the terms of the  
Creative Com-  
mons Attribution 4.0  
International,  
which permits others  
to download this  
work, share it with  
others and adapt  
the material for any purpose.

Jahanshah Qara Qoyunlu, along with his son Pir Budaq (1454–1467), ruled in western Iran, particularly in Tabriz, Shiraz, and Baghdad. They took possession of the manuscript illumination workshops from the Jalayirid and Timurid periods. The peak of attention to the art of manuscript illumination is evident during Pir Budaq's reign in Shiraz. One of the prominent examples of this period is the Divan of Hafiz Sa'd Tabrizi, penned by Sheikh Mahmud Pir Budaqi (864 AH/CE), which is held in the British Library under the number or. 11846. Concurrently with the writing of this manuscript, Pir Budaq sent a letter to the Dar al-'Ibada of Yazd, requesting materials such as lapis lazuli, silvi-ye khata'i, and dohaneh-ye farangi.

This research, based on the hypothesis that the aforementioned letter was written to procure the necessary materials for the illumination of this manuscript, investigates the following questions: How are the materials and tools of illumination represented in the Qara Qoyunlu period? And what were the applications of lapis lazuli, silvi-ye khata'i, and dohaneh-ye farangi in the decorations of this copy of the Divan of Hafiz Sa'd? The present research employs a survey method with a descriptive-analytical approach, utilizing library and documentary research, and focuses on analyzing and describing the decorations of this Divan to compare the materials and colors used in it with the content of Pir Budaq's letter in 1460. The findings of this research indicate that this manuscript is decorated using a diverse range of materials. This variety in decorative elements reflects the high level of manuscript illumination techniques during the Qara Qoyunlu period. Furthermore, historical documents, including the official letter from the ruler in the same year requesting the provision of materials, demonstrate his supportive and effective role in promoting the art of manuscript illumination during the Qara Qoyunlu era.

**Citation:** Zarei, S., Fahimifar, A. A. and Haj Mohammad Hosseini, H. (2025). Recognition of Materials and Decorative Tools in Qara Qoyunlu Manuscript Illumination: A Study of the Manuscript of the Divan of Hafez Sa'd Tabrizi Written By Shaykh Mahmood Purbudaqi. *National Archives*, 8(1), 116–140.

A Study of the

## Condition of the Meat

# Supply during the Naser al-Din Shah and Mozaffar al-Din Shah Reigns

(1848–1906)

Farideh Toloeiyan<sup>1</sup>



Meeting the minimum livelihood requirements of the population has always been a concern of rulers and a sign of economic and political strength of a country. Meat has had a long-standing significance in Iranian food culture. During Naser al-Din Shah and Mozaffar al-Din Shah of the Qajar dynasty (1264–1324 AH / 1848–1906 CE), it was public protests that erupted as a result of meat shortages and unaffordable prices. This study, based on library and archival documents and descriptive-analytic method, explores the root causes of this issue and the determinants of the problem. Historical records show widespread profiteering and unlawful conduct by influential players in the chain of meat supply and distribution, ranging from butchers to government officials. State agents, by forcing butchers and owners of slaughterhouses to provide margins and commissions over prices, were exerting pressure on them, which resulted in inflation and colossal discontentment from the masses. The state, in multiple attempts, not only attempted addressing the issue but also attempted incentive-policies and punishments, none of which yielded the desired.

**Citation:** Toloeiyan, F. (2025). A Study of the Condition of the Meat Supply during the Naser al-Din Shah and Mozaffar al-Din Shah Reigns (1848–1906). *National Archives*, 8(1), 95–115.

#### Keywords:

Butchers, Inflation, Taxation, Naser al-Din Shah, Mozaffar al-Din Shah, Constitutional Revolution

1. Master's Degree in Contemporary History, National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran Tolofarideh@gmail.com Copyright © 2025, NLAJ (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Copied and Collected:

# Firmans, Petitions, and the Political History of Qajar Iran

Assef Ashraf<sup>1</sup>

Translated By: Farshid noroozi<sup>2</sup>, Hamidreza Aryanfar<sup>3</sup>

**Keywords:**

Iran, Qajar, Political  
history, Archival  
sources

1. Associate Professor,  
Department of Middle Eastern  
and Iranian Studies, Cambridge  
University, Cambridge, U.K.

aa2098@cam.ac.uk

2. PhD in History of  
Islamic Iran, Payam Noor  
University, Tehran, Iran  
Farshidnoroozi20@gmail.com

3. Assistant Professor, Iranology  
Foundation, Tehran, Iran  
aryanfar@iranology.ir

Copyright © 2025.

NLAI (National  
Library & Archives of  
I. R. Iran). This

is an Open Access  
article distributed  
under the terms of the

Creative Com-  
mons Attribution 4.0  
International,

which permits others  
to download this

work, share it with  
others and adapt

the material for any purpose.

This article uses two manuscripts, comprising collections (majmu'a) of Firmans, petitions, and letters from Qajar Iran, as a lens through which to explore Qajar governance. It begins by introducing the manuscripts, and then discusses who copied them and why, how the contents of the collections circulated in Qajar Iran prior to their compilation, what that circulation says about Qajar Iran, and finally, how collections of such manuscript compilations such as these open new avenues of research in Qajar political history.

**Citation:** Citation: Ashraf, A. (1404). Copied and Collected: Firmans, Petitions, and the Political History of Qajar Iran. (Farshid Noroozi and Hamidreza Aryanfar, Transs). *National Archives*, 8(1), 71–94.

An Unwritten Letter?

# Examining the Authenticity of the August 18 Letter from Kashani to Mossadegh



Iman Abbasnejad<sup>1</sup>

In the early years of the revolution, a letter from Seyyed Abolqasem Kashani to Mohammad Mossadegh, dated August 18, 1953 (one day before the coup), was published. In this letter, Kashani informs Mossadegh about an impending coup by Zahedi and offers his assistance and cooperation. In response, Mossadegh also issued a statement indicating that he was backed by the support of the people and somewhat disregarded Kashani's warning. This letter, published by Mohammad Hasan Salemi (Kashani's grandson), sparked considerable debate. Some individuals raised doubts concerning the authenticity of the letter (in terms of diplomatics and its content), while others defended its authenticity. After studying nearly all discussions surrounding this letter and considering the historical progression of these discussions, I encountered several new ambiguities and doubts, which I have articulated in this paper. In my view, the delay in the publication of these letters is inconsistent with the content of the letter attributed to Kashani. Additionally, inconsistencies (or contradictions) can be observed in Salemi's statements over the years, which may undermine his credibility. In this paper, I demonstrate how Salemi has provided new details about the affair in different years, details that, if genuine, should not have been introduced gradually over time.

**Citation:** Abbasnejad, I. (2025). An Unwritten Letter? Examining the Authenticity of the August 18 Letter from Kashani to Mossadegh. *National Archives*, 8(1), 57–70.

**Keywords:**

Seyyed Abolqasem Kashani, Mohammad Mossadegh, Coup of August 19, 1953

1. PhD Candidate of Philosophy Religion, Department of Philosophy and Logic, Tarbiat Moderes University, Tehran, Iran  
Copyright © 2025, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Images Speak:

# A Look at the Army through a Selection of Photographs by Abbasgholi Esfandiari

Mansoureh Ettehadieh (NezamMafi)<sup>1</sup>, Hoorieh Saeidi<sup>2</sup>

Research based on historical documents represents a type of study characterized by a focus on document analysis, leading to insights akin to sociological and anthropological investigations, as well as analyses related to the evolution of economies and even human relationships and emotions throughout history. The subject largely depends on the aim the researcher holds when exploring the initial leaf of a collection of historical documents, the nature of the reading and information gathering, and the first image selected from among historical photographs, alongside the understanding it evokes in their imagination.

The perception that a historian derives from a document or historical photograph may not necessarily align with the original purpose intended by its creator. Just as a letter from a father to his son or one friend to another, or a photograph taken for a family album, may in historical retrospect yield information about actual events that the author did not foresee at the time of its creation or capture.

The collection introduced in this article comprises photographs that represent, either intentionally or unintentionally, a significant aspect of the structure and organization of the modern Iranian army. These images, addressing various themes and subjects, strive to reveal not only the staged poses of individuals before the camera but also the visible and concealed dimensions relating to the focus of the lens.

The current study demonstrates that modern historiography does not restrict itself solely to written sources for the narration of events and historical analysis; it utilizes all forms of written (books, documents) and non-written (photographs, artistic paintings, music, handicrafts, stories, sounds, songs, etc.) evidence that assist in recording and analyzing history.

This article aims to illustrate a facet of the condition of the army in Iran (with a focus on the Western Division—Kermanshah) during the Pahlavi era, drawn from the photographs and images collected from Brigadier General Abbasgholi Esfandiari.

**Citation:** Ettehadieh (NezamMafi), M. and Saeidi, H. (2025). Images Speak: A Look at the Army through a Selection of Photographs by Abbasgholi Esfandiari. *National Archives*, 8(1), 39–56.

**Keywords:**  
Contemporary  
History, Army  
Condition, Historical  
Military Photographs,  
Abbasgholi Esfandiari

1. Professor, University of Tehran, Tehran, Iran  
mmafi@gmail.com  
(Corresponding Author)  
2. Faculty member of the National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran  
hooriehsaeidi@yahoo.com

Copyright © 2025.  
NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Preserving paradata for accountability of

## semi-autonomous

# AI agents in dynamic environments:

## An archival perspective



Scott Cameron<sup>1</sup>, Babak Hamidzadeh<sup>2</sup>

Translated By: Pourya Rahat<sup>3</sup>, Amirreza Asnafi<sup>4</sup>

### Keywords:

Real time systems,  
Artificial intelligence,  
Records, Paradata

This paper proposes the category of real-time artificial intelligence (AI) systems as applications of computerized control systems in dynamic, time-constrained contexts normally managed by human intelligence. Noting the accountability challenges which these systems introduce, the paper posits the need for robust documentation and records capacities within these systems. The paper surveys four real-time AI systems with significant records needs: autonomous vehicles, online content targeting systems, mixed-reality tools for surgical contexts, and digital twin systems in airport facilities management. The paper identifies paradata, or the data leading up to an output in a system's operation, as a key data category necessitating preservation for full transparency in the records generated by these systems. Paradata is defined as "information about the procedure(s) and tools used to create and process information resources, along with information about the persons carrying out those procedures." Paradata uncovers opaque technological processes underlying the production of other datasets and at a granular level must be identified and preserved to delineate the boundaries between human and system agency in semi-autonomous systems. With a basis in control theory, the paper finally offers a framework for assessing the functions of real-time AI systems' operations and their documentation and records needs.

**Citation:** Citation: Cameron, S. and Hamidzadeh, B. (2024). Preserving Paradata for accountability for semi-autonomous AI agents in dynamic environments: An archival perspective. (Pouria Rahat and Amirreza Asnafi, Transs). *National Archives*, 8(1), 4-38.

1. Affiliated researcher, School of Information, University of British Columbia, Canada (Corresponding Author) scottm.cameron@mail.utoront.ca  
2. Adjunct Associate Research Professor, College of Information Studies, University of Maryland, USA babak1@umd.edu  
3. MA student, Department of Knowledge and Information Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran pouryarahat.dir@gmail.com  
4. Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran aasnafi@gmail.com  
Copyright © 2025, NLA (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



## Table of contents:

(35) **4-38**

### Archival Studies

- Preserving paradata for accountability of semi-autonomous AI agents in dynamic environments: An archival perspective/ **Scott Cameron, Babak Hamidzadeh**; Translated by: **Pourya Rahat, Amirreza Asnafi**

(17) **39-56**

### Historical Research (Based on Documents)

- Images Speak: A Look at the Army through a Selection of Photographs by Abbasgholi Esfandiari/ **Mansoureh Etehadieh (Nezamafi), Hoorieh Saeidi**

(14) **57-70**

- An Unwritten Letter? Examining the Authenticity of the August 18 Letter from Kashani to Mossadegh/ **Iman Abbasnejad**

(24) **71-94**

- Copied and Collected: Firmans, Petitions, and the Political History of Qajar Iran/ **Assef Ashraf**; Translated by: **Farshid Noroozi, Hamidreza Aryanfar**

(21) **95-115**

- A Study of the Condition of the Meat Supply during the Naser al-Din Shah and Mozaffar al-Din Shah Reigns (1848-1906)/ **Farideh Toloeian**

(25) **116-140**

### Research on Restoration and Preservation of Paper Art Works

- Recognition of Materials and Decorative Tools in Qara Qoyunlu Manuscript Illumination: A Study of the Manuscript of the Divan of Hafez Sa'd Tabrizi Written by Shaykh Mahmud Purbudaqi/ **Somayeh Zarei, Ali Asghar Fahimifar, Homayoun Haj Mohammad Hosseini**

(13) **141-153**

### Reports

- A Report on the Autumn 2024 Mobile Exhibitions Conducted by the General Directorate of Archival Services (Archival Communications Group)/ **Zahra Javidi, Hamideh Bakhtiari**



NATIONAL ARCHIVES

NATIONAL ARCHIVES  
Biannual  
New Edition, Vol. 8, No.1  
Spring and Summer 2025  
(27)

ISSN: 2423-6217  
E-ISSN: 2980-8324

#### Editorial Board:

Saeed Rezaei Sharifabadi, PhD, Professor, Alzahra University, Tehran / Shahram Yosefifar, PhD, Professor, University of Tehran, Tehran / Amir Reza Asnafi, PhD, Associate Professor, Shahid Beheshti University, Tehran / Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD, Associate Professor, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran / Gholamreza Amirkhani, PhD, Assistant Professor, National Library and Archives of Iran, Tehran / Gholamreza Azizi, Faculty Member, National Library and Archives of Iran, Tehran / Mohammad Haddadi, PhD, Assistant Professor, National Library and Archives of

Iran, Tehran / Ghorbanali Kenarudi, PhD, Assistant Professor, Archival Research Institute, National Library and Archives of Iran, Tehran / Sabah Khosravizadeh, PhD Assistant Professor, Archival Research Institute, National Library and Archives of Iran, Tehran / Seyyede Somayyeh Mohsenian, PhD, Assistant Professor, Archival Research Institute, National Library and Archives of Iran, Tehran / Motaleb Motallebi, PhD, Assistant Professor, Archival Research Institute, National Library and Archives of Iran, Tehran / Abolfazl Hasanabadi, PhD in History, Organization of Libraries, Museums and Documentation Center of Astan Quds Razavi, Mashhad / Emadeddin Sheikhlhokamai, MA in History, Institute of Archaeology, University of Tehran, Tehran / Amin Mohammadi, PhD in History, Archival Research Institute, National Library and Archives of Iran, Tehran / Mostafa Nouri, PhD in History, National Library and Archives of Iran, Tehran / Behnaz ZarrinKelki, Judicial law expert, National Library and Archives of Iran, Tehran

#### National Library and Archives of Islamic Republic of Iran

Managing Director:

Golamreza Amirkhani, PhD  
gamirkhani@yahoo.com

Editor in chief:

Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD  
m.sadat@yahoo.com

Executive Officer: Mahboobeh Sadat Bidgoli  
m.sadat-bidgoli@nlai.ir

Editor:

Mahboobeh Sadat Bidgoli

Translator:

Mohammad Javad Abdollahi, PhD

Publisher: National Library and Archives of Islamic Republic of Iran

Logo designer:

Hassan Karimzadeh

Graphic designer:

Anoosheh Sadeghi Azad



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

Address:

Iran National Archives, Kosha st.,  
Haqani High way, Tehran, Iran,  
P.O. Box: 19935-655

Tel:

+98 21 26402943

Email: naq@nlai.ir

Homepage: naq.nlai.ir